



مجله علمی تحقیقی مولانا

صاحب امتیاز: پوهنتون مولانا جلال الدین محمد بلخی

دوره اول - شماره اول ← ۱۴۰۵ هـ ش

www.mawlana.edu.af





شناسنامه مجله علمی - تحقیقی مولانا

نمبر ثبت مجله:	RCTD-GNJR-0093-25
صاحب امتیاز:	پوهنتون مولانا جلال الدین محمد بلخی
مدیر مسئول:	پوهنیار نصب الله روفی
سردبیر:	دکتر عبدالحی آرام
ویراستار:	احمد الطاف طهماسبی
صفحه آرا:	رحمت الله باهنر
لیتوگرافی:	مقصودی
تیراژ:	۱۵۰ جلد
انتشارات:	انتشارات مقصودی
قیمت:	۲۵۰ افغانی
آدرس:	شمال چهارراهی کفایت، پوهنتون مولانا جلال الدین محمد بلخی، شهر مزار شریف، افغانستان
ایمیل:	journal@mawlana.edu.af
وب سایت:	mawlana.edu.af

اعضای هیئت تحریر مجله علمی - تحقیقی مولانا

- | | |
|---------------------------------|---------------------------------|
| ❖ پوهندوی دکتور محمد اسحق رحیمی | ❖ پوهنمل دکتور احمد سهیل واثق |
| ❖ پوهندوی دکتور خلیل مرآت | ❖ پوهنیار الحاج محمد یحیی انوری |
| ❖ پوهنمل دکتور فیروز منصورى | ❖ دکتور محمد اکبر فرهمند |
| ❖ پوهنمل دکتور عبدالکبیر عزیزی | ❖ دکتور محبوب الحق حنیف |



صفحه

عنوان

۱	نقش صنعت قالین بر عاید خانوار های ولسوالی اندخوی
۲۳	پویایی شخصیت، عامل مؤثر در رفتار سازمانی (مطالعه موردی: کارکنان ادارات دولتی و خصوصی، شهر مزارشریف)
۴۳	نقش ایمان در پیش گیری جرایم
۵۷	تأثیر رضایت شغلی بر افزایش بهره‌وری کارکنان (مطالعه موردی: نمایندگی‌های نوین کابل بانک در جوزجان و مزارشریف)
۷۷	قضاوت شورایی از منظر فقه اسلامی و حقوق افغانستان و ایران
۱۰۱	ظهور چین و دگرگونی نظم کنونی جهان
۱۱۷	نقش ساختار خانواده در بزه‌کاری اطفال (مطالعه موردی: افغانستان)
145	Examining The Relationship Between Economic Growth and Banking Stability in Afghanistan

سخن نخست



إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ، نَحْمَدُهُ وَنُسْتَعِينُهُ وَنُسْتَعِيزُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ، وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا وَمِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا، مَنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ، وَمَنْ يُضِلِّهِ اللَّهُ فَلَا هَادِيَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.

تحقیق‌های علمی را می‌توان نه صرفاً به مثابه یک فعالیت فنی و اصولی، بلکه به‌عنوان یک فعالیت روشمند و کنش نظام‌مند نیل بر ظرفیت‌سازی‌های فکری و معنوی در نظر گرفت که در بطن آن، مناسبات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، تولید معنا و بازنمایی واقعیت در جامعه شکل می‌گیرند. در این چارچوب، نظام‌های تحصیلات عالی نقش کانونی را جهت تحول‌انکشافی و بازاندیشی در تولید دانش و تقویت تحقیق‌های علمی ایفا می‌نمایند و از این رهگذر، در تعیین افق‌های روشن فهم و کنش اجتماعی، سیاسی و فرهنگی سهم می‌گیرند. در بستر معاصر افغانستان، که با گسست‌های تاریخی، چالش‌های ساختاری و بحران‌های چندلایه معرفتی و معنوی مواجه است، ضرورت به بازسازی نظام‌مند ظرفیت‌های فکری و تقویت تحقیق‌های علمی مبتنی بر شواهد و مدارک و بازاندیشی در بنیان‌های تولید دانش، بیش از هر زمان دیگر احساس می‌شود.

مجله علمی پوهنتون مولانا جلال‌الدین محمد بلخی با التزام به این رسالت علمی، در پی آن است تا به مثابه بستری معتبر برای نشر و ترویج دستاوردهای تحقیقی محققان از طیف دانشمندان و اساتید تا فعالیت‌های تحقیقی میدانی و کتابخانه‌یی محصلان عمل نماید. این مجله با پایبندی به معیارهای پیشنهادی وزارت تحصیلات عالی کشور و رعایت اصول پذیرفته شده در نشرات اکادمیک بین‌المللی، می‌کوشد آثاری را منتشر سازد که از حیث استحکام روش‌شناختی، انسجام تحلیلی و نوآوری علمی در سطح مطلوبی قرار داشته باشند.

شماره حاضر، دربرگیرنده مجموعه‌ای از مقالات تحقیقی در حوزه‌های علوم انسانی، علوم اجتماعی و مطالعات اسلامی است که هر یک با رویکردی انتقادی و تحلیلی، به بررسی ابعاد گوناگون مسائل معاصر پرداخته‌اند. این مقالات، با اتکاء بر رهیافت‌های نظام‌مند علمی، در پی ارائه تبیین‌های دقیق و راهکارهای جوابگو برای چالش‌های بررسی شده در مقالات موجود می‌باشند و بدین‌وسیله در تحول‌انکشافی و بازاندیشی در تولید دانش و تقویت تحقیق‌های علمی سهم می‌گیرند.

سردبیر علمی مجله بر این باور است که ارتقای استانداردهای علمی نیل بر تحول انکشافی و بازاندیشی در تولید دانش و تقویت تحقیق‌های علمی جهت حمایت محیط سالم و پایدار تحقیقی، مستلزم تعامل و همکاری مستمر میان نهادهای اکادمیک، محققان و علاقه‌مندان فرهنگ تحقیق و تحقیق می‌باشد. از این رو، از تمامی اهل علم و تحقیق دعوت به عمل می‌آید تا با ارائه آثار علمی خویش، در غنای این مجله و پیشبرد فرآیند تولید دانش در جامعه سهیم گردند.

در پایان، سردبیر علمی مجله مراتب سپاس و قدردانی خویش را از مدیر مسئول مجله، نویسندگان و محققان، هیئت تحریر و تمامی دست‌اندرکارانی که با تعهد علمی و دقت حرفه‌ای در نشر این شماره سهم داشته‌اند، ابراز می‌دارد.

با احترام

دکتر عبدالحی «آرام»

سردبیر مجله علمی-تحقیقی مولانا

نقش صنعت قالین بر عاید خانوار های ولسوالی اندخوی



نامزد پوهنپار غلام سرور عارفی^۱

پوهندوی ابوریحان انتظار^۲

وزیر محمد رمضان اوغلی^۳

چکیده

صنایع دستی، به خصوص صنعت قالین بافی از جمله صنایع ملی افغانستان به شمار می آید که در کنار نقش اساسی در توسعه اقتصادی کشور بازتاب دهنده فرهنگ و هویت ملی ما محسوب می شود. هدف این تحقیق بررسی نقش صنعت قالین بر رشد عاید خانوارها می باشد. اطلاعات اولیه در تحقیق با استفاده از پرسشنامه ها جمع آوری گردیده و بدین منظور ۱۰۰ پرسشنامه برای قالین بافان و قالین فروشان به روش تصادفی ساده توزیع گردیده بود. اطلاعات جمع آوری شده توسط برنامه SPSS V24 با کاربرد مدل رگرسیون خطی تحلیل و تجزیه شده متغیر وابسته خانوارها و متغیر مستقل شامل جنسیت، تحصیلات، قالین های خارجی، کاهش سرمایه گذاری در صنعت قالین وطنی می باشد. نتایج حاصل از تحقیقات نشان می دهد که رابطه مثبت بین عواید خانوارها و متغیرهای مستقل وجود داشته است. نتیجه این تحلیل بیانگر آن است که صنعت قالین ۰.۵۱۹ فیصد بر درآمد خانوارها تأثیر مثبت داشته است. هم چنان با در نظر داشت آزمون فرضیه ها چنین نتیجه بدست می آید که واردات قالین های خارجی و عدم سرمایه گذاری ها بالای عواید خانوارها تأثیرات کمتری دارد.

کلمات کلیدی: سرمایه، صنعت قالین، عواید، قالین وطنی

۱ عضو کادر علمی دیپارتمنت منجمنت و اداره تشبثات، پوهنچی اقتصاد، پوهنتون جوزجان؛ ایمیل:

ghulamsarwararifi1@gmail.com؛ موبایل: ۰۷۸۵۷۶۱۷۷۹

۲ عضو کادر علمی دیپارتمنت منجمنت و اداره تشبثات، پوهنچی اقتصاد، پوهنتون جوزجان. ایمیل: sintezaraburaihan@gmail.com

موبایل: ۰۷۸۸۳۶۱۴۰۰

۳ مدیر عمومی ارتقای کیفیت پوهنتون جوزجان؛ ایمیل: r.oghli497@gmail.com؛ موبایل: ۰۷۸۶۷۱۹۶۷۶

۱. مقدمه

إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ، نَحْمَدُهُ وَنُسْتَعِينُهُ وَنُسْتَعِيزُهُ وَنُسْتَغْفِرُهُ، وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّهِ وَأَنْفُسِنَا وَمِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا، مَنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ، وَمَنْ يُضِلِّ فَلَا هَادِيَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.

صنعت قالین بافی یکی از کهن ترین فعالیت های اقتصادی و هنری بشر است که در افغانستان از پیشینه بسیار طولانی برخوردار بوده است. قالین بافی در این سرزمین ریشه در تمدن های کهن دارد و از گذشته های دور به عنوان یکی از مهم ترین صنایع دستی و فرهنگی مردم افغانستان شناخته شده است. مردم افغانستان با استفاده از مواد اولیه طبیعی به ویژه پشم گوسفند، انواع قالین های دست بافت را تولید کرده اند که از لحاظ کیفیت، زیبایی و دوام در میان محصولات مشابه در جهان شهرت ویژه ای داشته است. در گذشته، قالین بافی نه تنها یک هنر سنتی بلکه یکی از فعالیت های مهم اقتصادی در جامعه افغانستان محسوب می شد. بسیاری از خانواده ها به ویژه در مناطق روستایی و شهرهای کوچک از طریق این حرفه به کار مشغول بوده و قالین بافی به عنوان یک منبع مهم اشتغال برای زنان و مردان در داخل خانواده ها شناخته می شد. این صنعت علاوه بر ایجاد فرصت های کاری، نقش مهمی در حفظ فرهنگ، هنر و سنت های بومی افغانستان نیز داشته است. با گذشت زمان و در نتیجه تغییرات اقتصادی و اجتماعی، صنعت قالین در افغانستان با چالش ها و مشکلاتی روبه رو گردیده است. با وجود این مشکلات، قالین دست بافت افغانستان همچنان از جایگاه مهمی در میان صنایع دستی کشور برخوردار است و می تواند به عنوان یکی از بخش های مهم اقتصادی در ایجاد اشتغال، تقویت تولیدات داخلی و رشد فعالیت های اقتصادی نقش قابل توجهی ایفا نماید. توجه به رشد و توسعه صنعت قالین، ایجاد تسهیلات برای تولید کنندگان و فراهم ساختن زمینه مناسب برای عرضه و فروش این محصول می تواند به بهبود وضعیت اقتصادی خانواده ها کمک نماید. از این رو بررسی نقش این صنعت در زندگی اقتصادی خانواده ها از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

۲. سوالات تحقیق

۱.۲ سوالات اصلی تحقیق

❖ صنعت قالین بافی چه نقشی بر عاید خانوارها دارد؟

۲.۲ سوالات فرعی تحقیق

❖ چرا صنعت قالین بافی در اندخوی کاهش یافته است؟



- ❖ چگونه راهکارها را دولت برای بهبود بازار قالین روی دست گیرد؟
- ❖ چه نوع قالین در بازار اندخوی از اهمیت زیادی برخوردار است؟

۳. فرضیه های تحقیق

۱.۳ فرضیه اول

HO: به نظر می‌رسد که صنعت قالین بافی تأثیر معنی داری بر عاید خانوارها نداشته باشد.

H1: به نظر می‌رسد که صنعت قالین بافی تأثیر معنی داری بر عاید خانوارها داشته باشد.

۲.۳ فرضیه دوم

HO: بنظر می‌رسد که واردات قالین‌های ماشینی یا خارجی تأثیر معنی داری بر عاید خانوارها

نداشته است.

H1: بنظر می‌رسد که واردات قالین‌های ماشینی یا خارجی تأثیر معنی داری بر عاید خانوارها

داشته است.

۳.۳ فرضیه سوم

HO: به نظر می‌رسد که کاهش سرمایه گذاری تأثیر معنی داری بر عاید خانوارها نداشته باشد.

H1: به نظر می‌رسد که کاهش سرمایه گذاری تأثیر معنی داری بر عاید خانوارها داشته باشد.

۴.۳ فرضیه چهارم

HO: به نظر می‌رسد که کاهش تولید قالین‌های وطنی تأثیر معنی داری بر عاید خانوارها نداشته

است.

H1: به نظر می‌رسد که کاهش تولید قالین‌های وطنی تأثیر معنی داری بر عاید خانوارها داشته

است.

۴. اهداف تحقیق

۱.۴ اهداف اصلی تحقیق

هر تحقیق دارای اهداف کلی و اساسی بوده و هدف اصلی تحقیق بنده دانستن نقش صنعت قالین

بر رشد عاید خانوارهای ولسوالی اندخوی می‌باشد.

۲.۴ اهداف فرعی

بررسی و دانستن صنعت قالین و طرز ساخت و ساز به شکل کامل؛

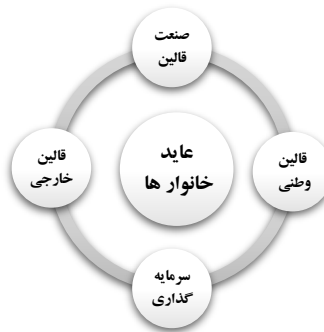
بررسی علل کاهش سرمایه گذاری در صنعت قالین بافی؛

بررسی و دانستن علل کاهش تولید قالین وطنی؛

۵. اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

صنعت قالین از جمله صنایع مهم دستی کشور می باشد که قالین هنوز هم در افغانستان، به خصوص در ولسوالی اندخوی از جمله صنایع دستی محسوب می گردد. بسیاری از باشندگان اندخوی از طریق قالین بافی عواید خانواده و منابع مالی خود را تأمین می کند و یک منبع خوب عایداتی برای آنها می باشد چون درین اواخر نظر به دلایل مختلف صنعت قالین کاهش نموده است. به همین دلیل، موضوع مورد نظر برای تحقیق از اهمیت خاص برخوردار است.

۶. مدل مفهومی تحقیق



۷. محدودیت های تحقیق

برای اجرای نظام مند میتودهای علمی در یک تحقیق کاربردی به ابزار و وسایل تحقیقی، شرایط مناسب امنیتی، مالی و اجتماعی ضرورت است تا بر بنیاد مؤلفه های مذکور موضوعات مختلف بررسی و تحلیل شود. براین اساس، نگارنده هنگام تدوین این مقاله با محدودیت هایی در خصوص منابع معتبر علمی مرتبط با موضوع، عدم همکاری مردم در زمینه تهیه معلومات کافی و آمار دقیق و موانعی از این دست مواجه شده است.

۸. میتودولوژی تحقیق

این تحقیق براساس مطالعات میدانی و با استفاده از روش کاربردی انجام شده است. جامعه آماری این تحقیق را قالین بافان و قالین فروشان ولسوالی اندخوی تشکیل می دهد که پرسشنامه ها به شکل تصادفی در بین افراد مذکور توزیع گردیده است. درین تحقیق تعداد ۱۰۰ پرسشنامه توزیع شده با استفاده از روش رگرسیون خطی، برای دریافت تأثیر متغیر مستقل؛ یعنی «نقش صنعت قالین» بر متغیر وابسته «عاید خانوارهای ولسوالی اندخوی» انجام شده است.



۹. پیشینه تحقیق

صنعت قالین یکی از محصولات خیلی قدیمی باستانی بشر بوده است که از زمانه‌های بسیار قدیم بافت می‌شود و نیز افغانستان کشور است که در قسمت بافت و تولید و صادرات قالین از پیشینه تاریخی دور و درازی برخوردار بوده و همواره صنعت قالین به حیث یک صنایع فعال صنعتی کشور شناخته شده و خصوصاً در سال‌های اخیر پیشرفت قابل ملاحظه‌ای داشته و نقش مهم در ارزش صادرات کشور دارا می‌باشد.

سعید مسعود مسعودی (۱۳۹۲) تحقیقی را تحت عنوان افغانستان در فراز نشیب انجام داد و چنین استنباط نموده است که صنعت قالین از جمله صنایع پایدار بسیار مهم افغانستان به شمار می‌آید. وحیدی (۱۳۹۰) چنین بیان می‌کند که قالین از صنایع باستانی افغانستان است که در درازای ۹۰۰۰ سال پیشینه تاریخی اش، صادرات در افغانستان، حتی در برخی موارد، در بهبود اقتصاد ملی کشور تأثیر گذار بوده است. (صنعت قالین، فرصت‌ها و چالش‌های فراراه آن در افغانستان، گزارش تحقیقی از ذبیح الله جهان مل). صنعت قالین می‌تواند فرصت‌های بزرگ کارآفرینی در افغانستان باشد، اما اکنون این صنعت با مشکلات زیادی روبرو است.

سلیمی فر مصطفی و همکارانش (۱۳۹۰) در یک گزارش طلوع نیوز گفته است که اکنون کارگران فنی بخش قالین در کشور با مزد اندک توانسته‌اند بهترین قالین‌های جهان را تولید کنند. اما در کل در مورد صنعت قالین بافی بالخصوص در مورد قالین اندخوی، تحقیق موردی صورت نگرفته است بنده تا حد امکان تلاش نمودم تا درین مورد موضوعات دقیق و درست را بنگارم.

۱۰. ادبیات تحقیق

قالین یکی از محصولات خیلی قدیمی و باستانی بشر بوده که در ابتدا برای رفع احتیاج و ضرورت بوجود آمده است. قالین یا خالی واژه ترکمنی است که به فرش کلان که با نخ، پشم یا ابریشم که به رنگ‌های مختلف بافته می‌شود اطلاق می‌گردد.

۱۱. تاریخچه قالین در افغانستان

پیشینه‌ی قالین بافی به ۵۰۰۰ الی ۶۰۰۰ سال قبل از میلاد در سرزمین باختر و آسیای مرکزی برمی‌گردد مردم آسیای مرکزی سازنده اولین قالین بوده است. در افغانستان این صنعت میان مردم ترکمن زیاد مروج بوده هم‌چنان در عصر غزنویان (۱۱۵۰-۹۹۹) م برای اولین بار قالین به منظور استفاده برای عبادت یعنی جای نماز بافت گردیده است.

از قدیم تا به امروز مناطق مرکزی و شمال افغانستان که مراکز تولید قالین به حساب رفته و بهترین قالین دنیا را تولید کرده است که صنعت قالین از این دور به بعد رو به انکشاف گذاشت و قالین‌های کشور در قرن‌های ۱۷ و ۱۸ م بیشتر صادر می‌گردید.

دیزاین، ساختار و نقاشی قالین‌های افغانی در جریان قرون متمادی بوجود آمده هم‌چنان گل‌های که در قالین‌های افغانی در طول قرون مختلفه به عمل آمده طوری که حدس زده می‌شود در ابتدا قالین‌های یک رنگه به رنگ طبیعی پشم (سیاه و سفید) تولید می‌نمودند. این قالین‌ها در ابتدا یک رنگ و یا شکل چهارخانه را داشت و بلاخر با گذشت زمان اشکال هندسی مروج شد و در حال حاضر انواع مختلف قالین‌های افغانی به ۵۷ نوع می‌رسد.

قالین افغانی در بیش تر از ۳۰ طرح و نوع بافته می‌شود که ترکمنی، قزاقی، مزاری، آقچه‌یی، جوزجانی، و چوب رنگ که از معروف ترین و ظریف ترین سبک‌های آن هستند. در افغانستان فعلاً ۲۰۰ شرکت تولید کننده قالین وجود دارد که سالانه ۵۰۰ هزار متر قالین به ارزش ۱۸۰-۲۰۰ میلیون دالر تولید دارد. حدود ۸۱۲۰۰۰ نفر مصروف بافتن قالین هستند و تعداد مجموعی دستگاه قالین بافی درین کشور به ۴۰۰۰۰ می‌رسد. از لحاظ رنگ و گل، بیشتر از ۵۰۰ نوع قالین در سراسر افغانستان ساخته می‌شود که هم اکنون در شمال کشور ۱۲۰ شرکت قالین بافی دارند (اتحادیه صادر کننده قالین ۱۳۸۱).

۱۲. انواع قالین

قالین‌ها نظر به دیزاین، بافت، رنگ آمیزی و مواد مورد استفاده انواع و اقسام زیاد داشته که ذیلاً آنرا مطالعه می‌کنیم:

۱.۱۲ قالین‌های اندخوی

قالین‌های اندخویی به دیزاین و اشکال مختلف هندسی بصورت میده گل، سفید کار، کلان گل، به نقشه‌های جدید در تمام محلات ولسوالی اندخوی، توسط قبایل مختلف تولید می‌شود.

۲.۱۲ قالین‌های آقچه‌یی

این قالین‌ها نیز به دیزاین سفید کار میده گل و به رنگ‌های مختلف بافته می‌شود و حاشیه آن‌ها نسبتاً کمتر می‌باشد و در هر سانتی متر قالین آقچه‌یی از ۳۵ الی ۵۵ گره بافته می‌شود.



۳.۱۲. قالین مور یکتاره

این قالین منحصر به دیزاین و نقشه اصلی خویش، به اندازه و رنگ های گوناگون چون سرخ، نیلی، لیمویی، سفید و غیره قالین های موریکتاره خیلی نفیس ملایم و نازک بوده و در هر ده سانتی متر تخمیناً بین ۱۰۰ الی ۸۰ گره داشته می تواند.

۴.۱۲. قالین های مور دو تاره

این نوع قالین در دیزاین نسبت به مور یک تاره تفاوت داشته و از نگاه صورت استفاده از مواد و طرز بافت نسبت به قالین مور یک تاره تفاوت دارد و به صورت دولا بافته می شود و این قالین در هر ده سانتی متر حدود ۸۰ الی ۶۰ گره داشته می تواند.

۵.۱۲. قالین های ساروقی

مولد اصلی این قالین ها اصلاً قوم ساروقی بوده، که اکثراً در قریه مورچاق ولایت بادغیس سکونت دارند. از نظر نفاست و جنسیت در ردیف قالین های مور قرار گرفته و در هر سانتی متر حدود ۵۰-۶۰ گره بافته می شود.

۶.۱۲. قالین های دولت آبادی

این قالین اصلاً در ولسوالی دولت آباد ولایت فاریاب به دیزاین های میده گل به رنگ سرخ کار و سفید کار و... از پشم خالص بافته می شود درین قالین در هر سانتی متر از ۴۰ الی ۶۰ گره بافته می شود.

۱۳. بزرگ ترین قالین بافته شده در افغانستان

بین سال های (۱۳۶۵-۱۳۶۴) بزرگترین قالین در شهر کابل بافته شد این قالین توسط ۲۰ نفر قالین بافت ماهر از دختران و زنان در حدودی ۱۸ ماه به پایه اكمال رسید. اندازه این قالین ۱۶۷ مترمربع بوده و دارای نقش سلیمان می باشد. برای تهیه مواد خام این قالین در همان زمان ۵,۳ میلیون افغانی به مصرف رسید و این قالین از پشم گوسفند قره قل ساخته شده که برای نمایش در تالار وزارت خارجه فرش گردیده بود (پارساد، ۲۰۱۵).

۱۴. وسایل و مواد لازم در تهیه قالین

برای بافتن قالین از کارگاه (غورمه) شانه، کارد، قیچی مخصوص، تارقی چوب و امثال آن استفاده می کنند کارگاه قالین بافی، چهار چوب ضخیم دارد به شکل مستطیل شکل با هم محکم می گردد و تار قالین را در آن به درازی مینند و می بافند.

۱.۱۴ کارگاه قالین

از جمله وسایل ضروری و اساسی صنعت قالین بافی است که در قدیم العموم از چوب ساخته میشد اما حالا کارگاه هایی که از آهن ساخته می شود، جای آنها را گرفته است.

۲.۱۴ کارد یا چنگک

از جمله وسایل و ابزار دیگر که در صنعت قالین مورد استفاده قرار می گیرد یکی هم کارد یا چنگک است. کارد قالین، کارد مخصوص بوده که دیگر کارها از آنها به ندرت بعمل می آید.

۳.۱۴ شانه قالین

شانه قالین بافی دارای دسته چوبی و دندانه های فلزی بوده که در وقت بافت قالین از آن استفاده بعمل می آید.

۵.۱۴ قیچی

قیچی مخصوص قالین بافی دارای شکل خاص بوده که قالین های بافته شده در سابق توسط دست به وسیله همین قیچی های مخصوص می شد.

۱.۵ اصطلاحات قالین بافی

پشم

لیف پروتینی که روی پوست گوسفندان میروند و بر اثر سوختن بویی مشابه به بوی موی سوخته از خود منتشر می نماید.

خامه

اصطلاحاً در هنر فرش بافی به نخ پشمی مورد استفاده برای فرش است که بصورت دو لایه تهیه شده، خامه نامیده می شود.

متریک

واحد اندازه گیری ضخامت خامه پشمی برای مصرف در قالین بافی است. متداول ترین اعداد متریک در خامه ها ۳ الی ۱۰ می باشد.

ابریشم

الیاف بلند پروتینی هستند که کرم ابریشم برای تولید پيله در روی خود ترشح می کند.

تار (چله)

نخ های نازک پندلا شده و پرتاب که از جنس پنبه بوده و برای بافت فرش بر روی دار بطور عمود نصب می گردد و وظیفه آن نگهداری گره های فرش می باشد. جنس چله ها را به حیث مقاومت



بیشتر در برابر سرما و رطوبت و هم چنین ایجاد نرمی و انعطاف لازم در فرش که رای کج کردن امری ضروری است از پشم انتخاب می‌نمایند.

۱۶. بخش های قالین بافی ها

قالین بافی ضیا اعطایی

ظرفیت تولیدی سالانه (۱۵۰۰) متر مربع پشمی، (۵۰۰) متر مربع ابریشمی. در سنوات ۷۲-۷۳ مواد خام و اولیه از خارج وارد نکرده در سال ۱۳۷۲ به اندازه ۱۲ مترمربع قالین تولید و در سال ۱۳۷۳ تولیدات نداشته است.

قالین بافی اکبری

ظرفیت تولید سالانه (۱۲۰۰) مترمربع پشمی، (۳۰۰) مترمربع ابریشمی. پروژه مذکور در سنوات ۷۲-۷۳ مواد خام از خارج وارد نکرده و صرف در سال ۷۲ به اندازه (۲۳۹) مترمربع قالین تولید نموده بود.

قالین بافی شریفی

ظرفیت تولید سالانه ۱۲۰۰ مترمربع پشمی، ۳۰۰ مترمربع ابریشمی. پروژه مذکور در سالهای ۷۲-۷۳ مواد وارد نکرده ولی در سال ۷۲ به اندازه ۳۱۱ مترمربع قالین بافته است.

۱۷. تأثیرات اقتصادی صنعت قالین

صنعت قالین بافی بشکل عنعنوی و در قالب یک محصول مملو از زیبایی های هنری و ظرافت های شگفت آور در چوکات اقتصاد طبیعی و بخاطر رفع نیازمندی های محلی در افغانستان سابقه طولانی دارد. در پهلوی هنری بودن صنعت قالین این صنعت بحیث یک منبع کسب درآمد مطرح بوده است. ما تأثیرات صنعت قالین را بروی بخش های مهم اقتصادی کشور مورد بررسی و مطالعه قرار می‌دهیم.

۱۷.۱ افزایش تولیدات و صادرات

تولیداتی که در یک کشور صورت می‌گیرد یا برای رفع ضرورت در همان کشور بوده یا هم به کشورهای دیگر صادر می‌گردد که ازین طریق اسعار خارجی داخل مملکت می‌گردد. زمینه تولید این صنعت دستی در افغانستان تا اندازه‌ای مساعد است.

صادرات قالین از گذشته های بسیار دور یکی از اقلام صادراتی کشور ما بوده که جایگاه ویژه و بخصوصی در بازار های جهانی دارد و از شهرت خوبی نیز برخوردار می‌باشد.

زیرا قالین‌های کشور ما خریداران و مشتریان زیادی دارد که همه می‌توان باعث ترقی و انکشاف این صنعت و افزایش تولیدات داخلی گردد (حسینی، سید عظیم و همکاران ۱۳۹۴).

۲.۱۷ منبع درآمد بودن صنعت قالین

با تخصصی شدن کارها و تقسیم کارها و حرفه‌ها، قالین بافی نیز به حیث یک منبع درآمد عرض وجود نموده، کارگران این صنعت برای آنکه عایدی داشته باشند تا ضروریات شان را رفع نمایند، به کار قالین پرداختند و همواره ازین طریق توانسته‌اند درآمدی بدست آورند. یکی از عمده‌ترین عوامل که باعث عمومیت یافتن و تکثیر این صنعت میان مردم ما گردیده، همین نقش درآمدزا بودن قالین می‌باشد. چون بافتن قالین می‌تواند سبب ایجاد عاید برای آنها گردد و روز به روز استفاده و رجوع بر این صنعت بیشتر گردد و این رجوع روز افزون مردم به این صنعت سبب می‌گردد که این صنعت هم از نگاه کیفیت بهتر گردد و هم کمیت آن روز به روز افزایش یابد (حسینی، سید عظیم و همکاران ۱۳۹۴).

۳.۱۷ ایجاد فرصت‌های شغلی بیشتر

قالین بافی حرفه‌یی از لحاظ فزیکتی نسبتاً سبک است می‌تواند برای متقاضیان کار، عاید ایجاد نماید. به قول مسئول اتحادیه مولدین قالین فعلاً حدود ۶ میلیون نفر درین صنعت مصروف کاراند و در صورتی که در این بخش توجه کافی صورت گیرد و با دست اندرکاران این بخش همکاری شود، به یقین که می‌تواند یک بخش بزرگی از مردم را در خود مشغول نموده و شغلی برای شان فراهم آورد (حسینی، سید عظیم و همکاران ۱۳۹۴).

۱.۸ تجزیه و تحلیل یافته‌های میدانی

۱.۱۸ جامعه آماری

حجم جامعه آماری این تحقیق شامل تمام قالین بافان و قالین فروشان ولسوالی اندخوی می‌باشد.

۲.۱۸ روش نمونه‌گیری

در بخش نمونه‌گیری از جهت ضیق وقت و عدم دسترسی به تمام قالین بافان و قالین فروشان، به تعداد ۱۰۰ نفر از قالین بافان و قالین فروشان ولسوالی اندخوی توسط روش نمونه‌گیری تصادفی ساده، منتخب گردیده و برای شان پرسشنامه توزیع گردیده است.

۳.۱۸. ابزار های جمع آوری اطلاعات

در این تحقیق، برای جمع آوری معلومات از برنامه (SPSS) که یکی از برنامه های آماری معتبر می باشد، برای تجزیه و تحلیل دیتاها استفاده شده و در بخش معلومات از کتاب های معتبر نیز استفاده شده است.

۱۹. یافته های تحقیق

نتایج بدست آمده از تحقیق نشان می دهد که جامعه آماری این تحقیق را زنان تشکیل میدهد که با استفاده از برنامه آماری SPSS تجزیه و تحلیل گردیده است. برای تعیین پایایی پرسشنامه مورد استفاده درین تحقیق از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است.

جدول ۱: آلفای کرونباخ پرسشنامه های تحقیق

آمار قابلیت اطمینان	
آلفای کرونباخ	تعداد اقلام
۵	۰.۷۴۳

درین جدول برای تمامی متغیر های ۰.۷۴۳ تحقیق بالاتر از (۰/۷) است که نشان دهنده پایایی مطلوب پرسشنامه است.

جدول ۲: جنسیت پاسخ دهنده گان

		تعداد خانواده	فیصدی	فیصدی معتبر	فیصدی تجمعی
Valid	مرد	۸۸	۸۸.۰	۸۸.۰	۸۸.۰
	زن	۱۲	۱۲.۰	۱۲.۰	۱۰۰.۰
	Total	100	100	100	100

نظر به جدول فوق، ۸۸ تن از پاسخ دهندگان که ۸۸ فیصد از مجموع پاسخ دهندگان را تشکیل می دهند مرد و ۱۲ تن که ۱۲ درصد کل پاسخ دهندگان را تشکیل می دهند زن می باشند.

جدول ۳: حالت مدنی پاسخ دهنده گان

		تعداد خانواده	فیصدی	فیصدی معتبر	فیصدی تجمعی
valid	مجرد	۴۴	۴۴.۰	۴۴.۰	۴۴.۰
	متاهل	۵۶	۵۶.۰	۵۶.۰	۵۶.۰
Total		۱۰۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰

مطابق نتایج بدست آمده، ۴۴ تن از پاسخ دهنده گان که ۴۴ درصد کل پاسخ دهنده گان را تشکیل می دهند مجرد و ۵۶ تن و ۵۶ درصد پاسخ دهند.

جدول ۴: سن پاسخ دهنده گان

		تعداد خانواده	فیصدی	فیصدی معتبر	فیصدی تجمعی
valid	کمتر از ۲۵ سال	۱۹	۱۹.۰	۱۹.۰	۱۹.۰
	۲۵ الی ۳۰ سال	۲۴	۲۴.۰	۲۴.۰	۲۴.۰
	۳۰ الی ۳۵ سال	۴۴	۴۴.۰	۴۴.۰	۴۴.۰
	بیشتر از ۳۵ سال	۱۳	۱۳.۰	۱۳.۰	۱۳.۰
Total		۱۰۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰

نظر به جدول به تعداد ۱۹ تن از پاسخ دهندگان سن شان کمتر از ۲۵ بوده که این تعداد ۱۹ درصد مجموع پاسخ دهندگان را که تعداد مجموعی شان ۱۰۰ تن می باشد تشکیل می دهند و ۲۴ تن از پاسخ دهندگان سن شان بین ۲۵ الی ۳۰ بوده، ۲۴ فیصد کل پاسخ دهندگان را تشکیل می دهد و ۴۴ تن از پاسخ دهندگان که ۴۴ فیصد پاسخ دهندگان را تشکیل می دهند، سن شان بین ۳۰ الی ۳۵ بوده و ۱۳ تن دیگر از پاسخ دهندگان که ۱۳ درصد پاسخ دهندگان را تشکیل می دهند سن شان بیشتر از ۳۵ می باشد.

جدول ۴ سطح تحصیلات پاسخ دهنده گان

		خانواده	فیصدی	فیصدی معتبر	فیصدی تجمعی
Valid	بیسواد	۱۰	۱۰.۰	۱۰.۰	۱۰.۰
	خواندن و نوشتن	۱۱	۱۱.۰	۱۱.۰	۱۱.۰
	فارغ دوازده	۴۰	۴۰.۰	۴۰.۰	۴۰.۰
	لیسانس و بالاتر	۳۹	۳۹.۰	۳۹.۰	۳۹.۰
Total		۱۰۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰

نظر به نتایج بدست آمده، به تعداد ۱۰ تن از پاسخ دهندگان بی سواد بوده که ۱۰ درصد پاسخ دهندگان را که تعداد مجموعی شان ۱۰۰ تن می باشد تشکیل می دهند و ۱۱ تن از پاسخ دهندگان سطح سواد شان خواندن و نوشتن بوده که ۱۱ فیصد پاسخ دهندگان را تشکیل می دهند و ۴۰ تن از پاسخ دهندگان فارغ دوازده بوده که ۴۰ درصد پاسخ دهندگان را که تعداد مجموعی شان ۱۰۰ تن می باشد، تشکیل می دهند و به تعداد ۳۹ تن از پاسخ دهندگان سطح تحصیل شان لیسانس و بالاتر از آن بوده که ۳۹ درصد پاسخ دهندگان را تشکیل می دهند.

جدول ۶ آیا صنعت قالین بافی بالای عاید خانواده ها تأثیر دارد؟

		خانواده	فیصدی	فیصدی معتبر	فیصدی تجمعی
Valid	نخیر	۴	۴.۰	۴.۰	۴.۰
	بلی	۹۶	۹۶.۰	۹۶.۰	۹۶.۰
Total		۱۰۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰

با توجه به نتایج بدست آمده به تعداد ۴ تن از پاسخ دهندگان که ۴ درصد مجموع پاسخ دهندگان را تشکیل می دهند به تأثیر گذاری صنعت قالین بر عاید خانوارها معتقد نیستند و به تعداد ۹۶ تن از پاسخ دهندگان به تأثیر گذاری صنعت قالین بر عاید خانوارها معتقد هستند که ۹۶ درصد کل پاسخ دهندگان را تشکیل می دهند.

جدول ۷ آیا قالین های خارجی بالای عاید خانوارها تأثیر گذار است؟

		تعداد خانواده	فیصدی	فیصدی معتبر	فیصدی تجمعی
Valid	نخیر	۳	۳.۰	۳.۰	۳.۰
	بلی	۹۷	۹۷.۰	۹۷.۰	۹۷.۰
Total		۱۰۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰

با توجه به نتایج بدست آمده، به تعداد ۳ تن از پاسخ دهندگان، که ۳ درصد مجموع پاسخ دهندگان را تشکیل می دهند، به تأثیر گذاری قالین های خارجی بر عاید خانوارها معتقد نیستند و به تعداد ۹۷ تن از پاسخ دهندگان به تأثیر گذاری قالین های خارجی بر عاید خانوارها معتقد هستند، که تعداد مجموعی شان ۱۰۰ تن می باشد که ۹۷ درصد کل پاسخ دهندگان را تشکیل می دهند.

جدول ۸ آیا کاهش سرمایه گذاری در قالین بافی بالای درآمد خانوارها تأثیر گذار است؟

		تعداد خانواده	فیصدی	فیصدی معتبر	فیصدی تجمعی
Valid	نخیر	۷	۷.۰	۷.۰	۷.۰
	بلی	۹۳	۹۳.۰	۹۳.۰	۹۳.۰
Total		۱۰۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰

نظر به نتایج بدست آمده به تعداد ۷ تن از پاسخ دهندگان که از تأثیر نداشتن کاهش سرمایه گذاری در صنعت قالین بافی بر عاید خانوارها معتقد هستند. ۷ درصد از پاسخ دهندگان را که تعداد مجموعی شان ۱۰۰ می باشد، تشکیل می دهند و ۹۳ تن از پاسخ دهندگان که از تأثیر گذاری کاهش سرمایه گذاری در صنعت قالین بافی بر عاید خانوارها معتقد هستند، ۹۳ فیصد پاسخ دهندگان را که تعداد مجموعی شان ۱۰۰ تن می باشد تشکیل می دهند.

جدول ۹ آیا قالین های وطنی در عاید خانوارها تأثیر گذار است؟

		تعداد خانواده	فیصدی	فیصدی معتبر	فیصدی تجمعی
Valid	نخیر	۹	۹.۰	۹.۰	۹.۰
	بلی	۹۱	۹۱.۰	۹۱.۰	۹۱.۰
Total		۱۰۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰

مطابق نتایج بدست آمده، به تعداد ۹ تن از پاسخ دهندگان که به تأثیر گذاری تولید قالین‌های وطنی بالای درآمد خانواده‌ها معتقد نیستند ۹ درصد پاسخ دهنده گان را که تعداد مجموعی شان صد تن میباشد تشکیل میدهند و ۹۱ تن از پاسخ دهنده گان که از تأثیر گذاری تولید قالین‌های وطنی بر درآمد خانوارها معتقد هستند ۹۱ فیصد کل پاسخ دهنده گان را تشکیل میدهند.

جدول ۱۰ صنعت قالین بافی بر عاید خانوارها تأثیر میگذارد.

		تعداد خانواده	فیصدی	فیصدی معتبر	فیصدی تجمعی
Valid	کاملا موافقم	۵۳	۵۳.۰	۵۳.۰	۵۳.۰
	موافقم	۱۴	۱۴.۰	۱۴.۰	۱۴.۰
	نظری ندارم	۱۲	۱۲.۰	۱۲.۰	۱۲.۰
	مخالفم	۱۲	۱۲.۰	۱۲.۰	۱۲.۰
	کاملا مخالفم	۹	۹.۰	۹.۰	۹.۰
Total		۱۰۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰

مطابق نتایج بدست آمده به تعداد ۵۳ تن از پاسخ دهنده گان که ۵۳ درصد مجموع پاسخ دهنده گان را تشکیل میدهند به تأثیر گذاری صنعت قالین بافی بر عاید خانوارها کاملاً موافق بوده اند و ۱۴ تن از پاسخ دهنده گان که ۱۴ درصد کل پاسخ دهنده گان را تشکیل میدهند به تأثیر گذاری صنعت قالین بافی بر عاید خانوارها موافق بوده اند و ۱۲ تن از پاسخ دهنده گان که ۱۲ درصد کل پاسخ دهنده گان را تشکیل میدهند درین مورد نظری نداشته اند و ۱۲ تن از پاسخ دهنده گان که ۱۲ درصد کل پاسخ دهنده گان را تشکیل میدهند به تأثیر گذاری صنعت قالین بافی بر عاید خانوارها مخالف بوده اند و ۹ تن از پاسخ دهنده گان که ۹ درصد کل پاسخ دهنده گان را تشکیل میدهند به تأثیر گذاری صنعت قالین بافی بر عاید خانوارها کاملاً مخالف هستند.

جدول ۱۱ تا چه حد قالین های وطنی بر عاید خانوارها تأثیر گذار است.

		تعداد خانواده	فیصدی	فیصدی معتبر	فیصدی تجمعی
Valid	هیچ	۳۲	۳۲.۰	۳۲.۰	۳۲.۰
	خیلی کم	۱۵	۱۵.۰	۱۵.۰	۱۵.۰
	کم	۱۳	۱۳.۰	۱۳.۰	۱۳.۰
	زیاد	۲۱	۲۱.۰	۲۱.۰	۲۱.۰
	خیلی زیاد	۱۹	۱۹.۰	۱۹.۰	۱۹.۰
Total		۱۰۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰

با توجه به نتایج بدست آمده از جدول به تعداد ۳۲ تن از پاسخ دهندگان که ۳۲ فیصد مجموع پاسخ دهندگان را تشکیل می دهند به تأثیر گذاری قالین های وطنی بر عاید خانوارها معتقد نیستند و ۱۵ تن از پاسخ دهندگان که ۱۵ درصد کل پاسخ دهندگان را تشکیل می دهند به این مورد خیلی کم باور هستند و ۱۳ تن از پاسخ دهندگان که ۱۳ درصد کل پاسخ دهندگان را تشکیل می دهند، به این موضوع کمی باورمند هستند و ۲۱ تن از پاسخ دهندگان که ۲۱ فیصد کل پاسخ دهندگان را تشکیل می دهند به تأثیر گذاری قالین های وطنی بر عاید خانوارها زیاد باورمند هستند و ۱۹ تن از پاسخ دهندگان که ۱۹ درصد مجموع پاسخ دهندگان را تشکیل می دهند به این مطلب خیلی زیاد باورمند هستند.

۲۰. آمار تحلیلی

در بیشتر فعالیت های آماری، جمع آوری، تنظیم و ارایه ی یافته ها و یا تعیین آمارها کفایت نمی کند، بلکه لازم است بر اساس این اطلاعات جمع آوری و تنظیم شده، تجزیه و تحلیل و استنباط هایی برای تبیین و تصمیم گیری صورت گیرد. این بخش از آمار که به تحلیل، تفسیر و تعمیم نتایج حاصل از تنظیم و محاسبه ی مقدماتی آماری تکیه دارد، آمار استنباطی خوانده می شود. از خروجی پروگرام SPSS با استفاده از مدل رگرسیون لجستیک، نتایج ذیل بدست آمده است.

برای تعیین پایایی پرسشنامه مورد استفاده درین تحقیق از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است.

جدول (۱) آلفای کرونباخ پرسشنامه های تحقیق

آمار قابلیت اطمینان	
آلفای کرونباخ	تعداد اقلام
۵	۰.۷۴۳

درین جدول برای تمامی متغیر های ۰.۷۴۳ تحقیق بالاتر از (۰/۷) است که نشان دهنده پایایی مطلوب پرسشنامه است. لازم به ذکر است که طیف ضریب الفای کرونباخ بین ۰ تا ۱ است و هر چه این ضریب به یک نزدیکتر باشد، نشان دهنده ای پایاتر بودن سؤالات پرسشنامه است.

۲.۱. کد گذاری

همان طور که مشاهده می شود جدول اول، فراوانی و نحوه کدبندی متغیر های طبقه بندی را نشان می دهد، ۰ برای کسانی است که تایید میکنند و ۱ برای کسانی است که تایید نمی کنند.

جدول ۱۲ کدگذاری متغیر وابسته

ارزش داخلی	ارزش اصلی
۰	نخیر
۱	بلی

ضریب تعیین

جدول زیر نتایج مربوط به سه آماره لوگاریتم در دستیابی و ضریب تعیین را نشان می دهد. این ضریب تقرب های ضریب تعیین در رگرسیون خطی هستند که در رگرسیون لجستیک استفاده می شوند. همانطور که مشاهده می شود، مقادیر دو آماره کاس و نل و نیجل کرک به ترتیب ۰.۱۱ و ۰.۵۷ می باشد این ضرایب نشان می دهند که متغیر های مستقل این تحقیق توانسته اند بین ۱۱ تا ۵۷ درصد از تغییرات پاسخ دهندگان را تبیین کنند.

جدول ۱۳ خلاصه مدل

خطا های تخمین زده استاندارد	R مربع تنظیم شده	R مربع	R	مدل
۰.۱۱۲	۰.۵۷۱	۰.۵۸۹	0.767	1

۲۲. آزمایش اوم نی بوس

اولین بخش از خروجی نتایج آزمایش اوم نی بوس، تست مربوط به ارزیابی کل مدل رگرسیون لجستیک را نشان می‌دهد. این آزمایش به بررسی این موضوع می‌پردازد که مدل تا چه اندازه قدرت تبیین و کارایی دارد. با توجه به این آزمایش برازش مدل معنی دار و در سطح خطای کوچکتر از ۰.۰۱ معنی دار است.

جدول ۱۴ ANOVAa

Sig	فریکوئنسی	مربع میانی	Df	مجموع مربع ها	مدل
0.000	۳۳.۹۷۱	۰.۴۲۸	۴	۱.۷۱۳	رگرسیون
		۰.۱۳	۹۵	۱.۱۹۷	باقی مانده
			۹۹	۲.۹۱۰	مجموعه

آزمون متغیرهای تحقیق

مدل نشان می‌دهند که کدام متغیرها بعد از اجرای رگرسیون در مدل خطی باقی مانده اند. جداول متذکره مهم ترین جداول در تفسیر نتایج مربوط به معنی داری و میزان تأثیر هر متغیر مستقل به متغیر وابسته می‌باشند.

معیار تحلیل

طبق این، جدول نتایج تحلیل تمامی متغیرها به صورت قدم به قدم نمایش داده شده است. با توجه به مقدار معنی داری (sig) اگر مقدار آن از مقدار استاندارد خطا ۰.۰۵، کمتر باشد فرضیه HO (عدم تأثیر معنی متغیر مستقل بر متغیر وابسته) رد می‌شود و فرضیه H1 (تأثیر معنی متغیر مستقل بر متغیر وابسته) قبول می‌شود.

متغیرهای تأثیر گذار

طبق خروجی رگرسیون خطی، مقادیر معنی داری (sig) متغیرهای قالین‌های خارجی، کاهش سرمایه‌گذاری در صنعت قالین بافی و تولید قالین‌های وطنی، که مقدار sig مقادیرشان کمتر از ۰.۰۵ می‌باشد لذا این متغیرها تأثیر معنی داری بر عاید خانوارها دارند که فرضیات تحقیق H1 مربوطه تایید می‌شود.

EXP(b): نرخ بخت پیشگویی شده است و هنگامی که مقدار کمتر از ۱ می‌گیرد می‌توان گفت بخت عدم تایید به تایید بیشتر است.

جدول ۱۵ ضریب رگرسیون خطی

مدل		ضریب استاندارد نشده		ضریب استاندارد	T	Sig
		B	خطای استاندارد	Beta		
۱	ثابت	۰.۱۸۲	۰.۰۷۲		۲.۵۳۵	۰.۰۱۳
	آیا واردات قالین‌های خارجی بالای عاید خانوارها تأثیر گذار است؟	۰.۱۹۷	۰.۱۰۱	۰.۱۹۷	۱.۹۶۲	۰.۰۴۳
	آیا کاهش سرمایه گذاری در صنعت قالین بافی بالای درآمد خانوارها تأثیر گذار است؟	۰.۰۸۱	۰.۰۴۹	۰.۱۲۲	۱.۶۴۷	۰.۰۳
	آیا قالین‌های وطنی بالای درآمد خانوارها تأثیر گذار است؟	۰.۱۷۵	۰.۰۴۷	۰.۲۹۴	۳.۶۹۷	۰.۰۰۰

طبق خروجی رگرسیون خطی، مقادیر معنی دار (sig) متغیرهای قالین‌های خارجی، کاهش سرمایه به صنعت قالین و قالین‌های داخلی مقدار sig شان کمتر از ۰.۰۵ می‌باشد لذا این متغیرها تأثیر کمتری بر متغیر وابسته (درآمد خانوارها) دارد. لذا فرضیه H1 و ادعای تحقیق قبول می‌شود.

۲۳. مدل نهایی تحقیق

جدول مدل نهایی تحقیق

نام متغیر	Xi	B
قالین‌های خارجی	X1	0.197
کاهش سرمایه گذاری در صنعت قالین	X2	0.081
قالین‌های وطنی	X3	0.175
ثابت	B0	0.182

پس از اطمینان از معنی داری اثرات متغیرها و مشخصه های کلی مدل که بیانگر مناسب بودن مدل کلی تحلیل است، برای دستیابی به معادله بررسی عوامل موثر بر عدم بازپرداخت، اثر هریک از متغیرهای مستقل (X) فوق با مقادیر مشخص (B) بر متغیر وابسته (Y) تأثیر گذار می باشد. که در سطح خطا ۵ درصد اطمینان ۹۵ درصد معنی دار هستند.

لذا مدل نهایی این تحقیق را که حاصل از لوگاریتم لجستیک است بدین صورت می نویسیم:

$$\ln\left(\frac{\pi}{1-\pi}\right) = \beta_0 + \beta_1 X_1 + \dots + \beta_n X_n$$

$$\ln\left(\frac{\pi}{1-\pi}\right) = 0.182 + 197X_1 + 0.081X_2 + 175X_3$$

که در آن π همان احتمال تأیید و $1 - \pi$ احتمال عدم تأیید می باشد و $\ln\left(\frac{\pi}{1-\pi}\right)$ مقدار (بخت یا نسبت تأیید به عدم تأیید) $\ln$ می باشد در نتیجه تأثیر هر متغیر چنین می باشد:

قالین های خارجی به اندازه ۰.۱۹۴ بالای درآمد خانوارها تأثیر داشته است.

تحلیل منطقی: چون به دلیل وارد نمودن قالین های خارجی، قالین های داخلی کمتر استفاده و به فروش می رسد و تأثیر زیادی بالای عاید خانوارها دارد.

قالین های خارجی به اندازه ۰.۱۹۴ بالای درآمد خانوارها تأثیر داشته است.

تحلیل منطقی: چون به دلیل وارد نمودن قالین های خارجی، قالین های داخلی کمتر استفاده و به فروش می رسد و تأثیر زیادی بالای عاید خانوارها دارد.

کاهش سرمایه گذاری در صنعت قالین، به اندازه ۰.۱۲۲ بالای درآمد خانوارها تأثیر داشته است.

قالین های وطنی به اندازه ۰.۲۹۴ بالای درآمد خانوارها تأثیر داشته است.

تحلیل منطقی: بهترین قالین های جهان از افغانستان به کشورهای خارج اما به نام کشور دیگر صادر می گردد و مفاد کمتری به قالین بافان و قالین فروشان افغانستان می رسد.

۲.۴. نتیجه گیری

با توجه به تحقیقات که در این تحقیق انجام شده است، چنین نتیجه گیری می گردد که نبود مارکیت مناسب برای فروش، افزایش واردات قالین های ماشینی و مواد خام نامناسب در تولید این صنعت، باعث کاهش تولید صنعت قالین در افغانستان گردیده است این تحقیق از انتخاب عنوان آغاز گردیده، به ترتیب طراحی پرسشنامه، برای ۱۰۰ تن از قالیت بافان و قالین فروشان ولسوالی اندخوی بطور تصادفی ساده، جمع آوری پرسشنامه ها، وارد کردن آنها در برنامه SPSS V24 و تجزیه و تحلیل

اطلاعات با توجه به مدل رگرسیون خطی، صورت گرفته که نهایتاً با دریافت یافته‌های تحقیق و تبصره آنها ختم شد.

طبق خروجی رگرسیون خطی، مقادیر معنی دار (sig) متغیرهای قالین‌های خارجی کاهش سرمایه به صنعت قالین و قالین‌های داخلی مقدار sig شان کمتر از ۰.۰۵ می باشد لذا این متغیرها تأثیر معنی داری بر متغیر وابسته (درآمد خانوارها) دارد. لذا فرضیه H1 و ادعای تحقیق قبول می شود. آزمون تحلیل رگرسیون خطی نشان می دهد که درآمد خانوارها به عنوان متغیر وابسته و از بین عوامل تأثیرگذار متغیرهای قالین‌های خارجی، کاهش سرمایه گذاری در صنعت قالین و قالین‌های وطنی به عنوان متغیرهای مستقل شناسایی شدند. متغیرهای مستقل این تحقیق توانسته اند بین ۱۱ تا ۵۷ درصد از تغییرات درآمد خانوارها را تبیین کنند.

منابع

- احمدی، م. (۱۳۸۰). *نشیب و فرازهای بحران اقتصادی*. مرکز نشراتی میوند، پشاور.
- احمدی، م. (۱۳۹۵). *جغرافیای اقتصاد افغانستان*. کابل: انتشارات نوسا.
- حسینی، س. ع. (۱۳۹۴). *تاریخ تجارت افغانستان*. کابل: مطبعه کاروان.
- رشاد، م. م. (۲۰۱۵). بررسی مشکلات صنعت قالین و ارتقای سکثور قالین. *مجله علمی مطالعات اقتصادی*، ص. ۱۹۱-۱۹۲.
- رضایی، ق. (۱۳۸۶). سیاست انکشاف حرفه‌ای و صنایع دستی. پارسایان، چاپ دوم، ص. ۹۰.
- ریاست اتحادیه صادرکنندگان قالین (۱۳۸۱). *نشریه اتحادیه مولدین و صادرکنندگان قالین*.
- شرف، م. ا. (۱۳۹۸). نقش صنعت قالین در تأمین منابع مالی خانواده‌ها در ولسوالی اندخوی ولایت فاریاب افغانستان (پایان نامه ماستری). پوهنهی اقتصاد، پوهنتون بلخ، ص. ۲۳-۲۶.
- عظیمی، م. ع. (۱۳۹۰). *بنیادهای جغرافیای اقتصاد افغانستان*. کابل: انتشارات خراسان.
- کریمی، ع. ت. (۲۰۱۵). بررسی چالش‌های فرا راه صنعت قالین در افغانستان. *مجله علمی مطالعات اقتصادی*، ص. ۷۹-۸۷.
- مسعود، س. م. (۱۳۹۲). *افغانستان در فراز و نشیب*. کابل: انتشارات سعادت.
- ملک محمد، ر. پ. (۲۰۱۵). بررسی مشکلات صنعت قالین و ارتقای سکثور قالین. *مجله عمومی مطالعات اقتصادی*.
- مومند، م. ر. (۱۳۹۳). *مرور بر تجارت*. تهران: انتشارات سعادت، ص. ۲۸۱-۲۸۲.
- وحید، ش. ا. (۱۳۹۰). تأمین مالی پایدار شهری: چگونگی تأمین مالی به منظور توسعه پایدار شهری. (مقاله/تحقیق).

پویایی شخصیت، عامل مؤثر در رفتار سازمانی

مطالعه موردی: کارکنان ادارات دولتی و خصوصی، شهر مزار شریف



پوهندوی دکتور عبدالخلیل مرات^۱
پوهنمل دکتور احمد سهیل واثق^۲

چکیده

این تحقیق با هدف بررسی نقش پویایی شخصیت به عنوان عاملی مؤثر در رفتار سازمانی کارکنان ادارات دولتی و خصوصی شهر مزار شریف انجام شده است. تحقیق حاضر با رویکرد کاربردی و ماهیت توصیفی-پیمایشی طراحی شده و داده‌ها از طریق پرسشنامه جمع‌آوری گردیده است. جامعه آماری شامل کارکنان ادارات دولتی و خصوصی شهر مزار شریف بوده که تعداد آن ۱۵۰ نفر برآورد شد و نمونه ۱۲۰ نفر با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۵ و با آزمون‌های توصیفی و استنباطی انجام شد. نتایج نشان داد که پویایی شخصیت کارکنان تأثیر مثبت و معناداری بر رفتار سازمانی دارد و در میان مؤلفه‌های شخصیتی، ویژگی‌های مسئولیت‌پذیری و ثبات عاطفی بیشترین اثر را بر رفتار سازمانی نشان دادند. همچنین تفاوت‌هایی میان کارکنان بخش دولتی و خصوصی در میزان تأثیر پویایی شخصیت مشاهده شد. یافته‌ها حاکی از آن است که توجه به توسعه ویژگی‌های شخصیتی کارکنان می‌تواند به بهبود عملکرد و رفتار سازمانی کمک کند.

کلیدواژه‌ها: رفتار سازمانی، پویایی شخصیت، کارکنان، ادارات دولتی، ادارات خصوصی

۱. پوهنچی اقتصاد، پوهنتون بلخ (نویسنده مسئول). ایمیل: Khalilmarat1@gmail.com

۲. پوهنچی اقتصاد، پوهنتون مولانا جلال الدین محمد بلخی. ایمیل: Suhailwasiq9@gmail.com

۱. مقدمه

إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ، نَحْمَدُهُ وَنُسْتَعِينُهُ وَنُسْتَغْفِرُهُ، وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا وَمِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا، مَنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ، وَمَنْ يُضِلِّهِ فَلَا هَادِيَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.

با مطرح شدن نقش و اهمیت منابع انسانی به عنوان عامل حیاتی و منحصر به فرد، کسب مزیت رقابتی پایدار، توجه بسیاری از مدیران را در سازمانها جلب نموده است. یا رفتار سازمانی، تحلیل و مطالعه در مورد نحوه رفتار و تعامل افراد داخل یک سازمان است و مرتبط به آن شخصیت؛ شاخص ذهن و احساسات است، یعنی رفتاری که توسط ذهن تأیید و هدایت می شود. برای درک رفتار سازمانی، درک رفتار فردی ضروری است. ماهیت و شخصیت فردی انسان ریشه اصلی رفتار است. از این رو ما به این نتیجه می رسیم و باور داریم، شخصیت یک تصور اجتماعی سطحی است که ما از آن استفاده می کنیم. بر علاوه ما همچنین می توانیم شخصیت را بازتابی از غالب ترین ویژگی های قابل مشاهده در رفتار فرد (پرخاشگری یا تحمل پذیری) بدانیم. از طریق شخصیت است که فرد در محیط های مختلف اجتماعی بخصوص محیط کاری تأثیر کلی بر دیگران می گذارد. کلیدی ترین و حساس ترین عنصر نیروی مولده در عصر کنونی مدیریت محسوب می شود که توسط انسان طراحی و عملی می گردد. بعد شخصیتی و رفتار سازمانی نیروی بشری اهمیت بسزایی در توسعه و عدم توسعه سازمان دارد. به اساس تحقیقاتی که توسط (مک گو و همکاران، ۱۹۹۳) صورت گرفته، هر قدر حق نسبت به تنوع و گوناگونی این تفاوت ها و اساس آن بیشتر باشد، احتمال اینکه بتواند تلاش های افراد تحت نظارت خود را در جهت دستیابی به اهداف سازمان و افزایش بهره ی فردی و شغلی، بهتر هماهنگ سازند، بیشتر خواهد بود. لذا با توجه به اهمیت و جایگاه تفاوت های فردی و ویژگی های شخصیتی کارکنان در سازمان، سعی بر این است تا ضمن مفاهیم تفاوت های فردی و شخصیتی، منشاء تفاوت های فردی و شخصیتی کارکنان و تأثیرات آن بر رفتار سازمانی بیان شود. با نسبت دادن رفتار به عنوان پدیده ی بیرونی و نه بیان احساسات واقعی ذهن، می توان مقایسه ی سریع رفتار و شخصیت را انجام داد. شخصیت شاخص ذهن و احساسات است. (رفتاری که توسط ذهن تأیید و هدایت می شود). در حالی که شخصیت از سوی دیگر یک رفتار خود گردان است. در مطالعات رفتار سازمانی، شخصیت فردی از این جهت دارای اهمیت است که شخصیت فردی کارکنان به ساختارهای ذهنی پویا و فرآیندهای هماهنگ ذهنی آنها اشاره دارد که سازگاری های عاطفی و رفتاری آنها با سازمان

را تعیین می‌کند. جنبه مشترک شخصیت، شیوه‌ای است که ما به تأثیر آن بر رفتار فکر می‌کنیم. (جکسون و کارتر) در کتاب خود (بازاندیشی در رفتار سازمانی) که در سال ۲۰۰۰ منتشر گردید، اشاره کرده‌اند که در سازمانها، ما اغلب دیدگاه محدودی نسبت به شخص داریم که بیشتر روی درجه تمایل برای پیگیری اهداف سازمانی تمرکز می‌کنیم. اما تجربه نشان می‌دهد که در سازمانها، افراد از نظر الگوهای رفتاری پیچیده تراند. تأثیر شخصیت افراد در رفتار سازمانی کاملاً چشمگیر است و بخش بزرگی از روند فعالیت سازمان را تشکیل می‌دهد. تحقیق‌ها نشان داده است ابعاد شخصیتی از جمله عامل شخصیت بر نگرش‌ها و رفتارهای شغلی از جمله رضایت شغلی، عدالت سازمانی، مشارکت کارکنان تأثیرگذار است (بهرامی، ۱۳۸۵). با توجه به ماهیت رفتار سازمانی که در بردارنده نوعی تعهد بیشتر فرد نسبت به سازمان و اهداف آن است، محققان علوم رفتاری با توجه به اهمیت این موضوع، توجه خود را به تفاوت‌های فردی در سازمان، بین رده‌های مختلف معطوف کرده‌اند. کارکنان و مدیران عده‌ای سازمان‌ها از نگاه طرح لایحه وظایف اگر چه شباهت‌هایی با یکدیگر دارند، ولی از نقطه نظرات متعددی با یکدیگر متفاوت‌اند و این تفاوت‌ها برقراری ارتباطات و مدیریت انسان‌ها را مشکل‌تر می‌سازد. هرچه آگاهی مدیران به نظر می‌رسد بر اساس نظریه تبادل اجتماعی نوع رفتار سازمان با کارکنان که نشان دهنده تعهد متقابل سازمان نسبت به آنان است، در توسعه این رفتارها تأثیر گذارتر است. از جمله مهمترین عوامل مؤثر بر شکل‌گیری نگرش مثبت به سازمان و در نتیجه توسعه شخصیتی کارکنان در رفتار سازمانی، احساس عدالت سازمانی است. عدالت سازمانی عبارت است از اینکه با چه شیوه‌ای با کارکنان رفتار شود که احساس کنند به صورت عادلانه با آنها رفتار شده است که شامل ادراک از منصفانه بودن پرداخت‌ها، احترام به شخصیت انسانی، برابری در رویه‌های سازمانی و عادلانه بودن رفتارها بین مدیران و رده‌های پایینی سازمان (صفی و ستادی) می‌باشد. اگر چه مطالعات چندی، از جمله (حق‌شناس، ۱۳۸۵)، رابطه معنادار رفتار سازمانی و ابعاد عدالت سازمانی را تأیید کرده است، با این حال بررسی شدت این رابطه در یک سازمان (دولتی و یا خصوصی) که در آن هم رفتار سازمانی اهمیت می‌یابد و هم ابعاد شخصیتی، عدالت سازمانی، محیط سالم کاری، رضایت شغلی در خور توجه و اهمیت است، می‌تواند شناخت مناسب‌تری در تدوین رابطه پویایی شخصیت و رفتار سازمانی با در نظر داشت عدالت اجتماعی به دست دهد.

رفتار سازمانی به عنوان یک شاخه میان‌رشته‌ای در مدیریت و روان‌شناسی سازمانی، رفتار افراد و گروه‌ها را در محیط کاری تحلیل می‌کند و هدف آن افزایش کارایی و بهره‌وری سازمان‌هاست. شخصیت افراد، یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده رفتار سازمانی است، زیرا ویژگی‌های شخصیتی می‌توانند نحوه تصمیم‌گیری، تعاملات اجتماعی و عملکرد شغلی را شکل دهند. تحقیقات پیشین نشان داده‌اند که پویایی شخصیت، شامل ثبات عاطفی، مسئولیت‌پذیری، برون‌گرایی، سازگاری و پذیرش تجربه، نقش مهمی در رفتارهای سازمانی ایفا می‌کند. در افغانستان و به‌ویژه در شهر مزار شریف، مطالعه‌ای جامع بر روی رابطه بین پویایی شخصیت و رفتار سازمانی کارکنان ادارات دولتی و خصوصی تاکنون انجام نشده است. بنابراین، این تحقیق با هدف پر کردن این خلأ و ارائه راهکارهایی برای بهبود رفتار سازمانی در ادارات انجام شده است.

۲. اهداف تحقیق

هدف اصلی این تحقیق، بررسی تأثیر پویایی شخصیت بر رفتار سازمانی کارکنان ادارات دولتی و خصوصی شهر مزار شریف است. اهداف جزئی تحقیق شامل موارد زیر می‌باشد:

- شناسایی ویژگی‌های شخصیتی کارکنان و نقش آن‌ها در رفتار سازمانی.
- مقایسه تأثیر پویایی شخصیت بر رفتار سازمانی در ادارات دولتی و خصوصی.
- ارائه راهکارهایی برای ارتقای رفتار سازمانی با توجه به ویژگی‌های شخصیتی کارکنان.

۳. مبانی نظری

پویایی شخصیت بر اساس مدل پنج عامل بزرگ (Big Five) شامل برون‌گرایی، مسئولیت‌پذیری، انعطاف‌پذیری، توافق‌پذیری و ثبات عاطفی تحلیل می‌شود. این مدل یکی از معتبرترین چارچوب‌ها در روان‌شناسی شخصیت و رفتار سازمانی است. علاوه بر آن، نظریه رفتار سازمانی (Organizational Behavior Theory) نیز تأکید دارد که ویژگی‌های فردی کارکنان، محیط کاری و فرهنگ سازمانی با یکدیگر تعامل داشته و بر عملکرد و رفتار سازمانی اثر می‌گذارند.

شخصیت به عنوان موضوع اصلی رفتار سازمانی: روانشناسی عملی (کاربردی)

سازمانی، توجه قابل توجهی به فرد به عنوان کارمند سازمان دارد. روانشناسان به سؤالاتی در مورد سازگاری کارکنان، پتانسیل کاری آن‌ها، نگرش آن‌ها نسبت به کار، ویژگی‌های رفتاری در موقعیت‌های مختلف حرفه‌ای پاسخ می‌دهند. در عصر کنونی، متخصصان در سازمان‌های رفتاری کاری کارکنان با مشکلاتی روبرو هستند، زیرا احتمال مشوق‌های مادی محدود بوده، بدین نسبت مؤثریت



چندانی ندارد. برای پیش بینی اینکه عملکرد کارکنان تا چه اندازه با استانداردها و اهداف سازمان همگام باشد، باید به برخی ویژگی های روانی کارکنان توجه جدی داشت، این موضوع به اطلاعاتی در مورد خود کارمند دارد، در غیر آن صورت تأثیر مدیریت بر اوشان مؤثر نخواهد بود. یک استعاره می تواند (رانندگی یک ماشین بدون آگاهی از ساختار فنی ماشین) باشد. اگر ندانیم یک دستگاه فنی چگونه کار می کند اما در صورت خرابی، مجبوریم از متخصص دعوت کنیم، زیرا خود را در مدیریت این دستگاه عاجز می بینیم. مثلاً: رهبری را تصور کنیم که افراد را هدایت می کند، اما چیزی در مورد افراد مورد نظر نمی داند یا خطرناک تر اینکه در باره توانایی مدیریتی خود به خود کامگی معتقد است که می داند. مگر دانش او ربطی به واقعیت عینی ندارد، بلکه کاملاً ذهنی است. آیا چنین مدیری بدون کمک یک متخصص واجد شرایط می تواند کارمندان را هدایت کند؟ اگر در تصمیمات مدیریتی حوزه کاری اش، به دانش دیگران متکی نباشد، اثر بخشی این تصمیمات در شرایط تحریف یا کم شدن اطلاعات بسیار ناچیز خواهد بود. اگر دایما متخصصان حوزه رفتار سازمانی را درگیر کند، این سوال پیش می آید که یک رهبر در هر موضوعی که مربوط به یک شخص است به واسطه نیاز داشته باشد، چه می تواند بکند؟ برای بهبود شایستگی اجتماعی مدیران می توانیم از سیستم سطوح منطقی به عنوان مدل سلسله مراتبی ویژگی های انسانی (از رفتار تا جهان بینی) استفاده کرد. رفتار افراد در سازمان وابسته به عوامل مختلف (داخلی و خارجی) مربوط به زندگی یک فرد است. هر سازمان یک شکل گیری اجتماعی - فرهنگی منحصر به فرد است که بر اساس الگو های درونی منحصر به فرد خود زندگی می کند، بناً سازمانها روش خاصی از تفکر و روش های خاصی در برخورد با کارکنان خود را در پیش دارند. برای تدوین و پیش بینی رفتار افراد در یک سازمان، آگاهی از ویژگی های نوع شناختی کارکنان جالب و مهم تلقی می شود. با دانستن اینکه یک کارمند به کدام نوع شخصیتی تعلق دارد، مدیر می تواند به راحتی ویژگی های رفتار او را در موقعیت های مختلف ردیابی و درک کند. با عضویت در سازمان، یک کارمند بلافاصله خود را در حلقه همکاران جدیدی می بیند که بیشتر وقت کاری خود را با آنها می گذارند و چه بخواند یا نخواهد، چه متوجه شود یا توجه نکند، رفتار فردی او با دستخوش تغییرات قابل توجه، به معنای واقعی کلمه به رفتار سازمانی تبدیل می شود. یکی از اصول روانشناسی این است که هر فرد، فردی است، هر فرد ارزش ها، شخصیت و تجربیات زندگی متفاوت، توانایی های متفاوتی برای یادگیری و مدیریت استرس و همچنین نگرش ها، باورها و انگیزه های متفاوتی دارد. با این حال، رفتار افراد تا حد زیادی توسط اهداف و مقاصدی که سازمان برای

خود تعیین می کند و خواسته هایی که افراد از خود می گذارد، تعیین می شود. فردی که برای کار در سازمان می آید، تعدادی از محدودیت ها را در مورد رفتار اعمال می کند که توسط مقررات، هنجارهای این سازمان و آئین نامه رفتار شرکت تعیین می شود. (مرتضوی و کارگزار، ۱۳۹۰)، رفتار سازمانی کارکنان را چنین تعریف می کند:

رفتار سازمانی: رفتار کارکنان در گیر در فرآیند های مدیریتی خاص است که چرخه ها، ریتم ها، ساختار روابط، قوانین سازمانی و الزامات خود را برای کارکنان دارد. این فرآیند ها از یکسو با تلاش مدیران در تمام سطوح مدیریت هدایت می شود و از سوی دیگر در رفتار مشارکت کنندگان مستقیم یعنی کارگران در سطوح مختلف مدیریتی اجرا می شود. رفتار افراد در سازمانها توسط عوامل متعددی تعیین می شود. هر کارمند اصول، ارزش ها، روحیه و روانشناسی سازمانی را که در آن کار می کند، به خود جذب می کند. یک فرد در ساختن رفتار خود در یک سازمان به دو شکل آزادی دارد: اولاً او در انتخاب اشکال رفتار آزاد است - پذیرفتن یا نپذیرفتن اشکال و هنجار های رفتار موجود در سازمان، ثانیاً می تواند ارزش های سازمان را بپذیرد یا نپذیرد، آنرا به اشتراک بگذارد و یا نگذارد. بنابراین، نیاز به شناسایی مفهومی به عنوان سبک رفتار سازمانی کارکنان وجود دارد. در حال حاضر، برای تسهیل مدل سازی رفتار کارکنان و پیش بینی توسعه موقعیت، انواع مختلفی از رفتار سازمانی در حال توسعه است (هاشمی، شکرکن، نیسی، شهنی و خنیفی، ۱۳۸۷). تیپ شناسی ها بر اساس معیار های مختلفی هستند که ما روی اساس ترین آنها تمرکز خواهیم کرد. هر سبک رفتاری با انگیزه های عینی و ذهنی، درک ضرورت آن و تمایل به آن مشخص می شود. این تمایلات بسته به نحوه ترکیب اجزای اساسی رفتار است (گل پرور، سمسار و آتش پور، ۱۳۹۰). ۴ نوع رفتار انسانی در یک سازمان قابل تشخیص است:

نوع اول - عضو متعهد و منظم سازمان: مشخصه آن این است که یک فرد به طور کامل ارزش ها و هنجار های رفتاری را می پذیرد و سعی می کند به گونه ای رفتار کند که اقدامات او به هیچ وجه با منافع سازمان در تضاد نباشد. او صمیمانه می کوشد تا نظم داشته باشد، نقش خود را مطابق با هنجار ها و اشکال رفتاری پذیرفته شده در سازمان ایفا کند، برای این گونه افراد رهبری و زبردستی یک ضرورت آگاهانه از جمله ناشی از احساس وظیفه است (گل پرور، سمسار و آتش پور، ۱۳۹۰).



نوع دوم - اصلی: با این واقعیت مشخص می‌شود که یک فرد ارزش‌های سازمان را می‌پذیرد، اما هنجارهای رفتاری موجود در آن را نمی‌پذیرد. در این صورت ممکن است در روابطه اش با همکاران و مدیریت دچار مشکلات زیاد شود (گل‌پرور، سمسار و آتش‌پور، ۱۳۹۰).

نوع سوم - ابزاری: مشخصه آن این است که فرد ارزش‌های سازمان را نمی‌پذیرد، اما سعی می‌کند از هنجارها و اشکال رفتار پذیرفته شده در سازمان پیروی کند. این گونه افراد، کارمند اجرایی محسوب می‌شوند، اما می‌توانند هر زمان که بخواهند سازمان را ترک کنند یا مرتکب اقدامی می‌شوند که مغایر با منافع سازمان و اما منطق بر منافع خودشان باشد (گل‌پرور، سمسار و آتش‌پور، ۱۳۹۰).

نوع چهارم - شورشی: مشخصه آن این است که نه هنجارهای رفتاری و نه ارزش‌های سازمان را می‌پذیرد، همیشه با محیط سازمانی در تضاد قرار گیرد و موقعیت‌های تعارض ایجاد می‌کند (کراسوفسکوی، یو. دی. رفتار سازمانی، ۲۰۰۴). در این بخش میتوان مدل (X و Y) دی. مک گریگور، به عنوان نوع شناسی در نظر گرفت. این مدل هنگام تجزیه و تحلیل دیدگاه‌های مدیر در مورد کارکنان محبوب است (گل‌پرور، سمسار و آتش‌پور، ۱۳۹۰).

کارکنان نوع (X): اینها افرادی هستند که تمایل کمتری نسبت به کار کردن دارند و برای آنها انگیزه برای کار کردن وجود ندارد و بیشتر می‌خواهند از کار کردن اجتناب ورزند، فلسفه آنها در جملاتی در مورد کار آمده است (کار را احق دوست دارد)، (چرا کار کنی بهتر است که کار نکنی)، (کار اسپ‌ها را هم میکشد) و غیره. این نگرش‌ها نسبت به کار مدیر را مجبور می‌سازد او را مجبوراً به انجام وظایف شغلی و نظارت مداوم بر کیفیت کار کند (نعامی، هاشمی شیخ‌شبابی و انصافداران، ۱۳۹۲).

کارکنان نوع (Y): اینها افرادی هستند که در ابتدا نیاز به انجام تلاش‌های ذهنی و جسمی برای انجام هرکاری، خود محتوای کار و علاقه به آن به عنوان محرک رفتار سازمانی آنها عمل می‌کنند. چنین کارمندی نیاز به مسئولیت‌پذیری و ابتکار دارد. این امر از نظر جهان‌بینی در جملاتی مانند (کسی که عاشق کار است، بیکار نمی‌نشیند)، (صبر و کار همه چیز را خرد میکند) و غیره منعکس می‌شود. در هر سازمانی می‌توانید هردو نوع کارمند را بیابید و حتی اگر این نوع شناسی تا حدودی ساده به نظر برسد، هنگام تصمیم‌گیری در مورد محتوای تأثیر مدیریت بر کارمند، مبنای برای مدیر است (نعامی، هاشمی شیخ‌شبابی و انصافداران، ۱۳۹۲).

نوع شناسی (راسکوما ندرینا، M.E.): این نوع شناسی را می توان تا حدی ادامه ترمولوژی،

(دی. مک گریگور) در نظر گرفت، زیرا این نوع شناسی بر اساس نگرش کارکنان نسبت به وظایف تولید و مدیریت سازمان ساخته شده است. نویسنده مفهوم (سبک رفتار سازمانی) را به عنوان یک ساختار تشخیصی ارائه کرد که به دو ساختار تقسیم می شود:

«فرعیت» و «اجرایی». ساختار «فرع» عامل رابطه بین مدیر و کارمند را منعکس می کند و ساختار «اجرایی» منعکس کننده نگرش زیردستان به وظیفه ای است که توسط مدیر به او محول شده است. او این تکلیف را دقیقاً به شکلی که مطرح می شود می پذیرد یا نمی پذیرد و به گونه ای آن را دوباره تدوین می کند که اجرای آن بشکلی جدید با اهداف شخصی زیر دستان مطابقت داشته باشد. هنگام استفاده این ساختارها، می توان سبک های فرعی زیر را شناسایی کرد.

۱. زیر دستی که وظیفه محول شده را به طور کامل می پذیرد و آنرا به شکلی که رهبر تعیین کرده است انجام می دهد. چنین زیر دستی ممکن است دارای ویژگی های زیر باشد: عزت نفس پایین، انگیزه پیشرو - اجتناب از شکست، اتوریته شخصی، جمع گرایی، سخت گیری، عدم ثبات در عدم اطمینان، علاقه به تمجید بیرونی، تایید، مطابقت، تمایل «خوب بودن» عدم جاذبایی برنامه ها، لذت از کار های خوب انجام شده، انتظار ستایش، به رسمیت شناختن شایستگی، سپاسگزاری از نظرات دیگران، توانایی برقراری تماس. چنین فرعی را می توان «فرع هنجاری» یا به صورت استعاری «دنده فرعی» نامید.

۲. زیر دستی که وظیفه محول شده را به شکلی که به عهده او گذاشته می شود نمی پذیرد و آن را به گونه ای اصلاح می کند که اجرای آن مطابق با منافع شخصی او باشد، فردی است با دو انگیزه اصلی کسب و کار. محتاط، انعطاف پذیر، سازگار، دستکاری در ارتباطات، عدم صداقت، مستقل از نظرات دیگران و توانایی دفاع از منافع خود دارد. از آنجایی که با این شکل از تعامل بین یک زیر دست و یک رهبر، هدف اولی به طور مخفیانه، پوشیده از پذیرش زیر دستی به دست می آید، پس می توان چنین زیر دستی را «فرد دستکاری کننده» نامید. با توجه به اینکه در این حالت فرد زیر دست فقط بر منافع شخصی خود متمرکز است، می توان او را «فرد - خود خواه» نیز نامید.

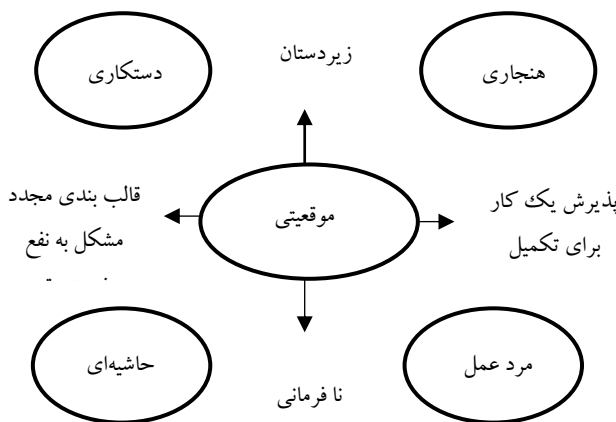
۳. زیر دستی که کار را بدون هدایت «خود کار» و بدون تغییر به اقتضای منافع خود نه، بلکه انجام آن دقیقاً همانطور که توسط رهبر تدوین شده و برای دستیابی به اهداف سازمان ضروری است، انجام دهد. چنین زیر دستانی ممکن است دارای عزت نفس بالا و منبع کنترل درونی بوده و انگیزه

اصلی او دستیابی به مؤفقت باشد. و همچنان دارای استقلال، خود کفایی و استقلال در ارزیابی است. از نظر اجتماعی شجاع است، مقامات را به رسمیت نمی شناسد، آماده درگیری در جهت نفع هدف است. چنین شخص را می توان «مرد عمل» نامید.

۴. زیردست نا فرمان و هدایت ناپذیر: هدایت را به گونه ای تغییر می دهد که اجرای آن مطابق علایق خودش باشد. چنین زیردستی، اگر چه به طور رسمی عضوی از مجموعه کاری نیست اما در واقع در نگرش و علایق درونی خود چنین نیست. او با عزت نفس بالا، استقلال، مقاومت در برابر عدم اطمینان، استقلال دفاع از منافع خود، عدم انطباق و شجاعت اجتماعی مشخص می شود. دوگانگی موقعیت او این امکان را به او می دهد که (فرع حاشیه ای) نامیده شود.

۵. همچنین می توان سبک متاستایل «موقعیتی» را شناسایی کرد. ترکیب بهینه اطاعت و کوشش به آزمودنی اجازه می دهد تا بسته به موقعیت، مؤثرترین روش رفتاری را انتخاب کند. چنین زیردستی را می توان «فرع موقعیتی» نامید (هرسی و بلانچارد، ۱۳۶۷).

شکل (۱) مدل سبک های رفتار سازمانی



راسکوماندرینا

بنابراین، تعیین رفتار سازمانی یک کارمند مستلزم تشخیص دو ویژگی نسبتاً مستقل است: «اطاعت» و «سخت کوشی». در اینجا لازم است طبقه بندی دیگری از سبک های رفتار سازمانی (ان. سموکینه) را روی بحث بگیریم. این نوع شناسی بیشتر ماهیت پدیدار شناختی دارد تا پارامتریک (راینیز، ۱۳۷۸).

۱. **مالک:** اینها افرادی هستند که از نظر ژنتیکی آموزش دیده اند تا مسئولیت مزرعه (فعالیتگاه) خود را برعهده بگیرند. اما سازمانی که در آن کار می کنند، خود را مالک آن تلقی نمی کنند. بنابراین هنگام کار به عنوان کارمند، اغلب به فعالیت های خود به عنوان راهی برای کسب در آمد نگاه می کنند (رایبیز، ۱۳۷۸).

۲. **تاجر:** به فعالیت های خود به عنوان یک موضوع (خرید و فروش) رفتار می کند. این نوع کارگر نا خود آگاهانه از کار خود بیگانه است و به آن به چشم یک کالا نگاه می کند. تاجر با دو ویژگی اصلی مشخص می شود: اولی - نگرش صرفاً ابزاری نسبت به کار خود است و دومی - ارزیابی بیش از حد از فعالیت های خود است. در عین حال تاجران می توانند کارگران واجد شرایط و وظیفه شناس باشند. اگر پرداختی برای کارشان با معیار هایی که تعیین کرده اند مطابقت داشته باشد، وظایفی را که به آنها محول شده است با احساس انجام می دهند (رایبیز، ۱۳۷۸).

۳. **کارمند خوب:** این نوع کارمند با نگرش سخت کوش به کار و پشتکار متمایز می شود. نویسنده سطح پائین انتقادی را به عنوان یک کیفیت منفی معرفی می کند. (کارمند خوب) به دستورالعمل هایی که دریافت می کند فکر نمی کند، فقط آنها را دنبال می کند، که همیشه به کیفیت کار کمک نمی کند (استوارت و روبین، ۱۹۷۶).

۴ **شخصیت خلاق:** برخلاف مجریان ایده آل - مجریان خوب، افراد خلاق نمی توانند دستورالعمل ها را دنبال کنند. آنها علاقه ای به آنچه که آمر می گوید ندارند. در هر کسب و کاری، آنها تلاش می کنند عنصری از تازگی بیابند، تا نظر خود را بیان کنند. کار با چنین افراد بسیار دشوار است، زیرا اغلب دیدگاه آنها درمورد توانایی های خودشان اغراق آمیز است. علاوه براین، زمانی که سعی می کنند مشکلی را به روش خودشان حل کنند، اغلب از شکل گیری مسئله آگاه نیستند، تخیل خودشان برای شان مهم تر از علت مشترک است. انسان های خلاق افراد پر شوری هستند و اگر وظیفه ای درستی برای آنها سپرده شود، می توانند کارهای زیادی انجام دهند (استوارت و روبین، ۱۹۷۶).

۵ **بهینه ساز:** هدف این کارمند، ساده سازی هرچه بیشتر فرآیند کار است. همانطوریکه نویسنده معتقد است، اماتوریزم و تمایل به بهبود، ذاتی بسیاری از کارگران خانگی است، می تواند ضرر زیادی برای شرکت ایجاد کند. بهینه سازها برای هیچ کس آسیبی نمی خواهند، به نفع خود تلاش

نمی‌کنند، آنها صرفاً بدون درک معنای آن، تصحیح (بهبود) فناوری را متعهد می‌شوند. اما نیت خوب آنها اغلب منجر به شر بسیار بیشتر از خرابکاری عمدی می‌شود (استوارت و روبین، ۱۹۷۶).

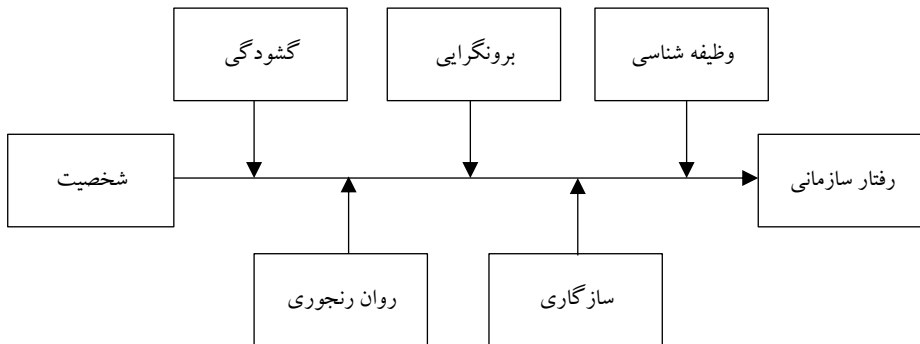
۶. سازگار: اینها کارمندانی هستند که شعار اصلی آنها در هر موقعیت زندگی این است: (مثل دیگران باشید). از نظر مدیریت، چنین کارگرانی غیز تعارض، فهمیده - به طور کلی، اعضای نمونه تیم کاری هستند. نقطه ضعف سازگاران، نداشتن مرزهای اخلاقی است. برای اینکه جایگاه خود را در جامعه کوچک از دست ندهند، آماده انجام هر کاری از جمله (دزدی و خرابکاری) به مدیریت هستند (استوارت و روبین، ۱۹۷۶).

ویژگی های شخصیتی کارکنان: اگر چه تحقیق های متعددی در رابطه به شخصیت و رفتار سازمانی از جانب محققان عرصه مدیریت و روانشناختی و نظریات گوناگونی در رابطه به موضوع از سوی نظریه پردازان پرداخته شده اس، احساس عدالت سازمانی که منشاء آن مدیریت علمی منابع انسانی می‌باشد، موضوع اصلی رفتار سازمانی است.

با این حال افراد در واکنش به موقعیت ها و شرایط که با آن مواجه می‌شوند، به طور همزمان تحت تأثیر عوامل موقعیتی و شخصیتی دست به واکنش می‌زنند. چنین ادعایی با تعاریفی که از شخصیت بر پایه ویژگی ها و صفات پایداری که در تعامل با موقعیت کنش و واکنش افراد را در موقعیت های مختلف جهت دهی می‌کند، کاملاً همسو است (حق شناس ۱۳۸۵). تحقیق ها نشان داده است ویژگی های شخصیتی نیز بر شکل گیری رفتار سازمانی تأثیر گذار است (باریک، مونت و جاج، ۲۰۰۱).

از بین ویژگی های شخصیتی که تا کنون از جانب تحقیقگران که طی سال های اخیر صورت گرفته، پنج عامل شخصیت (روان رنجوری، برون گرایی، گشودگی، سازگاری و وظیفه شناسی) توجهات زیادی را به خود جلب نموده اند (مک گو و همکاران، ۱۹۹۳).

شکل (۲) مدل مفهومی ویژگی های شخصیتی کارکنان



۱. روان رنجوری: به توانایی فرد در تحمل استرس اشاره دارد. افراد با ویژگی ثبات عاطفی پایین، دچار روان رنجوری هستند. این افراد بدبین، نگران، عصبی، مأیوس و نامید، خجالتی، آسیب پذیر، شتاب زده و دارای اعتماد به نفس پایین هستند. افراد روان رنجور معمولاً حال و هوای منفی در محیط کار خود داشته و عموماً نگرش منفی نسبت به کار خود دارند (فاکس، اسپکتور و مایلز، ۲۰۰۷).

۲. برون گرایی: به دسته ای از صفات اطلاق می گردد و درجه ای است که شخص، پراثری، معاشرتی، جسور، فعال، هیجان طلب، دارای شور و شوق، اعتماد به نفس و احساسات مثبت است. افراد برون گرا تمایل به اجتماعی بودن، احساسی بودن و صمیمی بودن داشته و ترجیح می دهند با افراد دیگر کار کنند و معمولاً با افراد متفاوت بهتر کنار می آیند (فینگولد، ۱۹۹۴).

۳. گشودگی: در برابر تجربه میزان علاقه افراد نسبت به تازگی و کسب تجربه های جدید را نشان می دهد. افراد با این ویژگی دارای قدرت تخیل، احساسات باز، ایده، استقلال در قضاوت، علاقه به جلوه های هنری و تنوع طلب، کنجکا و نسبت به ایده های دیگران و اقدام گرا هستند. افرادی که گشودگی در پذیرفتن تجربیات دارند، برای مشاغلی که در آنها تغییر و تحول زیاد اتفاق می افتد و با نیاز به نوآوری با ریسک قابل ملاحظه ای که دارند، می توانند مفید واقع شوند (فلدمن، ۱۹۸۱).

۴. سازگاری: به گرایش افراد به همسان بودن با دیگران اشاره دارد. افراد با ویژگی تطابق پذیری، دوستانه، مهربان و دارای خصیصه از خود گذشته، پیرو، متواضع و فروتن و خوش قلب هستند (مک گو و همکاران، ۱۹۹۳). سطح بالای سازگاری مانع از تمایل افراد برای شروع چانه زنی

های فشرده در جلسات و مذاکرات کاری می‌شود. این افراد گاهی از منافع و خواسته های خویش می‌گذرند (جانسون، مک‌گو و کروگر، ۲۰۰۵).

۵. وظیفه شناسی: معیار سنجش، قابلیت اطمینان است. فرد با وظیفه شناسی بالا، فردی شایسته، با اراده، منظم، هدف جو، دارای انضباط شخصی، وقت شناس، قابل اتکا و مسئولیت پذیر می‌باشد. وظیفه شناسی با وجدان کاری، در بسیاری از موقعیت های سازمانی، مفید و مهم تلقی شده و شاخص مناسبی برای پیش گویی عملکرد در بسیاری از مشاغل می‌باشد. چرا که تمایل این افراد برای دستیابی به موقعیت، بیشتر و در کل دست آوردگرا می‌باشند (مک‌گو و همکاران، ۱۹۹۳).

به اساس ادعای مک‌گو و همکاران (۱۹۹۳) حجم انبوهی از تحقیق ها در موقعیت های مختلف و با ابزار ها و نمونه های متفاوت، اصلی بودن این پنج عامل را تأیید کرده‌اند و نشان داده اند که هر پنج عامل مذکور از اعتبار همگرا و تفکیکی بین ابزار و بین ناظر خوبی بر خوردارند و در طی تحول فرد نیز نسبتاً پایدار می‌مانند. هر کدام از این عوامل یک بعد هستند نه یک گونه یا یک نوع (مانند تیپ های شخصیت) به این معنا که تفاوت افراد در هر بعد و مؤلفه، تفاوت کمی و درجاتی است.

۴. پیشینه تحقیق

(جانسون، مک‌گو و کروگر، ۲۰۰۵) در مطالعه‌ای که بر روی اثر گذاری ویژگی های شخصیت بر رفتار سازمانی داشتند، دو بعد وظیفه شناسی و سازگاری دارای رابطه مثبت و معنادار با رفتار سازمانی در سطح (۹۹.۹) در صد می‌باشد. (گرومکوا، ۲۰۰۸) نیز با بهره گیری از مدل پنج عامل بزرگ شخصیتی، رابطه مثبت میان شخصیت (ابعاد گشودگی در برابر تجربه، برونگرایی، سازگاری و وظیفه شناسی) و رفتار سازمانی را نشان داده اند. اگر چه در این بررسی ویژگی روان نژندی به این علت که در بر دارنده نوعی واکنش های هیجانی است، اثر معناداری بر رفتار سازمانی نداشته است. (مک‌گو و همکاران، ۱۹۹۳) در یافته های مطالعات خویش رابطه میان رفتار سازمانی با ابعاد شخصیتی از جمله صمیمیت و سازگاری، ثبات عاطفی، وظیفه گرایی و تحمل ابهام را نشان داده اند. (دافت، ۲۰۰۳) نیز تأثیر گذاری ویژگی شخصیتی فعال را بر رفتار سازمانی نشان داده است.

اگر چه بیشتر تحقیق ها تأثیر مستقیم ابعاد شخصیتی را بر رفتار سازمانی مورد بررسی قرار داده اند، اما تأثیر تعدیل کنندگی ابعاد شخصیتی نیز بر رابطه میان نگرش های شغلی و رفتار های خاص کارکنان به ویژه رفتار های نا مطلوب کاری در تحقیقات چندی نشان داده شده است. از جمله

(کریچفسکی، ۱۹۹۶) نشان داده اند، پنج عامل بزرگ شخصیت بر رابطه میان انواع عدالت سازمانی و رفتار های ضد تولید تأثیر گذار است.

(گریشنا، ۲۰۰۱) نیز در تحقیقی مشابه، نقش تعدیل کنندگی سه عامل (وظیفه شناسی، برون گرایی و گشودگی) را بر رابطه میان انواع عدالت با رفتار های ضد تولید نشان دادند. (سامیگین و استولیارنکو، ۱۹۹۷) نشان داده اند که ویژگی هایی چون وظیفه شناسی، رابطه میان عدالت توزیعی و رفتار های ناباور سازمانی را تعدیل نموده اند. (قلی پور، ۱۳۸۸) نشان داده اند، علاوه بر آن که رفتار های ضد سازمانی تحت تأثیر ادراک از عدالت و بی عدالتی در سازمان است، ویژگی های شخصیتی ارتباط میان نگرش های کاری، از جمله بی عدالتی و رفتار های ضد سازمانی را تعدیل می نماید. همچنین ایشان نشان داده اند که خصوصیات فردی تأثیر سایر نگرش های کاری از جمله استرس و فرهنگ، چنین رفتار هایی را شدت میبخشد و یا ضعیف می سازد. این بررسی از این رو قابل اهمیت است که غیر از تأثیر مستقیم ابعاد شخصیت بر شکل گیری و چگونگی رفتارهای مطلوب سازمانی، نگرش های شغلی مانند عدالت در رفتار سازمانی از اهمیت خاصی برخوردار است.

مطالعات متعددی در سطح بین المللی و منطقه ای نشان داده اند که شخصیت افراد نقش کلیدی در رفتار سازمانی و موفقیت شغلی دارد. به عنوان مثال، تحقیقات (اوربانوویچ، ۲۰۰۳) نشان داد، ویژگی های شخصیتی نظیر مسئولیت پذیری و انعطاف پذیری با عملکرد شغلی و رضایت شغلی رابطه مثبت دارند. در افغانستان، تحقیق های محدود در این زمینه بیشتر به تحلیل رفتار سازمانی در بخش دولتی متمرکز بوده و نقش مستقیم پویایی شخصیت در سازمان ها کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. این تحقیق با تمرکز بر کارکنان ادارات دولتی و خصوصی شهر مزار شریف، به تکمیل این خلأ تحقیقی می پردازد.

۵. روش تحقیق

این تحقیق از نوع توصیفی-پیمایشی و کاربردی بوده است. جامعه آماری شامل کارکنان ادارات دولتی و خصوصی شهر مزار شریف با تعداد ۱۵۰ نفر بود. نمونه تحقیق، با روش در دسترس شامل ۱۲۰ نفر انتخاب شد. ابزار جمع آوری داده ها، پرسشنامه محقق ساخته شامل ۳۰ سوال بر اساس طیف پنج درجه ای لیکرت بود. پرسشنامه از نظر روایی، صوری و محتوایی توسط اساتید و متخصصان تأیید شد و پایایی آن با آزمون آلفای کرونباخ ۰.۸۹ تعیین گردید. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه

۲۵ تحلیل شد و از آمار توصیفی و آزمون‌های استنباطی مانند t-test و ANOVA برای پاسخ به سؤالات تحقیق استفاده گردید.

۶. نتایج

۱. تحلیل توصیفی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی

جامعه آماری شامل ۱۵۰ نفر از کارکنان ادارات دولتی و خصوصی شهر مزار شریف بود که نمونه ۱۲۰ نفر از آن‌ها با روش در دسترس انتخاب شد. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نشان می‌دهد که اکثریت نمونه را مردان تشکیل می‌دهند و بیشتر کارکنان در گروه سنی ۳۰ تا ۴۰ سال قرار دارند. سطح تحصیلات نیز بیشتر لیسانس و فوق‌لیسانس است.

جدول ۱: تحلیل توصیفی جنسیت و سن کارکنان

متغیر	تعداد	درصد
مرد	۸۴	۷۰٪
زن	۳۶	۳۰٪
۲۰-۳۰ سال	۲۴	۲۰٪
۳۱-۴۰ سال	۷۲	۶۰٪
بیش از ۴۰ سال	۲۴	۲۰٪

جدول ۲: تحلیل تحصیلات و سابقه کاری

متغیر	تعداد	درصد
دیپلم	۱۲	۱۰٪
لیسانس	۷۲	۶۰٪
فوق‌لیسانس	۳۰	۲۵٪
دکتر	۶	۵٪
سابقه کاری > ۵ سال	۳۰	۲۵٪
سابقه کاری ۵-۱۰ سال	۵۴	۴۵٪
سابقه کاری < ۱۰ سال	۳۶	۳۰٪

این تحلیل نشان می‌دهد که اکثریت نمونه در سن میانسالی و با تحصیلات عالی و تجربه کاری متوسط تا زیاد فعالیت می‌کنند، که می‌تواند کیفیت پاسخ‌دهی و دقت داده‌ها را افزایش دهد.

۲. تحلیل استنباطی: آزمون t تک‌نمونه‌ای

برای بررسی تأثیر پویایی شخصیت بر رفتار سازمانی، ابتدا نرمال بودن داده‌ها با آزمون شاپیرو-ویلک بررسی شد و تمام متغیرها نرمال تشخیص داده شدند. سپس از آزمون t تک‌نمونه‌ای برای مقایسه میانگین مشاهده شده با میانگین نظری (۳) استفاده شد.

جدول ۳: نتایج آزمون t تک‌نمونه‌ای برای مؤلفه‌های شخصیت

مؤلفه شخصیت	t	میانگین مشاهده	میانگین نظری	df	Sig (2-tailed)
مسئولیت‌پذیری	۷.۸۲	۴.۱۲	۳	۱۱۹	۰.۰۰۰
ثبات عاطفی	۶.۴۵	۳.۹۸	۳	۱۱۹	۰.۰۰۰
برون‌گرایی	۳.۲۱	۳.۴۲	۳	۱۱۹	۰.۰۰۲
سازگاری	۲.۸۵	۳.۳۵	۳	۱۱۹	۰.۰۰۵
پذیرش تجربه	۱.۹۸	۳.۲۵	۳	۱۱۹	۰.۰۵۰

نتایج نشان می‌دهد که همه مؤلفه‌ها به جز پذیرش تجربه به طور معنادار بالاتر از سطح متوسط قرار دارند. بیشترین تأثیر به مؤلفه مسئولیت‌پذیری اختصاص دارد که نشان‌دهنده نقش کلیدی آن در رفتار سازمانی است.

۳. آزمون ANOVA برای مقایسه ادارات دولتی و خصوصی

برای مقایسه تأثیر پویایی شخصیت بر رفتار سازمانی در ادارات دولتی و خصوصی، از آزمون ANOVA استفاده شد. نتایج نشان داد که در برخی مؤلفه‌ها تفاوت معناداری بین دو بخش وجود دارد.

جدول ۴: آزمون ANOVA بین ادارات دولتی و خصوصی

مؤلفه	منبع تغییر	df	F	Sig
(مسئولیت‌پذیری) VH	بین گروه‌ها	1	5.67	0.018
(ثبات عاطفی) FDH	بین گروه‌ها	1	4.23	0.042
(برون‌گرایی) VD	بین گروه‌ها	1	1.89	0.172

نتایج ANOVA نشان می‌دهد که مؤلفه‌های VH و FDH در ادارات خصوصی تأثیر بیشتری بر رفتار سازمانی دارند، در حالی که برون‌گرایی (VD) تفاوت معناداری بین ادارات دولتی و خصوصی ندارد.

۷. بحث

هدف اصلی این تحقیق بررسی نقش پویایی شخصیت در رفتار سازمانی کارکنان ادارات دولتی و خصوصی شهر مزار شریف بود. تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده نشان داد که مؤلفه‌های شخصیتی مختلف، به‌ویژه مسئولیت‌پذیری و ثبات عاطفی، تأثیر معناداری بر رفتار سازمانی دارند و توانسته‌اند بیشترین سهم را در تبیین رفتارهای شغلی ایفا کنند. یافته‌های آزمون t تک‌نمونه‌ای نشان داد که میانگین مشاهده شده برای تمامی مؤلفه‌ها بالاتر از میانگین نظری است و این امر بیانگر وجود سطح بالای ویژگی‌های شخصیتی مثبت در کارکنان است. مسئولیت‌پذیری به عنوان مؤثرترین عامل، شناسایی شد، که نشان‌دهنده اهمیت این مؤلفه در مدیریت وظایف و تعهد به اهداف سازمان است. در تحلیل ANOVA، تفاوت بین ادارات دولتی و خصوصی در برخی مؤلفه‌ها مشهود بود. به‌ویژه مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری (VH) و ثبات عاطفی (FDH) در ادارات خصوصی بالاتر ارزیابی شدند، که نشان‌دهنده محیط کاری انعطاف‌پذیرتر و حمایت‌کننده‌تر این ادارات در پرورش و تقویت ویژگی‌های شخصیتی کارکنان است. برون‌گرایی (VD) تفاوت معناداری بین دو گروه نداشت، که ممکن است به استانداردهای مشابه تعامل اجتماعی و ارتباطات کاری در هر دو نوع اداره مرتبط باشد. نتایج نشان می‌دهد که بهبود و تقویت ویژگی‌های شخصیتی کارکنان می‌تواند باعث ارتقای کیفیت رفتار سازمانی و عملکرد کلی شود. کارکنانی که دارای مسئولیت‌پذیری، ثبات عاطفی و سازگاری بالاتر هستند، معمولاً تصمیم‌گیری بهتر، تعهد بیشتر و روابط کاری مثبت‌تری دارند. همچنین، یافته‌ها حاکی از آن است که در ادارات خصوصی، محیط کاری مناسب‌تری برای بهره‌گیری از توانمندی‌های شخصیتی فراهم است، در حالی که ادارات دولتی به دلیل ساختارهای سنتی‌تر ممکن است محدودیت‌هایی در این زمینه داشته باشند.

علاوه بر این، تحلیل توصیفی جمعیت‌شناختی نشان داد که اکثریت نمونه‌ها در سن میانسالی و با تحصیلات عالی فعالیت می‌کنند، که این موضوع موجب افزایش دقت پاسخ‌ها و قابلیت تبیین بهتر رفتارهای سازمانی می‌شود. این یافته با تحقیقات پیشین مبنی بر تأثیر مثبت سطح تحصیلات و تجربه

کاری بر رفتار سازمانی همسو است و اهمیت توجه به توسعه مهارت‌ها و آموزش مستمر کارکنان را برجسته می‌کند.

۸. نتیجه‌گیری

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که پویایی شخصیت نقش اساسی در رفتار سازمانی دارد و می‌تواند بهبود عملکرد فردی و سازمانی را تسهیل کند. مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری و ثبات عاطفی به عنوان مهم‌ترین عوامل مؤثر شناسایی شدند و به ویژه در ادارات خصوصی تأثیر بیشتری داشتند. این امر حاکی از اهمیت تقویت این ویژگی‌ها از طریق آموزش، توسعه فردی و ایجاد محیط کاری حمایتی است.

تحلیل یافته‌ها نشان داد که محیط کاری، سیاست‌ها و مدیریت منابع انسانی نقش تعیین‌کننده‌ای در بروز و تقویت ویژگی‌های شخصیتی دارد. به ویژه ادارات خصوصی با فراهم کردن فرصت‌های بیشتر برای تصمیم‌گیری مستقل، تعاملات انعطاف‌پذیر و بازخورد مستمر، توانسته‌اند مؤلفه‌های شخصیتی کارکنان را بیش از ادارات دولتی تقویت کنند.

علاوه بر این، ارتقای رفتار سازمانی مستلزم سرمایه‌گذاری در آموزش مهارت‌های نرم و برنامه‌های توسعه شخصیت است. کارکنانی که توانایی مدیریت هیجانات، تصمیم‌گیری مسئولانه و تعامل مثبت با همکاران دارند، احتمال بالاتری برای دستیابی به اهداف سازمانی و ایجاد محیط کاری هماهنگ دارند.

با توجه به یافته‌ها، می‌توان نتیجه گرفت که:

مسئولیت‌پذیری و ثبات عاطفی مهم‌ترین مؤلفه‌های شخصیتی هستند که رفتار سازمانی را بهبود می‌بخشند.

برون‌گرایی و پذیرش تجربه، اگرچه مفید هستند، اما تأثیر کمتری نسبت به سایر مؤلفه‌ها دارند. ادارات خصوصی در به کارگیری و تقویت ویژگی‌های شخصیتی کارکنان عملکرد بهتری نسبت به ادارات دولتی دارند.

توسعه مهارت‌های شخصیتی و ایجاد محیط کاری حمایتی می‌تواند به ارتقای بهره‌وری و رضایت شغلی کارکنان کمک کند.

در نهایت، بهره‌گیری از یافته‌های این تحقیق می‌تواند به مدیران و سیاست‌گذاران کمک کند تا با طراحی برنامه‌های آموزشی، مدیریت منابع انسانی و سیاست‌های انگیزشی، رفتار سازمانی کارکنان



را بهبود بخشیده و عملکرد کلی سازمان را ارتقا دهند. این نتایج همچنین نشان می‌دهد که پویایی شخصیت نه تنها به عنوان یک عامل فردی بلکه به عنوان یک عامل استراتژیک در توسعه سازمانی اهمیت ویژه‌ای دارد.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله هیچگونه تعارض منافع مالی یا شخصی مرتبط با موضوع تحقیق ندارند.

مشارکت نویسندگان

تمامی نویسندگان در طراحی تحقیق، جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل نتایج و نگارش مقاله مشارکت داشته‌اند.

سپاسگزاری

از تمامی کارکنان ادارات دولتی و خصوصی شهر مزار شریف که در تکمیل پرسشنامه و ارائه اطلاعات همکاری نمودند، سپاسگزاری می‌شود. همچنین از اساتید راهنما و همکارانی که در تحلیل داده‌ها و نگارش مقاله کمک کردند، تشکر می‌کنیم.

منابع

- Gholipour, A. (2009). Organizational Behavior Management (Individual Behavior) (2nd ed.). Tehran: SAMT Publications. (In Persian)
- Bahrami, M. (2006). Human Relations in Organization. Automobile Industry Journal, 103(2), 15–19. (In Persian)
- Haghshenas, H. (2006). Five-Factor Personality Traits Model: Interpretation Guide and Norms of NEO PI-R and NEO FFI Tests (1st ed.). Shiraz: Shiraz University of Medical Sciences Publications. (In Persian)
- Mortazavi, S., & Kargozar, N. (2011). Investigating the Relationship between Organizational Justice, Job and Emotional Satisfaction with Customer-Oriented Organizational Citizenship Behavior among Nurses. Journal of Rafsanjan University of Medical Sciences, 20(80). (In Persian)
- Hashemi, Esmail., Shekarkan, Hossein., Nisi, Abdol-Kazem., Shahni, Monijeh., & Khanifi, Jamal. (2008). Investigating the Simple, Multiple, and Interactive Relationships of Important Environmental, Attitudinal, Personality Variables and Deviant Behaviors in the Workplace. Journal of Educational Sciences and Psychology, 3, 53–80. (In Persian)
- Golparvar, M., Samsar, A., & Atashpour, H. (2011). The Role of the Big Five Personality Factors in the Relationship between Perceived Organizational Justice and Counterproductive Behaviors. Contemporary Psychology Journal, 6(2), 1–14. (In Persian)
- Naami, A., Hashemi Sheikh Shabani, E., & Ensafadaran, F. (2013). Investigating the Relationship between Person-Environment Fit, Organizational Citizenship Behaviors, and Counterproductive Work Behaviors with the Mediating Role of Job Motivation. Quarterly Journal of Career and Organizational Counseling, 5(16), 109–127. (In Persian)
- Hersey, P., & Blanchard, K. (1988). Management of Organizational Behavior: Utilizing Human Resources (Translated by A. Alagheband). Tehran: Amir Kabir Publications. (In Persian)
- Robbins, S. P. (1999). Organizational Behavior: Concepts, Theories, and Applications (Translated by A. Parsaeian & S. M. Arabi). Tehran: Cultural Research Bureau Publications.

- Stewart, A.J. & Rubin, Z. Power Motivation in the deing couple. Journal of Personality and Social Psychligy, (1976) 34,305- 309.
- Barrick, Murray, Mount, Michael & Judge. Tim (2001), Personality and Performance at the Beginning of the New Millennium: What Do We know and Where Do We Go Next? International Journal of Selection and Assessment, 9(1-2), pp, 9-30.
- Organizational Deviance and Their Common Correlates: A Review and Metaanalysis: Journal Applid Psychlogy, 92(2), pp. 410-424.
- Chatman, J. (1991) Matching people and organizations: Selection and socialization in public accounting firms, Administrative Science Quarterly, 36, 459 - 484.
- Feingold.A.(1994) Gender differences in personality: A meta-analysis. Psychological bulletin. 116. 429-456
- Feldman. D. C. (1981). The multiple socialization of organizational members. Academy of Management Review. 6. 309-218.
- Johnson. W.. McGue, M., & Krueger, R. F. (2005). Personality stability in late adulthood: Abehavioral genetic analysis. Joumal of personality, 73, 523-551.
- McGue, M., Bacon, S., & Lykken, D. T. (1993). Personality stability and change in early adulthood: A behavioral genetic analysis. Developmental Psychology, 29, 96-109.
- Гришина, Н.В. Психология конфликта /Н.В. Гришина. – СПб. :[б.и], 2001.- С. 59 – 87 .
- Громкова, М.Т. Организационное поведение: учебное пособие для вузов / Т.М. Громкова. – М.: Питер, 2008. – 544.
- Дафт, Р. Организации: Учебник для психологов и экономистов/Р.Л. Дафт. - СПб.: [б.и], 2003. – С. 34.
- Кричевский, Р.Л. Если вы – руководитель Элементи психологии фменеджмента в повседневной работе / Р. Л. Кричевский. – М, [б.и], 1996. - С. 147. ы
- Розанова, В.А. Психология управления: учебное пособие / В.А. Разанова. – М.: Альфа – Пресс, 2008. – 384 с.
- Урбанович А.А Психология управления: учебное пособие / А.А. Урбанович. – Минск.: Харвест, 2003. – 640 с ю
- Самыгин, С.И. Психология упраления: учебное пособие / С.И. Самыгин, Л. Д. Столяреко. – Растов н Д.;: Издательства (Фениск), 1997,- 512 с .

نقش ایمان در پیش گیری جرایم



پوهنیار محمد یحی انوری یوسفزی^۱

چکیده

یکی از عواملی که در پیش گیری ویا کاهش جرم و انحراف اجتماعی، تأثیر بسزای دارد متدین بودن و ایمان داشتن به خداوند متعال است. هنگامی که آدمی دور از چشم آشنایان، همسایگان و دیگران است، نه قانون، نه افکار عمومی و نه هیچ چیز اجتماعی دیگر، کار های وی را کنترل نمی کند، بلکه در این حالت، کنترل اعمال وی در پرتو ایمان توسط قدرتی صورت می گیرد که در همه مکان ها و زمان ها شاهد آدمیان است و به رفتار پسندیده و نیک پاداش می دهد و به بدی و گناه مجازات مقرر نموده است. ایمان داری و دین داری؛ مانند هر پدیده دیگری رو به تکامل بوده و دانشمندان و پیروان ادیان در این موافق اند. تحقیق گران برای تحقیق در پیدایش و تکامل دین، آن ها را مورد توجه قرار میدهند، پرسش که به میان می آید این است که آیا ایمان داری تاثیری در پیش گیری و کاهش جرایم دارد؟ و چگونه دوری از دین و ایمان موجب گرفتاری انسان در دام جرایم می گردد؟ در این جاست که برخی از انسانها به دلیل ضعف ایمان، قدرت تحمل و صبر در مقابل معصیت را ندارند و به راه های نامشروع روی می آورند، وقتی دوری از ایمان و دوری از اسلام می تواند به کفر منتهی گردد، بدون تردید امکان این وجود دارد که به جرم، بزه و فسق نیز بینجامد. نظارت و کنترل افراد در معرض بزه به دو روش انجام می پذیرد: روش اول اقدامات دولتی است که حکومت با استفاده از اختیارات قانونی خود به اقداماتی در راستای کنترل بزه کاران بالقوه دست می زند، که در حکومت های دینی، استفاده از راهکار های مذهبی، می تواند راهگشا باشد و روش دوم نظارت و مراقبت مردمی است که از درون جامعه سرچشمه می گیرد. باور های دینی؛ افزایش و تثبیت آن یکی از اساسی ترین فاکتور پیشگیری از جرم است. ایمان داری، عامل مهم در خشکاندن چشمه های فساد و تباهی است و در مقابل، سرنخ همه جرایم و گناهان را باید در نبود یا ضعف دینداری و ایمان داری جستجو کرد

کلید واژه ها: نقش ایمان، پیش گیری، کج روی، کاهش جرایم؛

۱. مقدمه

إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ، نَحْمَدُهُ وَنُسْتَعِينُهُ وَنُسْتَغْفِرُهُ، وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا وَمِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا، مَنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ، وَمَنْ يَضِلَّ فَلَا هَادِيَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.

پیشگیری از جرم در صورتی که در جهت تسلط بر محیط و اوضاع پیرامون مشرف بر جرم و نیز مهار آن انجام شود، افراد یا آماج های (ثروت افراد و ...) را از بزه دیدگی محافظت میکند. این نظریه به دنبال این است که حتی المقدور راه کارهای عملی و شگردهای را معرفی کند که می تواند به طور ابتکاری از امکان وقوع بسیاری از اعمال مجرمانه با شیوه های نوین و خاص خود پیشگیری نماید. پیشگیری وضعی از جرم، اشاره به یک روش خاص دارد که مبتنی بر متعالی کردن جامعه و نهاد های آن نیست؛ بلکه بر اساس درک عامه و مطالعات رفتاری، در نژاد های مختلف است، واقعیت روشنی وجود دارد و آن اینکه افراد غالباً دانسته و آگاهانه مرتکب جرم می شوند، هر چند ممکن است، زمینه ساز چنین اقدامی عوامل پنهان و آشکار مختلفی بوده باشد.

در هر جامعه ای تدابیر مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و غیره در جهت خشکاندن ریشه مجرمین و ایجاد جامعه ای سالم به صورتی که تصمیم به ارتکاب جرم در ذهن افراد تحقق نیابد اعمال می شود. در این میان نقش دین و ایمان به روز رستاخیز در ایجاد تعهدات مذهبی، ایجاد فرهنگ صبر در مقابل و سوسه های مجرمانه و ایجاد همبستگی و تعامل اجتماعی قابل توجه است. حال اگر این تدابیر کلی به حال شخصی مؤثر واقع نشد و او باز هم مصمم به ارتکاب جرم بود، باید وضعیتی ایجاد شود که تحقق عمل مجرمانه را دشوار، پر خطر و نا ممکن سازد، که از آن به پیشگیری وضعی یاد می شود.

در این روش گاهی فرد در معرض بزه دیدگی مدنظر قرار گرفته و با حمایت از او یا آن چه در معرض وقوع جرم است (آماج های جرم) از تحقق عمل مجرمانه جلوگیری می شود و در مواردی نیز با تغییر شرایط محیطی مانند زمان و مکان در صدد است از ارتکاب جرم توسط فرد مصمم به انجام جرم جلوگیری کند.

بزه کار به عنوان شخصی که تصمیم گیرنده است و با وجود همه تدابیر پیشگیری اجتماعی و ریشه ای می تواند تصمیم به ارتکاب جرم بگیرد باید کنترل شود. در تعالیم و دستورات دینی تلاش



در زمینه پیش گیری از جرم در نظر گرفته شده است. گاهی این راهکار ها به ایجاد محدودیت های نسبت به افراد منتهی می شود.

۲. پیشینه تحقیق

۱. نقش ایمان در زندگی، نوشته دکتر محمد یوسف قرضاوی، مترجم: فرزانه غفاری و محسن ناصری، تهران: نشر احسان، ششم، ۱۳۷۳ش. وی در این تحقیق تحقیق مفصلی دارد در باره اثرات شگرف ایمان به خداوند متعال و عمل به دستورهای دین بر شخصیت فردی و منش اجتماعی انسان.

۲. نقش دین و دین داری در کاهش جرایم، نوشته حسین بافکار، تهران: پایگاه اطلاع رسانی حوزه، شماره ۲۶، ۱۳۸۶ش. محقق در این تحقیق به بررسی نقش دین و دین داری در جلوگیری از جرایم پرداخته و توضیح داده است که دین داری و ایمان داری نقشی مهمی در کاهش جرایم دارد.

۳. مفهوم جرم

۱.۳ مفهوم لغوی جرم

جرم در لغت از ماده (جرم) به (فتح جیم) گرفته شده به معنای قطع کردن و بریدن است (دهخدا، ۱۳۷۲ش). واژه جرمه در عربی مترادف جرم است و در عرف فارسی بعضاً به مفهوم جزا کار برده می شود، چنانچه می گویند: جرمه نقدی و جرمه مالی. یا به قول راغب اصفهانی: اصل معنای جرم، کندن و قطع میوه از درخت است و آنگاه برای هر کسب و کار زشت و مکروه به طور استعاره به کار می رود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق).

در یک تعریف کوتاه و مختصر، جرم در معنی عام انجام فعل یا ترک فعل انسان است که جامعه آن را به دلیل اخلال در نظم اجتماعی به قید ضمانت اجرای کیفری منع کرده است (نوربها، ۱۳۹۲ش). از این تعریف چنین بر می آید که: نخست، جرم یک واقعیت انسانی و اجتماعی است. از بعد انسانی شناخت این واقعیت کنجکاوی پزشکان، روان پزشکان، روان شناسان و حتی ادیبان و نویسندگان را برانگیخته و از بعد اجتماعی ذهن جامعه شناسان و حقوق دانان را به خود مشغول ساخته است. این دو جنبه اصالت و همزمان پیچیدگی پدیده جنایی را به وجود می آورد (وجدان، ۱۳۹۱ش). دوم، این پدیده که حاکی از تعارض میان انسان و جامعه است، واکنش اجتماعی را علیه بزهکار بر

می‌انگیزد. سوم، رفتارهای انسان همانند مبانی نظم اجتماعی در هر زمان و مکان دستخوش دگرگونی است و مبارزه علیه جرم باید با این دگرگونی‌ها، شیوه‌ها و هدفهای خود را تطبیق دهد. بنابراین، تحول و انکس جنایی علیه پدیده جنایی، واقعیت انکار ناپذیر است (دانش، ۱۳۸۱ ش).

۲.۳ مفهوم جرم از دیدگاه قرآن

در این آیت قرآن کریم جرم به معنای گناه و معصیت تلقی شده است: (فَانْتَقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرَمُوا وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ) (الروم آیه ۴۷) ترجمه: از کسانی که مرتکب جرم شدند انتقام گرفتیم و یاری کردن مؤمنان بر ما فرض است.

این گفتار خداوند ﷻ است که می‌فرماید: (وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ) (المائدة آیه ۸) ترجمه: و البته نباید دشمنی گروهی شما را بر آن وا دارد که، عدالت نکنید، عدالت کنید که آن نزدیکتر به تقوی است. و در مورد دیگری خداوند ﷻ می‌فرماید: (وَيَا قَوْمِ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِي أَنْ يُصِيبَكُمْ مِثْلُ مَا أَصَابَ قَوْمَ نُوحٍ أَوْ قَوْمَ هُودٍ أَوْ قَوْمَ صَالِحٍ وَمَا قَوْمُ لُوطٍ مِّنْكُمْ بِبَعِيدٍ) (الهود آیه ۸۹) ترجمه: ای قوم من! ضدیت با من نباید وادار سازد شما را به این خصلتی که برسد به شما مانند آنچه رسید به قوم نوح یا به قوم هود یا به قوم صالح.

هر دو آیت بالا به مفهوم ذنب و گناه اشاره ننموده، بلکه به مفهومی باعث شدن به گناه دلالت دارد.

۳.۳ تعریف جرم از نقطه نظر فقهای اسلام

فقها در تعریف جرم از عقاید دینی الهام گرفته و آنرا تضییع و تجاوز به حق الله و حق الناس می‌دانند. بنابر این از نظر الهیون جرم شامل مسائلی است که دارای مفاسد اجتماعی و مفاسد شخصی باشد (بافکار، ۱۳۸۶ ش).

جرم عبارت است از انجام دادن فعل، یا گفتن قول که قانون اسلام آنرا حرام شمرده و بر فعل آن جزا مقرر داشته است، یا ترک فعل یا قول، که قانون اسلام آنرا واجب شمرده و بر آن ترک، جزای مقرر داشته است (زراعت، ۱۳۸۵ ش). و این از آنجا نشأت کرده که هر کس از اوامر و نواهی خدای تعالی سرپیچی کند، برای او جزا و مجازاتی معین شده است، و آن جزا یا در دنیا گریبانگیر مجرم می‌شود که درین صورت از طرف حکومت اسلامی به اجرا در می‌آید، و یا جزا تکلیف دینی است که مجرم برای اینکه گناهش پوشیده و محو گردد انجام می‌دهد، تا کفاره گناه او گردد، یا اینکه جزا،



در آخرت مجرم رامعذب خواهد داشت و گناهکار در سرای دیگر به سزای عمل زشت و ناهنجار خود خواهد رسید، مگر آنکه توبه مجرم طبق شرایطی مورد پذیرش خدای تعالی قرار گیرد (سلیمی، ۱۳۸۲ ش).

همچنین تعریف جرم بنابه شریعت اسلام از نظر برگزار کنندگان کنفرانس اجرای حقوق جزای اسلامی که در سال ۱۳۵۵ در شهر ریاض عربستان برگزار شده، عبارت است از: مخالفت با اوامر و نواهی کتاب و سنت، و یا ارتکاب عملی که به تباهی فرد یا جامعه منتهی گردد. هر جرم را جزایی است که شارع بدان تصریح کرده و یا اختیار آن را به ولی امر یا قاضی سپرده است (روحانی، ۱۳۹۵ ش).

در بررسی و تجزیه و تحلیل سخنان و اظهار نظر فقها پیرامون جرم، میتوان نتیجه گرفت که در لسان فقهی، جرم را مترادف با گناه بیان نموده اند.

۴.۳ جرم در اصطلاح شرع

جرم در اصطلاح شرع به دو معنی بکار رفته است: معنی عام و معنی خاص

الف: جرم به معنی عام: عبارت است از احداث هر فعل یا قوی که قانون جزای اسلام آنرا حرام قرار داده و بر مرتکب آن مجازات مقرر ساخته باشد، یا ترک فعل و قول که شرعاً حرام است که قانون اسلام آنرا واجب محسوب نموده و بر ترک آن عقوباتی مقرر داشته است. بر اساس این تعریف هر فعل یا ترک فعلی را که بردین، نفس، مال، عرض و عقل انسان ضرر و صدمه وارد بسازد جرم نامند (روحانی، ۱۳۹۵ ش). پس تخلف از امر و نهی خداوند^ع تحت هر عنوان و انگیزه جرمی که بوده باشد، جرم تلقی گردیده و جزایش بر مجرم تطبیق می گردد تخلف یا دنیوی است و یا اخروی که خداوند^ع در سرای آخرت مجرم را تعذیب خواهد کرد. جرم به این اعتبار عام بوده که اثم، معصیت و خطیئه را نیز شامل می شود اما بعضی از فقهای اسلام، اشتباهات و تخلفات را بر دو نوع تقسیم نمودند:

۱ - تخلفاتی که اثبات آنها در محکمه قضایی شرعی بسیار دشوار باشد، به دلیل آنکه دلایل و شواهدی که بتواند آنها را اثبات برساند در دسترس نمی باشد. این دسته تخلفات مانند دروغ، نمایی، غیبت، حسادت و ... مجازات اخروی دارند.

۲ - تخلفاتی که می توان آنها را در محکمه شرعی مطرح ساخت و برای اثبات آنها شواهد و براهین اقامه کرد. این نوع جرایم، بر علاوه مجازات دنیوی از قبیل قصاص، حدود و تعزیرات، مجازات اخروی نیز در پی خواهد داشت (شامیاتی، ۱۳۸۴ ش).

از نظر حقوق دانان اسلام، دسته نخست بنام اثم، معصیت و خطیه و دسته دوم بنام (جرم و جرمه) یاد می شود. تعریف جرم از دیدگاه اسلام کاملاً با تعریفی که قوانین جدید از آن می کند موافق است (روحانی، ۱۳۹۵ ش).

ب: جرم به معنی خاص: عبارت است از ممنوع شرعی که مرتکب آن از طریق قصاص، دیات، کفارات و یا تعزیرات در دنیا مجازات می گردد. پس جرم، امر ایجابی (مثبت) یا (منفی) است که قانون اسلام آنرا حرام کرده و بر مرتکب آن کیفر دنیوی مقرر کرده است. امور ممنوع شرعی بر دو قسم اند: یا انجام دادن منهی عنه است یا ترک مأموریه، و کیفر دنیوی یکی از چهار کیفری است که در بالا ذکر شد (سروری، ۱۳۸۹ ش).

۴. مفهوم قانونی جرم

به طور کلی جرم از نظر قانونگذار به عنوان یک مفهوم انسانی و قضائی در قالب قوانین جزائی مشخص می شود و ارتکاب آن به صورت فعل یا ترک فعل باضمانت اجرائی متناسب، ممنوع اعلام می شود. بنابر این برای درک مفهوم جرم از نظر قانونگذار به ناچار باید رفتار شخص از دیدگاه قانون جزا مورد توجه و بررسی قرار گیرد؛ زیرا تنها قانون است که می تواند اعمال مخالف نظم و ارزشهای حاکم بر جامعه را توصیف کند (سروری، ۱۳۸۹ ش).

فرق بین جرم و جنایت: اکثر فقها بین جرم و جنایت فرق نمی کنند و هر دو را الفاظ مترادف

می دانند فقها جنایت (جرم) را به سه دسته تقسیم کرده اند: ۱ - تجاوز بر نفس که عبارت از قتل نفس است. ۲ - تجاوز به کمتر از نفس، که عبارت از تجاوزی است که نفس به قتل نرسد بلکه به یک عضو یا بر بعضی عضو ضرر برسد. ۳ - تجاوز که از یک لحاظ بر نفس است لیکن از لحاظ دیگر تجاوز بر نفس نیست، مثلاً قتل جنین در شکم مادر که به سبب ضرب که بر مادران وارد گردیده طفل مرده تولد شود، که بالای قاتل پنج شتر دیت لازم می گردد (سروری، ۱۳۸۹ ش).

پس در تعریف جرم و جنایت بین قانون و شریعت اختلاف است، در شریعت هر جنایت خرد و بزرگ جرم است. اما در قانون جرم را به سه دسته تقسیم می نمایند: جنایت، جنحه و قباح، ماده



بیست و سوم قانون جزای افغانستان در زمینه چنین تصریح می دارد: « جرایم از حیث شدت و خفت به جنایت، جنحه و قباحت تصنیف می گردد (دانش، ۱۳۸۱ ش).

۵. نقش دین در کاهش جرم و کج روی اجتماعی

علت های هستند که مردم را به صورت باطنی از رفتار و گفتار ناجایز و نامشروع منع و نهی می کنند، یکی از بهترین و کاربردی ترین این علت ها؛ دین است، دین داری و ایمان داری با تطبیق و اجرای سامانه کنترل باطنی قدرتمند در بشر، آن ها را از ارتکاب کار های ممنوع و ناجایز منع می کند و باعث می گردد که انسان ها خود را از نظر درونی مراقبت کنند. این نیرومندترین و قدرتمندترین مراقبت می باشد زیرا؛ در این حالت هیچ نیازی به نیروی انتظامی و پلیس نیست.

۱.۵ برخی از آموزه های دینی و نقش آنها در پیش گیری از جرایم

۱.۱.۵ یاد خداوند متعال

الله متعال می فرماید: (الذین آمنوا و تطمئن قلوبهم بذكر الله الا بذكر الله تطمئن القلوب) (سوره رعد آیه ۲۸). ترجمه: اشخاصی که ایمان آورده اند و قلب های شان به یاد خدا آرام می گیرد، آگاه باش که با یاد خدا قلب ها آرامش می یابد.

یکی از پیام های ایمان داری؛ یاد و ذکر الله متعال است، با یاد خداوند متعال و حاضر و ناظر دانستن او به سبب حیامند گردانیدن انسان، آدمیان را از خلاف کاری ها و جرایم منع می کند و به روح و روان او آرامش و ایمنی می بخشد.

هر مقداری که ایمان داری و دینداری ما زیاده تر باشد، بیشتر به یاد الله متعال می باشیم و بیشتر به عبادت او مشغول هستیم، و به هر میزان که انسان به ذکر الله متعال باشد، کمتر مرتکب گناه می شود. مرتکب معصیت شدن و مرتکب معصیت نشدن، دایر مدار آگاهی و عدم آگاهی نیست، بلکه دایر مدار تذکر و غفلت است. به هر میزان که آدمیان غافل باشند، یعنی الله متعال را فراموش کرده باشند، بیشتر مرتکب معصیت می شوند، و هر اندازه که خداوند بیشتر به یاد شان بیاید، کمتر مرتکب گناه می گردند، و عبادت بخاطر این است که انسان زود به زود به یاد و ذکر خداوند متعال بیافتد و هر چه که انسان بیشتر به یاد خدا باشد، بیشتر پایبند اخلاق و حقوق می باشد (ندوی، ۱۳۶۲ ش).

اگر ما انسان ها حس کنیم که الله متعال، همیشه ناظر و مراقب ماست، شرم حضور او ما را از هر آنچه سبب نارضایتی و ناخشنودی او تعالی است، باز می دارد.

۲.۱.۵ امر به معروف و نهی از منکر

یکی از فعالیت ها و کارکرد های دین داری و ایمان داری در جلوگیری از جرایم و خلاف ها، وضع قوانین سازنده و استوار است که از جمله آنها می توان به امر به معروف و نهی از منکر اشاره نمود.

امربالمعروف و نهی عن المنکر، یکی از اصول عملی پیشرفته دین مقدس اسلام است که همانند نماز و روزه و حج و زکات بر مسلمانان فرض است. عملی شدن و تطبیق گردیدن این اصل در جوامع اسلامی، ساز و کار بسیار نیرومندی برای کنترل کج روی های اجتماعی به وجود می آورد (ندوی، ۱۳۶۲ ش).

در حقیقت، اسلام عزیز با توصیه و سفارش به امر به نیکی و نهی از بدی، انسان های مسلمان و دیندار را ملزم می نماید که در برابر افعال و اقوال خلاف و زشت انسان ها، احساس مسئولیت کنند و در برابر آنها خاموش نباشند، و با قول و فعل مناسب پاسدار و نگهبان فضیلت ها و نیکی ها در اجتماع باشند و از وسعت و گسترده گی هر گونه رفتار نامناسب و جرم در جامعه جلوگیری نمایند (بافکار، ۱۳۸۶ ش).

بدون شک، اگر امربالمعروف و نهی عن المنکر با حکمت و به شکل صحیح انجام می شد، فعلاً بسیاری ناهنجاری ها و جرایم در اجتماع وجود نداشت، و جامعه از بیشتر آلودگی های برخاسته از جرایم، پاک بود، در اجتماع جرم ها و خلاف کاری های زیادی انجام می شود؛ چون یکی از دلایل آن این است که دیگران در قبال آن ها خود را مسئول نداشته و سرانجام امربالمعروف و نهی عن المنکر نمی نمایند.

۳.۱.۵ پرورش وجدان و نفس سرزنش گر

یکی از فعالیت ها و تلاش های دین مقدس اسلام برای رویاروی با خلاف کاری ها و پیش گیری از جرایم، بیدار نگه داشتن و تربیت دادن وجدان انسان یا همان نفس لواحه و سرزنش گر می باشد، که برخی از دانشمندان آن را وجدان اخلاقی یا پلیس مخفی نیز نام گذاری کرده اند. خصوصیت این نفس ملامت کننده؛ این است که صاحبش را در صورت انجام معاصی و جرایم زیر تیغ سرزنش و ملامت قرار می دهد و در نتیجه، سبب پشیمانی و پشیمانی او می گردد، و زمینه را برای رها کردن کارهای خلاف؛ آماده می سازد. اهمیت این نفس تا آن جاست که خداوند متعال در قرآن کریم به آن سوگند یاد نموده است، و می فرماید: (لَا أُقْسِمُ بِیَوْمِ الْقِیَامَةِ - وَ لَآ أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ) (سوره القیامه



آیات (۱-۲) ترجمه: سوگند به روز قیامت، و سوگند به نفس لواحه و وجدان بیدار و ملامتگر که رستاخیز حق است. اگر نهال وجدان آدمیان همیشه بر اثر دستورات دینی آبیاری شود، اندازه گناه و جرم آدمی به کمترین میزان ممکن خواهد رسید (ندوی، ۱۳۶۲ش).

۴.۱.۵ نقش ایمان در کاهش جرایم

در اجتماع اسلامی تحقیقات که صورت گرفته، این موضوع را به اثبات می‌رساند، که در روزهای خاص مثل ماه مبارک رمضان، اندازه و میزان جرایم و جنایات کمتر شده و کاهش قابل توجهی دارد که این خود گواه نظریه فوق است. همه ادیان آسمانی، انسان‌ها را به خوبی، راستی و صداقت و فلاح دنیوی و اخروی فرا خوانده اند (بافکار، ۱۳۸۶ش).

دین داری و ایمان داری؛ که در فطرت انسانیت ریشه دارد، با در نظر داشت تمام تقسیمات عوامل محیطی، رهنمودهای ارائه داده است که نخست؛ جنبه جلوگیری و پیشگیری دارد و دوم؛ اگر کسی به هر دلیل، از وقوع جرم پیش گیری نکرد باید به روش های درمانی دین داری و ایمان داری دین مقدس اسلام پناه ببرد. مثلاً در بعد جلوگیری چون خانواده نقش بسیارزادی در شکل گیری شخصیت خلاف کار و مجرم ایفا می‌نماید، به گونه‌ای که تحقیقات زیادی این موضوع را ثابت کرده است، وقتی فساد؛ سبب بروز اختلال در عمل طبیعی خانواده نسبت به طفل گردد، پس از مدتی شاهد بروز خلاف کاری خواهیم بود. قابل یادآوری است که عامل مذکور می‌تواند به دو شکل؛ مستقیم و غیر مستقیم در شکل گیری شخصیت طفل مجرم، تأثیرگذار باشد، اما در بیشتر موارد نفوذ جرم‌زایی خانواده به نحوی غیر مستقیم بر کودک اعمال می‌شود، از این رو اسلام نقش خانواده را در به وجود آمدن یا نیامدن خلاف کاری و تبه‌کاری و انحراف در حالات و مراحل متفاوت بسیاری مهم دانسته و سفارش‌های پیشگیرانه‌ای متعدد و ارزشمندی را به اتباع خود و سایر افراد بشریت برای باز سازی نسل، بیان نموده است. چنانکه قبل از هر چیز در باره انتخاب همسر و خصوصیات او و چگونگی تشکیل خانواده سخن گفته است و مردم را از ارتباط نامشروع و نامناسب بدون قید و بند به دلیل مفاسدی که در آن نهفته است بر حذر داشته و در مقابل آنان را به سنت ازدواج و تشکیل کانون گرم خانواده، تشویق و ترغیب نموده است (ندوی، ۱۳۶۲ش).

قانون اسلامی برای کسانی که مرتکب جرم می‌شوند کیفرهای مادی قرار داده است که از ارتکاب جرایم جلوگیری شود. اما مخالفان قانون اسلامی همواره از دست قانون فرار می‌کنند، واز تحت فرمان او خارج می‌شوند، و دور از چشم قانون و مجریان آن به کارهای خودشان می‌پردازند،

گاهی کارهای خود را پنهان می کنند، و گاهی به صورت علنی دست به ارتکاب اعمال خلاف قانون می زنند و به تبهکاری هایشان لباس قانون می پوشانند، یا به صاحب منصبی متوسل می شوند تا از آنان شفاعت کند، یا دفاع کند، اما وقتی به سراغ کیفرهایی که ایمان برای انسان با ایمان مقرر می کند، می رویم، وضعیت دیگر و منطق دیگری مشاهده می کنیم، آنجا می بینیم که انسان با ایمان، وقتی که پایش می لغزد و مرتکب جرمی می شود، چرا که او هم بشر است، گاهی درست عمل می کند و گاهی نادرست، خیلی زود وجدانش بیدار می شود، و او را شتابان و دوان دوان به دست عدالت می سپارد، و به جرم خودش اعتراف می کند و برای خود تقاضای کیفر می کند، تا از آلودگی های گناه پاک گردد، آثار نافرمانی خدا از وجودش محو گردد، و امیدش اینست که این کار کفاره گناه او گردد و با این اعتراف در پیشگاه پروردگار از او شفاعت کند، با آن که می داند اعتراف او به تازیانه و شلاق خوردنش یا بریده شدن دستش یا از دست دادن جاننش منجر می شود، در این کار تردیدی به خود راه نمی دهد (ندوی، ۱۳۶۲ ش).

این مرد عرب بادیه نشین، معزین مالک اسلمی رضی الله عنه را بنگرید، نزد رسول خدا صلی الله علیه وسلم می آید و می گوید: ای رسول خدا! بر خودم ستم نمودم و زنا کردم! می خواهم که مرا تطهیر فرمایی! رسول خدا صلی الله علیه وسلم به او می فرماید: شاید فقط دست بازی کرده ای؟ شاید فقط بوسه بازی کرده ای؟ شاید فقط با پا و ران زن بازی کرده ای؟ و هربار اظهارات وی را رد می فرماید، اما او بر اعتراف بر گنااهش اصرار می ورزد، و اصرار دارد که رسول خدا صلی الله علیه وسلم، حد الهی را براو جاری کنند، و او را از این آلودگی پاک کنند، هر چند که با سنگسار کردن باشد، و رسول خدا صلی الله علیه وسلم بالاخره فرمان می دهند که حد الهی بر او جاری گردد و او صبورانه و امیدوار به عفو و مغفرت الهی به حساب خدا، آن جزای شرعی را می پذیرد (قشیری، ۱۴۱۲ ق).

۶. عوامل کاهش دهنده جرم

۱.۶ ایمان به خداوند متعال

هدف و مراد از ایمان به الله متعال این نیست که صرفاً به صورت یک نظریه علمی، مثل فلاسفه الهی، کائنات را مخلوق آفریدگار دانا و با اراده بدانیم و به فرقه الهیون پیوست شویم، و تئوری فلاسفه مادی را باطل شمیریم و مردود بشناسیم، بلکه مراد و هدف؛ باور داشتن خداوندی است که مالک واقعی انسان و جهان است و یگانه معبودی است که سزاوار عبادت است. خداوندی که شنوا و بینا



هست؛ سخنان انسان ها را می شنود، افعال و کار های آنها را می بیند و نظاره آن ها می باشد، و بر هر چه بر آن ها می گذرد شنوا و بینا است. الله متعال بر همه ی بندگانش و بر تمام هستی احاطه کامل دارد و در تمام لحظات، از حرکات و سکانات شان مراقبت می کند، و بر کلیه واقعیت های ظاهری و باطنی شان آگاه می باشد.

خواسته ها و خواهشات انسان ها نامحدود است، درحالیکه مادیات محدود نه تنها پاسخگوی تمنیات نامحدود او نیست، بلکه با رسیدن به لذت های زودگذر مادی و به دست آوردن ثروت ها، مناصب و مقامات دنیوی محض که گاهی عواقب بسیار بدی به دنبال دارد، بشر را آورده به گناه سوق می دهد و دل زده می شود و همچنان به تفحص بی نهایت میرود تا خواهش های نامحدود خویش را اقناع نماید و ضمیر ناآرام خویش را آرام کند. این مقصد عالی فقط با یاد خداوندی که کامل مطلق و واجد تمام کمال است، دست یافتنی است، در یک جمله، جوابگوی مطلق خواسته های انسان؛ خداوند قادر و مقتدر است (بافکار، ۱۳۸۶ ش).

انسان دین دار و با ایمان چون با تمام هستی انس و الفت دارد و در جهان که مخلوق خداوند متعال است، زیست می نمایند، مطیع پیامبران و همنشین صدیقان است، پیرامون معصیت و گناه سیر نمی کند. انسان با ایمان به عوامل آرامش زایی چون دعا و نیایش؛ مسلح است با بزهکاری شب و روز خود را سپری نمی کند، بنده مومن پرهیزگار راضی و خشنود است هم از خود و هم از خداوند متعال و همچنان از جهان، انسان با ایمان احساس عمیق نسبت به نعمت های خدادادی دارد احساس رضایت مؤمن، مصدر قوت و نیروی اوست چرا که او ایمنی درونی یافته است. مؤمن خلاف کار و زشت کار نیست، وجدان خود را زیر پا نمی کند، تحمل و صبر دارد، همیشه امیدوار است، از غیرالله نمی ترسد، مؤمن به وسیله ایمانش بینشی نسبت به هستی پیدا می کند که برای او در زندگی کارساز است و وی را به سوی انسان کامل سوق می دهد. این طرز فکر و اندیشه که بر اساس آگاهی و باور حقیقی است، مومن را در جامعه امین میسازد به طوری که دیگران در پرتو امنیت او زندگی می کنند (ندوی، ۱۳۶۲ ش).

۲.۶ ایمان به قیامت

هدف از باور داشتن به روز قیامت از نظر دین مقدس اسلام، این نیست که ما فقط به بقای روح بعد از مرگ معتقد باشیم و نظریه فلسفه مادی را که نافی روح مجرد هستند اشتباه بدانیم. بلکه هدف و مقصد ایمان داشتن به عالم آخرت و باورداشتن به جزا و پاداش الهی است. ایمان به عالمی که مردم

به فرمان الله متعال زنده می شوند و در آن روز به محکمه عدل الهی حاضر می شوند. ایمان داشتن به روزی که اعمال نامه هر شخص پیش رویش گشاده می شود و می بیند تمام کار های مشروع و نامشروع و همه اعمال خورد و بزرگ که در تمام عمر دنیایی خویش مرتکب شده در آن به ثبت رسیده است. مسلمانی که به روز قیامت معتقد هست، در مهار نمودن غریزه ها، میزان و اندازه گیری تمایلات و اجتناب از جرائم و معاصی نسبت به غیر مؤمن به قیامت؛ به مراتب کامیاب تر است، زیرا، وقتی شخصی به روز قیامت یقین و باور دارد و خویش را در پیشگاه الهی قابل مؤاخذه و مسئول دید همواره مراقب اعمال خود است و هیچ حاجتی به مراقبت های نیروی انتظامی و هیچ ترسی از مقرر های جزایی ندارد. ظاهر و باطنش یکسان است همیشه و همه جا حقوق انسان ها را بخاطری رضای الله متعال رعایت می نماید، به گناه و معصیت نزدیک نمی شود و به انگیزه دینی، تلاش میکند که از چهارچوکات حق و عدالت پا را بیرون نگذارد (ندوی، ۱۳۶۲ ش).

۷. راهکار های عبادی

دین مقدس اسلام در کنار اصول دین، فروعاتی نیز دارد، که حکم لازمی بر آنها تطبیق می شود، این جزئیات گرچه در برابر اصول اند اما از اهمیتی بسیار زیادی برخوردار است، به گونه ای که از موضوعات مهم دین محسوب شده اند. فرائضی مثل ادای نماز و گرفتن روزه و دادن زکات و مراسم و مناسک حج و جهاد کردن و امر به معروف و نهی از منکر و غیره، اگر وسیع تر نگاه شود؛ سیر و سلوک و تعقل و تفکر و تعلیم و تعلم و دعوت به علوم، فنون و صنایع، و ترغیب و تشویق روش های تجربی، زمینه برپایی فرهنگ کار و تولید و اندیشه و بینش در باره رابطه مادیت و معنویت، در کنار معرفی جایگاه انسانی و زیور یافتن انسان ها به کرامت انسانی و شرافت و عزت و قدرت و مقولاتی از این قبیل، طوری در دین جایگزین و چینش شده اند که مؤمن متقی با انجام این دستورات، عنصری از درون پاک و از بیرون مفید و سازنده برای اجتماع بار خواهد آمد. باور و عمل به این آموزه ها نقشی مهم در کاهش جرم و بزهکاری دارد. تأمین نیاز های مختلف کارگران را بر کار فرمایان واجب نموده که چنانچه پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم فرموده اند: هر شخصی که وظیفه ای از ما بر عهده اوست، و خانه ای برای سکونت نداشته باشد، برای او باید خانه ای برای سکونت تهیه و آماده گردد، و یا اگر همسر نداشته باشد، باید برای او زن به نکاح گرفته شود، و یا اگر مرکبی برای سواری نداشته باشد، برای او باید مرکبی برای سواری آماده و تهیه گردد. هر مسلمانی می فهمد که انجام دادن فرایض و واجبات و ترک نمودن محرّمات و منہیات روی مصالحی مرتب و منظم شده است، که



کمترین فایده آن، دوری و جلوگیری از جرایم و الودگی‌ها می‌باشد. زیرا بعضی احکامی هستند که عنوان حفاظت جسم و روح در اهمیت آنها قطعی یقینی است، خوردنی و نوشیدنی‌های مضر و بیماری‌زا از قبیل خوردن گوشت خوک و نوشیدن شراب تحریم شده و استفاده از طعام و خوردنی‌های که به طور موردی برای اشخاص مضر هستند هر چند مباح باشند ممنوع و حرام هستند و از طرف دیگر شریعت اسلامی به پاکی ظاهری و باطنی چون دوری از معصیت و توبه از گناهان و معاصی دستور داده است. همه‌ای این احکام و مقررہ‌ها قطعاً و یقیناً در جلوگیری و کاهش جرایم نقش موثری دارند (سلیمی، ۱۳۸۲ش).

۸. نتیجه‌گیری

دین داری و ایمان داری بشر را به طور باطنی و درونی از کارهای ناجایز و خلاف نهی می‌کند و باز می‌دارند. ایمان؛ با ایجاد یک سامانه کنترل درونی قوی و نیرومند در مردمان، آن‌ها را از انجام کارهای ناجایز و ممنوع، منع می‌کند، و باعث می‌گردد که آدمیان خود را از لحاظ باطنی کنترل و مراقبت نمایند. این، نیرومندترین و قوی‌ترین مراقبت می‌باشد، آن‌هم بدون هزینه نیروی پلیس. علاوه بر این، در یک اجتماع دینی و اسلامی معیارهای فوق‌الذکر در جامعه اسلامی بسیار ارزشمند است، و در اجتماع بسیار کاربرد دارد. معیار تشخیص ارزشمندی‌ها و هنجارهای دینی به وسیله تعلیمات دینی تعیین می‌گردد. امکان دارد فعل و قولی خاصی در آن جامعه هنجار تلقی نشود و کسانی که انجام دهنده آن قول و فعل هستند، هیچ‌کسی آن‌ها را توبیخ و یا ملامت نکند، اما در شرایط خاصی، ارتکاب چنین عملی در یک جامعه دینی خلاف کاری و معصیت تلقی گردد. برای نمونه؛ خوردن و نوشیدن در روزهای عادی و حتی در یک اجتماع دینی هنجار شکنی تلقی نمی‌گردد. اما همین عمل خوردن و آشامیدن؛ در اجتماع اسلامی در رمضان المبارک و در حضور مردم و ملاء عام صورت گیرد، تخطی و معصیت تلقی شده، جزایهای سختی هم از نظر شریعت اسلامی و هم از نظر اجتماعی در انتظار مرتکبین چنین عملی نامشروع می‌باشد.

یکی دیگر از عواملی که نقش سازنده‌ای در پیشگیری از وقوع جرم و کاهش آن دارد، آگاهی و رشد فرهنگی است. می‌توان گفت بسیاری از کسانی که به بدی و زشتی مبادرت می‌کنند و دست به خلاف و جرم و جنایت می‌زنند، از آگاهی و رشد و تعالی فرهنگی برخوردار نیستند باید به آنها آموزش داد و سطح فرهنگ آنها را بالا برد. باید به آنها آموخت که کدام یک، کار نیک است و عادت شان داد که به آن عمل کنند و کدام کار بد است و عادتشان داد که از عمل به آن خودداری کنند. عوامل آماده کننده، طوریکه از نامش پیداست به عواملی گفته می‌شود که زمینه را برای ارتکاب جرم آماده می‌سازد.

منابع

القرآن الکریم

- بافکار، حسین، نقش دین و دین داری در کاهش جرم، تهران: پایگاه اطلاع رسانی حوزه، شماره ۲۶، ۱۳۸۶ ش.
- دانش، تاج زمان، مجرم کیست و جرم شناسی چیست، تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۸۱ ش.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داودی، بیروت: دارالعلم-الدارالشامیه، اول، ۱۴۱۲ ق.
- روحانی، رحیم الله، حقوق جزای اسلام و مقایسه با قوانین وضعی، کابل: انتشارات تمدن شرق، ۱۳۹۵ ش.
- زراعت، عباس، حقوق جزای اختصاصی اسلام، تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۸۵ ش.
- سروری، عبدالبصیر، حقوق جزای اختصاصی اسلام، کابل: انتشارات رسالت، ۱۳۸۹ ش.
- سلیمی، صادق، حقوق جزای اسلام، تهران: نشر تهران صدا، ۱۳۸۲ ش.
- شامیاتی، هوشنگ، حقوق جزای اختصاصی اسلام، تهران: انتشارات ژوبین، ۱۳۸۴ ش.
- قشیری، ابوحسین مسلم بن الحجاج، صحیح مسلم، بیروت: انتشارات دارالجلیل، ۱۴۱۲ ق.
- ندوی، علی ابوالحسن، دستور حیات، لاهور، مجلس تحقیقات علمی اسلامی اول، ۱۳۶۲ ش.
- نوربها، رضا، زمینه جرم شناسی، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۲ ش.
- وجدان، محمد رضا، عمومیات جرم شناسی، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۱ ش.

تأثیر رضایت شغلی بر افزایش بهره‌وری کارکنان

(مطالعه موردی: نمایندگی‌های نوبل کابل بانک در جوزجان و مزار شریف)



پوهنیار احمد میلاد نبرد^۱
پوهنیار مجتبی خیر اندیش^۲
پوهنیار احمد سلیمان کریمی^۳

چکیده

این تحقیق با هدف بررسی میزان رضایت شغلی و تأثیر آن بر بهره‌وری کارکنان نمایندگی‌های نوبل کابل بانک در جوزجان و مزار شریف انجام شده است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و از نوع پیمایشی بوده و داده‌ها از طریق پرسشنامه استاندارد از میان کارکنان جمع‌آوری گردید. نمونه‌ای متشکل از ۱۲۰ کارمند نوبل کابل بانک در مزار شریف و جوزجان انتخاب شده است تا ارتباط بین رضایت شغلی و بهره‌وری، مورد بررسی قرار گیرد. یافته‌ها نشان می‌دهد که بین رضایت شغلی کلی و بهره‌وری کارکنان رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد؛ به گونه‌ای که افزایش رضایت شغلی کارکنان منجر به ارتقای بهره‌وری آنان می‌شود. این نتیجه تأکید می‌کند که بهبود عوامل مؤثر در رضایت شغلی، نقش مهمی در افزایش عملکرد و کارایی کارکنان دارد. علاوه بر این، تحلیل‌ها نشان می‌دهد که روابط بین فردی و محیط کار بالاترین تأثیر را بر بهره‌وری دارند. همچنین حقوق و مزایا و فرصت‌های پیشرفت شغلی نیز نقش مهمی در این زمینه ایفا می‌کنند. ضریب تعیین کلی مدل نشان می‌دهد که تقریباً نیمی از تغییرات بهره‌وری کارکنان به ابعاد رضایت شغلی مربوط می‌شود. این یافته‌ها به مدیران توصیه می‌کند که برای افزایش بهره‌وری، به بهبود شرایط کاری و ایجاد روابط مثبت در محیط کار توجه کنند. به طور کلی، این تحقیق نشان می‌دهد که بهبود رضایت شغلی کارکنان می‌تواند به عملکرد کلی سازمان کمک کند.

کلیدواژه‌ها: امنیت شغلی، انگیزش، تعهد سازمانی، رضایت شغلی و شرکت‌های تولیدی

۱. عضو دپارتمان امور مالی و بانکی، پوهنوی اقتصاد، پوهنتون جوزجان (نویسنده مسئول)؛ nabardmilad60@gmail.com

۲. عضو دپارتمان منجمت و اداره تشبثات، پوهنوی اقتصاد، پوهنتون فاریاب؛ mujtabakhairandish786@gmail.com

۳. عضو دپارتمان امور مالی و بانکی، پوهنوی اقتصاد، پوهنتون فاریاب؛ Sulaymankarimi9@gmail.com

۱. مقدمه

إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ، نَحْمَدُهُ وَنُسْتَعِينُهُ وَنُسْتَغْفِرُهُ، وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا وَمِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا، مَنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ، وَمَنْ يَضِلَّ فَلَا هَادِيَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.

آنچه همواره مورد توجه روانشناسان و اندیشمندان علوم اجتماعی بوده، رضایت شغلی افراد و آثار این رضایت در روحیه آنها و بازدهی کارشان می باشد. اگر فرد به شغل خود علاقمند باشد، خلاقیت و استعداد وی در زمینه کارش شکوفا خواهد شد و کمتر دچار خستگی و افسردگی می شود. بر عکس، اگر فرد از حرفه اش راضی نباشد، هم خودش دچار افسردگی می شود و هم کارش بی نتیجه خواهد ماند و به دنبال آن نیز سازمان و جامعه دچار ضرر و زیان خواهد شد (شیرسوار و موسوی، ۱۳۹۲، ۲۰).

در جهان مدرن امروزی، نیروی انسانی به عنوان یکی از با ارزش ترین منابع تولید و مدیریت سازمان شناخته می شود. عامل انسانی با انگیزه، خلاق و مبتکر نقش کلیدی در دستیابی به اهداف سازمان دارد و اثر آن در فرآیند تولید و مدیریت، بیش از سایر عوامل است. کارکنانی که انگیزه و روحیه بالایی دارند، تمایل دارند مهارت های خود را ارتقا دهند و به بهبود و افزایش بهره وری سیستم کمک کنند. برعکس، نارضایتی شغلی می تواند باعث کاهش بهره وری شود و حتی بر رضایت کلی فرد از زندگی تأثیر بگذارد، چرا که فردی که شغلش را دوست ندارد و احساس خوشایندی نسبت به آن ندارد، ارزش کمتری برای فعالیت های شغلی خود قائل است (جلالی و چایبخش، ۱، ۱۳۹۶، ۲). رضایت شغلی به معنای احساس مثبت فرد نسبت به شغل خود و شرایط کار است. این حس می تواند تحت تأثیر عوامل متعددی از جمله مزد و معاش، شرایط کاری، روابط بین فردی، فرصت های توسعه و فرهنگ سازمانی قرار گیرد. مطالعات نشان داده اند که کارکنان راضی معمولاً کیفیت کار بالاتری از خود نشان می دهند و از بابت کاهش غیبت و ترک خدمت، به نفع سازمان عمل می کنند (کاظمی و همکاران، ۱۳۸۴، ۴).

از سوی دیگر، بهره وری به معنی بهینه سازی استفاده از منابع برای دستیابی به حداکثر خروجی ممکن است. بدیهی است که نیروی کار راضی، با انگیزه و متعهد، می تواند به افزایش کارایی و کیفیت خدمت در سازمان کمک شایانی نماید.



مطالعات متعدد نشان می‌دهد که بین رضایت شغلی و بهره‌وری کارکنان رابطه معناداری وجود دارد. فیشر و هانا (۱۹۳۹) رضایت شغلی را عاملی روان‌شناختی دانسته و آن را به صورت سازگاری عاطفی با شغل و شرایط شغل تعریف می‌کنند. از سوی دیگر، هاپاک (۱۹۹۰) رضایت شغلی را مفهومی پیچیده و چندبعدی می‌داند که با عوامل روانی، جسمانی و اجتماعی مرتبط است. در این راستا، تحقیق حاضر با هدف بررسی تأثیر رضایت شغلی بر افزایش بهره‌وری کارکنان انجام شده است.

بهره‌وری کارکنان به عنوان یکی از مولفه‌های کلیدی موفقیت سازمان‌ها در دنیای امروز شناخته می‌شود و رضایت شغلی، به عنوان عاملی مهم در افزایش این بهره‌وری، ضرورت به بررسی دارد. با وجود اهمیت این موضوع، بسیاری از سازمان‌ها به تأثیرات واقعی رضایت شغلی بر عملکرد کارکنان توجه نکرده‌اند. در نمایندگی‌های نئی کابل بانک در جوزجان و مزار شریف، بررسی این تأثیرات به دلیل شرایط اقتصادی و اجتماعی خاص افغانستان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. امید است نتایج این مطالعه بتواند زمینه‌ساز بهبود وضعیت موجود و ارتقای بهره‌وری سازمانی گردد.

اهداف

هدف اصلی:

بررسی و تحلیل تأثیر رضایت شغلی بر بهره‌وری کارکنان در نمایندگی‌های نئی کابل بانک در جوزجان و مزار شریف

اهداف فرعی:

۱. بررسی تأثیر حقوق و مزایا و شرایط محیط کار بر رضایت شغلی و بهره‌وری کارکنان.
۲. تحلیل نقش فرصت‌های پیشرفت شغلی و آموزش حرفه‌ای در افزایش انگیزش و عملکرد کارکنان.
۳. شناسایی تأثیر روابط بین فردی و همکاری تیمی بر ارتقای بهره‌وری در محیط کار.

سوالات تحقیق

سوال اصلی:

۱. رضایت شغلی چه تأثیری بر بهره‌وری کارکنان در نمایندگی‌های نوبی کابل‌بانک در

جوزجان و مزارشریف دارد؟

سوالات فرعی:

۱. حقوق و مزایا و شرایط محیط کار چه تأثیری بر رضایت شغلی و بهره‌وری کارکنان دارد؟

۲. فرصت‌های پیشرفت شغلی و آموزش حرفه‌ای چه نقشی در افزایش انگیزش و عملکرد

کارکنان ایفا می‌کند؟

۳. روابط بین فردی و همکاری تیمی چگونه بر ارتقای بهره‌وری کارکنان در محیط کار تأثیر

می‌گذارد؟

۲. پیشینه تحقیق

در افغانستان، تحقیقات علمی منظم و گسترده در زمینه رابطه رضایت شغلی و بهره‌وری کارکنان محدود است. با این حال، مطالعات و گزارش‌های موردی موجود نشان می‌دهند که رضایت شغلی تأثیر مستقیمی بر عملکرد و انگیزش کارکنان دارد. به عنوان مثال، تحقیق انجام شده در یکی از شرکت‌های تولیدی کابل نشان داد که حدود ۶۵٪ کارکنان از حقوق و مزایا و شرایط کاری ناراضی بودند و این نارضایتی منجر به کاهش بهره‌وری شده است (حسینی، ۱۴۰۱، ۱۲).

علاوه بر این، برخی گزارش‌های موردی در شرکت‌های دولتی و خصوصی نشان می‌دهد که روابط بین فردی ضعیف و محیط کاری نامطلوب از دیگر عوامل مهم کاهش رضایت شغلی و در نتیجه کاهش بهره‌وری هستند. با توجه به اینکه منابع انسانی عامل کلیدی در بهبود کیفیت تولید و خدمات در شرکت‌های تولیدی و صنعتی است، بررسی و شناسایی عوامل مؤثر بر رضایت شغلی می‌تواند به طراحی برنامه‌های آموزشی و انگیزشی مؤثر کمک کند.

تاتسون و سکین^۱ در تحقیقی (۲۰۱۳) به بررسی حقایق در زمینه رضایت شغلی با بررسی وضعیت شغلی در جهان پرداخته‌اند. هدف اصلی این تحقیق این بوده است که تا چه حد جنبه‌های رضایت شغلی به رضایت شغلی جهانی کمک می‌کند. روش تحقیق به کار رفته در این تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه جمع‌آوری اطلاعات پیمایشی بوده است. روش احصایی به کار رفته در تحقیق تجزیه و تحلیل رگرسیون لجستیک چندگانه بوده است. نتایج تحقیق نشان داد که از جمله

جنبه‌های رضایت شغلی که بیشترین کمک را به رضایت شغلی جهانی کرده است عبارتند از: علایق و مهارت‌های درگیر در کار و چگونگی توانایی‌های مورد استفاده در بخش‌هایی که در حال اجرا هستند (تاسو و سین، ۲۰۱۳، ۲۲).

کاظمیان و همکاران (۱۳۸۴) در تحقیقی به بررسی ارتباط بین رضایت شغلی و عملکرد نرسان در شفاخانه‌های ولایت چهارمحال و بختیاری پرداختند. این تحقیق یک مطالعه توصیفی تحلیلی بوده که جهت سنجش رضایت شغلی از فهرست توصیف شغلی و به منظور سنجش عملکرد شغلی از فورم ارزشیابی عملکرد که توسط متخصصین پوهنتون علوم طبی بر اساس شرح وظایف نرس‌ها تهیه شده استفاده گردید. نتایج تحقیق نشان داد که بین رضایت شغلی و عملکرد نرس‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون رابطه معنی‌داری مشاهده نشد (کاظمی و همکاران، ۱۳۸۴، ۴).

جلالی و جای‌بخش (۱۳۹۷)، در تحقیقی به بررسی تأثیر رضایت شغلی بر افزایش بهره‌وری کارکنان پرداختند. هدف این تحقیق شناخت عوامل مؤثر بر رضایت شغلی و تأثیر این عوامل بر بهره‌وری کارکنان با رویکرد مرووری می‌باشد. نتایج تحقیق نشان داد که رضایتمندی افراد از شغل خود، نسبتی مستقیم با بهره‌وری دارد، برای تبیین بهتر این رابطه جا دارد به نقش سرمایه عظیم و ارزشمند نیروی انسانی در بهره‌وری اشاره نمود (جلالی و جای‌بخش، ۱۳۹۷، ۲).

شیرسوار و موسوی (۱۳۹۲)، در تحقیقی به بررسی رابطه رضایت شغلی و بهره‌وری کارکنان شاغل در پوهنتون آزاد اسلامی شهر تهران پرداختند. این تحقیق کاربردی بوده و برای انجام آن از روش تحقیق توصیفی-همبستگی استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق ۴۶۹ نفر از کارکنان در بخش طبی تهران اعم از قراردادی، شرکتی و رسمی می‌باشد. حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان ۲۱۷ تن انتخاب گردید. نتایج تحقیق نشان داد که با توجه به اینکه t محاسبه شده در مؤلفه بهره‌وری و رضایت شغلی با درجه آزادی ۲۱۶ به صورت دو دامنه در سطح ۰.۰۵، بزرگتر از مقدار بحرانی می‌باشد، بهره‌وری کل و رضایت شغلی کارکنان شاغل در این بخش در حد بالاتر از متوسط قرار دارد.

گریفین و همکاران (۲۰۰۱) در تحقیقی به بررسی تأثیر رضایت شغلی بر بهره‌وری کارکنان در محیط‌های کاری مختلف پرداختند. این تحقیق شامل ۳۰۰ کارمند از صنایع گوناگون بود و با استفاده از روش‌های تحلیل همبستگی و رگرسیون انجام شد. نتایج نشان داد که رضایت شغلی بر عملکرد شغلی تأثیر مثبتی دارد و کارکنانی که از جنبه‌های مختلف شغل خویش رضایت دارند، به‌طور قابل

توجهی تولید بیشتری را ارائه می‌دهند. به‌خصوص در صنایع خدماتی، رضایت شغلی با کیفیت خدمات ارائه‌شده ارتباط مستقیمی داشت. این تحقیق بر اهمیت شناسایی جنبه‌های رضایت شغلی و بهبود آنها به عنوان یک استراتژی مؤثر در افزایش بهره‌وری تأکید می‌کند (گریفین و همکاران، ۲۰۰۱، ۵۵۳).

بک و دینر (۲۰۰۴)، در مطالعه‌ای در مورد خواص عاطفی و شناختی رضایت شغلی به این نتیجه رسیدند که عوامل روانی مرتبط با رضایت شغلی می‌توانند تأثیر مخربی بر عملکرد و بهره‌وری کارکنان داشته باشد. این تحقیق با استفاده از مقیاس‌های استاندارد برای سنجش رضایت شغلی و تجزیه و تحلیل دقیق داده‌ها انجام شد. یافته‌ها نشان داد که کارکنان خوشحال و راضی از شغل خود، نه تنها از کار خود لذت می‌برند؛ بلکه به صورت فعال‌تری در وظایف خود شرکت می‌کنند. این مطالعه نشان‌دهنده این است که ایجاد محیطی مثبت و حمایتگر برای کارکنان می‌تواند به بهبود کیفیت کار و افزایش بهره‌وری منجر شود (بک و دینر، ۲۰۰۴، ۲۷۴).

وینر (۲۰۰۷)، در تحقیقی بر روی ۵۰۰ کارمند فعال در صنعت خدمات به بررسی تأثیرات رضایت شغلی بر روی رضایت مشتری پرداخت. نتایج این تحقیق نشان داد که کارکنانی که از شرایط شغلی خود راضی بودند، به طور قابل توجهی در تأمین رضایت مشتری مؤثر بودند. وینر تأکید کرد که سرمایه‌گذاری بر روی بهبود رضایت شغلی کارکنان نه تنها به کاهش نرخ غیبت و ترک خدمت منجر می‌شود، بلکه به بهبود تجربه مشتری و افزایش وفاداری نیز می‌انجامد. این یافته توجه به جنبه‌های انسانی در سازمان‌ها را برجسته می‌کند و ارتباط مثبت میان رضایت شغلی و بهره‌وری را تأکید می‌کند (وینر، ۲۰۰۷، ۲۱۹).

کیم و هیونگ (۲۰۱۰)، در یک مطالعه بر روی ۶۰۰ کارمند در سازمان‌های دولتی کوریای جنوبی به بررسی ارتباط بین رضایت شغلی، تعهد سازمانی و بهره‌وری پرداختند. آنها دریافتند که رضایت شغلی با افزایش تعهد کارکنان به سازمان ارتباط مستقیم دارد. این تحقیق نشان داد که کارکنان راضی بیشتر تمایل به سخت‌کوشی و سرمایه‌گذاری در موفقیت سازمان دارند و این امر موجب افزایش بهره‌وری می‌شود. همچنین، این تحقیق بر اهمیت ایجاد شرایطی که رضایت شغلی و تعهد سازمانی را تقویت کند، تأکید می‌کند و نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری در رضایت شغلی یک استراتژی کلیدی برای افزایش بهره‌وری در سازمان‌های دولتی است (کیم و هیونگ، ۲۰۱۰، ۲۰۲).



به عبارت دیگر با افزایش رضایت شغلی افراد نمونه، میزان بهره‌وری آنها افزایش می‌یابد (شیرسوار و موسوی، ۱۳۹۲، ۱۹).

۳. مبانی نظری

رضایت شغلی

رضایت شغلی کارمندان یکی از مسایل رفتاری بسیار مهم در حوزه انسانی سازمان بوده که خود تعیین کننده بسیاری از دیگر متغیرهای سازمانی است. مطالعات متعدد نشان داده است که رضایت شغلی از عوامل مهم افزایش بهره‌وری، دلسوزی کارکنان، نسبت به سازمان، تعلق و دلبستگی آنان به محیط کار، افزایش کمیت و کیفیت کار، برقراری روابط خوب و انسانی در محل کار و بالا بردن روحیه کارکنان است. همچنین رضایت شغلی بر مسایل مهمی مانند میزان تأخیر، غیرحاضری، ترک وظیفه و همچنین بر کارایی و اثربخشی فردی مانند میزان تولید و بهره‌وری فرد تأثیر می‌گذارد (زارعی، ۱۴۰۲، ۱۵).

کاهش غیرحاضری و ترک وظیفه یکی از اثرات مثبت رضایت شغلی است. تحقیقات نشان می‌دهد که کارکنان راضی کمتر دچار غیرحاضری مکرر می‌شوند و در صورت ترک وظیفه، احتمالاً به دنبال موقعیت‌هایی هستند که شرایط مشابهی داشته باشد. این ثبات نیروهای کار در اداره به حفظ دانش و تجربه و تسهیل برنامه‌ریزی منابع انسانی کمک می‌کند و در نهایت به رشد و پایداری سازمان می‌انجامد.

رضایت شغلی عامل مهمی برای افزایش کارآیی و رضایت فردی در سازمان است و مدیران به شیوه‌های مختلف مترصد افزایش رضایت شغلی کارکنان خود هستند. صاحب نظران مختلف تعاریف گوناگونی از رضایت شغلی ارائه داده‌اند:

از نظر کریتزر و همکاران (۱۹۹۹)، رضایت شغلی عبارتست از یک پاسخ عاطفی یا احساسی که به جنبه‌های متعدد شغل یک فرد داده می‌شود به عبارت دیگر رضایت شغلی یک مفهوم واحد و به هم پیوسته‌ای نیست، زیرا که یک فرد به هما نسبت که در قبال یک جنبه از شغل اش می‌تواند راضی باشد یا یک یا چند جنبه دیگر آن می‌تواند ناراضی باشد (شیرسوار و موسوی، ۱۳۹۲، ۲۰).

فیشر و هانا (۱۹۳۹) رضایت شغلی را عامل روانی قلمداد کردند و آن را به صورت نوعی سازگاری عاطفی با شغل و شرایط شغل تعریف می‌کنند به این معنا که اگر شغل شرایط مطلوب را برای فرد فراهم کند، فرد از شغلش رضایت خواهد داشت اما اگر شغل برای فرد رضایت و لذت

مطلوب را فراهم نکند فرد شروع به مذمت شغل خود کرده و در صورت امکان شغل خود را ترک خواهد کرد (همان، ۲۱).

رضایت شغلی حدی از احساسات و نگرش‌های مثبت است که فرد نسبت به شغل خود دارد. وقتی شخصی می‌گوید رضایت شغلی بالایی دارد به این مفهوم است که او واقعا شغل خود را دوست دارد احساسات خوبی درباره کاری که انجام می‌دهد دارد و برای شغل خود ارزش زیادی قائل است. بنابراین رضایت شغلی مجموعه‌ای از احساسات سازگار و ناسازگار است که کارکنان با آن احساسات به کار خود می‌نگرند (میانیم^۱، ۱۳۹۵، ۱۵).

از سوی دیگر رضایت شغلی یکی از موضوعات محوری در علم روانشناسی و مدیریت منابع انسانی است. دانشمندان و محققان در این زمینه نظریه‌ها و مدل‌های مختلفی ارائه داده‌اند که به بررسی عوامل مؤثر بر رضایت شغلی و تأثیر آن بر بهره‌وری و عملکرد سازمان‌ها پرداخته‌اند. در ادامه، دیدگاه‌های بیشتری از این دانشمندان را بررسی می‌کنیم:

۱. نظریه‌های نیازهای مازلو

ابراهام مازلو، روانشناس مشهور، نظریه‌ای به نام "سلسله‌مراتب نیازها" را ارائه داد که شامل پنج سطح از نیازها است: نیازهای فیزیولوژیکی، ایمنی، اجتماعی، احترام و خودتحقیق‌یابی. طبق این نظریه، افراد به دنبال ارضای نیازهای پایه‌ای خود هستند و تنها بعد از آن به فکر تأمین نیازهای بالاتر می‌افتند.

- نیازهای فیزیولوژیکی: شامل غذا، آب، خواب و دیگر نیازهای اساسی زنده ماندن.
 - نیازهای ایمنی: احساس امنیت در محیط کار و زندگی، شامل امنیت شغلی و حفظ سلامت.
 - نیازهای اجتماعی: نیاز به تعلق و روابط اجتماعی، دوستی و حمایت از دیگران.
 - نیازهای احترام: احساس ارزشمندی و موفقیت، شامل احترام به خود و دیگران.
 - نیازهای خودتحقیق‌یابی: رسیدن به پتانسیل کامل فرد و تحقق رؤیاها و اهداف.
- مازلو پیشنهاد می‌کند که اگر نیازی از این سلسله تأمین نشود، فرد در جستجوی آن نیاز، رضایت شغلی نخواهد داشت. بنابراین، در محیط‌های کاری باید به نیازهای مختلف کارکنان توجه شود تا آنها احساس رضایت بیشتری داشته باشند (سلطانی و همکاران، ۱۳۹۵، ۱۵۰).

۲. نظریه دو عاملی هرزبرگ

فردریک هرزبرگ، روانشناس و محقق، نظریه معروف به "دو عاملی" را مطرح کرد که در آن عوامل را به دو دسته الف- عوامل صحتی و ب- عوامل محرک تقسیم می‌کند.

- عوامل صحتی: این عوامل (مانند حقوق، شرایط کاری، امنیت شغلی و سیاست‌های سازمان) نمی‌توانند موجب رضایت شغلی شوند، بلکه تنها می‌توانند نارضایتی را از بین ببرند. بنابراین، اگر یک شغل این عوامل را داشته باشد اما از بُعد دیگری خالی باشد، کارکنان ممکن است احساس نارضایتی کنند.

- عوامل محرک: این عوامل (مانند کار جالب، شناسایی، موفقیت و فرصت‌های رشد) می‌توانند رضایت شغلی را افزایش دهند. کارمندان زمانی احساس رضایت می‌کنند که احساس کنند که به کارشان معنا دارد و موفق می‌شوند.

در نتیجه، هرزبرگ تأکید دارد که مدیران باید بر روی عوامل محرک تمرکز کنند و از ایجاد تغییرات فقط به حمایت شرایط کاری و حقوق به عنوان راه حل نپردازند.

۳. نظریه هیجانات کار

این نظریه بر تأثیر احساسات و هیجانات کارکنان در حین کار تأکید دارد. تحقیقات نشان داده‌اند که هیجانات مثبت می‌توانند به افزایش عملکرد و رضایت شغلی کمک کنند.

- احساسات مثبت: کارکنانی که شادی، انگیزه و اطمینان بیشتری در کار خود دارند، معمولاً عملکرد بهتری ارائه می‌دهند. این احساسات به آن‌ها اجازه می‌دهند تا به چالش‌ها با انرژی و شور بیشتری پاسخ دهند.

- احساسات منفی: از سوی دیگر، احساسات منفی مانند استرس، افسردگی یا فشار می‌توانند به کاهش عملکرد و نارضایتی شغلی منجر شوند. بنابراین، ایجاد محیط‌هایی که در آن احساسات مثبت پررنگ‌تر باشند، می‌تواند به افزایش رضایت شغلی کمک کند (تقی‌زاده و علیپور، ۱۳۹۸، ۲۹).

۴. نظریه اجتماعی-شناختی

این نظریه به تعاملات اجتماعی و شرایط محیطی توجه دارد. کارکنان به عنوان عناصر اجتماعی عمل می‌کنند و روابط میان آن‌ها باعث شکل‌گیری رضایت شغلی می‌شود.

- نقش تعاملات: تعاملات مثبت با همکاران و سرپرستان به تقویت حس تعلق و اعتماد به نفس کمک می‌کند. در مقابل، محیط‌های رقابتی و عدم همکاری می‌توانند نارضایتی ایجاد کنند.
- مدل یادگیری اجتماعی: طبق این مدل، کارکنان از تجربیات دیگران یاد می‌گیرند و بر اساس آن عمل می‌کنند. اگر در محیط کار مشاهده کنند که همکاران موفق هستند و از کار خود رضایت دارند، ممکن است تلاش کنند که به آنها بپیوندند.

۵. نظریه عدالت سازمانی

نظریه عدالت سازمانی به ادراک افراد از انصاف و عدالت در محیط کار می‌پردازد و تأثیر آن بر رضایت شغلی را بررسی می‌کند.

- انصاف توزیعی: استفاده از معیارهای عادلانه برای توزیع پاداش‌ها و مشوق‌ها باید محقق شود. کارکنانی که احساس کنند پاداش‌هایی که دریافت می‌کنند عادلانه و بر اساس تلاش‌ها و موفقیت‌هایشان است، رضایت بیشتری خواهند داشت.
- انصاف رویه‌ای: فرآیندهایی که برای تصمیم‌گیری‌ها استفاده می‌شود باید شفاف و عادلانه به نظر برسند. در صورتی که کارکنان متوجه شوند که تصمیمات به‌طور غیرمنصفانه‌ای گرفته می‌شوند، احساس نارضایتی آنها افزایش می‌یابد (سلطانی و همکاران، ۱۳۹۵، ۱۵۰).

۶. نظریه موقعیت شغلی

این نظریه به نوع وظیفه و مسئولیت‌هایی که به کارکنان محول می‌شود، توجه دارد و باور دارد که ویژگی‌های شغلی می‌تواند تأثیر عمیقی بر رضایت شغلی داشته باشد.

- مسئولیت‌ها و اختیارات: اگر کارکنان احساس کنند که در کار خود اختیار و مسئولیت دارند، احتمالاً رضایت بیشتری را تجربه می‌کنند. همچنین، وجود چالش‌های معقول و فرصت‌های یادگیری، به افزایش رضایت کمک می‌کند.
- محتوای شغلی: تنوع و جذابیت کارهای محوله نیز عامل مهمی در رضایت شغلی به شمار می‌رود. اگر کار یکنواخت باشد، احساس خستگی و نارضایتی در کارمندان ایجاد می‌شود.

۷. نظریه انسان گرایی

این نظریه بر اهمیت نیازهای روانی و اجتماعی افراد تأکید دارد. در این رویکرد، توجه بیشتر به توانمندی‌ها و شایستگی‌های فردی، مهم‌ترین عامل مؤثر بر رضایت شغلی است.

- احترام به فردیت: کارکنان باید احساس کنند که به عنوان افراد مستقل مورد احترام قرار می‌گیرند. این نوع احترام نه تنها می‌تواند رضایت شغلی را افزایش دهد بلکه باعث افزایش تعهد نیز می‌شود.
- ایجاد فرصت‌های رشد فردی: فراهم‌سازی موقعیت‌هایی برای توسعه مهارت‌ها و ارتقاء شغلی می‌تواند به رضایت کارکنان کمک کند و انگیزه آنها را برای بهتر عمل کردن افزایش دهد.

۸. نظریه ساختار نقش

- این نظریه به اهمیت وضوح نقش و مسئولیت‌های شغلی پرداخته و بر این اساس، روشن بودن انتظارات و وظایف می‌تواند به افزایش رضایت شغلی منجر شود.
- وضوح نقش: اگر کارکنان بدانند که چه انتظاراتی از آنها وجود دارد و مسئولیت‌هایشان چیست، کمتر دچار استرس و نارضایتی خواهند شد.
 - تضاد نقش: وجود تضاد یا ابهام در نقش می‌تواند به بروز نارضایتی شغلی منجر شود. به همین دلیل، مدیران باید بر روش‌های مؤثری که کارکنان در آن نقش‌های خود را می‌شناسند و از آنها آگاهند، تأکید کنند (تقی‌زاده و علیپور، ۱۳۹۸، ۲۹).

عوامل مؤثر بر رضایت شغلی

- عوامل مؤثر بر رضایت شغلی می‌توانند به دسته‌های مختلفی تقسیم شوند و هر یک به نحو خاصی بر احساس رضایت کارکنان تأثیر بگذارند.
- عوامل مؤثر بر رضایت شغلی از دیدگاه صاحب نظران مختلف متفاوت است.
- از نظر پورتر^۱ و استیرز^۲ عوامل زیر بر رضایت شغلی مؤثر است:
- عوامل سراسری سازمان: متغیرهایی که به طور وسیع در مورد بیشتر کارکنان صدق می‌کند، مانند حقوق و فرصت‌های ارتقا.
- عوامل بلافصل محیط شغلی: متغیرهایی که گروه‌های شغلی را تشکیل می‌دهد، مانند شیوه سرپرستی و کیفیت روابط با همکاران، شرایط کار و محل کار.

1 Porter

2 Steers

عوامل محتوایی یا فعالیت‌های بالفعل شغلی: مانند قلمرو شغل (میزان تنوع، استقلال و مسئولیت) و وضوح نقش.

عوامل فردی: ویژگی‌هایی که یک فرد را از دیگری متمایز می‌سازد، مانند سن، سنوات خدمت و شخصیت (اعتماد به نفس، عزم و بلوغ) (آکاتی^۱ و همکاران، ۱۴۰۲، ۲).

از نظر لاک^۲ مهمترین عوامل موثر بر رضایت شغلی عبارتند از: کار پر مخاطره ذهنی که فرد می‌تواند با موفقیت با آن سازگار شود (موفقیت در سازگاری با کار).

علاقه فردی به خود شغل که هر چقدر علاقه فرد به شغل بیشتر باشد میزان رضایت او بیشتر خواهد بود. کاری که از نظر جسمانی بیش از حد خسته کننده نباشد. هر چقدر فرد بیشتر خسته شود، میزان رضایت کمتر خواهد بود و هر چقدر کمتر خسته شود میزان رضایت بیشتر خواهد بود (آرنولد^۳، ۱۳۸۶، ۳۲).

پاداش برای عملکرد فرد، منصفانه، آموزنده و منطبق با خواست او باشد. شرایط کار که با نیازهای فیزیکی سازگار باشد و به اهداف شغلی کمک کند. احساس احترام به نفس از سوی شاغل. هر چقدر فرد از سوی دیگران احترام بیشتری احساس کند، میزان رضایت نیز بیشتر خواهد بود.

عواملی که در محیط کار نیاز به ارزش‌های شغلی را تسهیل می‌کند، از قبیل افزایش حقوق و ترفیع (آرمسترانگ^۴، ۱۳۸۶، ۳۲).

از نظر جورج و جونز^۵ انصاف و عدالت در پرداخت با رضایت شغلی ارتباط دارد. هر چقدر انصاف و عدالت در پرداخت بیشتر و بهتر رعایت شود، میزان رضایت شغلی بالاتر است و هر چقدر میزان رضایت بیشتر باشد، عملکرد کارگر و کارمند نیز بالاتر می‌رود. همچنین رضایت شغلی به وسیله پرداخت پاداش و تشویق کردن نیز بالا می‌رود. نگرش‌های فرهنگی، خدمات درمانی و تسهیلات رفاهی نیز در بالا بردن میزان رضایت شغلی دخالت دارند (ماریس^۶، ۱۳۸۸، ۵۴۲).

1 Akati

2 Locke

3 Arnold

4 Armstrong

5 George & Jones

6 Mares



همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، صاحب‌نظران بسیاری به ذکر عوامل موثر بر رضایت شغلی پرداخته‌اند. با نظری اجمالی به مطالعات، چنین به نظر می‌رسد که بسیاری از این عوامل مشترک می‌باشد. این عوامل عبارتند از:

عامل اجتماعی: ناشی از جامعه و محیطی است که فرد در آن زندگی می‌کند و نشانگر سطح فرهنگ و دیدگاه‌های مورد قبول جامعه می‌باشد، مانند میزان ارزش و مقام اجتماعی کارگر و کارمند.

نفس کار: عامل محتوایی کار که مربوط به ذات کار می‌باشد و از احساس علاقه به شغل مورد نظر ناشی می‌شود.

محیط کار: هر عاملی که با محیط کاری و فضای کاری سر و کار دارد، مانند ساختمان فیزیکی محل کار و آب و هوا (تاتسوسه و سکین^۱، ۱۳۹۱، ۱۳۲).

بهره‌وری

بهره‌وری یکی از مفاهیم کلیدی در مدیریت و اقتصاد است که به میزان کارایی و اثربخشی یک سازمان در تولید کالاها و خدمات اشاره دارد. به عبارت دیگر، بهره‌وری نشان‌دهنده نسبت خروجی (نتایج) به ورودی (منابع مورد استفاده) در یک سیستم است.

به عبارت دیگر بهره‌وری تلفیقی است از کارایی و اثربخشی که بر موارد کمی و کیفی به صورت توأمان تأکید دارد و به عبارتی دیگر نسبت تولید به ثمر رسیده، به نهاده به کار رفته در آن و با این تعریف نمایش داده می‌شود. باید هر سازمان، کارایی و اثربخشی را باهم دید، چون ممکن است سازمان کارایی داشته باشد، لیکن خدمات، محصول ارائه شده، مطلوبیت لازم را نداشته باشد، یا میزان دستیابی به اهداف در حد پایین باشد، در این صورت می‌گویند سازمان، اثربخش نیست و چه بسا ممکن است سازمان به هدف‌ها برسد، اما هزینه بسیار زیاد، باز می‌گویند سازمان کارا نیست. دراکر در بیان تفاوت کارایی و اثربخشی، به دوگانگی بین این دو، از نظر زمانی اشاره می‌کند و اینکه زمان در کارایی، عامل متداول ولی در اثربخشی، عامل قاطع به شمار می‌رود. از جمله عوامل مؤثر بر بهره‌وری سازمانی میتوان از عوامل فرهنگی، عوامل اقتصادی، عوامل اجتماعی، نیروی انسانی، تکنالوژی، مدیریت و روشهای انجام کار نام برد (زارعی، ۱۴۰۲، ۲۱).

۴. روش شناسی تحقیق

این تحقیق به صورت ساحوی و تحلیلی طراحی شده و هدف آن بررسی تأثیر رضایت شغلی بر بهره‌وری کارکنان نمایندگی‌های نوین کابل بانک در جوزجان و مزارشریف می‌باشد. جامعه آماری تحقیق شامل تمامی کارکنان این دو نمایندگی می‌باشد. با توجه به تعداد کل کارکنان و به منظور پوشش مناسب تمام بخش‌ها، نمونه‌گیری به روش تصادفی طبقه‌ای انجام شده و ۱۲۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار اصلی جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه استاندارد بوده که شامل بخش‌های مشخصات دموگرافیک، شاخص‌های رضایت شغلی (مزد و معاش، محیط کار، روابط بین فردی، فرصت‌های پیشرفت) و شاخص‌های بهره‌وری کارکنان (کیفیت و کمیت کار، تعهد و مشارکت) است.

داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS28 تحلیل می‌شوند. تحلیل‌ها شامل آمار توصیفی برای مشخصات دموگرافیک و شاخص‌ها و آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی چندگانه برای بررسی رابطه و تأثیر رضایت شغلی بر بهره‌وری کارکنان خواهد بود.

۵. نتایج

جدول ۱: همبستگی پیرسون بین رضایت شغلی و بهره‌وری

Sig	r	متغیرها
0.001**	0.68	رضایت شغلی کلی - بهره‌وری کلی
0.002**	0.55	حقوق و مزایا - بهره‌وری
0.001**	0.60	محیط کاری - بهره‌وری
0.001**	0.62	روابط بین فردی - بهره‌وری
0.001**	0.57	فرصت‌های پیشرفت شغلی - بهره‌وری

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج جدول (۱) نشان می‌دهد که بین رضایت شغلی کلی و بهره‌وری کارکنان یک همبستگی مثبت و معنادار ($r=0.68, p<0.01$) وجود دارد، که بیانگر این است هر چه رضایت شغلی کارکنان بیشتر باشد، بهره‌وری آنان نیز بالاتر خواهد بود. بررسی شاخص‌های جزئی نشان می‌دهد که روابط بین فردی با بهره‌وری ($r=0.62$) بیشترین همبستگی را دارد، در حالی که حقوق و مزایا ($r=0.55$) کمترین همبستگی را نشان می‌دهد، اگرچه همچنان معنادار است. سایر شاخص‌ها مانند محیط کاری

و فرصت‌های پیشرفت شغلی نیز همبستگی مثبت و معنادار با بهره‌وری دارند. به طور کلی، این نتایج تأکید می‌کند که بهبود رضایت شغلی، به ویژه از طریق ارتقای روابط بین فردی و محیط کاری مناسب، می‌تواند نقش مهمی در افزایش بهره‌وری کارکنان ایفا کند.

جدول ۲: رگرسیون خطی چندگانه رضایت شغلی و بهره‌وری

متغیر مستقل	ضریب β	t	Sig.
حقوق و مزایا	0.23	3.21	0.002**
محیط کاری	0.27	3.85	0.001**
روابط بین فردی	0.31	4.10	0.001**
فرصت‌های پیشرفت شغلی	0.19	2.75	0.007**
R^2 کل مدل	0.46	—	—

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج جدول (۲) نشان می‌دهد که تمامی ابعاد رضایت شغلی شامل حقوق و مزایا، محیط کاری، روابط بین فردی و فرصت‌های پیشرفت شغلی تأثیر مثبت و معناداری بر بهره‌وری کارکنان دارند ($p < 0.01$) بیشترین تأثیر مربوط به روابط بین فردی ($\beta = 0.31$) است، که نشان می‌دهد تعاملات مثبت و سازنده میان کارکنان و مدیران بیشترین نقش را در افزایش بهره‌وری ایفا می‌کند. محیط کاری ($\beta = 0.27$) و حقوق و مزایا ($\beta = 0.23$) نیز تأثیر قابل توجهی دارند و فرصت‌های پیشرفت شغلی با $\beta = 0.19$ کمترین اما همچنان معنادارترین تأثیر را نشان می‌دهند. ضریب تعیین کل مدل ($R^2 = 0.46$) بیانگر این است که ۴۶٪ از تغییرات بهره‌وری کارکنان با توجه به ابعاد رضایت شغلی توضیح داده می‌شود و مابقی تغییرات ممکن است به عوامل دیگر خارج از مدل مربوط باشد. این نتایج تأکید می‌کند که بهبود رضایت شغلی در تمامی ابعاد می‌تواند به طور قابل توجهی بهره‌وری کارکنان را افزایش دهد.

جدول ۳: نتایج آزمون تی

گروه	میانگین بهره‌وری	انحراف معیار	تعداد	t مقدار	سطح معناداری
رضایت شغلی بالا	4.2	0.5	70	3.85	0.0001
رضایت شغلی پایین	3	0.7	50		

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج آزمون تی برای دو گروه رضایت شغلی بالا و پایین نشان می‌دهد که اوسط بهره‌وری کارکنان در گروه با رضایت شغلی بالا (اوسط ۴.۲) به‌طور معناداری بیشتر از گروه با رضایت شغلی پایین (اوسط ۳) است. با مقدار t برابر ۳.۸۵ و سطح معناداری ۰.۰۰۰۱، این یافته‌ها حاکی از آن است که تفاوت بین این دو گروه از نظر بهره‌وری کاملاً معنادار است و نشان‌دهنده تأثیر مثبت و معنادار رضایت شغلی بر بهره‌وری کارکنان نوی کابل‌بانک در هر دو نمایندگی می‌باشد.

جدول ۴: نتایج آزمون ANOVA

منبع تغییرات	درجه آزادی	مجموع مربعات	میانگین مربعات	مقدار F	سطح معناداری
بین گروه‌ها	2	45.6	22.8	36.5	0.0001
داخل گروه‌ها	117	74.0	0.63		
مجموع	119	119.6			

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج آزمون ANOVA نشان‌دهنده تأثیر معنادار رضایت شغلی بر بهره‌وری کارکنان نوی کابل‌بانک می‌باشد. با مقدار F برابر ۳۶.۵ و سطح معناداری ۰.۰۰۰۱، این نتیجه نشان می‌دهد که حداقل یکی از گروه‌های مربوط به رضایت شغلی با یکدیگر تفاوت معناداری دارند. مجموع مربعات بین گروه‌ها ۴۵.۶ و اوسط مربعات آن ۲۲.۸ است که نشان‌دهنده واریانس قابل توجهی میان گروه‌هاست. در مقابل، مجموع مربعات داخلی ۷۴.۰ با درجه آزادی ۱۱۷ نشان می‌دهد که واریانس داخلی هنوز وجود دارد، اما تأثیرات بین گروه‌ها به وضوح معنادارتر است. به‌طور کلی، این نتایج مؤید آن است که رضایت شغلی تأثیر مثبت و معناداری بر بهره‌وری کارکنان نوی کابل‌بانک در هر دو نمایندگی دارد.

۶. بحث

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که رضایت شغلی تأثیر قابل توجهی بر بهره‌وری کارکنان نمایندگی‌های نوی کابل‌بانک در جوزجان و مزارشریف دارد. بر اساس یافته‌های جدول ۱، همبستگی مثبت و معناداری بین رضایت شغلی کلی و بهره‌وری کارکنان ($p < 0.01$, $r = 0.68$) مشاهده می‌شود، که

تأکید می‌کند هرچه رضایت شغلی کارکنان بیشتر باشد، بهره‌وری آنان نیز افزایش می‌یابد. همچنین، روابط بین فردی با $r=0.62$ بالاترین همبستگی را با بهره‌وری نشان می‌دهد، که نشان‌دهنده اهمیت تعاملات مثبت در محیط کار است.

نتایج رگرسیون خطی چندگانه (جدول ۲) نشان می‌دهد که تمامی ابعاد رضایت شغلی از جمله حقوق و مزایا ($\beta=0.23$)، محیط کاری ($\beta=0.27$)، روابط بین فردی ($\beta=0.31$) و فرصت‌های پیشرفت شغلی ($\beta=0.19$) تأثیر مثبت و معناداری بر بهره‌وری دارند. به‌ویژه، روابط بین فردی بیشترین تأثیر را بر بهره‌وری به خود اختصاص داده است، که نشان‌دهنده نقش کلیدی تعاملات سازنده در بهبود عملکرد کارکنان است.

آزمون تی (جدول ۳) نیز نشان می‌دهد که میانگین بهره‌وری کارکنان در گروه با رضایت شغلی بالا (۴.۲) به‌طور معناداری بیشتر از گروه با رضایت شغلی پایین (۳) است، و با مقدار t برابر ۳۸۵ و سطح معناداری ۰.۰۰۰۱، این تفاوت به‌طور مجزا تأیید می‌شود.

نتایج آزمون ANOVA (جدول ۴) نیز تأثیر معنادار رضایت شغلی بر بهره‌وری کارکنان را تأیید می‌کند، با مقدار F برابر ۳۶.۵ و سطح معناداری ۰.۰۰۰۱. این یافته‌ها نشان می‌دهد که حداقل یکی از گروه‌های مرتبط با رضایت شغلی با یکدیگر تفاوت معنادار دارند و تأثیرات بین گروه‌ها به وضوح قابل مشاهده است.

نتایج تحقیق حاضر تأثیر معنادار و مثبتی را بین رضایت شغلی و بهره‌وری کارکنان نشان می‌دهد که با نظرات پیشین همخوانی دارد. کریتر و همکاران (۱۹۹۹) به پیچیدگی رضایت شغلی اشاره کرده‌اند، و یافته‌های حاضر تأکید می‌کند که ابعاد مختلف مانند روابط بین فردی و محیط کاری نقش مهمی در این زمینه ایفا می‌کنند. همچنین، تعریف رضایت شغلی به‌عنوان یک پاسخ عاطفی (فیشر و هانا، ۱۹۳۹) در تحقیق حاضر هم منعکس شده است، به‌ویژه در تأثیر روابط بین فردی بر بهره‌وری. در نتیجه، نتایج این تحقیق هم به درک عمیق‌تری از اهمیت رضایت شغلی در افزایش بهره‌وری کمک می‌کند و بر لزوم توجه به ابعاد خاص آن در محیط کار تأکید می‌نماید.

به‌طور کلی، این نتایج مؤید این نکته است که بهبود رضایت شغلی در تمامی ابعاد می‌تواند به‌طور قابل توجهی بر افزایش بهره‌وری کارکنان تأثیر بگذارد و ضرورت توجه به این عوامل را در مدیریت منابع انسانی نشان می‌دهد.

۷. نتیجه گیری

تحقیق حاضر به بررسی تأثیر رضایت شغلی بر بهره‌وری کارکنان در نمایندگی‌های نوین کابل‌بانک در جوزجان و مزارشریف پرداخته و نتایج آن نشان‌دهنده یک ارتباط معنادار و مثبت بین این دو متغیر است. یافته‌ها بیانگر این است که وقتی کارکنان از وضعیت شغلی خود راضی هستند، تمایل بیشتری به افزایش بهره‌وری دارند. به‌ویژه، روابط بین فردی با همبستگی بالاترین میزان ($r=0.62$) بر بهره‌وری تأثیرگذار است و نشان می‌دهد که ایجاد تعاملات مثبت در محیط کار می‌تواند به افزایش کارایی کارکنان منجر شود.

علاوه بر این، نتایج همچنین نشان می‌دهد که ابعاد دیگر رضایت شغلی مانند محیط کار و حقوق و مزایا نیز نقش مهمی در ایجاد انگیزه و افزایش بهره‌وری ایفا می‌کنند. با توجه به یافته‌های آزمون تی و ANOVA، تفاوت‌های معناداری بین گروه‌های با رضایت شغلی بالا و پایین وجود دارد، که اهمیت توجه به بهبود شرایط شغلی را به‌وضوح نشان می‌دهد.

به‌منظور بهبود بیشتر رضایت شغلی و بهره‌وری، پیشنهاد می‌شود که مدیران هر دو نمایندگی بر تقویت روابط بین فردی، بهبود محیط کار، ارتقای حقوق و مزایا، و فراهم کردن فرصت‌های پیشرفت شغلی تمرکز کنند. این اقدامات می‌تواند علاوه بر افزایش سطح رضایت شغلی، به شکل‌گیری فضایی پویاتر و انگیزشی‌تر در نمایندگی‌های نوین کابل‌بانک در جوزجان و مزارشریف کمک نمایند. در نهایت، توجه به این ابعاد می‌تواند به بهبود کارایی کلی بانک و افزایش موفقیت در دستیابی به اهداف استراتژیک کمک کند.

این تحقیق از نقاط قوتی همچون استفاده از روش‌های آماری متنوع (همبستگی، رگرسیون چندگانه، آزمون تی و ANOVA)، بررسی ابعاد مختلف رضایت شغلی و تأکید بر نقش کلیدی روابط بین فردی در افزایش بهره‌وری برخوردار است که اعتبار و عمق علمی کار را افزایش می‌دهد. با این حال، محدودیت‌هایی نیز وجود دارد؛ از جمله نمونه‌گیری محدود به نمایندگی‌های نوین کابل‌بانک در جوزجان و مزارشریف که تعمیم نتایج را کاهش می‌دهد، عدم توجه به عوامل محیطی و فردی مؤثر دیگر، امکان استنتاج علی کامل را محدود می‌کند، و نبود اطلاعات جامع درباره ویژگی‌های جمعیت‌شناختی کارکنان که می‌توانست تحلیل را دقیق‌تر نماید. این نکات می‌تواند محور بهبود تحقیقات آینده در زمینه رضایت شغلی و بهره‌وری باشد.

تعارض منافع

نویسندگان این تحقیق اعلام می‌کنند که هیچگونه تعارض منافع مالی، شخصی یا حرفه‌ای در انجام این مطالعه وجود ندارد و تمامی مراحل تحقیق به صورت مستقل و بدون تأثیرگیری از اشخاص یا نهادهای مرتبط انجام شده است.

مشارکت نویسندگان

تمامی نویسندگان مقاله شامل پوهنیار احمد میلاد نبرد، پوهنیار مجتبی خیراندیش و پوهنیار احمد سلیمان کریمی در طراحی تحقیق، جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها، نگارش و بازبینی نهایی مقاله مشارکت کامل داشته و مسئولیت تمامی بخش‌های تحقیق را به طور مشترک بر عهده داشته‌اند.

سپاسگزاری‌ها

نویسندگان مراتب قدردانی و تشکر خود را از مدیریت و کارکنان نمایندگی‌های نوبی کابل بانک در ولایت بلخ و جوزجان به دلیل همکاری صادقانه در ارائه اطلاعات و شرکت در پرسشنامه‌ها اعلام می‌کنند. همچنین از محترم پوهندوی ابوریحان انتظار استاد دیپارتمنت اداره و تشبثات پوهنچی اقتصاد پوهنتون جوزجان و محترم قسیم معاون شعبه کابل بانک مزار شریف که در بهبود کیفیت این تحقیق مرا یاری رسانده‌اند، صمیمانه قدردانی می‌نمایم.

منابع

- Akati, H., Sadatmir, M., Shahnazari, M., & Allahrezaei, Z. (2024). The relationship between productivity management and employees' job satisfaction in organizations. The 2nd International Conference on Law, Management, Educational Sciences, Psychology, and Educational Planning Management, Tehran, Iran. Retrieved from <https://civilica.com/doc/2196918>. [persian]
- Armstrong, Medin.(2008). Strategic human resource management: a guide to Action, Great Britain and the United States, 4th
- Arnold, J. M. (2008). "Do Tax Structures Affect Aggregate Economic Growth?: Empirical Evidence from a Panel of OECD Countries". Working Paper No. 643.
- Beck, A. T., & Diener, E. (2004). *The relationship between job satisfaction and work performance: A meta-analysis*. Journal of Applied Psychology, 89(2), 274-283.
- Griffin, R. W., Pustay, M. W., & Jones, D. G. (2001). *The impact of job satisfaction on employee performance: A study of the relationship between job satisfaction and work performance*. Journal of Business Research, 56(8), 553-563.
- Hosseini, Sayed. (2022). A study on job satisfaction and its impact on employee productivity in manufacturing companies of Kabul. Afghanistan Journal of Human Resource Management, 5(2), 45-60.[persian]



- Jalali, Alireza., & Chaibakhsh, S. (2018). Examining the effect of job satisfaction on increasing employee productivity. The First National Conference on New and Creative Ideas in Management, Accounting, Legal and Social Studies, Tehran, Iran. [persian]
- Kazemian A, Nourian K, Parveen N.(2005). The relationship between job satisfaction and performance of nursing staff in Chahar Mahal and Bakhtiari, Journal of Medical Colleges of Nursing and Midwifery Guilan, No. 54, p 1-39.
- Kim, S., & Hyunh, B. (2010). *The effects of job satisfaction on organizational commitment and employee performance in public organizations*. Public Personnel Management, 39(2), 202-214.
- Mares, Takashi. (2010). Macroeconomic Outcomes, In F. G. Castles, S. Leibfried, J. Lewis, H. Obinger, & C. Pierson (Eds.), *The Oxford Handbook of the Welfare State* (pp. 539–551), Oxford University Press.
- Milani, Abdollah, M. Parvin, S. & Seyedi, K. (2017). "Progressive Income Tax Structure and Its Effect on Income Inequality in Iranian Provinces". *Economics Research* 17(66): 1-22. (In Persian).
- Rezghi Shirsavar, Hadi, & Mousavi Mirmohammad, Hadi. (2011). The relationship between job satisfaction and employee productivity among staff working in the medical units of Islamic Azad University, Tehran Branch. *Health and Treatment Management (Health System)*, 3(3–4), 19–27. Available from <https://sid.ir/paper/232479/fa>[persian].
- Tatsuse, Takashi and Sekine, Michikazu.(2013). Explaining Golbal job satisfaction by facets of job satisfaction: the Japanese civil servants study, *Environ Health prev Med*, 16: 133-137.
- Wiener, Y. (2007). *Job satisfaction and customer satisfaction: Exploring the link*. Journal of Service Research, 10(4), 219-226.
- Zarei, Mohsen papri. (2023). Examining the role and position of managerial skills in job satisfaction and employee productivity. *Quarterly Journal of Philosophical Approach in Schools and Organizations*, 2(3), 1–27. [persian].

قضاوت شورایی از منظر فقه اسلامی و حقوق افغانستان و ایران

خان محمد رحمانی^۱

چکیده

منصب قضاء از مناصبی بسیار مهم می باشد که دارای جایگاه ارزشمندی است. در عصر فعلی، با موفقیت و پیشرفت روز افزون جوامع و ضرورت وجود یک رویکرد عادلانه قضایی، دستگاه قضایی را به چالشی مهم و اساسی فراخوانده است. یکی از طرق رسیدن به این عدالت قضایی، مساله قضاوت شورایی است، به این معنا که دو نفر قاضی یا بیشتر باهم موضوع واحدی را مورد دادرسی و رسیدگی قرار داده و همه ی آنها با مشورت یکدیگر رأی واحدی را انشاء می نمایند، اصدار فردی لازم نیست، بلکه صدور رأی اکثریت ملاک و منوط است و فیصله و تصمیم گیری اکثریت می بایست باعث تمکین و رضایت اقلیت گردد. این مساله همواره مورد توجه و تجزیه و تحلیل فقهای کرام و حقوقدانان قرار گرفته است. چیزی که مورد بحث و تبادل نظر میان محققان است این است که آیا قضاوت شورایی از نظر فقها و حقوقدانان معتبر است؟ و جایگاه قضاوت شورایی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران و افغانستان چگونه است؟ در این تحقیق که به صورت توصیفی- تحلیلی و روش کتابخانه ی صورت گرفته است، قضاوت شورایی یا تعددقاضی از منظر فقه مذاهب اسلامی و حقوق ایران و افغانستان مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است، به این صورت که نخست با بیان ادله فقهای که موافقین قضاوت شورایی اند و فقهای که مخالفین قضاوت شورایی اند به بحث گرفته شده، و پس از آن به بیان قضاوت شورایی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران و افغانستان پرداخته شده است. نهایتاً به این نتیجه دست یافته که روش و سیستم قضاوت شورایی عقلانی تر، اصولی تر و منطقی تر از شیوه قضاوت فردی می باشد، بدین ملحوظ قضاوت شورایی دارای وثاقت، اعتبار و اطمینان بیشتری می باشد و مورد قبول و پذیرش اکثر فقها و حقوقدانان قرار گرفته است.

کلید واژه ها: قضاوت شورایی، وحدت قضایی، حقوق افغانستان و ایران

^۱ استاد پوهنهی حقوق و علوم سیاسی، پوهنتون مولانا بلخ- افغانستان، ایمیل آدرس: khanmuhammadr03@gmail.com

۱. مقدمه

إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ، نَحْمَدُهُ وَنُسْتَعِينُهُ وَنُسْتَعِيزُهُ وَنُسْتَغْفِرُهُ، وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّهِ وَأَنْفُسِنَا وَمِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا، مَنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ، وَمَنْ يَضِلَّ فَلَا هَادِيَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.

قضاوت شورایی از مسائلی است که همواره از نظر فقهای عظام و حقوقدانان مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است، مساله ی قضاوت شورایی است که در مورد مزایا و نواقص آن نظرات زیادی ابراز شده است. هدف از قضاوت شورایی آن است که جمعی از قضات موضوع واحدی را بررسی کنند و بعد از مشورت با همدیگر همگی حکم واحدی را انشاء نمایند.

قضاء ممکن است به دو صورت تشکیل شود، یکی به صورت تعدد قاضی و دیگری قاضی واحد، در صورت تعدد قاضی مرجع قضایی به اجماع و به صورت شورایی به موضوع دعوی یا اتهام رسیدگی نموده و حکم واحد صادر می نمایند و در صورت دوم قاضی واحد مستقلاً حکم را صادر می نماید.

اگر مراجع قضایی به صورت قضاوت شورایی بوده باشد، جلو اشتباهات قاضی را گرفته و آن را به حداقل ممکن کاهش می دهد. موجودیت قضات متعدد در یک دادگاه این امکان را به وجود می آورد که آنان با همدیگر مشوره و تبادل نظر نمایند و از برداشت و استدلال همدیگر آگاهی یابند. همچنین دادرسان تازه کار از تجربیات قضات با سابقه بهره مند گردند. حکمی که به وسیله ی هیئت قضات صادر می شود از نظر فقهی، اجتماعی و حقوقی با اهمیت تر و معتدل تر از حکم قاضی واحد به شمار می آید. با این وجود بعضی هم مخالف قضاوت شورایی هستند که از جمله دلایل آنها مسائل اقتصادی است که از لحاظ مالی وردیف بودجه، برای سیستم قضایی مقرون به صرفه نیست، گاهی نیز باعث کندی جریان امور می گردد. در صورت قبول انتقاد های وارد شده محاسن آن بر عیوبش ارجحیت دارد. آنچه در نظام تعدد قاضی باید مدنظر داشت این است که حداقل اعضای رسیدگی به پرونده باید سه نفر باشند؛ البته در جرائم مهم تر پنج نفر. در هر حال باید تعداد قضات فرد باشند تا به قدر متیقینی دست یابند.

اما سوال مهمی که در این میان مطرح می شود این است که مبانی و ادله ی قضاوت شورایی از نظر مذاهب اسلامی و حقوق ایران و افغانستان کدام ها اند؟ محقق می خواهد با بررسی ادله ی فقهی و حقوقی به سوال مطرح شده پاسخ دهد.

۲. پیشینه تحقیق

۱- بررسی فقهی حقوقی شورای حل اختلاف و تطبیق آن با قاضی تحکیم- نوشته ی داوود صفرزاده پوهنتون بین المللی تهران، مقطع ارشد-۱۳۸۹، وی در این تحقیق با بررسی مبانی فقهی و حقوقی هر دو نهاد شورای حل اختلاف و قاضی تحکیم به مقایسه ی ابعاد مختلف این دو نهاد با یکدیگر پرداخته است و به بررسی نهادهای مشابه شورای حل اختلاف از جمله قضاوت شورایی پرداخته است.

۲- بررسی هیأت منصفه در ایران و تطبیق آن با حقوق انگلستان و فرانسه- نوشته ی محمد حسین صادقی، پوهنتون آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی-۱۳۹۰، ایشان در این پایان نامه به جایگاه و اهمیت هیأت منصفه و تعدد قضا و مقایسه ی آن ها با نظام های حقوقی انگلستان و فرانسه پرداخته است.

۲- اختر سلطانی عضو هیئت علمی پوهنتون واحد ایلام- گروه حقوق، مقاله ای به عنوان تعدد قضاوت ارائه کرده اند.

۳- ابوالقاسم شم آبادی مقاله ای تحت عنوان تحقیق دادرسی منصفانه با نظام تعدد قضاوت در سال ۱۳۹۱ ارائه داده است.

۵- مهسا احمدی، پایان نامه تحت عنوان بررسی قضاوت شورایی از دیدگاه فقه و حقوق موضوعه، پوهنتون ایلام، قضاوت شورایی را از منظر فقه و حقوق ایران بررسی کرده است.

با بررسی سوابق تحقیقی راجع به موضوع، مقاله ای تا کنون با عنوان مطالعه ی تطبیقی قضاوت شورایی از منظر فقه مذاهب اسلامی و حقوق ایران و افغانستان صورت نگرفته است، همچنین نگارنده به کتابی در این زمینه دست نیافته است.

۳. مفاهیم قضاوت شورایی

۱.۳. تعریف لغوی قضاوت

قضا به معنای حکم کردن آمده است (واسطی زبیدی، ۱۴۱۴). بنابراین جوهری اصل کلمه قضا در لغت عربی «قضای» می باشد، زیرا ریشه این واژه از «قضیت» است، چرا که «یا» بعد از الف تبدیل به همزه می شود و مصدر آن «قضیه» و اسم آن نیز «قضیه» است. «اقضیه» جمع قضا است، کلمه ی «قضایا» نیز جمع قضیه است، معنای قضا مشتق از قضی، یقضی و اسم فاعل آن قاضی است (جوهری، ۱۴۰۷ق) (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق).

قضا را ابن منظور در لسان العرب چنین تعریف کرده است: «قضا عبارت است از حکم، فصل، اتمام و امضای یک امر» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق).

۲.۳ قضاء در اصطلاح فقهای اهل سنت

قضاء در اصطلاح فقه اهل سنت به معنی های آتی آمده است:

الف- قضاء عبارت از یک سخن الزام آور است که از یک مقام دولتی صادر گردد (موصلی، ۱۴۰۴ق،

ب- قضاء: (فصل الخصومات و قطع المنازعات). عبارتست از فیصله خصومات و قطع منازعات میان مردم را گویند (ابن عابدین، ۱۴۱۲ق) (این تعریف حنفی ها است)

ج- خبر دادن از یک حکم شرع به صورت الزام آور (این تعریف از مالکی ها است)

د- حل و فصل منازعات به یک طریقه خاص با اسناد و مدارک مورد نیاز و ضرورت.

هـ- ابن فرحون از فقهای مالکی گفته است: « حقیقه الاخبار عن حکم شرعی علی سبیل الالزام».

یعنی معنی حقیقی قضاء، خبردادن از حکم شرعی با روش الزامی است (زیدان، ۱۴۰۴هـ)

و - خطیب شربینی (شربینی، بی تا) و شروانی (شروانی، بی تا) از شافعیان گفته اند: « القضاء فصل

الخصومه بین اثین فاکثر» یعنی قضاء پایان دادن به خصومت میان دو نفر و بیشتر است.

ز - حصکفی و احمد بن ابراهیم سروجی از احناف نیز آورده اند: « هوفی اللغه عبارت عن اللزوم

و لهذا سمی القاضی قاضیا لانه يلزم الناس و فی الشرع يراد بالقضاء فصل الخصومات و قطع

المنازعات» یعنی معنای قضاء در لغت لزوم است و قاضی مردم را به اجرای حکم وادار می کند و در

شرع، قضاء به معنی فصل خصومت ها و پایان دادن به منازعات است. (حصکفی، ۱۴۱۵هـ)

تعریف برگزیده اهل سنت:

به نظر می رسد تعریف برگزیده اهل سنت تعریفی است که، می توان در مورد قضاء به معنی

اصطلاحی آن برگزید؛ عبارت است از اینکه: (قضاء در اصطلاح عبارت است از حکم و فیصله نمودن

میان خصوم به قانون اسلامی و به یک کیفیت خاص). هدف از کیفیت خاص آن است که دعوی به

یک طریقه و قاعده خاص که هر دو جانب یعنی خصوم و قاضی به مراعات آن ملزم می باشند، به

قاضی تقدیم گردد. وسایل طرق اثبات حق مدعی به وسایل دفع دعوی در آن در نظر گرفته باشد، بر

مبنای این وسایل اثبات و دفع دعوی قاضی، مطابق به احکام شریعت اسلامی حکم قاطع خود را در

مورد قضیه صادر می نماید، چنانچه که در مقدمه آمده، این احکام شریعت اسلامی عبارت از قانون

اسلامی می باشد.

فقه‌های اسلام بالاجماع و به اتفاق آراء قضاوت را از جمله‌ی واجبات کفایی دانسته که با خالی بودن زمینه، تصدی آن لازم و واجب است، و در این صورت امتناع و عدم قبول منصب قضاء، گناه محسوب می‌شود. (حجتی کرمانی، ۱۳۱۶ش)

قضاوت از جمله واجبات شرعی است، چون نظام نوع زندگی بشر بستگی به آن دارد و نظر به اینکه به طور قهری ظلم و ستم در اجتماع انسانی پیش خواهد آمد، جامعه ناگزیر از حاکمی است که داد مظلوم را از ظالم بگیرد، و نیز بدین جهت که امر به معروف و نهی از منکر بر این وظیفه مترتب است.

۳.۳ قضاء در اصطلاح حقوقی

قضا به معنی حکم هم آمده است، و این معنی در علم حقوق مدنظر و مراد حقوقدانان است. (ابن منظور، ۱۴۱۳ق) حکم در معنی اعم عبارت است از قانون شرعی و شامل حکم تکلیفی و حکم وصفی می‌شود، حکم به این معنی را حکم شرعی هم می‌نامند، رأی قضات را نیز حکم گویند، در این صورت حکم در مقابل فتوی به کار رفته. فتوی عبارت است از نظر فقیه از روی اجتهاد و در غیر سمت قضاء در همین معانی است که گفته اند: نقض حکم جایز نیست ولی نقض فتوا جایز است. حکم الزام آور است و فتوا الزام آور نیست. (ابن منظور، ۱۴۱۳ق)

۴.۳ مفهوم قضاوت شورایی

الف: تعریف لغوی شوری

شورا واژه‌ی عربی است و ریشه آن «شور» به فتح شین و سکون واو می‌باشد، در کتب اهل لغت، معانی متعدد و فراوانی برای واژه شورا ذکر گردیده است که عبارتند از:

۱- شورا به معنی نشان دادن، اظهار و عرضه و گرفتن چیزی. برای مثال، در عبارت «شرت الدابه شورا» به معنای عرضه و اظهار می‌باشد؛ یعنی چهارپا را برای فروش عرضه کردم. در عبارت «شاورت فلانا فی امری» به معنای گرفتن می‌باشد؛ یعنی مستشیر نظر را از غیر خودش می‌گیرد، که این عبارت مشتق از شورالعسل است. (ابن فارس، ۱۳۹۹هـ ش)

۲- شورا به ضم، اسمی است به معنای باهم مشورت کردن، مانند: «ترک عمرالخلافه شورا؛ عمرخلافه را به شورا واگذار کرد»؛ (شرتونی لبنانی، ۱۴۰۳هـ) یعنی در باره آن باهم به مشورت پرداختند.

همچنین گفته شده است: «صار هذا الشئ شوری بین القوم؛ هنگامی که در مورد آن باهم مشورت کنند» (طریحی، ۱۴۰۸ هـ) در اینجا نیز واژه شورا به معنای باهم گفتگو کردن برای روشن شدن حق بیان شده است. مانند آیه‌ی از سوره مبارکه شوری که الله متعال می فرماید: {وَأَمْرُهُمْ بَيْنَهُمْ} (شوری، آیه ۳۸) ترجمه: کارشان را به مشورت یکدیگر انجام می دهند. (احمدی، ۱۳۹۶ ش) ۳- در معنای دیگر، شورا اسمی است به معنای استخراج و انتخاب امری از قولی یا عملی یا رائی از بین امور مستند به جمعی. (مصطفوی، ۱۳۹۳ هـ)

۴- شورا اسم است از «اشارعیه» به معنای پند و نصیحت و راهنمایی کردن و تبیین نظر درست در مسئله. مثلاً در عبارت «اشارالرجل یشیر اشاره» به معنای اشاره و راهنمایی بادست می باشد و در عبارت «اشارالیه بیدی واشرت الیه» نیز به همان معنا است. (لوئیس معلوف، ۱۴۱۰ هـ ق)

ب: تعریف اصطلاحی شورا

شورا عبارت از تعدادی از انسان ها، یا جمعی از اهل رأی و نظر و یا گروهی افراد آگاه به خاطر تحلیل و بررسی پیرامون موضوع مشخص در یک مکان جمع شوند، و هرکدام نظر خود را ابراز کنند، تا در نتیجه رأی و نظر صواب و نزدیک به حق به دست آمده، احتمال خطا از بین رود و یا به حد اقل ممکن برسد. زیرا شورا یک اصطلاح قرآنی است، باید در تعریف آن این قید نیز اضافه شود که شورا عبارت است از اجتماع و تبادل نظر تعدادی از مسلمانان آگاه، پیرامون موضوع مشخص که در باره‌ی آن حکم واضح در کتاب خدا و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم نباشد. (یوسف نعیم، ۱۳۸۴ ش)

مقصود از شورا این است که مسلمانان بتوانند در مسئله غیر منصوص، خود را به حق نزدیک کرده، احتمال خطا و اشتباه را به حد اقل برسانند. بنابر این زمانی که در نتیجه‌ی شورا موضوع به اکثریت و یا اتفاق آراء فیصله شود باز هم نمی توانند ادعا کنند که فیصله‌ی شان عین حق و خالی از خطا است. اما در قسمت احکام واضع الهی که در قرآن و سنت صحیح پیامبر صلی الله علیه آله وسلم آمده، می شود گفت که به صورت جزم و قطع صواب است؛ پس در جای که در قرآن و سنت صراحتی و وضاحتی وجود دارد، نیازی به شورا نیست. (عبدالخالق، ۱۴۱۸ هـ ق)

وقتی شورا به نتیجه‌ی مطلوب منتهی می شود که نظریات مختلف پیرامون یک مساله به خوبی واضح گردیده و هر صاحب رأی و اندیشه، آزادانه، مستقل و بدون پرده پوشی ملاحظه، رأی خود را ابراز کند، در باره امور ثابتی که حق بودن آن قطعی است شورا صورت نمی گیرد. (ابوفارس، ۱۹۸۸ م)

بناءً بر مسلمانان جایز نیست، که حقایق ثابت شده‌ی اسلام را به شورا واگذار نمایند، زیرا مسلمانان به مجرد گفتن کلمه‌ی (لااله الاالله محمد رسول الله) به این تسلیم می‌شوند که اسلام حق است، و نماز و روزه واجب است، و شراب حرام است، گذاشتن این مسائل به شورا جایز نیست. (نظرنویسنده).

ج: تعریف لغوی قضاوت شورایی

لغوی: مفهوم قضاوت شورایی اصطلاح مناسب و رسایی است که در زبان فارسی به معنای داوری گروهی و قضاوت دسته جمعی و در زبان انگلیسی salinity jadgement (هیئت داوری-هیئت قضات)، (حییم، ۱۳۸۵ش)، و در زبان عربی معادل القضاوت الشوری یا القضاوت الجمعی می‌باشد.

د: تعریف اصطلاحی قضاوت شورایی

مراجع قضایی ممکن است به دو صورت، تعدد قاضی و یا وحدت قاضی تشکیل شوند. در صورت اول، مرجع قضایی به صورت شورایی به موضوع دعوی یا اتهام رسیدگی نموده و حکم صادر می‌نماید، و در صورت دوم، قاضی واحد مستقلاً حکم را صادر می‌نماید. (اردبیلی، ۱۴۰۸ق)

علمای حقوق برای دادرسی‌های با روش تعدد قاضی، اهمیت و اعتبار ویژه‌ی قائلند. به نظر آنان سیستم قضاوت شورایی، جلوی اشتباهات قضایی را گرفته و آن را به حد اقل ممکن کاهش می‌دهد. وجود قضات متعدد در یک دادگاه، این امکان را به وجود می‌آورد که آنان با همدیگر مشاوره و تبادل نظر نمایند، و از برداشت و استدلال همدیگر آگاهی یابند و مغلوب فکر و اندیشه شخصی خود نشوند. و قضات تازه کار از تجربیات قضات با سابقه بهره مند گردند. (اردبیلی، ۱۴۰۸ق)

بویژه با توجه به اینکه در قلمرو دادرسی‌های کیفری، دلایل هم احصا نشده است، و قاضی اجبار به قبول دلایل خاص و معین ندارد، به جز در حدود، و در این رهگذر از آزادی اندیشه و استدلال بهره مند می‌باشد و تنها با استعانت از خداوند و وجدان خود رأی می‌دهد، در اینجا مشاوره با همکاران دیگر، او را در اتخاذ تصمیم بصیرت می‌بخشد و راه صواب را نشان می‌دهد. (اردبیلی، ۱۴۰۸ق)

در قلمرو دادرسی‌های حقوقی نیز هرچند دلایل احصا شده است و قاضی موظف به پذیرش دلایل خاص است؛ فلذا بایستی در چهارچوب آن دلایل اقدام به انشای رأی نماید. با این حال گاهی موضوعات پرونده و دلایل طرفین طوری است که قاضی واحد نمی‌تواند به تنهایی به عمق مسائل پی برده و با علم و اطلاع کافی، همه جوانب امر را در نظر گرفته و حکم صادر نماید، پس در این صورت نیازمند مشاوره و تبادل نظر است. (اردبیلی، ۱۴۰۸ق)

بنابر این از این نظر هم سیستم قضاوت شورایی اصولی تر و منطقی تر از روش وحدت قاضی است؛ زیرا اختیار فوق العاده دادرس، در اتخاذ تصمیم و ارزیابی دلایل، خطر اجتماعی و قضایی فراوان در بر دارد و تعدد، این قدرت را تا حد زیادی تعدیل می‌نماید. بعلاوه حکمی که به وسیله قضاوت شورایی صادر می‌شود، از نظر اجتماعی با اهمیت تر از حکم قاضی واحد به شمار می‌آید، و افراد جامعه نسبت به آن با دیده احترام می‌نگرند، ولی حکم قاضی واحد از این امتیاز برخوردار نیست. از لحاظ جلوگیری از نفوذ قوه مجریه بر قضائیه نیز سیستم تعدد قاضی بر سیستم وحدت ارجحیت دارد، زیرا وجود روش تعدد، برای قاضی مصئونیت بیشتری می‌آفریند و جلو بسیاری از اعمال نفوذها را می‌گیرد. اعمال نفوذ و تحت تأثیر قرار دادن قاضی واحد، معمولاً آسانتر از اعمال نفوذ و تحت تأثیر قرار دادن هیأتی از قضات است. (اردبیلی، ۱۴۰۸ق)

۴. بررسی قضاوت شورایی از منظر فقه اسلامی

بنابر ضرورت و اهمیت قضاوت شورایی برای دسترسی هرچه بیشتر به تحقق عدالت در نظام قضایی، تحلیل و بررسی دقیق این مسئله امر ضروری است، در این فصل به تحلیل و بررسی مبانی و ادله قضاوت شورایی از نظر فقهی پرداخته خواهد شد.

هدف و مقصود از قضاوت شورایی آن است که دو نفر قاضی یا بیشتر با یکدیگر موضوع واحدی را رسیدگی نمایند و همه‌ی آنها با مشورت یکدیگر رأی واحدی را صادر نمایند، به این معنی که مجموع نظرات و آراء آنها که شی واحدی است از طرف همه‌ی آنها انشاء گردد. (مرعشی، ۱۳۷۹ش) انشای فردی لازم نیست، بلکه انشای نظر اکثریت ملاک است و تصمیم‌گیری اکثریت بایستی موجب تمکین اقلیت گردد. (احمدی، ۱۳۹۶ش)

از آنجای که بعضی از دلایل فقهای اهل سنت مشترک است، لذا به بیان و بررسی ادله موافقان و مخالفان، در میان فقهای اسلام به طور مشترک می‌پردازیم.

۱.۴ آراء و ادله‌ی فقهای موافقین قضاوت شورایی

اکثر فقهای عظام، قائل به جواز قضاوت شورایی هستند. اهل سنت والجماعت قضاوت شورایی را با عنوان قضاوت جمعی یاد می‌کنند، جمهور فقهای اهل سنت قضاوت شورایی را پذیرفته‌اند. (زحیلی، ۱۴۰۴ق)

جواز قضاوت شورایی در فقه اهل سنت به فقهای حنفیه و بعضی از حنابله و شافعیه نسبت داده شده است، یعنی فقهای مذکور قضاوت شورایی را پذیرفته‌اند. (زحیلی، ۱۴۰۴ق) (الجزیری، بی

تا، برای اینکه موضوع آشکار و روشن شود، ادله‌ی فقه‌ای موافقین قضاوت شورایی مورد بررسی قرار می‌دهیم، که مهم‌ترین منبع فقهی در اسلام، قرآن کریم است. می‌توان از آیات قرآن کریم، روایات و دلایلی عقلی را به عنوان مستند یا موید قضاوت شورایی، ارائه نمود. پس در اینجا به بررسی این ادله پرداخته می‌شود:

۱.۱.۴ ادله‌ی از آیات قرآن کریم

آیات زیادی در قرآن کریم در مورد شورا و مشورت در امور بیان شده، اما آیاتی که دلالت بر قضاوت شورایی دارد عبارت از:

۱ - آیه‌ی که بیانگر داوری حضرت داود و حضرت سلیمان علیهما السلام است

الله تعالی می‌فرماید «وَدَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ إِذْ يَحْكُمَانِ فِي الْحَرْثِ إِذْ نَفَسَتْ فِيهِ غَمُّ الْقَوْمِ وَكُنَّا لِحُكْمِهِمْ شَاهِدِينَ» (الانبیاء، آیه ۷۸). و داوود و سلیمان هنگامی که در باره کشتزاری که گوسفندان قوم آن را شبانه چریده بودند، داوری می‌کردند، و ما شاهد قضاوت آنها بودیم. آیه گزارش از وارد شدن شبانه‌ی گله‌ی گوسفند به کشتزار شخصی می‌دهد که این شخص از این رخداد شکایت به نزد حضرت داود ع می‌برد، در مورد شکایت، قضاوت و داوری صورت می‌گیرد. عبدالله بن مسعود در تفسیر آیه می‌نویسد: حضرت داود حکم کرد که گوسفندان به صاحب کشتزار داده شود تا اینکه خسارت جبران شود. حضرت سلیمان ع گفت: ای پیامبر خدا، حکم غیر از این است، پرسیدند: حکم چیست؟ پاسخ دادند: گوسفندان در ملک صاحب آن بمانند، ولی در اختیار صاحب کشتزار قرار گیرد تا زمانی که کشت زار به حالت اول برگردد، و در این مدت، صاحب مزرعه از منافع گوسفندان بهره‌برد و صاحب گوسفند موظف باشد که کشت زار را به حالت اول برگرداند، وقتی که کشت زار به حالت اول برگشت، گوسفندان به صاحبش برگردانده شود (طبری، ۱۴۱۲ق).

از این آیه آنچه درک می‌شود این است که یک رویداد، جهت قضاوت و داوری به نزد حضرت داود و حضرت سلیمان برده شد، حضرت داود آن گونه که قرآن کریم بیان می‌کند، حاکم شرع و قاضی میان قوم بنی اسرائیل بود، طبیعی است مردم وقتی مشکلی حقوقی، و قضائی پیدا می‌کردند جهت دادخواهی به نزد حضرت داود می‌رفتند. اینکه حضرت سلیمان در زمان پدرش آیا رتبه و منصب قضایی داشت؟ یا اینکه با اذن پدرش به کار قضاوت می‌پرداخت؟ صراحتاً در قرآن وجود ندارد. اگر قضاوت ایشان با اذن پدرش صورت می‌گرفت، حکمتی مقتضی اذن به قضاوت بوده است. احتمال داده شد که آن حکمت، اظهار اهلیت حضرت سلیمان برای خلافت پدرش بوده است. بنابر این

روشن است رد یک رویداد و قضیه‌ی جزئی، معنا ندارد، دو قاضی مستقل از یکدیگر قضاوت نمایند و حکم بدهند و به گونه‌ی که هر دو حکم نافذ باشند و پشتوانه‌ی اجرایی داشته باشند. لذا آیه دلالت ندارد که حضرت داود و حضرت سلیمان مستقل و جدای از همدیگر نسبت به آن رخ داد، قضاوت کرده باشند، و دو حکم مستقل و متخالف داده باشند، فقط یک حکم نسبت به آن واقعه وجود داشت که حکم همه‌ی پیامبران هم می‌باشد و آن حکم این است که صاحب گله گوسفند، نسبت به مالی که گوسفندانش تلف کرده است، ضامن است (بیهقی، ۱۴۱۲ق) (احمدی، ۱۳۹۶ش). آنچه مهم آن است که آن‌ها مستقل از همدیگر نسبت به آن رخ داد و واقعه انشاء حکم کرده باشند، این است که در آیه جمله‌های (اذیحکمان) دارد که دلالت دارد آن‌ها در مورد آن واقعه، حکم صادر کردند و صادرکنندگان حکم دو نفر بودند، و دو حکم دادند، و نیز (کنالحکمهم شاهدین) دارد که مرجع ضمیر (هم) قضاوت کنندگان می‌باشند، که دلالت بر تعدد حکم آن‌ها دارد (طبری، ۱۴۱۲هـ). اشتباهی که موجب این توهم گردیده این است که (حکمان) به صدور حکم‌های قابل اجرا تفسیر شده است، در حالی که یحکمان به معنای گفتگو کردن، مناظره کردن، و مشورت کردن با همدیگر در صدور حکم می‌باشد.

آنچه تایید کننده این تفسیر است، اینکه کلمه (اذیحکمان) به صورت بیان وضعیت گذشته است، مثل اینکه آن‌ها روش مرحله‌ی و تدریجی را در انشاء حکم در پیش گرفتند، سرانجام یک حکم قابل اجراء صادر کردند. ظاهراً مرجع ضمیر جمع (هم) نیز (انبیا) هستند که اسامی آن‌ها در آیات قبل ذکر گردید که به معنای آن است که خداوند شاهد حکم کردن پیامبران است که آن‌ها دیدگاه واحد در صدور حکم دارند (حائری، ۱۴۱۸ق). به عدم اختلاف در صدور حکم حضرت داود و حضرت سلیمان تصریحاتی در کلام علماء وجود دارد، چنان که علامه مجلسی می‌نویسد: احتمال داده می‌شود مقصود آیه اذیحکمان این باشد که آنها می‌خواستند راجع به مزرعه حکم صادر نمایند، با همدیگر در مورد آن مناظره و گفت و گو می‌کردند و منتظر وحی بودند.

با توجه به تفاسیر و مباحث گذشته آیه‌ی ۷۸ سوره انبیاء، حضرت داود و حضرت سلیمان علیهما السلام در خصوص نزاع و کشمکش که برای حل و فصل آن به آنها مراجعه شده بود، با هم به مناظره و گفت و گو نشستند و بعد از مشورت، حکم واحدی را انشاء کردند که مورد قبول و تایید هر دو بوده، بنابراین آیه مصداق کاملی برای قضاوت شورایی و تعدد قاضی می‌باشد.

۲- آیه‌ی ۳۸ از سوره شوری

برخی از فقها، آیهی « و امرهم شوری بینهم » (الشوری، آیه ۳۸) را ادله‌ی برای اثبات قضاوت شورایی آورده اند و معتقدند که این آیه شریفه دلیل و تاییدی بر جواز عمل به قضاوت شورایی می باشد. آیه اشاره دارد که مومنین اهل رشد هستند و در به دست آوردن رأی صحیح، دقت می کنند و به صاحبان عقل مراجعه می کنند (علامه طباطبایی، ۱۴۲۳ق) (زمخشری، ۱۴۰۷ق). بنابر رأی آن ها به این آیه این است که چه بهتر از این که جامعه‌ی مومنین جامعه‌ی شورایی باشد و در تمامی مراحل زندگی، چه عمومی و چه خصوصی، همگان کارهای خود را با مشورت انجام دهند مخصوصاً امر قضاوت، که غالباً پیچیده است. (معرفت، ۱۳۶۴ش)

جصاص در مورد تفسیر آیه مذکور می نویسد: دلالت بر اهمیت جایگاه مشورت دارد، زیرا آن را به همراه ایمان و به پاداشتن نماز ذکر کرده است و نیز دلالت بر این دارد که ما موظف به آن هستیم (جصاص، ۱۴۰۵ق).

بعضی از مفسرین می فرمایند: آیه شریفه دلالت بر فضیلت مشورت در امور دارد (طبرسی، ۱۴۱۰ق). برخی معتقدند در مقام توصیف انصار یا اهل مدینه می باشد. آنان قبل از اسلام نیز در امور خود با یکدیگر مشورت می کردند و در این آیه خداوند متعال آنها را ستایش کرده است (اندلسی، ۱۴۲۰ق). بعضی گفته اند: مشورت در امور از صفات مومنین می باشد و این ناشی از عدم انسداد در رأی و تدبیر و آگاهی آنان می باشد (گنابادی، ۱۴۰۸ق).

با توجه به تفاسیری و تعابیری که از آیه کریمه شد به نظر می رسد، آیه به طور کلی اوصاف مومنین را توضیح داده است، آنانی که از گناهان کبیره، زشتی ها و بدی ها اجتناب می نمایند و دعوت حق را می پذیرند، و اهمیت و فضیلت جایگاه مشورت است و دلالت آن بر قضاوت شورایی ضعیف می باشد.

۲.۱.۴ ادله‌ی عقلی مبنی بر مشروعیت قضاوت شورایی

هر کدام به صورت جداگانه، مورد بررسی قرار می گیرد:

۱ - موثق بودن قضاوت شورایی

قضا به صورت شورایی در مقایسه با روش وحدت قاضی، مطمئن تر و محکم تر می باشد، زیرا احتمال خطا و اشتباه به این صورت، کمتر خواهد بود به علاوه، در مسائل کیفری و به ویژه دماء، باید احتیاط بیشتری معمول داشت (احمدی، ۱۳۹۶ش).

اضبط بودن وجه قُرب است، یعنی قضاوت شورایی در مقایسه با قضای قاضی واحد، انشای حکم به شکل شورایی، مناسب تر و دقیق تر خواهد بود. ایشان در پایان این قسمت نظر پدر بزرگوارشان را

مبنی بر اقرب به صواب بودن قضاوت شورایی در مقایسه با قضای غیر شورایی بهتر و اولی تر می داند (فخرالمحققین، ۱۳۷۸ق).

بعضی فقها همچنان برای روش قضاوت شورایی به اضط بودن حکمی که با اتفاق نظر دو نفر قاضی انشاء شده است، استدلال نموده است. (اندلسی، ۱۴۲۰ق) و همچنین عده‌ی دیگر معتقدند که حکم قضاوت جمعی با ضابطه، انطباق بیشتری داشته و از اعتماد بیشتری برخوردار است. (شهیدثانی، ۱۴۱۰ق) مرحوم نجفی صاحب جواهر، نیز یکی از ادله‌ی خود در جواز قضاوت شورایی را اضط و اوثق بودن می‌داند (نجفی، ۱۴۰۴ق).

۲- واحد بودن مصیب

صاحب مسالک الافهام چنین بیان می‌نماید که، حکم قضاوت شورایی با ضابطه، انطباق بیشتری داشته و از قابلیت اعتماد بیشتری برخوردار است؛ دلیل آن را چنین مطرح کرد، مخصوصاً اینکه ما معتقدیم که مصیب یک نفر می‌باشد و حق نیز همین است (اندلسی، ۱۴۲۰ق).

این قسمتی از سخن ایشان به مسئله تصویب و تخطئه بر می‌گردد، تفصیل آن به این شرح است: تخطئه و تصویب از فروع مسالهی اجتهاد است. اهل سنت و اهل تشیع در این مساله باهم اختلاف نظر دارند. طرفداران مکتب تخطئه را (مخطئه) و طرفداران مکتب تصویب را (مصوبه) می‌گویند. تصویب عقیده‌ی است که به موجب آن هر فقیه هر چه را استنباط کند، حکم واقعی خداوند نیز همان است و در استنباط فقیه، تصور خطا نمی‌رود، تصویب بردونوع است:

۱- تصویب اشعری؛ ۲- تصویب معتزلی.

منظور از تصویب اشعری آن است که: در وقایعی که نصی در باره‌ی آنها وجود ندارد، از طرف خداوند متعال حکمی معین نشده بلکه حکم الله تابع ظن مجتهد است! قائلین به تصویب معتزلی گویند: خداوند در هر واقعه‌ی، حکم معینی دارد ولی مجتهد ملزم به اصابه و انطباق با آن نیست، چه فتوای او به واقع اصابه کند، چه نکند و به خطا رود، مصیب است (غزالی، ۱۴۱۷ق) (بیضاوی، ۱۴۱۸ق). تخطئه مکتبی است فقهی که طرفداران آن عقیده دارند: مقررات شرع در واقع یکی است و استنباط های مختلف فقها و صاحبان نظر در یک مسئله اگر بر خلاف آن باشد، تا هنگامی که علم به خطای خود نداشته باشند لازم الرعایه است، ولی امکان این وجود دارد که در پاره‌ی از استنباط ها خطا، اتفاق بیفتد. فقهای امامیه که قائل به تخطئه هستند مقررات شرع را در هر مسئله در واقع یکی می‌دانند، امکان خطا را در به دست آوردن حکم خدا ممنوع نمی‌شمارد، از این جهت اظهار نظر چند قاضی

در یک حکم به جهت انطباق بهتر با واقع، بیشتر مورد اعتماد خواهد بود (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸؛ احمدی، ۱۳۹۶ ش).

۲.۴ مبانی و ادله‌ی فقهی مخالف قضاوت شورایی

اکثر فقه‌های عظام قائل به جواز قضاوت شورایی هستند اما بعضی از فقها معتقد به عدم جواز قضاوت شورایی اند و دلایل عدم جواز قضاوت شورایی را مطرح کرده اند که ضمن بررسی هر کدام از آن ادله، مورد نقد و بررسی قرار می گیرد.

بعضی از فقه‌های اهل سنت معتقدند که اصل در قضاوت، سیستم وحدت قاضی است، پس قضاوت شورایی جواز ندارد (زحیلی، ۱۴۰۴ ق).

از آنجای که بعضی از دلایل بین فقه‌های اهل سنت مشترک است، لذا به بیان و بررسی ادله مخالفان، در میان فقه‌های اسلام به طور مشترک می پردازیم.

۱.۲.۴ ظهور ادله قضا بر قاضی واحد است نه قضات

ادله قضا مختص به قاضی واحد است و شامل قضات متعدد نمی شود (مرعشی، ۱۳۷۹ ش) در پاسخ باید گفت: چنین انصرافی قابل قبول نیست و اگر انصرافی هم وجود داشته باشد، انصراف بدوی است که با اندک تأملی، زایل می شود (مرعشی، ۱۳۷۹ ش).

لازم می دانیم که برای روشن شدن بحث، در باره‌ی انصراف بیان مختصری ذکر شود: انصراف یعنی از شنیدن لفظ مطلق، ذهن ما متصرف و متوجه شود به سوی یک فرد یا یک صنف از آن لفظ مطلق نه به سوی معنای اصلی آن که اطلاق دارد. علمای اصول فقه، اقسام فراوانی را برای انصراف ذکر کرده اند، اما منشأی آن دو قسم است:

۱ - انصراف بدوی؛ ۲ - انصراف ظهوری

انصراف ظهوری، آن است که منشأ انصراف ذهن به یک فرد یا یک صنف، ظهور خود لفظ باشد مانند لفظ حیوان که در اثر کثرت استعمال، در معنای غیر انسان از قبیل گاو و گوسفند و امثالهم استعمال می شود. اما منشأ انصراف بدوی، ظهور خود لفظ نیست، بلکه منشأ خارجی دارد، به عنوان مثال، از عبارت ماء عند اهل الکوفه، ماء الفرات به ذهن عراقی ها می رسد و از ماء عند اهل البغداد ماء الدجله، به ذهن آنان می رسد. دلیلش این است که این دو ماء، در عراق غلبه‌ی وجودی دارد. طبق نظر اصولیین، انصراف ظهوری مانع تمسک به اصاله الاطلاق است چون اجازه نمی دهد که کلام در اطلاق، ظهور پیدا کند. اما انصراف بدوی، مانع تمسک به اصاله الاطلاق نیست و ما می توانیم به اصاله

الاطلاق عمل کنیم و بگویم که مثلاً ماء، شامل همه‌ی آبها می‌شود و مختص آب دجله و فرات نیست (اندلسی، ۱۴۲۰ق).

۲.۲.۴ قضاوت شورایی و ایجاد اختلاف میان قضات

اشکالات که مطرح شده، یکی آن اینست، مقصود از قضاوت، رفع خصومت و اختلاف میان خواننده و خواهان است؛ اما قضاوت شورایی باعث می‌شود که میان قضات اختلاف بوجود آید، چون ممکن است یکی از آنها چیزی را که مخالف نظر دیگری است انتخاب کند و این مسأله منشأ نزاع و اختلاف شود (تبریزی، بی تا). وقتی که اختلاف در هنگام اجتهاد زیاد باشد، خصومتها بدون حل و فصل باقی می‌ماند (اندلسی، ۱۴۲۰ق). برعلاوه آن اینکه دو یا چند قاضی در یک محدوده شریک باشند ممنوع می‌باشد؛ زیرا چنین امری اختلاف طرفین نزاع را در اختیار کردن یکی از دو قاضی بر می‌انگیزد. به عبارت دیگر، رفع اختلاف از طریق قضاوت شورایی، خودش باعث اختلاف می‌گردد و با فلسفه و حکمت قضا، ناسازگار است (اردبیلی، ۱۴۰۸ق).

ثابت کردن این ادعا که قضاوت شورایی باعث بروز اختلاف میان قضات می‌شود، نهایت مشکل است و صرفاً احتمال اختلاف موجب نمی‌شود که از فوائد، محاسن و ثمرات قضاوت شورایی صرف نظر نماییم (اردبیلی، ۱۴۰۸ق).

اگر قضات اتفاق آراء داشته باشند یقیناً اشکال منتفی می‌باشد در غیر آن، اکثر قضات قائل اتفاق داشته باشند حکم اکثریت عقلانی تر است و در صورتی که اتفاق اکثریت حاصل نشد دیگر خصومتی واقع نمی‌شود تا مجال برای ایراد مذکور باشد (بجنوردی، ۱۴۰۱ق).

۵. قضاوت شورایی از منظر حقوق جمهوری اسلامی ایران

تشکیل دادگاه‌ها در حقوق جمهوری اسلامی ایران به دو صورت مورد توجه قرار گرفته است: شیوه وحدت قاضی و روش قضاوت شورایی، در روش قضاوت فردی، قاضی واحد، محاکمه را به عهده می‌گیرد ولی در روش قضاوت شورایی، گروهی و هیئتی از قضات، به اتفاق یا اکثریت، رای واحد را صادر می‌نمایند (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۰ش). از نظر حقوقی، تعداد اعضای رسیدگی کننده به پرونده در روش قضاوت شورایی، باید فرد باشند مانند ۳، ۵، ۷ و ۹ (آخوندی، ۱۳۸۳ش).

۱.۵ قانون اصول محاکمات حقوقی مصوب سال ۱۲۸۹ شمسی

قانون بعد از نهضت مشروطه، در مورد اصول دادرسی محاکم تدوین و زیر عنوان قانون اصول محاکمات حقوقی به تاریخ ۱۳/۸/۱۲۸۹ شمسی به تصویب نخستین مجلس شورای ملی رسید. این

قانون حاوی مقررات نسبتاً کاملی در مورد حکمیت بود و فصل دوم از باب هفتم آن از ماده ۷۵۷ الی ماده ۷۷۹ مقررات مربوط به حکمیت را توضیح داده بود. به موجب این قانون، داوری اصولاً ملاک و منوط به تراضی اصحاب دعوا بود. طبق ماده ۷۵۷ این قانون، کلیه افراد که صلاحیت مطرح کردن دعوی را دارند، می‌توانند منازعه خود را به حکمیت یک یا چند نفر قاضی که فرد باشند به رضایت جانبین انتخاب کرده به آنها، واگذار نمایند (افتخار جهرمی، ۱۳۷۸ ش).

قضات در نحوه دادرسی به دعوی و انشاء حکم، که تابع تنظیم و ترتیب اصول محاکمات حقوقی نبودند و باید مفاد موافقت نامه داوری (قرار نامه حکمیت) را رعایت می‌کردند. در تصمیم‌گیری‌های سه نفره، نظرات اکثریت قضات مناط اعتبار بود، مگر این که اصحاب دعوا شرط می‌کردند که رأی داوران به اتفاق آراء صادر شود (افتخار جهرمی، ۱۳۷۸ ش).

۲.۵ قانون دادگاه‌های جنایی مصوب سال ۱۳۳۷ شمسی

به اساس ماده ۴ قانون محاکم جنایی مصوب ۱۳۳۷ شمسی، دادگاه جنایی در مورد دادرسی به جنایاتی که مجازات آن، حبس دائم یا اعدام بود، هیئت قضایی مرکب از ۵ نفر و در بقیه جنایات، هیئت قضایی مرکب از ۳ نفر تشکیل جلسه می‌دادند.

۳.۵ لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص ۱۳۵۸

مطابق ماده ۱ لایحه قانون دادگاه مدنی خاص مصوب سال ۱ / ۷ / ۱۳۵۸، این دادگاه با موجودیت یک نفر مجتهد جامع الشرایط و یک یا دو مشاور حقوقدان تشکیل می‌شد، اما صدور و انشاء حکم را فقط مجتهد جامع الشرایط که رئیس دادگاه بود بر عهده داشت. شیوه دادرسی و رسیدگی به دعاوی طرفین دعوا در این دادگاه به صورت قضاوت فردی بوده و حضور دو نفر مشاور فقط جنبه‌ی مشورتی داشت، و رأی قطعی و نهایی همان رأی مجتهد جامع الشرایط بوده است.

۴.۵ قانون اصلاح موادی از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۶۱

قانون مذکور در سال ۱۳۶۱ شمسی، توسط کمیسیون قضایی مجلس به تصویب رسید. طبق این قانون، روش قضاوت شورایی در دادگاه‌ها لغو و منسوخ شد و جایش را نظام قضاوت فردی گرفت. دادگاه‌های کیفری به دادگاه‌های کیفری یک و دو تقسیم شد، و برای جلوگیری از معایب و نواقص روش وحدت قاضی، حضور مشاور در این دادگاه‌ها پیش‌بینی گردید. بر اساس قانون

مذکور، وجود مشاور در دادگاه کیفری یک (۱)، اجباری گردید اما در دادگاه کیفری دو (۲)، اختیاری و غیر الزامی بود (آخوندی، ۱۳۸۳ ش).

۵.۵ قانون تشکیل دادگاه های حقوقی ۱ و ۲ مصوب سال ۱۳۶۴

بنابر ماده های ۲ و ۴ قانون تشکیل دادگاه های حقوقی ۱ و ۲ مصوب ۳ / ۹ / ۱۳۶۴، دادگاه های حقوقی ۱ و ۲ با موجودیت یک نفر قاضی رئیس یا عضو علی البدل جلسه قضایی تشکیل می گردید. البته موجودیت یک شخص به عنوان مشاور در دادگاه حقوقی ۱ الزامی اما در دادگاه حقوقی ۲، اختیاری بود.

۶.۵ قانون تشکیل دادگاه های کیفری ۱ و ۲ مصوب سال ۱۳۶۸

قانون تشکیل دادگاه های کیفری ۱ و ۲ تصویب شد و شعبه های دیوان عالی کشور در سال ۱۳۶۸، مطابق قانون اداره دادگاه های کیفری ۱ و ۲ با روش وحدت قاضی پیش شد. نکات مهم این قانون، از جمله ماده های ۳ و ۴ بود. به دلیل مفاد این دو ماده، دادگاه کیفری اعم از ۱ و ۲، با یک نفر رئیس یا عضو علی البدل تشکیل می گردید و موجودیت الزامی مشاور در دادگاه حتی در دادگاه کیفری ۱، لغو شد، و در صورت نیازمندی و در خواست رئیس دادگاه، مشاور در دادگاه حضور پیدا می کرد و بعد از مطالعه و بررسی دقیق پرونده، پس از خاتمه رسیدگی، ظرف مدت ۵ روز، رأی مشورتی خود را به صورت مفصل و مستدل به دادگاه ارائه می کرد. (احمدی، ۱۳۹۶ ش)

پس شیوه دادرسی و رسیدگی به دعاوی طرفین دعوا در جمهوری اسلامی ایران در ابتدای انقلاب اسلامی به روش وحدت قاضی بوده، و به خاطر جلوگیری از معایب و نواقص روش قضاوت فردی حضور یک مشاور را در کنار قاضی مطرح کرده بودند (آخوندی، ۱۳۸۳ ش).

۷.۵ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب

این قانون که به قانون احیای دادرسی معروف است در سال ۲۸ / ۷ / ۱۳۸۲، تصویب شده. یکی از محورهای اساسی این قانون، قبول روش قضاوت شورایی در رسیدگی به برخی از جرایم مهم است. این قانون، بدون هیچ تغییری در متن ماده ۲۰ قانون مصوب ۱۵ / ۴ / ۱۳۷۳، رسیدگی به جرائم مهم را، حسب مورد، به ۳ یا ۵ قاضی محول کرد و از این طریق، دادگاهی به نام دادگاه کیفری استان به مراجع قضایی کشور اضافه شد. همچنین، بر طبق تبصره یک ماده ۲۰، جرایمی که مجازات آنها اعدام یا قصاص یا.... باشد، متهم در دادگاه کیفری استان که به روش تعدد قاضی با حضور ۳ یا ۵

قاضی تشکیل می‌گردد، محاکمه می‌شود. با عنایت به مفاد تبصره فوق و تبصره ماده ۴ قانون مذکور، می‌توان گفت رسیدگی به جرایم مواد مخدر مستلزم مجازات اعدام و سایر جرایم موضوع ماده ۵ که مجازات قانونی آنها، قصاص نفس یا قصاص عضو یا رجم یا صلب یا اعدام و یا حبس ابد به ادله‌ی مختلف از جمله تشکیل دادگاه به روش قضاوت شورایی و دارا بودن تجربه‌ی بیشتر قضات دادگاه کیفری از قبیل تجربه‌ی قضایی در دادگاه بدوی، باید در صلاحیت دادگاه کیفری استان باشد نه در صلاحیت دادگاه انقلاب که در آنجا یک نفر قاضی، به تنهایی حکم مجازات اعدام را صادر کند (صالح، ۱۳۴۸ش).

لازم به ذکر است که بر اساس قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری (مصوب ۱۳۸۱/۷/۲۸) و مواد قوانین آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری و مدنی، مرجع تجدید نظر آرای دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، با توجه به نوع جرم، دادگاه تجدید نظر استان یا دیوان عالی کشور است. مرجع تجدید نظر آرای دادگاه کیفری استان، دیوان عالی کشور می‌باشد و آرای دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور حقوقی، در هر حوزه قضایی، در دادگاه تجدید نظر مرکز همان استان، تجدید نظر می‌شود (صالح، ۱۳۴۸ش).

۸.۵ قانون شورای حل اختلاف

شورای حل اختلاف، به موجب ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۷۹، به منظور کاهش مراجعات مردم به محاکم قضایی در سیستم قضایی ایران وارد شد.

این شورا، به رفع اختلاف محلی و نیز حل و فصل اموری که ماهیت قضایی ندارد یا ماهیت قضایی آن از پیچیدگی کمتری برخوردار است، می‌پردازد. تصمیمات این شورا نیز با رأی اکثریت معتبر خواهد بود. مطابق ماده ۱۸ آیین نامه اجرایی این ماده، آرای شورای حل اختلاف، ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ، قابل تجدید نظر خواهی در دادگاه عمومی حوزه قضایی مربوطه است، مشروط بر اینکه اکثریت اعضا شورا با تجدیدنظر خواهی موافق باشند (آیین نامه، ۱۳۸۱ق).

یکی از حقوقدانان معاصر، به درستی، واگذار شدن حق تجدیدنظر خواهی محکوم علیه به مرجع صادر کننده رأی و دادن اختیار مخالفت با اعمال حق تجدیدنظر خواهی محکوم علیه به شورای حل اختلاف را مغایر اصول بنیادین دادرسی و خلاف قانون می‌داند (شمس، ۱۳۵۸ش).

در شورای حل اختلاف، عقل جمعی در کنار هم قرار می گیرد و زمینه‌ی فراهم می‌شود تا دیدگاه‌های مختلف و احیاناً متضاد در کنارهم قرار گیرند. بنابر این این امکان را به وجود می‌آورد که آنان باهم مشورت و تبادل نظر نمایند، و از برداشت و استدلال همدیگر آگاهی یابند و مغلوب فکر و اندیشه‌ی شخصی خود نشوند. کشف واقع به وسیله جمع در مقایسه با یک نفر منطقی تر است. به علاوه این که تصمیم‌های شورای حل اختلاف به صورت جمعی از جاه طلبی افراد و فساد ممانعت خواهد کرد و در نتیجه ضمن دادن پاسخ مثبت به توقعات جامعه در برقراری عدالت، خصیصه مردمی بودن نیز تحقق می‌یابد. از آن جایی که تصمیم‌های شورای حل اختلاف به صورت جمعی می‌باشد، از جاه طلبی افراد و نیز انحرافات نظیر اخذ رشوه ممانعت خواهد کرد (رهگشا، ۱۳۸۲ ش).

۹.۵ دیوان عالی کشور

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصل ۱۶۱، به سه وظیفه‌ی مهم دیوان عالی کشور به شرح زیر تصریح شده است:

۱- نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم

۲- ایجاد وحدت رویه‌ی قضایی

۳- انجام مسئولیت‌هایی که طبق قانون به آن محول می‌شود

صراحت بند ۱ مبنی بر لزوم نظارت دیوان عالی کشور جمهوری اسلامی ایران بر اجرای صحیح قوانین در محاکم دادگستری، تجدید نظر بعضی از احکام، فرجام خواهی و تقاضای اعاده‌ی دادرسی، در یکی از شعب دیوان عالی کشور بررسی و رسیدگی می‌شود. شعب دیوان عالی کشور هر کدام متشکل از دو نفر قاضی واجد شرایط که یکی از آنها رئیس شعبه و دیگری مستشار است، تشکیل می‌گردد. به اساس ماده‌ی ۴۱ قانون مزبور، از وظایف دیگر دیوان عالی کشور اینست که وحدت رویه قضایی ایجاد نماید که توسط هیأت عمومی دیوان صورت می‌گیرد. براساس ماده‌ی ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ است، ظاهراً جایگزین قانون مربوط به وحدت رویه‌ی قضایی ۱۳۲۸ با اصلاحات بعدی که شده است، هرگاه در شعب دیوان عالی کشور یا هر کدام از دادگاه‌ها نسبت به موارد مشابه اعم از حقوقی، کیفری و امور حسبی با استنباط از قوانین، آرای مختلفی صادر شود، رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور به هر طریق که آگاه شود، مسئولیت و مکلفیت دارد رأی هیأت عمومی دیوان عالی کشور را به هدف

وحدت رویه در خواست کنند. رأی ملاک عمل خواهد بود که مطابق موازین شرعی باشد، در این جا نیز رأی اکثریت مورد نظر است (رهگشا، ۱۳۸۲ ش).

۱۰.۵ شعبه تشخیص

بادر نظر داشت تجدید نظر شناخته شدن بعضی از احکام، پیش از تصویب قانون احیای دادسرا، از طرف دیگر لزوم قطعی شدن احکام، مقنن برای مصلحت تصمیم گرفت با تأسیس شعبه تشخیص در دیوان عالی کشور، از تجدید نظرهای مکرر و بی مورد جلوگیری کند (احمدی، ۱۳۹۶ ش). ماده ۱۸ اصلاحی در تبصره دومش، مرجع رسیدگی به اعلام اشتباه را «شعبه تشخیص» قرار داده است که نهادی جدید در آیین قانون می باشد. طبق این تبصره در خواست تجدید نظر نسبت به نظرات قطعی مزبور در ماده ۱۸ علاوه از اینکه رأی در مرحله اول صادر شده و به خاطر انقضای مدت تجدید نظر خواهی قطعی شده باشد، یا قانوناً قطعی شده باشد و یا از مرجع تجدید نظر انشاء گردیده باشد، باید در ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ رأی به شعبه یا شعبی از دیوان عالی کشور که شعبه تشخیص نامیده می شود، فرستاده شود. شعبه تشخیص متشکل از پنج نفر قضات، یک نفر رئیس و ۴ نفر مستشار، به انتخاب رئیس قوه قضائیه تشکیل می گردد. در حالتی که شعبه تشخیص وجود خلاف را احراز نکند، قرار رد درخواست تجدید نظر خواهی را صادر می نماید. تصمیم های ذکر شده شعبه تشخیص در همه حالات قطعی بوده و غیر قابل اعتراض می باشد. شعبه تشخیص از شعب دیوان عالی کشور به حساب می آید. همچنین رسمیت جلسات با حضور همه ی اعضا و تصمیم گیری های آن با اکثریت آراء می باشد. قضاوت شورایی در این دادگاه ها موجب دقت بیشتری در انشاء رأی، حفظ حقوق مردم، تطبیق عدالت و جلوگیری از اشتباهات قضایی می گردد (شمس، ۱۳۵۸ ش).

۱۱.۵ لایحه جدید حمایت از خانواده ها

مطابق ماده اول این لایحه، تأسیس و تشکیل دادگاه خانواده مورد نظر قرار گرفته است. مطابق ماده دوم لایحه پیشنهادی قوه قضائیه «دادگاه خانواده با حضور داشت رئیس یا دادرس علی البدل و دو مستشار تشکیل می شود که یکی از اعضای دادگاه باید از خانم ها دارنده پایه قضایی باشد، رسمیت جلسه و انشاء رأی با اکثریت امکان پذیرش است». بدین ملحوظ در همین راستا استفاده از روش قضاوت شورایی در دادگاه خانواده و الزامی کردن حضور خانم های دارای پایه قضایی در دادگاه خانواده و دخالت آنها در مراحل رسیدگی و صدور رأی از موارد قضاوت شورایی می باشد (احمدی، ۱۳۹۶ ش).

۶. قضاوت شورایی در نظام حقوقی افغانستان

ادامه زندگی در اجتماع، وقوع دعاوی و منازعات میان افراد محتمل می سازد (رسولی، ۱۳۹۴ ش). در هر جامعه که به هر درجه از رشد و انکشاف قرار داشته باشد، وقوع جرایم، تعرض و تجاوز به حقوق و آزادی های دیگران امر ناگزیری پنداشته می شود. زیرا انسان هم دارای نیرو و کشش ربانی است و هم دارای قوه شیطانی، هوا و هوس. بنابراین، تنظیم امور جامعه، ایجاب می نماید تا قانونی وضع شود که با تطبیق و عملی ساختن آن، جلو تعرض و تجاوز گرفته شود. مرجع که این قانون را در عمل پیاده ساخته و احکام آن را تطبیق می نماید، قاضی و محکمه است (رسولی، ۱۳۹۴ ش).

بنابراین، قاضی و محکمه از زمانهای قدیم تا حال به شکلی از اشکال در جوامع مختلف وجود داشته و این وظیفه را انجام داده است (نیازی، ۱۳۹۳ ش).

در کشور افغانستان، بعد از انتشار دین مقدس اسلام، امر قضا و قضاوت شورایی مطابق احکام و ارشادات دینی انجام یافته که در این راستا علمای دینی دارای نقش برجسته بوده اند. آنها قضاوت شورایی را در انحصار و اختیار خود داشتند و با استفاده از این مزیت که قضا مطابق احکام شریعت بر گزار و به اصدار حکم مبادرت می ورزد، و آنها از این احکام آگاهی دارند، باید این وظیفه را انجام دهند (ایوبی، ۱۳۹۰ ش).

در زمان های قدیم، برای قضاوت شورایی تشکیلات منظمی در کشور افغانستان وجود نداشت، اصلاً اداره ی مرکزی یا حکومتی که بتواند به تمام ساحات کشور حکمروایی نماید، در سراسر کشور مستقر نشده بود. قانون اساسی که وظایف صلاحیت های بخش های مختلف دولت را تنظیم نماید، تدوین نگردیده بود. از این رو، در گذشته مانمی توانیم از یک سیستم منظم قضاوت شورایی صحبت نماییم (رسولی، ۱۳۹۴ ش).

در افغانستان، اصل بر آن است که باید، قضاوت بر اساس اصل تعدد قاضی یا قضاوت شورایی صورت گیرد. بدین معنا که، قضیه را نه یک قاضی، بلکه سه قاضی به شمول رئیس محکمه مورد رسیدگی قرار دهند، ولو آن که قضیه در مرحله ی اول یا محکمه ابتدائیه (بدوی) تحت رسیدگی قرار داده شود. استفاده از این اصل، زمینه را مساعد می سازد، تا از یک طرف سه قاضی یک قضیه را همه جانبه تحت غور قرار داده و از ارتکاب اشتباه جلوگیری به عمل آید. دیگر این که اگر قضیه توسط

یک قاضی رسیدگی شود، امکان آن وجود دارد که تحت تأثیر قرار گیرد، ولی هرگاه سه قاضی در رسیدگی قضیه شرکت داشته باشند، این خطر کمتر می‌گردد (رسولی، ۱۳۹۴ ش).

به اساس حکم ماده ۱۰ قانون تشکیل و صلاحیت قوه قضائیه، قضایا در محاکم ابتدائیه (بدوی) و استیناف (تجدیدنظر) توسط سه نفر قاضی رسیدگی می‌شود.

به ملاحظه قانون تشکیل و صلاحیت محاکم قوه قضائیه؛ دیده می‌شود که در مراحل مختلف محاکم اعم از ابتدائیه، استیناف و حتی فرجام (دیوان عالی)؛ سیستم تعدد قضاات پیشبینی شده است. با این تفاوت که اگر در محاکم ابتدائیه تعداد قضاات کمتر از سه نفر باشد؛ در آن صورت یک قاضی هم می‌تواند در مورد قضایای احاله شده به محکمه، تصمیم اتخاذ نماید (ایوبی، ۱۳۹۰ ش).

با رعایت اصل تفکیک قوا، قوه قضائیه در کنار دو قوه دیگر اجرائیه و تقنینیه، منحیث یک قوه مستقل و یک رکن از ارکان دولت فعالیت می‌نماید. قوه قضائیه مرکب از ستره محکمه (دیوان عالی)، محاکم استیناف (تجدیدنظر)، و محاکم ابتدائیه (بدوی) می‌باشد. ستره محکمه در رأس قوه قضائیه منحیث عالترین ارگان قضائی قرار دارد. محاکم استیناف در هر ولایت (استان)، کشور به شمول کابل، تشکیل گردیده و دارای دیوان ها و محاکم ابتدائیه می‌باشد.

محاکم ابتدائیه در تمام ولسوالی ها (شهرستان ها)، و مراکز ولایات تشکیل و بعضاً نظر به ضرورت دیوان هایی در آن پیش بینی گردیده است، که هر دیوان دارای قضاات متعدد می‌باشد.

موضوع مربوط به تشکیل و صلاحیت قوه قضائیه یا محاکم و ادارات مربوط آن در قانون تشکیل و صلاحیت قوه قضائیه، توضیح و تنظیم گردیده است (رسولی، ۱۳۹۴ ش).

به اساس حکم قانون تشکیلات و صلاحیت محاکم، قضایا در محاکم به ترتیب ذیل رسیدگی می‌شود:

۱ - در مرحله ابتدائی به اشتراک سه نفر قاضی، مگر اینکه تعداد قضاات کمتر از سه نفر باشد، در این صورت رسیدگی قضیه توسط کمتر از سه نفر قاضی جواز دارد.

۲ - در مرحله ی استینافی (تجدیدنظر)، توسط سه نفر قاضی فیصله می‌شود.

۳ - در مرحله ی فرجام توسط دو نفر قاضی ستره محکمه (دیوان عالی)، یا بیشتر از آن صورت می‌گیرد (علم ستانکزی، ۱۳۹۴ ش).

۷. نتیجه گیری

از مطالب که یادآور شدیم به این نتیجه می‌رسیم که؛ مسأله قضاوت شورایی همواره در طول تاریخ مورد توجه و بررسی و تحلیل فقهای کرام و حقوقدانان قرار گرفته است، بسیاری از فقها و حقوقدانان که قضاوت شورایی را پذیرفته اند به ادله‌ی زیادی مانند قرآن کریم، احادیث، ادله عقلی و اصول لفظیه استناد نموده اند؛ ولی در برابر این ها بعضی از فقها و حقوق دانان با قضاوت شورایی مخالفت کرده اند، اما ادله‌ی که فقها و حقوق دانان مخالف قضاوت شورایی به آن استناد نموده اند از وثاقت و اطمینان برخوردار نبوده است، ولی بالعکس ادله‌ی فقها و حقوقدانان که موافق قضاوت شورایی هستند از اعتبار و اطمینان بیشتری برخوردار بوده و قضات را در رسیدن به رأی قاطع و درست همکاری و کمک می‌نماید.

انتخاب قضات شورایی، از میان قضات منصوب و قضات مآذون می‌باشند، در عصر حاضر سیستم حکومتی اسلامی اکثر قضات، قضات مآذون هستند.

در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، در نتیجه، منظور رویکرد نظام های دادرسی و رسیدگی در دستگاه قضایی، در قبول روش قضاوت شورایی به توضیح ذیل است:

قضاوت شورایی می تواند از اشتباهات قضایی جلوگیری نماید، یکی از مشکلات مهم نظام های قضائی در جهان، اشتباهات قضائی قضات دادگاه ها می‌باشد که به موجب آن هزاران شخص از طرفین دعوی دچار مشکلات شده و خسارات و صدمات مالی و غیره را تحمل می‌کنند، همچنین پرونده های کیفری که مجازات قانونی آنها اعدام، و یا حبس ابد می‌باشد اگر توسط قضاوت فردی بررسی و رسیدگی شود، به سبب محدود بودن اطلاعات حقوقی و تجارب قاضی واحد، احتمال می رود که اشتباه قضائی بالا رود، زیرا یک نفر نمی‌تواند به عدالت واقعی برسد، بالعکس اگر رسیدگی به پرونده مزبور به وسیله ۳ یا ۵ نفر قضات که مجرب و متخصص هستند بررسی و رسیدگی شود بدون شک، اشتباهات قضائی به اندازه قابل زیادی تنزل خواهد یافت.

در جرایمی که مجازات قانونی آنها قصاص نفس، حبس ابد و نظائر آن می‌باشد برای جلوگیری از نفوذ و تأثیر پذیری قضات می بایست از روش قضاوت شورایی استفاده کرد. ولی اگر رسیدگی پرونده قضائی به وسیله قضاوت فردی رسیدگی شود و تصمیم گرفته شود، بدون تردید احتمال می‌رود که قاضی واحد تحت تأثیر تهدید، تطمیع و غیره قرار گیرد. بالعکس اگر رسیدگی دادرسی پرونده های مزبور به وسیله ۳ یا ۵ قاضی شود نفوذ و تأثیر پذیری آنها طبعاً کمتر از قضاوت فردی

خواهد بود، بنابراین مصلحت و ضرورت اقتضا می کند که ازین قبیل جرایم باید به وسیله قضاوت شورایی مورد دادرسی و رسیدگی قرار بگیرد، تا از اشتباهات قضایی جلوگیری شده و عدالت به وجه احسن آن تطبیق شود.

در نظام حقوقی افغانستان یکی از بحث های مطرح این است که آیا عدالت با قضاوت قاضی واحد بهتر تامین می شود یا بهتراست که قضات در محاکمه و صدور فیصله متعدد باشند؟

هر دو نظریه طرفدارانی دارد. طرفداران نظریه اول استدلال می کنند، اگر در محاکم یک قاضی قضاوت کند صرفه جویی می شود و دولت ناگزیر نمی شود به جای یک قاضی معاش چند قاضی را بپردازد. به این طریق بودجه عمومی کم تر مصرف می شود. در مقابل طرفداران نظریه دوم می گویند: اگر قضات متعدد باشند با هم دیگر شور و مشوره می نمایند، و با مشوره هم به صدور فیصله می پردازند. مسلمانا عقل جمعی نسبت به عقل فردی به ثواب نزدیک تر است و احتمال خطای کم تری در آن می رود. به این طریق در محاکمه و صدور فیصله عدالت بهتر تامین می شود. تامین مصلحت عدالت به مراتب مهم تر است از صرفه جویی در هزینه ها، باید به تامین عدالت اطمینان حاصل نمود ولو به بهایی گران تر. نظریه دوم طرفداران بیش تری دارد.

منابع

القرآن الکریم.

- ابن عابدین، محمد امین بن عمر، رد المحتار علی الدر المختار، بیروت، دارالجلیل، ۱۴۱۲ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع، دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
- اردبیلی، سید عبدالکریم، فقه القضاء، قم، منشورات مکتبه المفید، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.
- ارسطا، محمدجواد، حکم قاضی ماذون، تهران، معاونت تحقیق مجتمع آموزش عالی فقه، ۱۳۸۹ش.
- اندلسی، ابوحیان محمد بن یوسف، البحر المحيط فی التفسیر، بیروت، دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
- ایوبی، فضل الرحمن، مجموعه لکچرنوت های اجراءات جزایی، کابل، انتشارات سعید، ۱۳۹۰ش.
- بجنوردی، سید محمد، قواعد فقهیه، تهران، مؤسسه عروج، ۱۴۰۱ق.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، انوار التنزیل و اسرار التأویل، تحقیق: محمد عبدالرحمن المرعشی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
- بیهقی، ابوبکر احمد بن الحسین، معرف السنن والآثار، منصوره، دار الوفا، ۱۴۱۲ق.
- تبریزی، میرزا جواد بن علی، أسس القضاء والشهادة، قم، چاپ اول، بی تا.
- الجزیری، عبدالرحمن، الفقه علی المذاهب الاربعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، بی تا.
- جصاص، احمد بن علی، احکام القرآن، تحقیق: محمد صادق قمحای، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۰۵ق.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۸ش.

- حلی (علامه)، حسن بن یوسف بن مطهر، ارشاد الازهان الی احکام الایمان، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داودی، بیروت، دارالعلم، الدارالشامیه، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.
- زمخشری، محمود بن عمر بن محمد، الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل، بیروت، دارالکتاب العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۷ ق.
- علامه طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ ق.
- معلوف، لوئیس، المنجد فی اللغة و الاعلام، بیروت، المكتبة الشریقه، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.
- رسولی، محمد اشرف، شرح و توضیح قانون اجراءات جزایی افغانستان، کابل، انتشارات وزارت عدلیه، چاپ اول، ۱۳۹۴ ش.
- احمدی، محمد عارف، دادرسی متصفانه در نظام حقوقی افغانستان، تهران، بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول، ۱۳۹۶ ش.
- نیازی، محمد مصطفی، نظام قضاء در اسلام، مترجم: عبدالحلیم ثاقب خیرآبادی، کابل، سعید، ۱۳۹۳ ش.
- واسطی زبیدی، محب الدین، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
- هاشمی شاهرودی، محمود، صحیفه عدالت، تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، ۱۳۵۶ ش.

ظهور چین و دگرگونی نظم کنونی جهان



نذیراحمد نیرومند

چکیده

از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تاکنون، نظم بین‌الملل عمدتاً حول محور غرب و به‌ویژه سلطه ایالات متحده آمریکا شکل گرفته است؛ با این حال، این نظم در سال‌های اخیر با نشانه‌های آشکار تزلزل و دگرگونی مواجه شده است. جهان امروز در مرحله‌ای از گذار در نظام بین‌الملل قرار دارد که در آن، قدرت به تدریج از غرب به شرق منتقل می‌شود. سوال مطرح می‌شود، این که چگونه ظهور اقتصادی و فناوری چین، نظم سیاسی و اقتصادی کنونی جهان را تحت تأثیر قرار داده و رقابت آن با ایالات متحده را شکل می‌دهد؟ به گمان نویسنده یکی از مهم‌ترین عوامل این تحول، ظهور و صعود جمهوری خلق چین است که نظم سنتی حاکم را به چالش کشیده است. رشد اقتصادی چین شباهت‌های قابل توجهی با رشد ایالات متحده در اوایل قرن بیستم دارد. ایالات متحده پس از دو جنگ جهانی و رقابت طولانی با اتحاد جماهیر شوروی توانست جایگاه هژمونیک خود را حفظ کند، در حالی که چین از مسیر اقتصاد تولیدمحور، سرمایه‌گذاری گسترده و انباشت ثروت، بنیان‌های قدرت اقتصادی خود را تقویت کرده است؛ امری که نقش تعیین‌کننده‌ای در گسترش توان سیاسی، نظامی و فناوریانه این کشور ایفا می‌کند. در مقابل رویکرد ایالات متحده که اغلب بر ابزارهای نظامی و مداخلات سیاسی برای تأمین منافع خود تکیه دارد، چین با تمرکز بر ارائه وام، سرمایه‌گذاری و توسعه زیرساخت‌ها - به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه - بدون شرط‌گذاری سیاسی و ایدئولوژیک، نفوذ خود را گسترش داده است. این مقاله با تمرکز بر برنامه‌ها و راهبردهای چین، به بررسی نقش این کشور در دگرگونی نظم کنونی جهان می‌پردازد؛ نظمی که همچنان به‌طور تاریخی تحت تأثیر غرب قرار دارد.

کلید واژه‌ها: نظم بین‌الملل، انتقال قدرت، رقابت قدرت‌های بزرگ، اقتصاد سیاسی، سرمایه

گذاری و زیر ساخت

۱. مقدمه

إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ، نَحْمَدُهُ وَنُسْتَعِينُهُ وَنُسْتَغْفِرُهُ، وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّهِ وَأَنْفُسِنَا وَمِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا، مَنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ، وَمَنْ يَضِلَّ فَلَا هَادِيَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.

با این نقل می توان جایگاه چین در این بر از زمان را بیان نمود : "قرن بیست و یکم قرن چین است." (سون یات سن). ایالات متحده رهبری جهان را حداقل برای این مدت باقی مانده از قرن بیستم، شاید حتی برای مدت طولانی تر حفظ خواهد کرد، اما این موقعیت در نهایت به چین خواهد رسید. در این مبحث به ظهور و رشد چین پرداخته شده است. چین برای گسترده نمودن اثرگذاری در بخش اقتصادی در سطح ملی، منطقه و جهان، از برنامه های چون، کمر بند و جاده و رقابت بر سر فناوری با امریکا که در پسا ۲۰۰۰ تهیه نموده است، جداً فعالیت می نماید، کشور های منطقه ای چین برای سرمایه گذاری و تاثیر پذیری از چین، از اینکه زیرساخت های مناسب ندارد، بستر مناسب را برای سرمایه گذاری چین پهن کرده اند. این شرایط برای کشور های فرامنطقه نیز صادق است که آنها از ناگزیری نیز فرصت را برای فعالیت های چین مساعد نموده اند، این سرمایه گذاری شاید برای تامین و تاسیس زیربنایی کشور ها باشد ولی مفاد برای چین استراتژیک است. اروپا و امریکا نیز از کالا های ارزان چین استفاده می کند که این نیز باعث رشد سرمایه برای چین است و می تواند امریکا را به حاشیه ببرد و خود تک تاز در میدان های اقتصادی جهان باقی بماند.

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، نظام بین الملل وارد مرحله از تک قطبی بودن شد که در آن امریکا به عنوان قدرت مسلط نقش تعیین کننده داشت تحولات اخیر نشان می دهد که امریکا به انزوا روان است مهمترین عوامل این ظهور چین به عنوان قدرت اقتصادی، سیاسی و فناورانه در سطح جهان است. رشد سریع اقتصاد چین، گسترش نفوذ آن در کشور نفوذ آن در کشور های در حال توسعه از طریق سرمایه گذاری و پروژه های زیر بنایی پرسش های جدی در باره آینده نظام جهانی مبتنی بر رهبری غرب یا امریکا ایجاد کرده است. مساله اصلی این تحقیق آن است که چین با چه ابزار ها و راهبردهایی در حال به چالش کشیدن نظم کنونی جهان است؟

هدف، بررسی نقش ظهور چین در تضعیف و دگرگونی نظم بین المللی تحت رهبری غرب، به ویژه ایالات متحده امریکا است. مقاله می کوشد نشان دهد که چین از طریق ابزارهای اقتصادی،

دیپلماتیک و فناوریانه چگونه در حال بازتعریف مناسبات قدرت جهانی است و آیا این روند می تواند به شکل گیری نظم جدید یا چندقطبی منجر شود؟

جهان امروز در حال تجربه یک دوره گذار در نظام بین الملل است. شناخت نقش چین در این گذار می تواند به درک بهتر تحولات ژئوپلیتیکی و اقتصادی کمک کند. از منظر علمی، این تحقیق به دانش مربوط به تغییر قدرت در نظام بین الملل می افزاید. نتایج تحقیق می تواند برای محققان روابط بین الملل و مطالعات استراتژیک در شناخت موقعیت چین در آینده نزدیک بیافزاید. این مقاله از چند بخش اصلی چون؛ مقدمه، مبانی نظری و پیشینه تحقیق تحلیل ظهور چین و راهبردهای آن و نتیجه گیری تشکیل شده است.

مطالعات متعددی در زمینه نظم بین الملل، انتقال قدرت و ظهور چین انجام شده است. نظریه پردازانی مانند جان مرشایمرو ایمانوئل والرشتاین به بررسی رقابت قدرت های بزرگ و تغییر ساختار نظام جهانی پرداخته اند.

بخش قابل توجهی از تحقیقات، ظهور چین را در چارچوب رقابت هژمونیک با ایالات متحده تحلیل کرده اند، اما این مقاله تلاش دارد با تمرکز ویژه بر ابزارهای اقتصادی و توسعه محور چین در کشورهای در حال توسعه، زاویه ای متفاوت و مکمل به ادبیات موجود بیفزاید.

واقع گرایی یکی از مکاتب اصلی روابط بین الملل است که بر رقابت قدرت و امنیت میان دولت ها تمرکز دارد. از این منظر، ظهور چین به عنوان یک قدرت نو ظهور، موجب تشدید رقابت ژئوپلیتیک با آمریکا و تلاش برای حفظ توازن قدرت در سطح جهانی می شود. افزایش توان نظامی، توسعه تسلیحات و استراتژی های سرمایه گذاری در جنوب و شرق آسیا، نمونه ای از این رقابت قدرت است (بوگیس & دولنی، ۲۰۲۳؛ لعلوانی، ۲۰۲۳).

نظریه نئولیبرالیسم بر اهمیت همکاری اقتصادی، تجارت و سرمایه گذاری بین کشورها تأکید دارد (امادیو، ۲۰۲۲). از این دیدگاه، استراتژی کمر بند و جاده چین و سرمایه گذاری های زیربنایی در کشورهای جنوب و جنوب شرق آسیا، نمونه ای از تلاش برای ایجاد وابستگی اقتصادی و شبکه همکاری های چندجانبه است که می تواند به نفوذ چین در نظم جهانی منجر شود (میدین، ۲۰۱۹ و شامبو، ۲۰۱۳).

نظریه قدرت نرمی که توسط جوزف نای مطرح شد، بر نفوذ فرهنگی، اقتصادی و سیاسی بدون استفاده مستقیم از زور تأکید دارد. چین با سرمایه گذاری های اقتصادی، پروژه های زیرساختی و

همکاری‌های فناوری، تلاش می‌کند جایگاه خود را در نظم جهانی تثبیت کند و نفوذ خود را در کشورهای هدف افزایش دهد. (بیاد و کاغذچی، ۲۰۲۳)

۲. روش تحقیق

داده‌ها و اطلاعات از طریق مطالعه اسناد، کتاب‌ها، مقالات علمی، گزارش‌های بین‌المللی و منابع معتبر دانشگاهی گردآوری شده‌اند.

تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری از رویکرد کیفی و مقایسه‌ای میان الگوی قدرت‌یابی چین و تجربه تاریخی قدرت‌های بزرگ، به‌ویژه ایالات متحده آمریکا، انجام شده است.

۳. چین و استراتژی‌های آن

چین دو استراتژی اصلی را با دقت دنبال می‌کند تا بتواند رقیب با قدرت مانند ایالات متحده را به چالش بکشد:

- استراتژی کمربند و جاده

- استراتژی فناوری: توسعه تراشه‌ها و کامپیوترهای کوانتومی

رقابت در این حوزه‌ها در سال‌های اخیر به شدت آشکار شده است، زیرا هر دو استراتژی به چین امکان می‌دهند هم نفوذ اقتصادی-سیاسی-نظامی و هم قدرت فناوری خود را در سطح جهانی افزایش دهد (بیاد و کاغذچی، ۲۰۲۳)

۴. کمربند - جاده

در سال‌های بعد از ۲۰۰۰ میلادی رهبر جدید چین شی جی پینگ با برنامه توسعه اقتصادی و سرمایه‌گذاری چین در جهان وارد صحنه شد و کمربند-جاده که همانا در تاریخ داد و ستد تجاری این کشور با جهان برای قرن‌ها اهمیت داشت را دوباره احیا کرد، کمربند و جاده را نیز می‌توان ژئواستراتژی چین در آسیا و آفریقا نامید شامل دو پیرامون می‌شود؛ پیرامون قدیم؛ روسیه، آسیای مرکزی-جنوبی، شرقی-غربی را در بر می‌گیرد. پیرامون جدید؛ کشورهای آفریقا است و نیز اروپا و آمریکا از کالاهای ارزان و با کیفیت چین استفاده می‌نمایند.

کمربند و جاده نه تنها مسیرهای خشکه را دربرمی‌گیرد، بلکه مسیرهای دریایی را هم با خود دارد. کمربند مسیرهای خشکه جاده ابریشم و جاده‌ای مسیرهای دریایی جاده ابریشم را بحث می‌کند. رفت و آمد‌ها میان چین و کشورهای آسیا، اروپا و آفریقا در عصر باستان، قرون وسطی بعد

از آن حایز اهمیت فراوان بوده که از طریق جاده ابریشم صورت می گرفت. از مسیر های که قبلاً توسط حیوانات و کاروان ها رفت و آمد میشد، برای فعلا که بشر مجهز با وسایل ارتباطات و حمل نقل جدید است استفاده نمی شود بلکه، از بزرگ راه ها و خطوط راه آهن که قبلاً در کشور ها ایجاد شده، استفاده می شود. برای وصل شدن با کشور های ساحلی و جزیره ای تنها و نزدیکترین راه همانا دریا هست، پس چین برای این کار از عنوانی به نام جاده ابریشم استفاده می نماید تا بتواند به صورت موثر و سریع با کشور های منطقه و فرا منطقه داد و ستد داشته باشد.

از چین به عنوان یک کشور قدرتمند در دریا فقط در قرن بیست و یکم می توان سخن گفت. هر قدر به عقب برگردیم این توانمندی بسیار ضعیف جلوه می کند، چین برای این که می توانست به یک قدرت بین المللی هم تراز با امریکا قرار بگیرد، باید توانمندی نیروی دریایی اش را هم از نظر کمیت و هم از نظر کیفیت افزایش می داد، و این برنامه از زمان "مایو تسه تونگ" در ۱۹۷۰ شروع و تعقیب آن توسط "دینگ" و با شروع قرن جدید به کمال خودش رسید.

دو بعد از توانمندی دریایی چین که حایز اهمیت است؛ نخست، برتری سرمایه گذاری و تجاری چین در آسیا و آفریقا که در مواقع جنگ از کشتی های نظامی چین در بنادر تجاری در این کشورها، که قبلاً توسط چین ساخته شده است مراقبت و حمایت صورت می گیرد.

دوم؛ برتری در لجستیک دریایی، اخیراً تمام امکانات مورد نیاز را شناسایی و برای آنها راهکار های چون کشتی های سریع و مجهز با لجستیک آماده نماید. از مسیر دریایی که شامل دریایی شرق چین یا اقیانوس آرام، دریایی هند، در یایی عرب همراه با خلیج فارس، دریایی مدیترانه و اتلانتیک است استفاده می شود.

کشور های با اقتصاد عقب گرد، ضعیف و متوسط که نمی توانند به تنهایی به نیازمندی های خود پاسخ دهند برای برطرف ساختن این نیازمندی ها به چین ضرورت دارند، که شامل؛ استخراج معادن کشور ها، اعمار بزرگ راه ها و کانال ها، تاسیس میدان های هوایی، تاسیس شبکه های برق، ایجاد شهرک ها برای مسکن، ایجاد بنادر اقتصادی، بازار های کوچک اقتصادی و کارخانه های محدود تولیدی، فروش کالاهای ارزان و خدماتی برای کشورهای توسعه یافته و نظامی، باتابازر استاندارد های انجیری و تکنالوژی شهرت و توسعه یافتگی اقتصادی چین را به نمایش می گذارد.

۵. ژئواستراتژی چین

ژئواستراتژی چین در شکل قدیم آن شامل: روسیه، کشور های شرق آسیا، آسیای مرکزی، آسیای جنوبی و غربی می شود؛ حالا رشد و قدرت گیری کشورهای پیرامون آن بزرگتر شده است، که شامل بخش های از آفریقا نیز می شود. در بین سال های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴ دیپلماسی چین از ضعیف به قوی تغییر کرده است. قدرت مداخله چین در سطح بین الملل را می توان مشاهده کرد و بجنگ اولویت ارتباطات با جهان جنوب را افزایش داده است. (ایسن من، ۲۰۲۳)

۶. چین و روسیه

روسیه از لحاظ جغرافیایی کشور پهناور، دارای منابع عظیم نفتی و دومین قدرت نظامی بعد از امریکا است. این کشور بعد از صنعتی شدن، استعمار روسی را ایجاد کرد، امپراتوری سوسیالیستی را بنا گذاشت و چندین جنگ بزرگ را نیز سپری نموده است. تا هنوز نیز تاثیر گذار در عرصه بین الملل می باشد. روسیه مرز وسیع با چین دارد که این مرز از نظر چین خیلی قابل اهمیت است. جمعیت چین بسوی سرزمین های روسیه بسیار تمایل دارد و با مهاجرت ها به خاک روسیه می توانند منطقه را بومی کنند و هم به توسعه قلمرو فرهنگی چین می افزاید که به آینده نه چندان دور، چین بازار های مشترک ایجاد کند که این خود برای تحت تاثیر قراردادن اقتصاد روسیه از جهت کالاهای ارزان چینی بسا برای اقتصادش مفید قرار می گیرد.

این درست است که روسیه خیلی قبل صنعتی شده است و قدرت تولیدی بسیار موثر دارد، شاید چین نتواند با تولیدات استراتژیک روسیه مقابله کند، چون دارو، غذا و اسلحه. ولی تولیدات کالاهای مصرفی و غیر استراتژیک که با قیمت ارزان به بازار عرضه گردد، می تواند تولیدات بومی و قیمتی را شکست دهد.

روسیه شاید مواد خام ارزان به دسترس داشته باشد ولی چین می تواند مواد خام ارزان را از روسیه و کارگر ارزان که در اختیار دارد، نازل ترین قیمت را پیش کش کند که باعث جلب توجه در بازار ها خواهد شد. پس در نهایت نتیجه این خواهد بود که چین در مجاورت با روسیه می تواند از مواد خام و از کالاهای تولید شده ی چین برای بازار های روسیه استفاده مفید نماید.

۷. چین و آسیای مرکزی

در کنار روسیه یک تعداد از کشور های آسیای مرکزی چون: تاجیکستان و قزاقستان با چین هم مرز هستند، کشور های آسیای مرکزی که شامل پنج کشور؛ تاجیکستان، اوزبکستان، ترکمنستان،

قزاقستان، قرقزستان می شود، جمهوریت های تازه تاسیس که با فروپاشی شوروی شکل گرفته اند. این جمهوریت ها از حیث زیر بنایی و توسعه یافتگی، اندازه یی از انکشاف را تجربه کرده اند که باعث آن صنعت و سرمایه گذاری شوروی بود، و بعد از استقلال این کشورها اندکی توانستند تا ثبات اقتصادی شان را حفظ کنند ولی بشدت به سرمایه گذاری بیرونی در زمینه های تولیدی و زیر بنایی نیازمند هستند که این خالی گاه را چین پر کرده است.

کشور های آسیای مرکزی سرشار از منابع طبیعی چون نفت و گاز هستند، که این منابع برای اقتصادی روبه رشد چین بسیار مفید قرار می گیرد، کشور های فوق الذکر نه توانایی استخراج این منابع عظیم را دارند و نه می توانند از این منابع برای تولید کالاهای اقتصادی استفاده نمایند.

چین برای کشور های آسیایی مرکزی خدمات و زیر ساخت های ذیل از جمله؛ خطوط آهن، فابریکه های عظیم تولیدی سمنت و فولاد، دستگاه های تولید برق آبی، میدان های هوایی، بازار های بزرگ و شهرک های مسکونی، استخراج نفت و گاز، ایجاد بنادر زمینی و دریایی و شاهراه های بزرگ به همراه تونل های طویل را محیا کرده است.

کشور های آسیایی مرکز انباشت سرمایه چون عربستان را ندارد، پس در مقابل سرمایه گذاری چین منابع طبیعی خود را در اختیار چین به قیمت ارزان می گذارد یا ناگزیر اماکن خاص را در اختیار چین گذارد تا استفاده نماید.

در کنار سرمایه گذاری، چین نیز می تواند برای این کشورها کالاهای تولید شده را نیز بفرستد و همچنان از طریق این کشورها می تواند به اروپا نیز ارتباط برقرار کند که اجناس چین از مسیر خشکه با عبور از آسیایی مرکزی به اروپا برسد.

۸. چین و جنوب آسیا

استعمار بریتانیا در جنوب آسیا باعث ایجاد زیر ساخت های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شد که این کشورها توانستند پس از خروج استعمار، به ویژه در قرن بیستم، به حیات سیاسی و اقتصادی خود ادامه دهند. نمونه موفق این روند، هند است که پس از استقلال، با اجرای اصلاحات اقتصادی در چندین مرحله، توانست اقتصاد رو به رشد و نسبتاً پایدار ایجاد کند (لارسون، ۱۳۷۳).

در کنار هند، کشورهایی چون پاکستان، بنگلادش و سریلانکا نیز وارد مسیر اصلاحات اقتصادی شدند، اما به دلیل وجود گروه های قوم گرا، تجزیه طلب و بی ثباتی سیاسی، نتوانستند به طور موفق از این مرحله عبور کنند (مزار، ۲۰۱۸).

نپال و بوتان از جمله کشورهایی هستند که به شدت به حمایت خارجی وابسته‌اند و همین امر فرصت مناسبی برای نفوذ و سرمایه‌گذاری چین در این کشورها فراهم کرده است (شامبو، ۲۰۱۳). چین در سال‌های اخیر توانسته است در کشورهای پاکستان، سریلانکا و بنگلادش—که همسایگان هند و رقبای منطقه‌ای چین محسوب می‌شوند—بنادر دریایی و پروژه‌های بزرگ زیربنایی ایجاد کند. کشورهای میزبان، سرمایه‌گذاری چین را به عنوان فرصتی برای توسعه اقتصادی خود تلقی می‌کنند، زیرا توانایی مالی و فنی لازم برای خودسازی زیرساختی را ندارند. این وابستگی نه تنها در بنادر، بلکه در ساخت بزرگراه‌ها، نیروگاه‌های تولید برق و صنایع تولید کالاهای مصرفی نیز مشهود است. (امادیو، ۲۰۲۲).

در مقابل، هند با وجود همسایگی جغرافیایی، سرمایه‌گذاری قابل توجهی در این کشورها نداشته و سطح دادوستد تجاری میان هند و این کشورها محدود باقی مانده است. از این رو، چین در دو دهه اخیر به عنوان «کشتی نجات» اقتصادی در جنوب آسیا ظاهر شده و از طریق وام‌دهی و اجرای پروژه‌های زیربنایی، نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کرده است (میدین، ۲۰۱۹).

بوتان و نپال نیز در همسایگی چین قرار دارند و از سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی این کشور بهره‌مند شده‌اند. با این تفاوت که نپال همچنان بیش از بوتان تحت نفوذ اقتصادی و سیاسی هند قرار دارد. هند در این کشور منفعل نبوده و تلاش کرده است با افزایش سرمایه‌گذاری‌های خود، مانع نفوذ گسترده چین شود. رقابت اقتصادی و ژئوپلیتیکی چین و هند در نپال به وضوح قابل مشاهده است و هرگونه بی‌توجهی هند می‌تواند زمینه را برای پرکردن این خلأ توسط چین فراهم سازد (لعلوانی، ۲۰۲۳). در مجموع، چین از سرمایه‌گذاری در جنوب آسیا اهداف متعددی را دنبال می‌کند؛ از جمله مقابله با نفوذ اقتصادی ایالات متحده، تحت تأثیر قرار دادن بازارهای هند در منطقه، ایجاد مسیرهای بدیل ارتباطی با جهان جنوب، بهره‌برداری بالقوه نظامی از بنادر اقتصادی، و دسترسی آسان به بازارهای پرتقاضا و منابع خام جنوب آسیا (مزار، ۲۰۱۸ و شامبو، ۲۰۱۳).

۹. چین در شرق و جنوب شرق آسیا

در شرق آسیا، کشورهای چینی چون ژاپن، کره جنوبی و تایوان رقبای اصلی چین به شمار می‌روند، که با ایالات متحده و تا حدودی با هند، هم‌پیمان هستند. تنها کشور همکار و همسو با چین در این حوزه، کره شمالی است که از حمایت اقتصادی و سیاسی چین برخوردار می‌باشد (هیکانومی، ۲۰۱۸).

کشورهای رقیب چین در شرق آسیا از زیرساخت‌های پیشرفته اقتصادی و نظامی برخوردارند و نه تنها نیازی به سرمایه‌گذاری چین ندارند، بلکه قادرند در سطح منطقه‌ای با آن رقابت کنند. این کشورها از حمایت مستقیم ایالات متحده در حوزه‌های نظامی، اقتصادی و سیاسی برخوردار هستند (مزار، ۲۰۱۸).

۱.۹ تایوان و چین

اگرچه پرداختن تفصیلی به مسئله تایوان خارج از حوصله این بحث است، اما اشاره‌ای کوتاه ضروری است. تایوان در طول تاریخ بخشی از چین بوده و تا قرن بیستم تحت حاکمیت دولت‌های مرکزی چین قرار داشت. پس از پیروزی انقلاب کمونیستی چین در سال ۱۹۴۹، حکومت ملی گرا به جزیره تایوان عقب‌نشینی کرد و مدعی نمایندگی مشروع چین در نظام بین‌الملل شد. این وضعیت تا دهه ۱۹۷۰ ادامه یافت، اما با تغییر سیاست جهانی، کرسی چین در سازمان ملل به پکن واگذار شد. با این حال، مسئله ادغام تایوان همچنان یکی از منازعات اصلی سیاست خارجی چین باقی مانده و ایالات متحده نقش مهمی در حمایت امنیتی از تایوان ایفا می‌کند (هیکانومی، ۲۰۲۲).

۲.۹ جنوب شرق آسیا

کشورهای جنوب شرق آسیا شامل میانمار، تایلند، لائوس، ویتنام، کامبوج، مالزی، سنگاپور، اندونزی و فیلیپین هستند. برخی از این کشورها هم‌پیمان ایالات متحده‌اند، برخی بی‌طرف مانده‌اند و برخی دیگر همکاری گسترده‌ای با چین دارند (شامبو، ۲۰۱۳).

میانمار به دلیل درگیری‌های داخلی و بی‌ثباتی سیاسی، با بحران اقتصادی مواجه است و به سرمایه‌گذاری خارجی نیاز مبرم دارد. موقعیت جغرافیایی این کشور، چین را به‌طور مستقیم به جنوب آسیا متصل می‌سازد و از این رو، چین توانسته خلأ سرمایه‌گذاری را در این کشور پر کند (میدین، ۲۰۱۹).

کشورهایی چون اندونزی، مالزی، ویتنام، لائوس، کامبوج و تایلند از سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی چین بهره‌مند می‌شوند، اما این همکاری لزوماً به معنای تقابل با ایالات متحده نیست. این کشورها به دلیل ضعف زیرساختی و نیاز به وام‌های کلان، همکاری اقتصادی با چین را ترجیح می‌دهند (امادیو، ۲۰۲۲).

در مقابل، سنگاپور و فیلیپین از رقابتی سیاسی و اقتصادی چین محسوب می‌شوند و به دلیل حضور پررنگ ایالات متحده، چین نفوذ محدودی در این دو کشور دارد (مزار، ۲۰۱۸). به طور کلی، شرق و جنوب شرق آسیا حوزه‌ای رقابتی و دوگانه است؛ از یک سو چین آن را حوزه نفوذ طبیعی خود می‌داند و از سوی دیگر، حضور نظامی و سیاسی ایالات متحده؛ به ویژه در تایوان، ژاپن، کره جنوبی و فیلیپین موجب مهار نفوذ چین شده است. کنترل تنگه‌های استراتژیک مانند مالاکا توسط آمریکا، چین را نسبت به امنیت انرژی و مسیرهای دریایی خود نگران ساخته و این مسئله تعامل چین با کشورهای این منطقه را به یک ضرورت راهبردی تبدیل کرده است (مزار، ۲۰۱۸).

۱۰. چین و غرب آسیا

غرب آسیا که عمدتاً با اقتصاد نفتی شناخته می‌شود، پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی وارد دوره‌ای از بی‌ثباتی سیاسی شد. این منطقه—که با نام خاورمیانه نیز شناخته می‌شود، در قرن بیستم میان قدرت‌های استعماری بریتانیا، فرانسه و ایالات متحده تقسیم گردید (زیلینسکی، بی‌تا).

کشورهای این منطقه شامل ایران، ترکیه، عراق، سوریه، لبنان، اردن، فلسطین، عربستان سعودی، کویت، بحرین، امارات متحده عربی، عمان و یمن هستند. این کشورها به دو گرایش کلی تقسیم می‌شوند؛ گروهی با گرایش شرقی (ایران، عراق، سوریه، لبنان، یمن و فلسطین) که در تقابل با غرب قرار دارند و گروهی با گرایش غربی (هیکانومی، ۲۰۲۲).

با وجود منابع عظیم نفت و گاز، بسیاری از کشورهای غرب آسیا توانایی خودکفایی در ساخت زیرساخت‌های کلان را ندارند. برای نمونه، عربستان سعودی برای توسعه انرژی هسته‌ای به همکاری چین نیازمند است، ایران برای فروش نفت به چین وابسته است و کشورهای کوچک خلیج فارس نیز به سرمایه‌گذاری چین در حوزه‌های مختلف اقتصادی متکی هستند (امادیو، ۲۰۲۲).

مفهوم «گرایش به شرق» در این منطقه حامل قدرت اقتصادی چین و هند، توان نظامی روسیه و ایدئولوژی سیاسی ایران است؛ مفهومی که باعث شده بسیاری از کشورهای غرب آسیا در سال‌های اخیر به‌طور فزاینده‌ای به شرق متمایل شوند (هینگ، ۲۰۱۵).

چین به‌عنوان قدرت اقتصادی برتر شرق، هم به انرژی نیازمند است و هم خاورمیانه را به‌عنوان بهترین منبع تأمین انرژی و مسیر عملی تحقق ابتکار «کمربند و جاده» می‌بیند؛ ابتکاری که از آسیای مرکزی عبور کرده و به غرب آسیا متصل می‌شود (شامبو، ۲۰۱۳).

۱۱. چین و آفریقا

رکود اقتصادی بزرگ در سال ۲۰۰۸ در جهان که همزمان با معرفی شی‌جی‌پینگ در چین است برنامه‌های را روی دست گرفتند که در آن کشورهای در حال رشد در آفریقا را در معرقات آن قرار داد، چون حزب کمونیست چین در سدد پیدا کردن حامی بین الملل به شکل خودش است که بتواند برای بدست آوردن منافع ملی، یاری اش کند و این امر سبب آن شد تا ژئواستراتژی چین در آفریقا برنامه ریزی گردد. (ایسن من، ۲۰۲۳)

شرکت‌های چینی هووای و زیت‌تی‌ای که در عرصه زیرساخت‌های ارتباطات فعالیت دارند، توانسته‌اند برای ده‌ها کشور آفریقا این خدمات را مهیا کنند و تا ۲۰۱۴ باعث ایجاد صد‌ها پروژه در این کشورها گردیده است. آفریقا تا ۲۰۱۹ تقریباً ۴۳۷ میلیون استفاده‌کننده اینترنت داشته است و این آمار تا سال ۲۰۲۵ به ۷۰۰ میلیون رسیده است. این خود نشان‌دهنده این است که کالا‌های چینی در آفریقا مصرف‌کننده دارد، و چین می‌تواند باز هم در این موارد سرمایه‌گذاری کند. (ایسن من، ۲۰۲۳)

در کنار آن، بین سال‌های ۲۰۱۸-۲۱ بخش عظیمی از کشورهای آفریقا در آموزش و نحوه مدیریت رسانه توسط چین همکاری شده که در این برنامه‌ها گزارشگرها فی مابین چین و آفریقا تبادل شدند تا باعث رشد و ظرفیت‌سازی برای رسانه‌ها در کشورهای آفریقا شود. (ایسن من، ۲۰۲۳)

نقش چین در استخراج معادن در آفریقا، بویژه الماس، فوسیل، طلا و سنگ‌های قیمتی بسیار فعال است، هم کارگر مسلکی و ارزان دارد و نیز می‌تواند از مواد استخراج شده سهم انبوه را بخود اختصاص دهد. در کنار آن در بخش‌های زیرساختی؛ جاده، میدان‌های هوایی، مراکز تولید کالا‌های مصرفی، اعمار شهرک‌های مسکونی، و فروش کالا‌های تولید شده از چین نیز در آفریقا فعالیت کند.

چین بازارهای آفریقا را در کنار آسیا و اروپا بسیار مناسب و بازده می بیند و از این رو از مسیر آبی با کشور کینا که سرمایه گذاری انبوه در آنجا انجام داده است، می تواند به آفریقا وصل شود که همانا استراتژی یک جاده و کمر بند را احیا می کند.

۱۲. چین و فروش تسلیحات نظامی

پاکستان در بحبوه سقوط در دامان زرادخانه چین است. پاکستان از زمان تاسیس در ۱۹۴۷ الی ۲۰۱۰ از انگلیس و امریکا تسلیحات نظامی خود را خرید می کرد، ولی این نیازمندی ها برای فعلاً از طریق چین مرفوع می شود. تسلیحات راهبری چون جنگنده جی اف ۱۷ که از چین خریداری شده است برای مقاصد نظامی - هوایی پاکستان کارای موثر دارد، ارتش دریایی، زمینی و هوایی پاکستان از تسلیحات چینی در حدود ۴۰ درصد استفاده می نماید. (لعلوانی، ۲۰۲۳)

بر علاوه، چین برای بسیاری از کشورهای جهان سخت افزار نظامی بفروش می رساند، که شامل، تانک ها، توپ ها و شماری از تسلیحات سنگین می شود که برای جنگ های متعارف کاربرد دارد. این کشور توانایی تولید تمام نیازمندی های نظامی متعارف کشورهای آسیایی را دارد، حتا کشور های اروپایی نیز از سخت افزار چینی استفاده میبرند چون برای آنها نیز این تسلیحات ارزان تمام می شود.

از سوی دیگر، چین نیز نیازمند خرید تسلیحات استراتژیک چون جیت های سوخویو و موشک های ضد هوا اس ۴۰۰ برای تقویت سپر هوایی به روسیه متکی است. بسیاری از کشورها در خاورمیانه و آفریقا برای تامین امنیت و نگهداری ثبات سیاسی شان به سخت افزار نظامی که چین تولید می کند نیازمند هستند چون امریکا و روسیه نمی تواند با قیمت های ارزان که چین عرضه می کند رقابت نماید. (لعلوانی، ۲۰۲۳)

۱۳. رقابت در عرصه فناوری

امریکا مولد تکنالوژی در قرن بیست و تا اکنون توانسته ابتکار آن را حفظ کند و باعث عقب زدن شوروی در میانه جنگ سرد نیز شد، و بسیاری از کشورهای جهان در عرصه تکنالوژی از امریکا مدد می گیرند و یا در باتلاق بی سیستمی گرفتاده اند. ولی چین اینک توانسته است، سیستم امنیتی - دفاعی خود را مدیریت کند و حداقل از فرو دست بودن در این راستا بکاهد. چین برای تقویت و غنی سازی تکنالوژی خود بعد از ۲۰۰۰ میلادی خیلی از موارد را توانست بومی سازد و حتا برای کشورهای نیازمند نیز تکنالوژی صادر نماید. (پرگار، ۲۰۲۳)

در حوزه هوش مصنوعی و کوانتوم در یک رقابت بسیار تخصصی با امریکا نیز قرار دارد؛ هوش مصنوعی همانا استفاده بیش از حد از وسایل و ماشین آلات دست ساخت بشر که برای جاگزینی یا بهتر کاربردی نسبت به انسان است، بوجود آمده، شبیه سازی انسان در قالب ربات و استفاده از برنامه های که این قابلیت تشخیص را دارند، است. کوانتوم در فزیک مقدار بسیار کوچک و کوچکتر از اتم است و تکنالوژی کوانتومی قادر است در همه یی عرصه های خطرات نفوذ دشمن در سیستم های امنیتی بکاهد و امنیت ملی را تقویت کند چون کود ها قابل پیشبینی نمی باشد. (پرگار، ۲۰۲۳)

کمپیوتر های کوانتومی قادر اند پروسس معلومات به مراتب سریع تر انجام دهد که ساخت این کمپیوترها توسط هر کدام از این کشور ها یک تغییرات دراماتیک را در عرصه تکنالوژی بوجود می آورد. (پرگار، ۲۰۲۳)

چین در عرصه ساخت تکنالوژی کوانتومی ۱۰ میلیارد دالر سرمایه گذاری نموده که این مقدار را امریکا و اروپا تا هنوز در این عرصه انجام نداده اند. چین از ارتباطات کوانتومی ماهواری خودش با زمین فعلا استفاده نیز می کند. (پرگار، ۲۰۲۳)

۱۴. نتیجه گیری

در این تحقیق، دگرگونی نظم کنونی جهان با تمرکز بر ظهور چین به عنوان یک متغیر تعیین کننده در نظام بین الملل بررسی شد. نظم جهانی پس از جنگ سرد عمدتاً حول محور ایالات متحده امریکا شکل گرفته بود؛ نظامی که هرچند هنوز پابرجاست، اما نشانه های روشنی از تزلزل و گذار در آن مشاهده می شود. ظهور چین به عنوان یک قدرت اقتصادی نوظهور، این نظم را وارد مرحله ای جدید از رقابت و بازتعریف قدرت کرده است.

یافته های تحقیق نشان می دهد که اگرچه افزایش قدرت چین لزوماً به معنای تضعیف کامل ایالات متحده نیست و امریکا همچنان به عنوان یک قدرت بزرگ جهانی باقی خواهد ماند، اما چین با سرعت چشم گیری در حال تثبیت جایگاه خود در کنار امریکا است. علاوه بر این، نظم آینده احتمالاً چندقطبی خواهد بود و در کنار امریکا و چین، سایر قدرت های بزرگ نیز نقش آفرینی خواهند کرد.

چین با بهره گیری از راهبردهای متنوعی همچون ابتکار کمربند و جاده، توسعه فناوری و تکنولوژی های نوین و گسترش نفوذ اقتصادی در کشورهای در حال توسعه، تلاش می کند جایگاه خود را در نظام بین الملل تقویت کرده و نفوذ امریکا را به چالش بکشد. در مقابل، ایالات متحده

برای مهار رشد چین از ابزارهایی مانند تحریم‌های اقتصادی، افزایش تعرفه‌های گمرکی و انتقال شرکت‌های آمریکایی از چین به کشورهای چوون هند استفاده کرده است.

ثبات سیاسی، رشد اقتصادی و توانمندی نظامی سه مؤلفه اساسی قدرت ملی به‌شمار می‌روند و چین توانسته است با ترکیب این سه عامل، جایگاه خود را در سطح بین‌المللی ارتقا دهد. سرمایه‌گذاری‌های گسترده آمریکا در دوران جنگ سرد برای دور نگه‌داشتن چین از اتحاد جماهیر شوروی، به‌طور ناخواسته بستر رشد اقتصادی و صنعتی چین را فراهم ساخت؛ امری که در دهه‌های بعدی به یکی از چالش‌های جدی برای آمریکا تبدیل شد.

بررسی داده‌های اقتصادی نشان می‌دهد که تولید ناخالص داخلی چین از حدود ۱.۵ تریلیون دلار در دو دهه پیش، به بیش از ۱۸ تریلیون دلار در سال ۲۰۲۲ رسیده است؛ در حالی که تولید ناخالص داخلی آمریکا در همان سال حدود ۲۵ تریلیون دلار بوده است. این روند بیانگر آن است که در صورت تداوم شرایط موجود در نظام بین‌الملل، از جمله آتارشی ساختاری و منازعات منطقه‌ای، این احتمال وجود دارد که چین در دهه آینده یا حوالی سال ۲۰۳۵ به اقتصاد اول جهان تبدیل شود.

در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که رقابت اقتصادی و ژئوپولیتیکی میان چین و ایالات متحده در دهه‌های آینده تشدید خواهد شد و این رقابت نقش تعیین‌کننده‌ای در بازشکل‌دهی نظم جهانی ایفا خواهد کرد؛ نظامی که به تدریج از سلطه تک‌قطبی فاصله گرفته و به سوی یک ساختار چندقطبی حرکت می‌کند.

منابع

امادیو، ک. (۲۰۲۲، ۲۱ آوریل). منابع طبیعی چگونه اقتصاد ایالات متحده آمریکا را تقویت می‌کنند. گرفته‌شده از : <https://www.thebalancemoney.com/how-natural-resources-boost-the-u-s-economy-3306228>

ایسن‌من، جاشوا. (۲۰۲۳). پروپاگندای رسانه‌ای چین در آفریقا: یک برتری استراتژیک. انستیتوت مطالعات صلح

ایالات متحده. گرفته‌شده از <https://www.jstor.org/stable/resrep48506> :

بیاد، ابوالفضل، و کاغذچی، پیام. (۲۰۲۳). هوش مصنوعی و کوانتوم: رقابت چین با غرب. پراگار، بی‌بی‌سی.

گرفته‌شده از <https://youtu.be/tBIU40xqiOU> :

بوگیس، جستین، و دولنی، تریویس. (۲۰۲۳). لجستیک و مقاومت ارتش آزادی‌بخش خلق چین. انستیتوت مطالعات

استراتژیک آمریکا (کالج ارتش و جنگ ایالات متحده). گرفته‌شده از :

<https://www.jstor.org/stable/resrep47249.10>

زیلنسکی، ای. آدام. (بی‌تا). زندگی در آمریکای مستعمره پیش از جنگ انقلاب. گرفته‌شده از :

<https://www.battlefields.org/learn/articles/life-colonial-america-prior-revolutionary-war>

- شامبو، دیوید. (۲۰۱۳). چین جهانی می‌شود: قدرت‌های جزئی. انتشارات پوهنتون آکسفورد.
- لعلوانی، پی. سمیر. (۲۰۲۳). متحدان نزدیک: روابط نظامی چین-پاکستان. انستیتوت مطالعات صلح ایالات متحده. گرفته شده از <https://www.jstor.org/stable/resrep48636>
- مزار، مایکل ج. (۲۰۱۸). درک رقابت نوظهور ایالات متحده-چین. مؤسسه رند.
- میدین، میشل. (۲۰۱۹). ایالات متحده و چین: جدایی بزرگ. انستیتوت مطالعات انرژی آکسفورد. گرفته شده از : <https://www.jstor.org/stable/resrep33982>
- هیکانومی، الیزابت سی. (۲۰۱۸). انقلاب سوم: شی جین‌پینگ و دولت جدید چین. انتشارات پوهنتون آکسفورد.
- هیکانومی، الیزابت سی. (۲۰۲۲). جهان از منظر چین. انتشارات پالیتی.
- هینگ، هوفنگ. (۲۰۱۵). چین شکوفا: چرا چین نظم جهانی را تغییر ندهد. انتشارات پوهنتون کلمبیا.
- اورگانسکی، ا. اف. ک. (۱۹۵۸). سیاست جهان. انتشارات آلفرد ا. کنف.

نقش ساختار خانواده در بزهکاری اطفال (مطالعه موردی: افغانستان)



محمدطاهر دانشجو^۱

چکیده

خانواده به عنوان بنیادی ترین نهاد اجتماعی، نقشی تعیین کننده در جامعه پذیری و شکل گیری الگوهای رفتاری کودکان ایفا می کند. در افغانستان، شرایطی چون فقر ساختاری، خشونت خانگی، بی ثباتی اجتماعی و ضعف حمایت های نهادی، ساختار خانواده را تضعیف کرده و زمینه بروز بزهکاری اطفال را فراهم ساخته است. تحقیق حاضر با هدف تبیین نقش اختلال در ساختار خانواده بر بزهکاری اطفال انجام شده و در پی پاسخ به این سؤال است که فروپاشی ساختاری خانواده چگونه به بازتولید رفتار بزهکارانه کودکان منجر می شود. روش تحقیق کیفی و مبتنی بر تحلیل اسنادی است و داده ها از متون حقوقی، اسناد بین المللی، گزارش های نهادی و ادبیات نظری جرم شناسی گردآوری شده اند. یافته های تحقیق نشان می دهد که ضعف نظارت والدینی، فرسایش سرمایه اجتماعی خانواده، خشونت خانگی و ناکارآمدی نظام عدالت کیفری از مهم ترین عوامل ساختاری مؤثر بر بزهکاری اطفال در افغانستان هستند. نتایج تحقیق بر ضرورت گذار از رویکرد تنبیهی به سیاست های عدالت ترمیمی خانواده محور و تقویت نهاد خانواده در چارچوب سیاست کیفری کودک مدار تأکید دارد.

کلیدواژه ها: خانواده، بزهکاری اطفال، ساختار اجتماعی و عدالت ترمیمی.

^۱ عضو هیات علمی دیپارتمنت قضا و حارنوالی، پوهنهی حقوق و علوم سیاسی، پوهنتون بامیکا، بامیان، افغانستان. ایمیل:

۱. مقدمه

إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ، نَحْمَدُهُ وَنُسْتَعِينُهُ وَنُسْتَغْفِرُهُ، وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا وَمِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا، مَنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ، وَمَنْ يَضِلَّ فَلَا هَادِيَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.

خانواده، به مثابه نخستین نهاد اجتماعی که کودک در آن متولد می شود و مراحل ابتدایی رشد روانی، اجتماعی و اخلاقی خود را طی می کند، دارای نقشی بنیادین در شکل گیری شخصیت و الگوهای رفتاری فرد است (پاکدامن و فریدی، ۱۴۰۲؛ بوسلیکی و آذربایجانی، ۱۳۹۹). در این میان، کیفیت کارکردهای تربیتی، عاطفی، فرهنگی و اقتصادی خانواده می تواند نقش تعیین کننده ای در مسیر رشد سالم یا بزهکارانه کودکان و نوجوانان داشته باشد. فروپاشی خانواده، خشونت خانگی، تبعیض تربیتی، فقر اقتصادی، و انحراف اخلاقی والدین از جمله عوامل ساختاری هستند که، بر پایه نظریات علمی و یافته های تجربی، زمینه ساز انحرافات رفتاری و ارتکاب جرایم توسط اطفال به شمار می روند (گل خندان، ۱۴۰۱). در این تحقیق، ساختار خانواده به مجموعه ای از روابط نهادی، الگوهای نقش، شیوه توزیع قدرت، نظام تصمیم گیری و کارکردهای اساسی خانواده شامل کارکردهای عاطفی، تربیتی، اقتصادی و نظارتی اطلاق می شود. این مفهوم صرفاً به ترکیب اعضای خانواده محدود نیست، بلکه کیفیت روابط، میزان انسجام، شیوه اعمال اقتدار والدینی و الگوهای کنترل اجتماعی غیررسمی را نیز در بر می گیرد. تمایز ساختار خانواده با کارکرد خانواده در آن است که ساختار، بستر نهادی کنش ها را توضیح می دهد، در حالی که کارکرد، پیامدهای عملی این بستر در تربیت و پیشگیری یا بازتولید بزهکاری اطفال را تبیین می کند.

در افغانستان، با وجود اهمیت بالای نقش خانواده در تربیت فرزندان، فقدان نظام حمایتی کارآمد، ضعف در اجرای سیاست های رفاهی، نرخ بالای بی سوادی و بیکاری، و گسست های فرهنگی ناشی از جنگ و ناامنی، باعث شده است که خانواده ها بیش از گذشته با بحران های درونی و بیرونی مواجه شوند. این بحران ها در برخی موارد، به جای ایفای نقش پیشگیرانه در برابر انحرافات، به کانون تولید بزهکاری و رفتارهای مجرمانه تبدیل شده اند (امین زاده، ۱۴۰۱؛ کاوش، ۱۳۹۹).

از منظر حقوقی، در حالی که اسناد بین المللی چون کنوانسیون حقوق کودک (CRC) بر ضرورت مراقبت، تربیت و حمایت از کودکان در محیط خانواده تأکید دارند، عملکرد نهادهای حقوقی داخلی در اجرای این تعهدات بین المللی با چالش های متعددی مواجه است. خلأهای قانونی،

ضعف اجرایی، و نبود سیاست‌های کیفری مبتنی بر پیشگیری اجتماعی از جمله موانع تحقق عدالت برای اطفال در معرض بزهکاری محسوب می‌شود (شفق، ۱۴۰۰؛ موسوی، ۱۳۹۴؛ عطایی، ۱۴۰۲). اهمیت این تحقیق از آن جهت است که با رویکردی میان‌رشته‌ای، پیوند میان ساختار خانواده، بزهکاری اطفال و سیاست کیفری را در بستری کمتر مطالعه‌شده بررسی می‌کند. با توجه به اهمیت موضوع، هدف تحقیق حاضر، تحلیل ساختاری نقش خانواده در شکل‌گیری بزهکاری اطفال و بررسی پیامدهای آن برای سیاست‌گذاری کیفری کودک‌محور در افغانستان است. بر این اساس، سؤال اصلی تحقیق حاضر عبارت است از اینکه: اختلال در ساختار خانواده در افغانستان از چه سازوکارهای اجتماعی، اقتصادی و حقوقی بر بروز و تداوم بزهکاری اطفال اثر می‌گذارد و این وضعیت چه دلالت‌هایی برای بازتعریف سیاست کیفری کودک‌محور با تأکید بر رویکرد عدالت ترمیمی دارد؟

مقاله حاضر در ادامه پس از مرور پیشینه تحقیق، به تبیین مبانی نظری و روش‌شناسی تحقیق می‌پردازد و سپس یافته‌ها تحلیل شده و در نهایت، نتیجه‌گیری و پیشنهاد‌های سیاستی ارائه می‌شود.

۲. پیشینه تحقیق

در سال‌های اخیر، نقش ساختار خانواده در شکل‌گیری یا پیشگیری از بزهکاری اطفال، به یکی از کانون‌های اصلی توجه تحقیقاتی جرم‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی و حقوق کودک بدل شده است. خانواده، به‌عنوان نخستین نهاد اجتماعی، بنیان‌گذار شخصیت، هویت و نظام ارزشی کودک است و هرگونه اختلال در ساختار آن می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای در رفتار و مسیر زندگی کودک به‌جا گذارد. در این راستا، مطالعات مختلفی به بررسی رابطه میان فروپاشی ساختار خانواده، ضعف نظارت والدینی، فقر اقتصادی، خشونت خانگی و بروز رفتارهای بزهکارانه پرداخته‌اند. برای نمونه می‌توان به مطالعات کومار و سنگان^۱ (۲۰۲۴)، سن و وانگ^۲ (۲۰۲۳)، پیترو و همکاران^۳ (۲۰۲۲)، موانگانی^۴ (۲۰۱۹)، خوشحال و همکاران^۵ (۲۰۱۷)، ورهیس و همکاران^۶ (۲۰۰۶)، زارع و محمدپور (۱۴۰۳)، تیموری و نادرپور (۱۴۰۳)، گل‌خندان (۱۴۰۱)، امین‌زاده (۱۴۰۱)، کاوش (۱۳۹۹)، و باقری و هدایتی دلربا (۱۳۹۳) اشاره نمود. به‌طور کلی، نتایج مطالعات یادشده به‌صورت هم‌گرا بر این نکته تأکید

1 Kumar & Sangwan

2 Sun & Wang

3 Peter et al

4 Mwangangi

5 Khushhal et al

6 Voorhis et al

دارند که ساختار خانواده، مهم ترین عامل تعیین کننده در شکل گیری یا پیشگیری از بزهکاری در میان کودکان و نوجوانان به شمار می رود. این تحقیقات نشان می دهند که خانواده هایی که دچار فروپاشی عاطفی، خشونت خانگی، فقر اقتصادی و نارسایی در مهارت های والدگری هستند، به طور قابل توجهی زمینه ساز شکل گیری رفتارهای انحرافی، پرخاشگرانه و بزهکارانه در فرزندان خود می شوند. نبود حمایت های روانی، تربیتی و آموزشی در چنین خانواده هایی، همراه با فشارهای ساختاری اجتماعی-اقتصادی، کودکان را از آموزش، مراقبت و تعلق محروم کرده و به سوی کار کودک، فرار از خانه، و در نهایت درگیری با نظام عدالت کیفری سوق می دهد. در مقابل، خانواده هایی که از سرمایه اجتماعی مطلوب، روابط عاطفی قوی و نظارت مؤثر برخوردارند، نقش بازدارنده ای در برابر گرایش به انحراف ایفا می کنند. همچنین، تجربه کشورهایی که با بهره گیری از عدالت ترمیمی خانواده محور، آموزش والدین و مشارکت خانواده در بازپروری موفق عمل کرده اند، نشان می دهد که توانمندسازی خانواده، می تواند به عنوان راهبردی مؤثر در کاهش چرخه بزهکاری کودکان مورد توجه قرار گیرد. این مجموعه یافته ها بر لزوم بازتعریف جایگاه خانواده در سیاست های کیفری کودک محور، و نیز تقویت مداخلات حمایتی، آموزشی و ترمیمی در سطح خانواده تأکید دارند.

مرور مطالعات داخلی و خارجی نشان می دهد که اگرچه تحقیقاتی متعددی به بررسی رابطه خانواده و بزهکاری اطفال پرداخته اند، اما اغلب آن ها یا بر جوامع توسعه یافته متمرکز بوده اند یا با رویکردی تک بعدی، به متغیرهای اقتصادی یا روان شناختی بسنده کرده اند. در این مطالعات، تحلیل ساختاری خانواده در پیوند با سیاست کیفری و عدالت ترمیمی، به ویژه در بستر جوامع بحران زده ای چون افغانستان، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. خلأ اصلی تحقیقاتی پیشین، فقدان رویکردی بومی، میان رشته ای و سیاست محور است که تحقیق حاضر در صدد پاسخ گویی به آن است.

۳. مبانی نظری

بررسی علل و زمینه های بزهکاری اطفال، بدون بهره گیری از نظریه های علمی، تحلیلی و چندبعدی، منجر به برداشت های سطحی و نسخه نویسی های ناکارآمد خواهد شد. در دهه های اخیر، جرم شناسی به مثابه دانش میان رشته ای، رویکردهای متنوعی را برای تبیین بزهکاری کودکان و نوجوانان مطرح کرده است. این نظریه ها از دیدگاه های زیستی و روان شناختی آغاز شده و تا رویکردهای انتقادی، اجتماعی و ترمیمی بسط یافته اند (اسدی و علمدارمقدم، ۱۴۰۱؛ مرادی چالشتی و عربی جونتقانی،

۱۴۰۰). در کنار این نظریه‌ها، دیدگاه‌های دینی، اخلاقی و بین‌المللی نیز هر یک از منظرهای خاص، نقش نهاد خانواده را در شکل‌گیری یا پیشگیری از انحراف رفتاری کودکان مورد توجه قرار داده‌اند (متولی‌زاده، ۱۳۹۸). در این بخش، تلاش می‌شود تا با تکیه بر نظریه‌های کلاسیک و نوین جرم‌شناسی و با تلفیق دیدگاه‌های مختلف، چارچوبی نظری و تحلیلی برای درک بهتر رابطه خانواده و بزهکاری اطفال ارائه گردد.

نخستین نظریه‌ای که در تاریخ جرم‌شناسی جدید مطرح شد، دیدگاه لمبروزو درباره «مجرم مادرزادی» بود. او با استناد به ویژگی‌های ظاهری و زیستی برخی مجرمان، مدعی شد که گرایش به ارتکاب جرم در برخی افراد، ریشه در نواقص ارثی و ژنتیکی دارد (کادیر، ۲۰۲۴؛ آرتوک و ییلماز، ۲۰۲۳). اگرچه نظریه‌ی وی در دنیای امروز با نقدهای جدی روبه‌رو شده و نقش تعیین‌کننده‌ی عوامل محیطی و اجتماعی در رفتار مجرمانه به رسمیت شناخته شده است، اما همچنان اهمیت لمبروزو در آن است که به ما یادآور می‌شود که برخی زمینه‌های بزهکاری ممکن است از درون خانواده و حتی از ویژگی‌های زیستی منتقل شود، به‌ویژه اگر این عوامل با محیط خانوادگی آشفته تشدید شوند (سیرجیوانی، ۲۰۱۷؛ آرفورد و مدفیس، ۲۰۲۲).

در نقطه مقابل این دیدگاه زیستی، ادوین ساترلند با نظریه «یادگیری افتراقی» تحول عظیمی در جرم‌شناسی پدید آورد. او استدلال کرد که بزهکاری، رفتاری آموخته‌شده است که از طریق همنشینی با افراد دارای نگرش‌ها و ارزش‌های انحرافی کسب می‌شود (الدوریویش، ۲۰۲۱؛ مالکو، ۲۰۲۰). خانواده، به‌عنوان نخستین بستر تربیتی کودک، محیط اصلی برای این نوع یادگیری محسوب می‌شود. اگر ارزش‌های حاکم در خانواده با قانون و هنجارهای اجتماعی در تعارض باشد، احتمال انتقال نگرش‌های بزهکارانه به کودک افزایش می‌یابد (الدوریویش، ۲۰۲۱؛ نویس، ۲۰۱۹). از این منظر، خانواده مجرم‌پرور نه صرفاً به‌دلیل بی‌ثباتی، بلکه به‌واسطه الگوسازی نادرست و آموزش غیررسمی کنش‌های انحرافی، نقش بنیادینی در تکوین شخصیت بزهکار ایفا می‌کند (مارکوویچ و لاکیکویچ، ۲۰۲۰).

همین تأکید بر فرآیند یادگیری، در نظریه گابریل تارد نیز تکرار شده، با این تفاوت که وی «تقلید» را هسته اصلی رفتار اجتماعی می‌داند. تارد معتقد بود که انسان، به‌ویژه در دوران کودکی، از طریق مشاهده و بازتولید رفتارهای اطرافیان، شخصیت خود را می‌سازد (پدرسن، ۲۰۲۳؛ بورچ، ۲۰۱۷). در چنین الگویی، نقش والدین، خواهران، برادران و سایر اعضای خانواده در انتقال عادات،

کلمات، و حتی شیوه‌های حل تعارض به کودک، نقشی مستقیم و عمیق است (بانو و همکاران، ۲۰۱۹). در خانواده‌ای که خشونت، تحقیر، تبعیض یا بی‌مسئولیتی رواج دارد، کودک نه تنها در معرض تقلید این رفتارها قرار دارد، بلکه آن‌ها را به عنوان الگوهای مشروع رفتار اجتماعی درونی می‌سازد.

در ادامه این مسیر، نظریه برجسب‌زنی بر نقش نهادهای اجتماعی رسمی مانند پلیس، دادگاه و نهادهای اصلاحی تأکید می‌کند، اما با نگاهی انتقادی نشان می‌دهد که چگونه جامعه از طریق اعمال برجسب مجرمانه، در واقع خود باعث تکرار جرم و انزوای اجتماعی افراد می‌شود (پین و همکاران، ۲۰۱۸؛ یووانوسکی و رستمی، ۲۰۲۱؛ وارد، ۲۰۰۶). کودکی که تنها به دلیل حضور در خانواده‌ای ازهم‌پاشیده یا فقیر، زودتر تحت نظارت سیستم عدالت کیفری قرار می‌گیرد، با مخاطرات هویت‌یابی منفی مواجه می‌شود. این فرآیند، در غیاب حمایت خانواده، نه تنها اصلاح‌گر نیست، بلکه چرخه‌ی طرد و بزهکاری را تقویت می‌کند (یووانوسکی و رستمی، ۲۰۲۱؛ راتوری و راستوگی، ۲۰۲۲).

در تکمیل این دیدگاه‌ها، نظریه کنترل اجتماعی هیرشی، با رویکردی پیشگیرانه‌تر، پیوند میان رفتار اجتماعی و میزان تعلق فرد به نهادهای مشروع را بررسی می‌کند. این نظریه چهار عنصر کلیدی برای پیشگیری از انحراف را برمی‌شمارد: تعلق عاطفی به والدین، تعهد به موفقیت، درگیری در فعالیت‌های سالم، و باور به هنجارهای اجتماعی (کاستلو و لایب، ۲۰۲۰؛ کوتلاجا و مایر، ۲۰۱۸؛ دارامولا و اوשו، ۲۰۱۷). زمانی که این پیوندها در خانواده سست شود؛ به دلیل فقر، خشونت، فقدان محبت یا طلاق نظم درونی کودک فرو می‌ریزد و کنترل بر رفتار کاهش می‌یابد. در مقابل، خانواده‌ای که بتواند محیطی پر محبت، منظم و مبتنی بر گفت‌وگو فراهم کند، زمینه بروز بزهکاری را به حداقل می‌رساند (کاستلو و لایب، ۲۰۲۰؛ سن و وانگ، ۲۰۲۳).

در دهه‌های اخیر، مفهوم عدالت ترمیمی با رد رویکردهای صرفاً کیفری، بر احیای روابط انسانی و اجتماعی در پاسخ به جرم تأکید می‌کند. در خصوص اطفال، عدالت ترمیمی نه تنها از مسئولیت‌پذیری کودک حمایت می‌کند، بلکه بر نقش محوری خانواده در فرآیند اصلاح تأکید دارد. بازگرداندن کودک بزهکار به آغوش خانواده، بازسازی اعتماد متقابل، و تقویت مهارت‌های فرزندپروری والدین، از راهکارهای کلیدی این رویکرد است. عدالت ترمیمی، خانواده را از حاشیه به مرکز بازپروری بازمی‌گرداند و این خود تحولی بنیادین در سیاست‌گذاری کیفری محسوب می‌شود (واکر و همکاران، ۲۰۱۵؛ کیمرل و همکاران، ۲۰۲۲؛ ویدواتی، ۲۰۲۴).

این مجموعه نظریات نشان می‌دهد که نقش خانواده در فرآیند بزهکاری کودکان، نه تنها از منظر جامعه‌شناختی بلکه از زاویه حقوقی و سیاستی نیز حائز اهمیت است. با این حال، نظریه‌های جرم‌شناسی به‌تنهایی نمی‌توانند ابعاد معنایی و اخلاقی نقش خانواده را تبیین کنند. در این زمینه، نگاه‌های دینی، اخلاقی و بین‌المللی به‌مثابه مکمل‌های تحلیلی، ابعاد جدیدی را روشن می‌سازند.

از منظر آموزه‌های اسلامی، خانواده نخستین نهاد پرورش انسان و جایگاه شکل‌گیری فضائل اخلاقی و هویتی است. قرآن کریم و سنت پیامبر اسلام (ص) بر ضرورت محبت، عدالت در رفتار با فرزندان، آموزش اخلاقی، و حفظ کرامت کودک تأکید دارند. پیامبر اسلام می‌فرماید: «خداوند رحمت کند پدر و مادری را که فرزندان خویش را در نیکی کردن یاری کنند». این نگرش نه تنها بر مسئولیت اخلاقی والدین تأکید دارد، بلکه رابطه آنان با فرزندان را به‌مثابه امانتی الهی تلقی می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۰). در نتیجه، خانواده‌ای که از این مسئولیت غافل شود، نه تنها در پیشگاه قانون، بلکه در حوزه اخلاق دینی نیز مسئول است.

از دیدگاه فلسفه اخلاق، نظریه‌پردازانی مانند کانت و ارسطو، خانواده را فضای اصلی رشد فضیلت‌های اخلاقی می‌دانند. اخلاق فضیلت‌گرا تأکید دارد که شخصیت نیکو در نتیجه پرورش مداوم فضائل همچون صداقت، شجاعت، اعتدال و عدالت در بستر خانواده پدید می‌آید. اگر این تربیت اخلاقی غایب باشد، کودک با خلأهای عاطفی و شناختی به جامعه وارد شده و در معرض تصمیم‌های نابالغانه و انحرافات اخلاقی قرار می‌گیرد (سیسون و همکاران، ۲۰۲۰؛ جئونگ و هان، ۲۰۱۳).

در نهایت، اسناد بین‌المللی همچون کنوانسیون حقوق کودک (CRC) جایگاه مرکزی خانواده را در حمایت، تربیت و نظارت بر کودک به رسمیت می‌شناسند. ماده ۱۸ کنوانسیون حقوق کودک دولت‌ها را ملزم می‌دارد تا در ایفای نقش حمایتی از والدین بکوشند و برای توانمندسازی آنها اقدامات مؤثر انجام دهند (روحیرو، ۲۰۲۲؛ وینتر و همکاران، ۲۰۲۲). در کشورهای توسعه‌یافته، اجرای مؤثر این اسناد، با پشتیبانی از خانواده در حوزه‌هایی چون مشاوره، آموزش والدگری و حمایت‌های مالی، منجر به کاهش محسوس بزهکاری در میان اطفال شده است. در مقابل، در کشورهایی مانند افغانستان که سیاست‌های خانواده‌محور ضعیف هستند، نقش حمایتی دولت از خانواده ناپایدار و پراکنده است و این خود به تشدید آسیب‌ها منجر می‌شود (استالبرگ و همکاران، ۲۰۲۲؛ موانگانی، ۲۰۱۹).

در مجموع، پیوند میان نظریه‌های جرم‌شناسی، آموزه‌های دینی، اصول اخلاقی و تعهدات بین‌المللی نشان می‌دهد که خانواده، نه فقط یک نهاد خصوصی، بلکه رکن اساسی امنیت اجتماعی، عدالت کیفری و توسعه انسانی است. فهم عمیق نقش خانواده در بزهکاری اطفال، مستلزم نگرشی چندبعدی و تلفیقی است که در آن عوامل ساختاری، روان‌شناختی، فرهنگی و حقوقی به‌طور توأمان مورد توجه قرار گیرند.

۴. روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر از منظر هدف، مطالعه‌ای کاربردی - تحلیلی است که به بررسی رابطه میان ساختار خانواده و بزهکاری اطفال در افغانستان می‌پردازد. این مطالعه با اتخاذ رویکردی میان‌رشته‌ای و تلفیقی، بر آن است تا از منظرهای حقوقی، جامعه‌شناختی، جرم‌شناسی و روان‌شناختی، مسئله بزهکاری کودکان را در پیوند با ناکارآمدی کارکردهای خانواده تحلیل کند.

روش تحقیق به کار رفته در این تحقیق، تحلیل کیفی مبتنی بر روش اسنادی-تحلیلی است. داده‌های مورد استفاده شامل متون قانونی، اسناد بین‌المللی مرتبط با حقوق کودک، گزارش‌های نهادهای معتبر جهانی همچون یونسف و بانک جهانی، نظریه‌های کلاسیک و نوین جرم‌شناسی، و نیز تحقیقاتی پیشین در حوزه خانواده و بزهکاری بوده است. با بهره‌گیری از تحلیل محتوای اسناد و منابع علمی، تلاش شده تا تصویری جامع از عوامل ساختاری و عملکردی خانواده در پیدایش رفتارهای بزهکارانه اطفال ترسیم شود.

در فرآیند تحلیل، از رویکرد استقرایی-قیاسی بهره گرفته شده است. بدین معنا که در ابتدا با بررسی دقیق اسناد و متون، کدهای مفهومی و مقوله‌های نظری همچون فروپاشی سرمایه اجتماعی خانواده، خشونت خانگی، فقر، نابرابری جنسیتی، و برجسب‌زنی کودکان شناسایی گردید. سپس، این مقولات در چارچوب نظریه‌های منتخب مانند یادگیری افتراقی، نظریه برجسب‌زنی، کنترل اجتماعی، و عدالت ترمیمی مورد تحلیل تطبیقی و تبیینی قرار گرفتند.

برای افزایش اعتبار و انسجام تحلیلی، از روش مثلث‌سازی نظری استفاده شد؛ به این معنا که مسئله مورد مطالعه از منظر چند نظریه و چارچوب تحلیلی بررسی گردید تا از محدود شدن تحلیل به یک بعد خاص جلوگیری شود. این روش امکان فهم چندسطحی و تعمیق یافته‌ها را فراهم ساخت و زمینه را برای ارائه تحلیل‌هایی تلفیقی و چندبعدی فراهم کرد.

در انتخاب منابع، از معیارهای روزآمدی، اعتبار علمی و تطابق با زمینه افغانستان استفاده شده است. تلاش شده تا از منابع بین‌المللی با داده‌های قابل استناد، و مقالات منتشر شده در ژورنال‌های معتبر بهره گرفته شود. افزون بر آن، اسناد حقوقی ملی و بین‌المللی مرتبط با کودک، بزهکاری و عدالت کیفری نیز بخش مهمی از داده‌های اولیه تحقیق را تشکیل داده‌اند.

محدودیت تحقیق حاضر، کمبود داده‌های آماری جامع در سطح ملی پیرامون بزهکاری اطفال در افغانستان بوده است که باعث گردید تحلیل عمدتاً بر پایه داده‌های کیفی، مطالعات موردی و تحلیل نظری استوار گردد. با این حال، تلاش شده است با بهره‌گیری از روش تحلیل مقایسه‌ای و استفاده از داده‌های گزارش‌های بین‌المللی، خلاهای آماری تا حد ممکن پوشش داده شود.

در نهایت، این تحقیق با اتکا به الگوی تحلیلی ترکیبی، می‌کوشد تا ساختار خانواده را نه فقط به مثابه نهادی روانی-عاطفی، بلکه به عنوان عاملی ساختاری و سیاسی در چرخه تولید یا پیشگیری از بزهکاری اطفال تحلیل نماید. نتایج حاصل، می‌تواند پایه‌ای علمی برای تدوین سیاست‌های پیشگیرانه خانواده‌محور در نظام عدالت کیفری کودک‌مدار افغانستان فراهم سازد.

۵. نتایج

خانواده به عنوان کوچک‌ترین و بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی، بنیان شکل‌گیری هویت، رفتار و اخلاق کودکان را رقم می‌زند و نقشی بی‌بدیل در تعیین مسیر زندگی آن‌ها ایفا می‌کند. در بستر افغانستان اما، بحران‌های چندلایه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی، نهاد خانواده را از جایگاه محافظتی و تربیتی به بستر تولید و بازتولید بزه و انحراف تبدیل کرده است. این تحلیلی است انتقادی، جامع و میان‌رشته‌ای که با اتکا به نظریه‌های کلاسیک جرم‌شناسی از قبیل نظریه یادگیری افتراقی (ساترلند)، نظریه برچسب‌زنی (بکر و لمرت)، نظریه کنترل اجتماعی و همچنین چارچوب‌های حقوق بین‌الملل کودک و اصول عدالت ترمیمی، به واکاوی دقیق نقش ساختاری خانواده در چرخه بزهکاری کودکان افغانستان می‌پردازد.

بحران اقتصادی و فروپاشی خانواده

بحران اقتصادی عمیق و فقر فراگیر در افغانستان، خانواده‌ها را در معرض فشارهای چندلایه و فرساینده‌ای قرار داده است؛ فشارهایی که نه تنها توان تأمین نیازهای زیستی و حداقلی زندگی را از والدین سلب کرده، بلکه ساختار درونی خانواده را دستخوش تزلزل و انحطاط نموده‌اند. گزارش‌های معتبر نهادهای بین‌المللی از جمله یونیسف (۲۰۲۴) و بانک جهانی (۲۰۲۳) نشان می‌دهد که بیش از

۵۴ درصد جمعیت افغانستان زیر خط فقر زندگی می‌کنند، و حدود ۷۰ درصد خانواده‌ها در مناطق روستایی فاقد دسترسی پایدار به آموزش، بهداشت، و تغذیه مناسب برای فرزندان خود هستند. این شرایط اقتصادی بحرانی، خانواده را نه فقط در معرض فروپاشی اقتصادی، بلکه در لبه گسست اجتماعی نیز قرار داده است.

در این میان، بر اساس نظریه سرمایه اجتماعی^۱ که از سوی نظریه‌پردازانی چون پاتنام^۲، کلمن^۳ و بوردیو^۴ توسعه یافته است، سرمایه اجتماعی در قالب اعتماد متقابل، پیوندهای عاطفی، هنجارهای تربیتی و مشارکت اجتماعی، ستون فقرات انسجام خانواده و تربیت سالم کودک به‌شمار می‌رود. این سرمایه، زمانی که خانواده تحت فشار فقر اقتصادی و ناامنی مزمن قرار گیرد، به سرعت فرسوده شده و جای خود را به بی‌اعتمادی، خشونت درون‌خانوادگی، و گسست نسلی می‌دهد. به عبارت دیگر، فقر تنها حذف نان نیست؛ بلکه حذف نهادهایی است که امنیت روانی و اخلاقی کودک را تولید می‌کردند (مکدونالد و رافائل، ۲۰۲۰؛ بیکمن و همکاران، ۲۰۰۹).

داده‌ها نشان می‌دهد که در چنین فضایی، بسیاری از کودکان به دلایل صرفاً اقتصادی از آموزش محروم مانده و به مشاغل پرخطر یا غیرقانونی چون کار خیابانی، قاچاق، جابه‌جایی مواد مخدر، یا گدایی سوق داده می‌شوند. این روند، در غیاب حمایت قانونی و نظارت اجتماعی مؤثر، آن‌ها را در معرض بزهکاری اولیه قرار می‌دهد. به‌ویژه در خانواده‌هایی که ساختار پدر-مادر مختل یا غایب است، و هیچ نهاد جایگزینی (اعم از دولت، مدرسه یا نهاد دینی) وجود ندارد، کودک در واقع بدون «زنجیره اخلاقی محافظ» رها شده است (احمدی و اکبری، ۲۰۲۴؛ صمدی و همکاران، ۲۰۲۵).

افزون بر این، فقدان سرمایه اجتماعی درون خانواده‌ها منجر به تضعیف تاب‌آوری والدین در مواجهه با بحران‌ها و کاهش نظارت تربیتی می‌شود. بر اساس مدل فشار خانواده، فشار اقتصادی باعث بروز استرس روانی در والدین، نوع دوستی ضعیف و درگیری‌ها می‌شود که به کاهش کیفیت مراقبت از کودکان منتهی می‌گردد. در افغانستان، مطالعات میدانی نشان داده‌اند که بحران اقتصادی مزمن و تنش ناشی از خشونت درون‌خانوادگی «اصلی‌ترین منبع استرس برای کودکان» هستند. ضمن آن‌که تحلیل‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی تأکید می‌کنند کاهش سرمایه اجتماعی خانوادگی - شامل نظارت والدینی، مهارت‌های ارتباطی و عاطفی - یکی از عوامل کلیدی افزایش رفتارهای مخرب

1 Social Capital Theory

2 Putnam

3 Coleman

4 Bourdieu

نوجوانان است (جوردنز و همکاران، ۲۰۱۳؛ شاه قاین، ۲۰۲۳). علاوه بر این، تحقیقات بین‌المللی نشان می‌دهد کودکانی که زمانشان صرف کار می‌شود به جای آموزش، در معرض مشکلات شناختی و رفتاری هستند که اغلب ریشه در آسیب محیط خانه دارد (هافمن و دوفور، ۲۰۱۸). بنابراین، بزهکاری اطفال نه تنها انحراف فردی نیست، بلکه پاسخ طبیعی به ساختاری از هم‌پاشیده است که قرار بود نخستین پناهگاه آنان باشد.

از منظر حقوقی و سیاست‌گذاری، این تحلیل نشان می‌دهد که سیاست‌های عدالت کیفری کودک‌محور در افغانستان، اگر با نوسازی ساختار خانواده و تقویت سرمایه اجتماعی آن همراه نباشد، محکوم به شکست خواهد بود. برخورد صرفاً کیفری با کودک بزهکار در غیاب حمایت از نهاد خانواده، نه تنها اثربخش نیست، بلکه چرخه جرم، طرد و انزوای اجتماعی را تداوم می‌بخشد. عدالت ترمیمی واقعی، نه در دادگاه، بلکه در خانواده‌ای مقاوم، آموزش دیده و برخوردار از حمایت اقتصادی و اجتماعی آغاز می‌شود (رحمان و نظم‌العارفین، ۲۰۲۵).

در کل؛ بحران عمیق اقتصادی و فقر گسترده در افغانستان، خانواده‌ها را در معرض فشارهای پیچیده و فرساینده‌ای قرار داده که توان تأمین نیازهای اساسی را از آنان سلب کرده و ساختار درونی خانواده را متزلزل ساخته است. این شرایط بحرانی، در کنار نبود حمایت‌های قانونی و اجتماعی، باعث فرسایش سرمایه اجتماعی خانواده و گسست نسلی می‌شود؛ سرمایه‌ای که در قالب اعتماد، پیوندهای عاطفی و هنجارهای تربیتی ستون اصلی انسجام و تربیت سالم کودکان است. این فرسایش، کودکان را به‌ویژه در خانواده‌های آسیب‌دیده و فاقد مراقبت، به سوی بزهکاری اولیه و انحراف سوق می‌دهد. افزون بر این، فشارهای روانی و استرس ناشی از فقر، کیفیت مراقبت و نظارت والدینی را کاهش داده و زمینه‌ساز رفتارهای مخرب اطفال می‌شود. از منظر حقوقی و سیاست‌گذاری، این وضعیت نشان می‌دهد که بدون نوسازی ساختار خانواده و تقویت سرمایه اجتماعی آن، سیاست‌های عدالت کیفری کودک‌محور در افغانستان ناکارآمد خواهد بود و برخورد صرفاً تنبیهی نه تنها مؤثر نیست، بلکه چرخه جرم و طرد اجتماعی را تداوم می‌بخشد. عدالت ترمیمی باید در خانواده‌ای مقاوم، آموزش دیده و تحت حمایت‌های اقتصادی و اجتماعی واقعی آغاز شود.

خشونت خانگی و نابرابری جنسیتی

خشونت خانگی، به‌ویژه علیه زنان و کودکان، در بافت اجتماعی افغانستان به یک بحران ساختاری تبدیل شده است که تأثیرات گسترده‌ای بر سلامت روان، تربیت اخلاقی و رفتارهای آینده

کودکان برجای می‌گذارد. شواهد گسترده‌ای در حوزه جرم‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی حاکی از آن است که خشونت خانوادگی یک عامل خطر بنیادین برای توسعه رفتارهای پرخطر، اختلالات هیجانی و انحرافات اجتماعی در کودکان به شمار می‌رود (کاتانی و همکاران، ۲۰۰۹؛ یوسفی و نبوی، ۲۰۲۴؛ لوندوسکی و همکاران، ۲۰۰۳). کودکان پرورش‌یافته در این فضاها، نه تنها اعتماد خود به نهاد خانواده را از دست می‌دهند، بلکه در مواجهه با چالش‌های اجتماعی بعدی، به رفتارهای واکنشی یا بزهکارانه پناه می‌برند.

از سوی دیگر، نابرابری جنسیتی که در قالب محدودیت فرصت‌های آموزشی، اقتصادی، و مشارکتی برای زنان بروز یافته است، ظرفیت خانواده را برای ایفای نقش تربیتی و حمایتی به شدت کاهش داده است (جونوسوا و همکاران، ۲۰۲۱؛ خان، ۲۰۲۰). به‌ویژه نقش مادران به‌عنوان ستون تربیت عاطفی و اخلاقی کودک، در اثر تبعیض و فقر سیستماتیک دچار اختلال شده است. این نابرابری، به‌صورت غیرمستقیم بر کیفیت مراقبت از کودکان، نظارت والدینی، و شکل‌گیری هویت اخلاقی کودک تأثیرگذار است.

ترکیب این دو عامل، یعنی خشونت خانگی و نابرابری جنسیتی چرخه‌ای معیوب ایجاد می‌کند که در آن ساختار خانواده، به‌جای ایفای نقش محافظتی، به بستر تولید آسیب و بازتولید انحرافات رفتاری بدل می‌گردد. به تعبیر نظریه‌پردازان سرمایه اجتماعی چون پاتنام و کلمن، فرسایش پیوندهای عاطفی، کاهش اعتماد متقابل، و تضعیف هنجارهای درون‌خانوادگی موجب سقوط کیفیت تربیتی می‌شود و کودکان را در معرض آسیب‌های مزمن قرار می‌دهد (یاماگوچی، ۲۰۱۳).

از منظر حقوقی، اگرچه افغانستان با تصویب "قانون حمایت از حقوق کودک" و الحاق به کنوانسیون حقوق کودک (CRC) تعهدات بین‌المللی قابل توجهی را پذیرفته، اما اجرایی‌سازی این تعهدات با موانع جدی نهادی، فرهنگی و ساختاری روبروست. نظام عدلی کشور هنوز فاقد سازوکارهای جامع برای پیشگیری از خشونت خانوادگی و ارائه خدمات حمایتی چندسطحی به خانواده‌هاست. علاوه بر آن، غیبت خدمات روان‌شناختی، آموزشی و اقتصادی برای مادران، مانع تحقق عدالت ترمیمی واقعی شده است.

مطالعات متعدد نیز تأکید دارند که بدون بازسازی نهاد خانواده و حمایت مؤثر از والدین، به‌ویژه در شرایط بحران اقتصادی و ناامنی مزمن، هیچ سیاست کیفری کودک‌محوری قادر به کاهش بزهکاری نخواهد بود. عدالت ترمیمی مؤثر، در محیطی آغاز می‌شود که کودک در آن احساس

تعلق، حمایت، اعتماد و آموزش بیابد؛ و چنین محیطی، در نبود خانواده‌ای مقاوم، آموزش‌دیده و دارای پشتوانه اجتماعی و اقتصادی، شکل نخواهد گرفت (کیمبرل و همکاران، ۲۰۲۲؛ کاتیچ و همکاران، ۲۰۲۰).

در نهایت، خشونت خانگی علیه زنان و کودکان در افغانستان به یک بحران ساختاری تبدیل شده که سلامت روان و رفتارهای کودکان را به شدت آسیب‌پذیر می‌سازد. این خشونت همراه با نابرابری جنسیتی، که فرصت‌های آموزشی و اقتصادی زنان را محدود کرده و نقش تربیتی خانواده را تضعیف می‌کند، چرخه‌ای معیوب از آسیب‌های روانی و اجتماعی در کودکان ایجاد می‌کند. بر اساس نظریه‌های سرمایه اجتماعی، کاهش اعتماد و پیوندهای عاطفی در خانواده کیفیت تربیت را پایین آورده و کودکان را در معرض خطرات مزمن قرار می‌دهد. از منظر حقوقی، گرچه افغانستان به کنوانسیون حقوق کودک ملحق شده، اما ضعف در اجرای قوانین و نبود خدمات حمایتی و روان‌شناختی، تحقق عدالت ترمیمی را ناممکن ساخته است. بدین ترتیب، بدون بازسازی نهاد خانواده و حمایت همه‌جانبه از والدین، سیاست‌های کیفری کودک‌محور نمی‌توانند به کاهش بزهکاری کودکان کمک کنند؛ عدالت ترمیمی تنها در خانواده‌ای مقاوم، آموزش‌دیده و برخوردار از حمایت‌های اقتصادی و اجتماعی محقق می‌شود.

ناکارآمدی نظام کیفری و پدیده برجسب‌زنی مجدد کودکان بزهکار

نظام عدالت کیفری افغانستان، به دلیل رویکرد صرفاً تنبیهی و فقدان مداخلات حمایتی، به جای کاهش بزهکاری، عملاً روند بازتولید جرم را تسریع کرده است. کودکان بزهکار، به دلیل نبود برنامه‌های بازپروری و حمایت روانی و اجتماعی، با برجسب مجرم شناخته می‌شوند که بر اساس نظریه برجسب‌زنی، به درونی‌سازی هویت منفی و افزایش تمایل به بزهکاری ثانویه می‌انجامد (روان و همکاران، ۲۰۲۳). فقدان مراکز اصلاحی تخصصی در افغانستان این مشکل را تشدید کرده و موجب طرد اجتماعی و نهایتاً تبدیل کودکان به بزهکاران نهادی می‌شود. این روند نشان‌دهنده شکاف عمیق میان نظریه‌های جرم‌شناسی و عملکرد عملی نظام کیفری کشور است.

خلا حمایت‌های آموزشی و مشاوره‌ای والدین

طبق ماده ۱۸ کنوانسیون حقوق کودک و تعهدات حقوق بین‌الملل، دولت‌ها موظف به توانمندسازی خانواده‌ها در ایفای نقش تربیتی و حمایتی خود هستند. با این حال، در افغانستان فقدان برنامه‌های آموزشی والدگری و خدمات مشاوره تخصصی به شدت احساس می‌شود. تحقیقاتی

میدانی سازمان‌هایی مانند Save the Children (2022) نشان می‌دهد که ضعف مهارت‌های فرزندپروری به طور مستقیم با افزایش رفتارهای پرخطرانه، فرار از خانه و مشارکت در بزهکاری ارتباط دارد (آرلین و همکاران، ۲۰۲۲). این مسئله در مناطق روستایی و خانواده‌های آسیب‌دیده اقتصادی اجتماعی، ابعاد بحرانی به خود گرفته است و نیازمند مداخلات فوری و هدفمند می‌باشد.

بازتعریف نقش خانواده در چارچوب عدالت ترمیمی

در سال‌های اخیر، تحولات نظری در عدالت کیفری، ضرورت گذار از رویکرد تنبیهی سنتی به عدالت ترمیمی را به صراحت مطرح کرده‌اند. عدالت ترمیمی که بر بازسازی روابط انسانی و تقویت مهارت‌های فرزندپروری والدین تأکید دارد، خانواده را به جای حذف از فرایند اصلاح، محور اصلی پیشگیری و بازپروری قرار می‌دهد. با توجه به فرهنگ سنتی و ارزش محور خانواده در افغانستان، این رویکرد می‌تواند به عنوان یک راهبرد کلیدی در کاهش بزهکاری اطفال به کار گرفته شود. تجربیات کشورهای توسعه‌یافته نظیر نروژ و کانادا، که به واسطه توانمندسازی خانواده‌ها و آموزش والدگری موفق به کاهش چشمگیر جرائم اطفال شده‌اند (ورمر، ۲۰۰۳)، می‌تواند الگوی مناسبی برای سیاست‌گذاران افغانستان باشد.

ضرورت سیاست‌گذاری جامع و رویکرد چندبخشی

بحران بزهکاری اطفال در افغانستان به هیچ وجه قابل حل از طریق مداخلات کیفری صرف نیست؛ بلکه نیازمند رویکردی جامع و چندبخشی است که حوزه‌های اقتصادی، آموزشی، سلامت روان و حقوق کودک را در بر گیرد. دولت افغانستان در همکاری تنگاتنگ با سازمان‌های بین‌المللی و جامعه مدنی باید سیاست‌های حمایتی قوی و منسجم طراحی و اجرا کند. ایجاد نهادهای تخصصی آموزشی والدگری، مراکز مشاوره و بازپروری کودکان بزهکار و حمایت از خانواده‌های آسیب‌دیده از ملزومات حیاتی این رویکرد است. چنین سیاست‌هایی علاوه بر کاهش جرم، موجب تقویت نهاد خانواده و ارتقای عدالت اجتماعی خواهند شد.

چشم‌انداز آینده

در پایان، عبور از چرخه معیوب بزهکاری و مجازات صرف، تنها با پذیرش نقش محوری خانواده در پیشگیری و اصلاح کودکان ممکن است. بازاجتماعی‌سازی مؤثر کودکان بزهکار مستلزم بازسازی توانمندی‌های خانواده‌ها و ایجاد محیط‌های حمایتی مستمر و پایدار است. این هدف جز از طریق اصلاحات ساختاری، جامع و چندوجهی در سیاست‌های کیفری، اجتماعی و اقتصادی افغانستان

تحقیق نخواهد یافت. در غیر این صورت، بزهکاری کودکان به معضل عمیق تر و پیچیده تری تبدیل شده که پیامدهای آن نسل ها را متاثر خواهد ساخت.

۶. بحث

در این تحقیق، یافته ها نشان می دهد که خانواده در بروز یا پیشگیری از بزهکاری کودکان در افغانستان نقش ساختاری و چندبعدی دارد. بحران های اقتصادی و فقر گسترده، خشونت خانگی، نابرابری جنسیتی و ناکارآمدی نظام کیفری موجب شده اند خانواده ها به جای ایفای نقش حمایتی و تربیتی، گاهی خود به بستر تولید انحرافات رفتاری و بزهکاری تبدیل شوند. این یافته با نتایج تحقیقات پیشین، مانند مطالعات کومار و سنگان (۲۰۲۴)، سن و وانگ (۲۰۲۳) و پیتر و همکاران (۲۰۲۲) هم راستا است؛ زیرا آن ها نیز نشان داده اند که خانواده های با انسجام پایین و سرمایه اجتماعی ضعیف، زمینه ساز رفتارهای پرخطر کودکان هستند. با این حال، تفاوت مهم تحقیق حاضر با تحقیقات پیشین در این است که بیشتر مطالعات قبلی محدود به کشورهای غربی یا یک بعد از عملکرد خانواده را مورد بررسی قرار داده اند، در حالی که تحقیق حاضر با تأکید بر بستر بحران زده افغانستان و رویکرد میان رشته ای، تأثیر عوامل اقتصادی، فرهنگی، جنسیتی و ساختاری خانواده را هم زمان تحلیل کرده است.

از سوی دیگر، یافته های این تحقیق نشان می دهد که نظام کیفری افغانستان، با رویکرد صرفاً تنبیهی، بازتولید جرم و پدیده برجسب زنی مجدد کودکان را تسریع می کند. این امر با نظریه برجسب زنی بکر و لمرت همخوانی دارد، ولی در مقایسه با تحقیقات کشورهای توسعه یافته مانند نروژ و کانادا، نشان می دهد که فقدان مداخلات حمایتی و بازپروری خانواده ها یکی از موانع اصلی کاهش بزهکاری در افغانستان است. افزون بر این، خلأ آموزش والدگری و خدمات مشاوره ای والدین، یافته ای است که کمتر در مطالعات پیشین کشورهای مشابه مورد توجه قرار گرفته و نوآوری تحقیق حاضر محسوب می شود.

اگرچه تحقیق حاضر توانسته نقش خانواده را به عنوان عاملی ساختاری و سیاسی در چرخه بزهکاری کودکان شناسایی کند، محدودیت هایی نیز دارد. نخست، دسترسی به داده های کمی و کیفی دقیق در مناطق روستایی و بحران زده محدود بوده و ممکن است بر جامعیت تحلیل اثر گذاشته باشد. دوم، تعاملات میان خانواده و نهادهای اجتماعی و دولتی به صورت مستقیم مورد بررسی قرار نگرفته است، که می تواند در تحقیقات آتی به عنوان حوزه ای مهم برای تعمیق تحلیل لحاظ شود.

به طور کلی، مقایسه یافته‌های تحقیق حاضر با تحقیقات پیشین نشان می‌دهد که خانواده در بستر افغانستان به عنوان محور اصلی پیشگیری و بازپروری کودکان بزهکار است و بدون تقویت سرمایه اجتماعی، بازسازی اقتصادی و حمایت‌های آموزشی-حقوقی والدین، هیچ سیاست کیفری کودک محور قادر به کاهش بزهکاری نخواهد بود. این نتایج ضرورت اتخاذ رویکرد جامع، چندبخشی و عدالت ترمیمی را بیش از پیش برجسته می‌سازد و چارچوب نظری و عملی تازه‌ای برای سیاستگذاران و محققان ارائه می‌کند.

۷. نتیجه گیری

با اتکا به تحلیل‌های جامع و میان‌رشته‌ای ارائه شده در این مقاله، می‌توان نتیجه گرفت که نقش خانواده در بزهکاری اطفال در افغانستان، از سطحی صرفاً روان‌شناختی یا اخلاقی، فراتر رفته و به یک مسأله ساختاری، حقوقی و سیاست‌گذاری بدل شده است. یافته‌های این تحقیق به وضوح نشان می‌دهند که ضعف‌ها و گسست‌های درونی نهاد خانواده در بستر بحران‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی افغانستان، نه تنها عامل اصلی افزایش آسیب‌های روانی و اجتماعی کودکان است، بلکه به بستر ساختاری برای تولید و بازتولید بزهکاری تبدیل شده است.

بر این مبنا، نخستین یافته کلیدی آن است که فقر گسترده، ناامنی مزمن و فروپاشی سرمایه اجتماعی خانواده‌ها، مستقیماً موجب تضعیف نقش تربیتی والدین، کاهش نظارت عاطفی و اخلاقی، و قرارگیری کودکان در معرض بزهکاری اولیه شده است. بر اساس مدل سرمایه اجتماعی، در فقدان پیوندهای عاطفی و اعتماد درون‌خانوادگی، کودکان از مهم‌ترین منبع حمایت و هدایت خود محروم می‌شوند. این وضعیت، به‌ویژه در خانواده‌های آسیب‌پذیر، مهاجر، یا دارای والدین غایب، به شکل حادتری بروز یافته و مسیر انحراف زودرس را تسریع می‌کند.

دومین یافته اساسی به نقش خشونت خانگی و نابرابری جنسیتی بازمی‌گردد. داده‌ها و منابع علمی نشان می‌دهند که حضور پایدار خشونت علیه زنان و کودکان، و حذف نقش فعال مادران از چرخه تربیت، باعث شکل‌گیری فضاهایی پرتنش، بی‌ثبات و ناسالم برای پرورش کودکان شده است. این خانواده‌ها، برخلاف نقش کلاسیک خود در پیشگیری از جرم، به کانون‌های فشار روانی و تقویت رفتارهای پرخطر و بزهکارانه تبدیل شده‌اند. تحلیل تطبیقی این وضعیت با نظریه‌های برجسب‌زنی و یادگیری اجتماعی نیز گواه آن است که کودکان در چنین محیط‌هایی نه تنها نظارت نمی‌شوند، بلکه با هویت منفی و رفتار مجرمانه جامعه‌پذیری می‌شوند.

سومین یافته بنیادین، نارسایی نظام عدالت کیفری افغانستان در مواجهه با کودک بزهکار است. تحلیل‌های مقاله نشان می‌دهد که نظام تنبیهی و فاقد رویکرد حمایتی، نه تنها کارآمد نیست، بلکه با درونی‌سازی هویت منفی و طرد اجتماعی کودک، موجب بازتولید جرم در نسل‌های آینده می‌شود. بر اساس نظریه برچسب‌زنی و یافته‌های جدید میدانی (روان و همکاران، ۲۰۲۳)، عدم وجود مراکز اصلاحی تخصصی و نهادهای حمایتی، باعث تثبیت هویت مجرم در کودکان می‌گردد و مسیر بازگشت آنان به جامعه را مسدود می‌سازد.

چهارمین یافته مهم، نقش حیاتی عدالت ترمیمی خانواده‌محور در بازتعریف سیاست‌های کیفری است. عدالت ترمیمی در تجربه کشورهای توسعه‌یافته، از جمله نروژ و کانادا، نشان داده که اگر خانواده آموزش‌دیده، مقاوم و توانمند در فرایند پیشگیری و اصلاح مشارکت کند، نرخ بازگشت به جرم به‌طور معناداری کاهش می‌یابد. در بستر فرهنگی افغانستان که خانواده همچنان مرجع هویت، مشروعیت و عاطفه است، بازتعریف سیاست کیفری مبتنی بر عدالت ترمیمی خانواده‌محور، نه تنها یک گزینه، بلکه یک ضرورت است.

پنجمین و آخرین یافته، ضرورت سیاست‌گذاری جامع و چندبخشی در مقابله با بزهکاری اطفال است. این مقاله نشان داد که هیچ مداخله تنبیهی یا کیفری صرف، نمی‌تواند بدون اصلاح ساختار خانواده، آموزش والدگری، حمایت اقتصادی، و توانمندسازی نهادهای اجتماعی، موفق باشد. عدالت ترمیمی مؤثر، نه در دادگاه، بلکه در خانه آغاز می‌شود؛ خانه‌ای که مقاوم، آموزش‌دیده و برخوردار از حمایت‌های پایدار اقتصادی و روانی باشد.

درنهایت، بدون بازسازی ساختاری نهاد خانواده و تقویت سرمایه اجتماعی در افغانستان، هرگونه سیاست عدالت کیفری کودک‌محور، عملاً با شکست مواجه خواهد شد. تنها از مسیر عدالت ترمیمی با محوریت خانواده، می‌توان به بازاجتماعی‌سازی واقعی کودکان بزهکار، بازسازی اعتماد اجتماعی، و پیشگیری مؤثر از انحرافات بعدی امید بست.

منابع

- Ahmadi, R., & Akbari, M. R. (2024). Social Harms of Child Labor in Afghanistan (Case Study of Bamyán City). *Journal of Social and Political Sciences*, 186 – 203.
- Alduraywish, M. (2021). Juvenile Delinquency and Differential Association Theory. *Advances in Applied Sociology*, 11(8), 341 – 349. <http://dx.doi.org/10.4236/aasoci.2021.118031>
- Aminzadeh, A. M. (2022). The Role of Family in Juvenile Delinquency (Case Study: Juvenile Correction Center of Kabul Province). *Biannual Journal of Criminal Law and Criminology Findings*, 2(4). (In Persian)

- Arford, T., & Madfis, E. (2022). Whitewashing Criminology: A Critical Tour of Cesare Lombroso's Museum of Criminal Anthropology. *Critical Criminology*, 30(5), 1 – 18. <http://dx.doi.org/10.1007/s10612-021-09604-x>
- Arlini, S. M., Salarkia, K., & Severijnen, E. (2022). Breaking Point: Children's lives one year under Taliban rule. Publisher: Save the Children.
- Artuk, M. E., & Yilmaz, E. (2023). KRİMİNOLOJİNİN BABASI OLARAK BİLİNEBİLİR CESARE LOMBROSO ÜZERİNE BİR TAHLİL. *The Boğaziçi Law Review*, 1(1), 1 – 14.
- Asadi, M. M., & Alemdar-Moghadam, S. H. (2022). Causes of Juvenile Delinquency and Preventive Factors. The 7th International Conference on Psychology, Educational Sciences, and Child Rights in the Islamic World, Tehran. (In Persian)
- Ataei, M. (2023). Criminal Responsibility of Juveniles in the Laws of Iran, Afghanistan, and International Instruments. Volume 3, Issue 11, 169–184. (In Persian)
- Bagheri, M., & Hedayati Delroba, M. (2014). The Role of Family in Juvenile Delinquency. International Conference on Humanities and Behavioral Studies. (In Persian)
- Bano, Z., Rani, S., & Leghari, N. U. (2019). Parenting styles as determinants of conflict management and anxiety among adolescents. *ISRA MEDICAL JOURNAL*, 11(2), 86 – 90.
- Beekman, G., Martijn van der Heide, C., Heijman, W. J. M., & Schouten, M. A. H. (2009). Social capital and resilience in rural areas: responses to change. WORKING PAPERMANSHOLT GRADUATE SCHOOL.
- Borch, C. (2017). Tensional individuality: a reassessment of Gabriel Tarde's sociology. *Distinktion Journal of Social Theory*, 18(2), 153 – 172. <http://dx.doi.org/10.1080/1600910X.2017.1378690>
- Boseliki, H., & Azerbaijan, M. (2020). The Moral Development of Children in the Conflict Between Media and Family. *Applied Ethics Studies*, 16(39), 11–40. <https://doi.org/10.22081/jare.2021.58917.1564> (In Persian)
- Catani, C., Schauer, E., Elbert, T., Missmahl, I., Bette, J. P., & Neuner, F. (2009). War Trauma, Child Labor, and Family Violence: Life Adversities and PTSD in a Sample of School Children in Kabul. *Journal of Traumatic Stress*, 22(3), 71 – 163. <http://dx.doi.org/10.1002/jts.20415>
- Costello, B., & Laub, J. H. (2020). Social Control Theory: The Legacy of Travis Hirschi's Causes of Delinquency. *Annual Review of Criminology*, 3(1). <http://dx.doi.org/10.1146/annurev-criminol-011419-041527>
- Daramola, A., & Osho, G. S. (2017). The Relevance of the Social Control Theory in Explaining Crime among African Americans. *Journal of Sociological Research*, 8(1), 1 – 14. <http://dx.doi.org/10.5296/jsr.v8i1.10729>
- Golkhandan, S. (2022). Relationship between Family Structure and Juvenile Delinquency (Field Study: Juvenile Correction Center in Isfahan Province, 2016). *Criminal Law and Criminology Research*, 10(19), 207–235. <https://doi.org/10.22034/jclc.2022.298835.1542> (In Persian)
- Hoffmann, J. P., & Dufur, M. J. (2018). Family Social Capital, Family Social Bonds, and Juvenile Delinquency. *American Behavioral Scientist*, 62(11): 000276421878702. <http://dx.doi.org/10.1177/0002764218787020>
- Jeong, C., & Han, H. (2013). Exploring the Relationship Between Virtue Ethics and Moral Identity. *Ethics & Behavior*, 23(1), 44 – 56. <http://dx.doi.org/10.1080/10508422.2012.714245>
- Jordans, M. J. D., Eggerman, M., Mierlo, B. V., & Panter-Brick, C. (2013). Child Mental Health, Psychosocial Well-Being and Resilience in Afghanistan: A Review and Future Directions. Handbook on resilience in children of war (pp.51-79), Publisher: Springer. http://dx.doi.org/10.1007/978-1-4614-6375-7_5
- Jovanoski, A., & Rustemi, A. (2021). Theory of Labeling: Contemporary Concepts of the Sociological Understanding of Deviance. *International Journal of Scientific and Engineering Research*, 12(7), 607 – 615.
- Junussova, M., Hashim, N., Iamshchikova, M., Kakar, P., Khan, M. A., Rajabi, S., Wardak, F. (2021). The Role of Women in the Economic Development of Afghanistan. *SSRN Electronic Journal*, 1 – 52. <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3807706>

- Kadir, Z. K. (2024). Reinterpretasi Teori Lombroso dalam Konteks Hukum Pidana Modern: Kapan Born Criminal Menjadi Insanity Defense. *Journal Litigasi Amsir*, 122 – 135.
- Katic, B., Alba, L. A., & Johnson, A. H. (2020). Systematic Evaluation of Restorative Justice Practices: School Violence Prevention and Response. *Journal of School Violence*, 19(9), 1 – 15. <http://dx.doi.org/10.1080/15388220.2020.1783670>
- Kawosh, N. (2020). The Role of Family Economy in Victimization of Children in Afghanistan. *Biannual Journal of Islamic Legal Studies*, 5(13). (In Persian)
- Khan, A. B. (2020). Socio-economic barriers to children's education in Afghanistan. *Journal of Business and Management Revolution*, 1(1), 1 – 9. <http://dx.doi.org/10.37357/1068/jbmr/1.1.01>
- Khushhah, A., Zahid, M. Z., Jan, A. (2017). Analysis of Familial Factors behind Children's Involvement in Delinquent Acts. *Liberal Arts and Social Sciences International Journal (LASSIJ)*, 1(2), 50 – 59. <http://dx.doi.org/10.47264/idea.lassij/1.2.6>
- Kimbrell, C., Wilson, D. B., & Olaghere, A. (2022). Restorative justice programs and practices in juvenile justice: An updated systematic review and meta-analysis for effectiveness. *Criminology & Public Policy*, 22(1), <http://dx.doi.org/10.1111/1745-9133.12613>
- Kotlaja, M., & Meier, R. (2018). *Social Bonds Theory of Crime*. Publisher: The SAGE Encyclopedia of Criminal Psychology.
- Kumar, S., & Sangwan, B. (2024). Impact Of Family Dynamics On Juvenile Delinquency: A Case Study Of Observation Homes In The National Capital Region of Delhi. *Educational Administration: Theory and Practice*, 30(6), 4723 – 4731. Doi: 10.53555/kuey.v30i6.7979
- Levendosky, A., Huth-Bocks, A. C., Shapiro, D. L., & Semel, M. A. (2003). The Impact of Domestic Violence on the Maternal – Child Relationship and Preschool-Age Children's Functioning. *Journal of Family Psychology*, 17(3), 87 – 275. <http://dx.doi.org/10.1037/0893-3200.17.3.275>
- MacDonald, J., & Raphael, S. (2020). Effect of scaling back punishment on racial and ethnic disparities in criminal case outcomes. *Criminology & Public Policy*, 9(4), <http://dx.doi.org/10.1111/1745-9133.12495>
- Maloku, A. (2020). Theory of Differential Association. *Academic Journal of Interdisciplinary Studies*, 9(1), 170 – 178. <http://dx.doi.org/10.36941/ajis-2020-0015>
- Markovic, M., & Lakicevic, M. (2020). Family circumstances and relationships as a factor of children crime behavior. *Sinteze*, 17, 113 – 134. <http://dx.doi.org/10.5937/sinteze9-24202>
- Moradi Chaleshtari, M., & Arabi Joneghani, A. (2021). Criminological Explanation of Causes and Factors of Delinquency among Secondary School Students. 5th International Conference on Psychology, Counseling, and Educational Sciences, Tehran. (In Persian)
- Motavallizadeh, M. (2019). Investigating the Role of Religious-Ethical Teachings and Family in Crime Prevention. 4th International Conference on Jurisprudence, Law, Advocacy, and Social Sciences. (In Persian)
- Mousavi, S. M. (2015). Protection of Juvenile Victims in Afghanistan Law and International Instruments. *Legal Discourse*, 4(3), 37–66. (In Persian)
- Mwangangi, R. K. (2019). The Role of Family in Dealing with Juvenile Delinquency. *Open Journal of Social Sciences*, 7(3), 52 – 63. <http://dx.doi.org/10.4236/jss.2019.73004>
- Nevisi, H. M. (2019). Family Impact on Social Violence (Juvenile Delinquency) in Children and Adolescents. *SM Journal of Forensic Research and Criminology*, 3(1): 1017.
- Pakdaman, M., & Faridi, H. R. (2023). The Role of Family in the Formation of Children's and Adolescents' Personality. 1st National Conference on Healthy Family, Healthy Society, Islamic Azad University, Qaenat Branch. (In Persian)
- Payne, B. K., Hawkins, B., & Xin, C. (2018). Using Labeling Theory as a Guide to Examine the Patterns, Characteristics, and Sanctions Given to Cybercrimes. *American Journal of Criminal Justice*, 44(2), 1 – 18. <https://doi.org/10.1007/s12103-018-9457-3>
- Pedersen, T. H. (2023). Social Innovation: The Ideas and Contributions of Gabriel Tarde. *European Conference on Innovation and Entrepreneurship*, 18(2), 717 – 723. <http://dx.doi.org/10.34190/ecie.18.2.1691>

- Peter, P., Finebone, P. P., Nwadukwe, H., & Nwadukwe, T. (2022). Effects of Family Structure on Juvenile Delinquency in Rivers State: A Theoretical Review. *CENTRAL ASIAN JOURNAL OF SOCIAL SCIENCES AND HISTORY*, 3(10), 75 – 94.
- Rahman, K. F., & Nazmul Arefin, Md. (2025). Juvenile Delinquency and Justice System. *Criminology and criminal justice in Bangladesh: An introduction* (pp.161-186), Publisher: Bangladesh Institute of Crime and Justice Studies – BICJS.
- Raturi, S., & Rastogi, S. (2022). Sociological theories of juvenile delinquency: A criminological perspective. *International Journal of Health Sciences*, 6(3), 7441 – 7449. <http://dx.doi.org/10.53730/ijhs.v6nS3.7691>
- Rowan, Z. R., Fine, A., Steinberg, L., Frick, P. J., & Cauffman, E. (2023). Labeling effects of initial juvenile justice system Processing decision on youth interpersonal ties. *Criminology*, 61, 731 – 757. DOI: 10.1111/1745-9125.12348
- Ruggiero, R. (2022). Article 18: Rights Concerning Parental Responsibility. *Monitoring State Compliance with the UN Convention on the Rights of the Child*. http://dx.doi.org/10.1007/978-3-030-84647-3_17
- Samadi, H., Rahimi, M., & Ghafoori, L. (2025). Balancing School and Part-Time Work: An Exploratory Study of Afghan Elementary School Students. *International Journal of Education & Well-Being*, 3(1), 1 – 12. <http://dx.doi.org/10.62416/ijwb-53>
- Shafaq, A. (2021). Child Rights in Afghanistan Laws and the Convention on the Rights of the Child. *Comparative Legal Research Quarterly – Justice and Fairness*, 4(14). (In Persian)
- Shah Kayen, H. (2023). THE IMPACT OF CHILD LABOR ON CHILDREN'S DEVELOPMENT: A CASE STUDY OF AFGHANISTAN. *Bhineka Tunggal Ika Kajian Teori dan Praktik Pendidikan PKn*, 10(2), 326 – 336. <http://dx.doi.org/10.36706/jbti.v10i2.22769>
- Sirgiovanni, E. (2017). Criminal heredity: the influence of Cesare Lombroso's concept of the "born criminal" on contemporary neurogenetics and its forensic applications. *Journal of History of Medicine*, 29(1), 165 – 188.
- Sison, A. J. G., Ferrero, I., & Redín, D. M. (2020). Some Virtue Ethics Implications from Aristotelian and Confucian Perspectives on Family and Business. *Journal of Business Ethics*, 165(1), 241 – 254. <https://link.springer.com/article/10.1007%2Fs10551-019-04307-4>
- Stahlberg, S. G., Diaz-Cayeros, A., & Pizatella-Haswell, R. (2022). Supporting Youth and Families to Prevent Risky Youth Behavior and Delinquency: An Impact Evaluation of a Family Counseling Program in the Caribbean. *Children and Youth Services Review*, 142(3): 106645. <http://dx.doi.org/10.1016/j.childyouth.2022.106645>
- Sun, R., & Wang, Y. (2023). The Influence of Family Factors on Juvenile Delinquency. *Lecture Notes in Education Psychology and Public Media*, 5(1), 462 – 466. <http://dx.doi.org/10.54254/2753-7048/5/20220666>
- Tabarsi, H. ibn Fazl. (1991). *Makarem al-Akhlaq [The Noble Ethics]*. Qom: Al-Sharif Al-Radhi Publishing. (In Persian)
- Teymouri, M., & Naderpour, M. (2024). The Role of Family's Economic Factors in Social Harms and Juvenile Delinquency. 2nd National Conference on Healthy Family, Healthy Society, Islamic Azad University, Qaenat Branch. (In Persian)
- UNICEF. (2024). *Afghanistan Annual Report 2024*. Kabul: UNICEF Afghanistan. Retrieved from https://www.unicef.org/afghanistan/media/11336/file/UNICEF%20Afghanistan%20annual%20report%202024_low%20res.pdf?utm_source=chatgpt.com
- Voorhis, P. V., Cullen, F. T., Mathers, R. A. (2006). The Impact of Family Structure and Quality on Delinquency: A Comparative Assessment of Structural and Functional Factors. *Criminology*, 26(2), 235 – 261. <http://dx.doi.org/10.1111/j.1745-9125.1988.tb00840.x>
- Walker, S. C., Bishop, A., Pullmann, M., & Bauer, G. (2015). Research Framework for Understanding the Practical Impact of Family Involvement in the Juvenile Justice System: The Juvenile Justice Family Involvement Model. *American Journal of Community Psychology*, 56(3), <http://dx.doi.org/10.1007/s10464-015-9755-6>



- Ward, R. H. (2006). The Labeling Theory: A Critical Analysis. *Criminology*, 9(2 – 3), 268 – 290. <http://dx.doi.org/10.1111/j.1745-9125.1971.tb00771.x>
- Widowati, W. (2024). The Future of Children in the Criminal Justice System: Restorative or Retributive Approach. *West Science Law and Human Rights*, 2(4), 379 – 388. <http://dx.doi.org/10.58812/wslhr.v2i04.1308>
- Winter, K., Connolly, P., Millen, S., & Sweet, D. (2022). The UNCRC and Family Support: A Case Study of the Early Intervention Support Service. *Child Care in Practice*, 30(6), 1 – 15. <http://dx.doi.org/10.1080/13575279.2022.2088473>
- World Bank. (2023). Afghanistan Welfare Monitoring Survey – Round 3. Washington, DC: World Bank. Retried from https://thedocs.worldbank.org/en/doc/975d25c52634db31c504a2c6bee44d22-0310012023/original/Afghanistan-Welfare-Monitoring-Survey-3.pdf?utm_source=chatgpt.com
- Wormer, K. S. V. (2003). Restorative Justice: A Model for Social Work Practice with Families. *Families in Society The Journal of Contemporary Social Services*, 84(3), 441 – 448. <http://dx.doi.org/10.1606/1044-3894.127>
- Yamaguchi, A. (2013). Impact of Social Capital on the Psychological Well-Being of Adolescents. *International Journal of Psychological Studies*, 5(2), 100 – 100. <http://dx.doi.org/10.5539/ijps.v5n2p100>
- Yusofi, Z., & Nabavi, N. (2024). Forgotten Violence: Social and Cultural Contexts of Sibling Abuse in Afghanistan (A Case Study of Students – District 6 of Kabul). *International Journal of Multicultural and Multireligious Understanding*, 11(10), 410 – 424. <http://dx.doi.org/10.18415/ijmmu.v11i10.6309>

Examining The Relationship Between Economic Growth and Banking Stability in Afghanistan



Mir Abdul Fahim Rashidi¹

Abstract

The ability of the banking system to continue operating efficiently and steadily throughout time is referred to as banking stability. Using data from 2012 to 2022, this study investigates the connection between financial stability and economic development. The purpose of this study is to determine the factors influencing banking stability by analyzing the interaction effects of these two variables. The data in this study was analyzed using SPSS25 software, and the results of Pearson's correlation analysis show that the correlation coefficient is (-0.031) and the p-value is 0.929, indicating a very weak negative correlation and no significant relationship between economic growth and banking stability. Additionally, the regression model's results indicate that economic growth can account for only 0.1% of the changes in banking stability, with a R Square value of 0.001 and an Adjusted R Square of (-0.110). This indicates that the model is inadequate to account for the changes in banking stability. These results show that other factors may have a bigger effect on the stability of banks. They also show how important it is to look at all of the factors that affect it in more detail. In general, the results show that relying only on economic growth is not enough to keep banks stable; we need a more thorough and multifaceted approach.

Keywords: Bank Stability, Economy Growth, Return on assets, Return on equity

JEL Classification: G21, O4, G20, G24

¹ Mawlana Jalaluddin Mohammad Balkhi University; Faculty of Economic , Department of Finance and Banking

INTRODUCTION

A precarious financial system recognizes economic outcomes, while a robust financial system improves it through different means (Schinasi, 2004).

The behavior of financial markets can affect growth either in the short term or the long term, depending on the theory used. Traditional growth theories indicate that these impacts are temporary, representing their occurrence while an economy shifts along its steady-state growth trajectory. Recent theories of endogenous growth indicate that the functioning of financial markets can produce enduring impacts that persistently propel an economy toward higher growth rates (Deabes, 2004).

A study that looked at data from 2010 to 2019 in sub-Saharan Africa looked at how financial stability affected economic growth. According to a study (Helena Ahulu, John MacCarthy*, Paul Muda, June 10, 2021), financial stability and economic growth are positively correlated.

Since previous research offers differing viewpoints on the connection between financial stability and economic growth, the importance of the financial sector for economic development is a subject of intense debate and analysis. Moreover, advanced economies have been the focus of most studies on the connection between financial stability and economic growth (Alsamara et al., 2018; Duprey et al., 2017; Aboura and Van-Roye, 2017; Klemkosky, 2013).

Two essential elements of a strong economy are economic growth and financial stability. GDP growth can be seen as a sign of economic development, since GDP is often used to evaluate economic performance. Organizations and employees typically achieve better results during phases of GDP growth rather than during periods of contraction (Callen, n.d.). A robust financial system can mitigate the impact of shocks by effectively allocating resources, evaluating, and managing financial risks. In simpler terms, a stable financial system may decrease the chances of financial crises (World Bank, n.d.).

Although economic growth and financial stability are vital issues globally, this study focuses specifically on the European Union (EU). In 2021, the EU, which has a GDP of around €14.5 trillion, plays a significant role in the global economy (European Union, n.d.). In the early stages of COVID-19, European organizations addressed the five effects of the pandemic in two different ways. One concentrated on healthcare and encouraged vaccine advancement, while the other sought to lessen the economic impacts of the crisis. The European Parliament quickly implemented a temporary relaxation of prudential rules for banks in Europe (European Parliament, 2020).

Moreover, a financial assistance initiative for small and medium businesses in Europe obtained nearly €25 billion from the European Investment Bank (European Investment Bank, n.d.).

This study aims to investigate the relationship between banking stability and economic development, particularly if it shifts during the early stages of the



COVID-19 pandemic. In a panel data study involving 24 EU countries from 2006 to 2020, this is investigated using a fixed effects model. Economic growth and bank stability are positively correlated when the non-performing loan ratio is used to evaluate bank stability. However, no conclusion can be drawn from the bank Z-score due to the lack of statistical significance. Furthermore, more research is necessary to draw firm conclusions about the direction and cause of the observed effect. This study adds to the corpus of contemporary literature on the relationship and provides new insights. The main finding is that there is a stronger correlation between the non-performing loan ratio and GDP growth in the early stages of the Covid-19 pandemic (Joel, Emma, 2020).

In order to assess how bank competition and financial stability affect economic growth, this study examines panel data from 38 European countries between 2001 and 2017. While Z-scores and the ratio of non-performing loans assess bank stability nationally, the Boone indicator gauges bank competition. In order to account for unobserved heterogeneity, endogeneity, the dynamic effects of economic growth, and reverse causality in its estimation, this study combines a fixed-effect estimator with a system generalized method of moments (GMM) estimator. The results imply that European economic growth is significantly impacted by bank stability. The decline in economic growth during these periods (which includes both local banking problems and the global financial crisis) emphasizes the significance of a strong banking system. Furthermore, empirical research shows that less banking competition enhances financial stability and fosters economic expansion. In order to promote economic growth through banking stability, this study provides a framework for banks and regulatory agencies (Ijas, Hassan, Tarazi, Fraz, 2019).

From 2000 to 2016, the study looked at how banking system stability affected economic sustainability in 37 developing countries. Panel data models, namely fixed effects and random effects models, were used in this study. The fixed effects model fit all estimates the best, according to the Hausman endogeneity test. Our empirical study's primary findings were as follows: According to the preliminary results, banking system z-scores have a positive effect on the economic sustainability of these economies, whereas bank regulatory capital and bank credit have a negative effect in some developing nations (Ntarmah, Kong, Gyan, 2019).

Banks make up the majority of the financial system in North Macedonia. As a result, banks are crucial to the development and stability of the financial system. This study's main goal was to describe, compare, assess, and measure the impact of banks on the Republic of North Macedonia's economic growth. The Republic of North Macedonia's State Statistics Office and Central Bank provided secondary data for this study. A total of 62 observations were obtained from quarterly data analyses conducted between the first quarter of 2005 and the second quarter of 2020. Multiple regression analysis was the technique used to analyze the data. The main measure of economic growth was GDP, which was impacted by a number of other variables. The capital adequacy ratio, return on average assets (ROAA),

return on average equity (ROAE), private loans, and loan impairment were the independent variables. The study found that the capital adequacy ratio, return on average equity, and private lending all positively correlated with GDP. GDP shows a negative relationship with ROAA and loan impairment (Osmani, 2020).

This study investigates the relationship between the growth of the banking industry and Lebanon's economic development from 1992 to 2011. We first determine a one-way causal relationship between economic growth and banking sector metrics like deposit growth and credit to the local private sector using Granger Causality tests. In contrast, the size, efficiency, and orientation of the banking sector, along with the lending to the domestic private sector, have little influence on economic progress. These results strengthen the demand-following hypothesis concerning the relationship between Lebanon's financial sector and economic growth. Ultimately, the conclusions mentioned earlier are supported by the regression estimates obtained from the OLS method (Awdeh, 2012).

When evaluating bank stability, various perspectives must be taken into account. Banking stability might reflect the funding structures for bank resources and assets. Research on bank stability shows that core capital allows banks to absorb financial losses they face, and capital acts as a key factor in reducing the risks linked to banks' lending practices and the spread of shocks. Conversely, as resource costs increase, banks see a drop in profitability, resulting in a reduction of their capital. In this case, banks ought to explore profitable lending options that will raise interest rates. An increase in bank interest rates obstructs further reductions in bank capital (van den Heuval, 2012).

The bank stability metric, which assesses the resilience of the banking system against macroeconomic indicators (like GDP and inflation), components of economic growth, and the concentration within the banking industry, is an essential measure in the banking sector. Financial stability is frequently described as the opposite of health. In a financial crisis, almost all financial metrics, including short-term interest rates and asset valuations (stocks, securities, real estate, and land), along with the bankruptcy and collapse of financial institutions, change significantly. On the other hand, the flow of investment into assets distinguishes a boom from a bubble. Financial or actual risks are acknowledged based on the expectation of an ongoing increase in asset prices (Neely, 2019).

Methodology

We must comprehend the connection between banking stability and economic expansion, and this research is quantitative. The author used data on economic growth from the World Bank Group website, economic reports from the Central Bank of Afghanistan, and information on banking stability from the websites of private banks that make their financial statements available so that we could evaluate banking stability. Following the acquisition of the return on assets data, the return on equity and the return on assets standard deviation were examined.



The relationship between the two variables and the linear regression model was assessed using Pearson's correlation. Model specification is the process of deciding which independent variables to add or remove from a regression equation. The general econometric model described below is used to qualitatively assess the variables affecting private bank stability.

The linear regression model of this study:

$$z - score = \alpha + \beta_1 EG + \varepsilon$$

Z- score = is a measure of the Bank's stability

EG = is the economic growth

ε = is the random error term

Research Hypotheses

Based on the goal of this research, the following alternative hypotheses were tested:

H1. There is positive relationship between economic growths and bank's stability.

Bank's Stability

Banking stability indicates the financial health in banking operations. Nadya Jahn and Thomas Kick (2011) analyzed the elements that indicate the stability of the banking system, defining financial stability as "a steady condition where the banking system successfully performs its functions, including resource allocation, risk distribution, and income distribution." Pierre Monnin and Terhi Jokipii (2010) defined financial stability as: Financial instability raises the probability that the banking sector could struggle to fulfill its commitments in the upcoming quarter. They performed this analysis while evaluating the impact of banking stability on the economies of 18 OECD countries. Consequently, stability increases as the likelihood decreases. A bank is considered unstable when its overall liabilities exceed the market value of its assets, indicating that it is diminishing or unable to fulfill its debt obligations (Huong, Nhu, 2015).

Financial institutions are essential in the banking sector and the overall economy. This sector embodies the key element for development and economic progress. In addition to helping maintain financial stability by mitigating the impacts of financial crises, banks serve as financial intermediaries that are crucial for supplying capital to businesses, promoting economic growth, and managing deposits, as the extra funds from lenders are utilized to support borrowers' deficits and effectively serve investors (Mabkhot, Hasan, 2022).

The definitions of bank financial stability differ across the literature. Nevertheless, the financial problems that seem unstable in financial institutions are associated with financial stability. Thus, the economy influences financial institutions that do not always ensure financial stability (Issing, 2003).

Financial stability denotes the ability of financial entities to assess and manage risks, withstand economic disruptions, and overcome the effects of financial turmoil (Garry, Schinasi, 2004).

The best way to define financial stability is by identifying its characteristics. Therefore, a bank's financial stability is defined as a timeframe in which banking instability is nonexistent (Allen, Wood, 2006).

Z-score as a measure of banking stability

The most widely used metric in empirical banking studies to assess a bank's profitability or financial soundness is the Z-score, which shows the probability of a country's banking system failing. It is also one of the metrics the World Bank uses to assess financial stability in discussions about global financial development.

$$Z - score = \frac{ROA + E/A}{S.Dev(ROA)}$$

where E/A denotes the equity to assets ratio, ROA denotes the asset return rate, and S.Dev (ROA) denotes an estimate of the standard deviation of the asset return rate (Sifrain, 2021).

The Z-score's basic concept illustrates the amount of capital that can withstand fluctuations in returns without bankrupting the banking system (Li, Tripe, Malone, 2017).

A lower likelihood of bankruptcy is indicated by a higher Z-score. Developed from Roy's work in 1952, the Z-score has gained popularity among academics as a measure of bank risk-taking (Boyd, Graham, 1986; Hannan, Hanweck, 1988; Graham, Hewitt, 1993). The Z-score's popularity as a gauge of financial well-being is significantly increased by how simple it is to compute using only the accounting data that is readily available. Z-scores' exclusive reliance on accounting data, which makes them equally reliable as the current accounting and auditing framework, could be a drawback. The World Bank claims that one advantage of Z-scores is their ability to assess default risk across various institutions that may have different ownership goals while dealing with solvency risk (Karim, Alhabdhi, Kassim, Haron, 2018).

Return on assets

A profitability ratio that can indicate a Company's Financial Performance or Company's Position is return on assets. According to Kasmir (2016), ROA is a measure that shows the return in relation to the total assets utilized by the company. The return on assets (ROA) measures the general effectiveness of a company's operations. The more effectively a company uses its resources to create profit, the higher the ratio (Unair, Surabaya, 2021).

Return on assets is calculated by this formula:

$$ROA = \frac{\text{Avalibal net profite for common shareholder}}{\text{Total assets}} \times 100\%$$



A higher ROA value signifies enhanced business performance as a result of the increased return on investment rate. "This illustration represents the organization's return on every asset (or funding) provided to the entity" (Wild et al., 2005). The factors that may affect return on assets are: (a) the liquidity ratio, determined by contrasting current assets with current liabilities, assessing a firm's capacity to satisfy short-term commitments; and (b) the asset management ratio, which evaluates the efficiency of the company's asset management (Brigham and Houston, 2001). (c) The Debt Management Ratio is a particular asset management metric that reveals a company's ability to settle its long-term debts incurred for funding its operations (Azis, Mutalib, 2018).

Return on equity

Syamsuddin asserts that return on equity (ROE) is a measure that evaluates a company's ability to generate profits for all its stakeholders, including both preferred and common shareholders. Investors use this ratio to evaluate how much the company can deliver benefits in the future. Return on equity is a metric of profit (income) available to business owners (common and preferred shareholders) relative to the capital they invested in the firm (Ahsan, 2012).

The formula of return on equity is:

$$ROE = \frac{\text{net profit}}{\text{Shareholders' Equity}} \times 100\%$$

Economic growth

It generally relates to the increase of GDP, GNP, and NI, thereby influencing national wealth, which encompasses production capability, shown in both absolute and relative measures, per capita, while considering the economic structural transformations. Analyzing this process, particularly in quantitative terms, emphasizing the functional relationships between the endogenous variables, is crucial for enhancing national income per capita (Haller, 2012).

The continuous rise in a nation's production level is known as economic growth. GDP growth emphasizes numerical increments, whereas economic development includes both quantifiable and qualitative changes that improve the satisfaction of individuals' needs. (Soedarmono, Tarazi, Machrouh, 2011).

The economy growth formula:

$$\text{Economic Growth} = \frac{GDP_2 - GDP_1}{GDP_1} \times 100\%$$

GDP_1 . Gross domestic product base year.

GDP_2 . Gross domestic product in current year.

Data Collection

In today's world, data are considered to be one of the most valuable assets. Gathering information from reliable sources such as the World Bank website and private banks can help us better understand the economic situation. This process not only allows us to analyze economic trends but also helps us make more effective decisions in various fields.

I obtained all the data left on the private banks' websites from their pages and analyzed them. I obtained banking stability and I obtained the figures related to economic growth from the World Bank website. All data are from 2012 to 2022, and this could have been very good for analyzing the two variables.

The research finding

In this research, correlation and regression statistical analysis were used to study the relationship between two variables.

Correlation

Correlation generally evaluates how two variables are related. A positive or negative relationship between a change in one variable's magnitude and a shift in another variable's magnitude is indicated by correlated data. A linear relationship between two continuous variables is indicated by the Pearson product-moment correlation, which is commonly referred to as "correlation." When analyzing data that follows a bivariate normal distribution or a jointly normal distribution, the Pearson correlation coefficient is usually employed. A Spearman rank correlation shows the existence of a monotonic relationship when ordinal, normally distributed continuous data or relevant outlier data are not available. The two correlation coefficients range from -1 to +1, with 0 denoting a linear or monotonic relationship. The relationship becomes stronger and eventually takes the shape of a straight line (Pearson correlation) or a continuously rising or falling curve (Spearman correlation) as the coefficient gets closer to an absolute value of 1. The statistical significance of the findings and the strength of the relationship in the population from which the data came can be assessed using confidence intervals and hypothesis tests. This manual aims to instruct researchers and medical professionals on how to properly apply and evaluate correlation coefficients (Schober, Boer, 2018).

Table 1. the correlation between Economy Growth and Bank stability.

N=11(2012-2022 years) variable	Pearson correlation	
	correlation	Sig. (2-tailed)
Bank stability	-.031	.929
Economy Growth	-.031	.929

There is no significant correlation between banking stability and economic growth, according to the findings of the Pearson correlation analysis conducted between 2012 and 2022. Economic growth is viewed as the independent variable in this analysis, while bank stability is the dependent variable. There is a slight negative correlation between the two variables, as indicated by the correlation coefficient (-0.031). This implies that changes in economic growth have little impact on the stability of banks.



Furthermore, this association was not statistically significant, as indicated by the p-value of 0.929. To put it another way, there's a good chance that this association is the result of chance rather than a true or significant connection.

These results suggest that during the examined timeframe, different factors could have had a greater impact on banking stability than economic growth. Consequently, the results of this study emphasize the importance of considering various influential factors when assessing the condition of banks and show that relying solely on economic growth is insufficient for promoting banking stability.

This analysis suggests that a more comprehensive strategy is needed to improve banking stability, considering other influencing elements. Understanding and analyzing these factors can help policymakers develop more effective strategies to improve the stability of the banking system.

Model Summary

It demonstrates how strongly the independent and dependent variables are related. To ascertain the relationships between a dependent variable and one or more independent variables, statistical modeling also makes use of a set of statistical techniques known as regression analysis.

Based on the bivariate data, the linear regression analysis reveals a linear relationship (or trend) between the two variables. Regression lines are estimates of the lines that show the real, albeit undetected, linear relationship between the two variables.

Table 2. the regression between Economy Growth and Bank stability.

Model Summary				
Model	R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate
1	.031 ^a	.001	-.110	4.498250
a. Predictors: (Constant), the economy growth				

The regression model's findings show a weak and negligible correlation between economic growth and bank stability. A correlation coefficient (R) of 0.031 indicates that there was very little correlation between these two variables. This number suggests that fluctuations in economic growth have minimal impact on bank stability.

Only 0.1% of the variation in banking stability is associated with economic growth, according to the R Square value of 0.001. This suggests that other variables may be involved in this relationship and should be investigated, suggesting that the model is insufficient to forecast changes in banking stability.

Furthermore, the model may contain irrelevant variables and is not adequately explaining the data, as indicated by the adjusted R Square value of -0.110. This negative value makes it abundantly evident that the model may make more errors than aid in elucidating the relationship.

The standard deviation of the model's forecast errors, or the standard error of the estimate, is 4.498250. As this value rises, the model's prediction accuracy

decreases. As a result, it can be said that a more thorough investigation is necessary because the model used in this analysis is unable to produce reliable predictions regarding the stability of banks.

Analyses of variance

When presenting the results of an ANOVA, it is essential to include a concise overview of the tested variables, the F value, degrees of freedom, and p values associated with each independent variable, along with an interpretation of the results.

Table 3. Analyses of variance

Model		Sum of Squares	Df	Mean Square	F	Sig.
1	Regression	4.192	۳	1.397	1.359	.۳1 ^b
	Residual	7.200	7	1.029		
	Total	11.392	10			
a. Dependent Variable: stability of bank						
b. independent variable are: Economy Growth						

The reliability of the regression model and the impact of the independent variable, economic growth, on the dependent variable, bank stability, are crucially revealed by the analysis of variance (ANOVA) results. The amount of variation in bank stability that the regression model can explain is indicated by the regression sum of squares, which has a value of 0.170. Because of the regression's degree of freedom of 1 and the residual's degree of freedom of 9, it can be concluded that the model's flexibility is limited and that it cannot account for variations in banking stability.

The regression's mean square is 0.170, indicating that the model's volatility is still relatively low when compared to the residual one. The regression model's limited ability to explain variations in bank stability is indicated by the F-statistic value of 0.008. A p-value of 0.929, which indicated that the model lacked significance, supported this conclusion.

Overall, these findings imply that economic growth has little effect on bank stability and that there is little chance of a true correlation between the two factors. These results highlight the necessity of investigating additional variables and factors to enhance understanding of bank stability. This analysis can assist policymakers in realizing the significance of conducting a comprehensive analysis of the variables influencing banking stability and creating more effective plans to enhance this stability.

Test of Hypothesis

In this section, we can either reject or confirm our hypothesis.

**Table 4.** Regression Coefficient of Bank's Stability Gross Domestic Product

Coefficients ^a					
Model	Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	t	Sig.
	B	Std. Error	Beta		
(Constant)	43.084	1.468		29.350	.000
Economy Growth	-2.636	28.730	-.031	-.092	.929

From the regression result below, we can get the coefficient of the variable of the linear regression equation.

$$z - score = \alpha + \beta_1 EG + \varepsilon$$

$$z - score = 43.084 - 2.636EG + 28.730$$

The coefficients of the regression model show how economic growth affects bank stability. The fixed coefficient, which represents the anticipated level of banking stability in the absence of economic growth, is 43.084. This value was regarded as the model's cornerstone.

The economic growth coefficient (B) is -2.636. This implies that banking stability falls by about 2.636 units for every unit increase in economic growth. The p-value of 0.929 suggests that this relationship was not significant, so this result should be interpreted with caution. This p-value indicates that there is most likely no connection at all between banking stability and economic growth.

The economic growth coefficient's standard error of 28.730 shows the variability in its estimation, and its exceptionally high value suggests a lack of precision in its computation. Additionally, the standard coefficient (Beta) is -0.031, suggesting that economic growth has a minor impact on bank stability.

There is no significant correlation between banking stability and economic growth, according to the t-value of (-0.092) and p-value of 0.929. To put it another way, the null hypothesis—which holds that economic growth has no bearing on banking stability—is rejected.

In conclusion, this analysis shows that economic growth has little impact on bank stability. Thus, to obtain a better understanding of bank stability, further factors and variables must be examined. These findings can assist policymakers in understanding the importance of a comprehensive analysis of the factors affecting bank stability.

CONCLUSION

Using data from 2010 to 2019, this study looked at how financial stability affected economic growth in sub-Saharan Africa. Analysis showed that financial stability and economic growth are positively correlated.

Panel data from 24 EU member states between 2006 and 2020 was examined using a fixed effects model. Economic growth and banking stability are positively

correlated when the ratio of non-performing loans is used to evaluate banking stability.

Another study that used data from 38 European nations discovered a strong positive relationship between bank stability and economic growth. The data used in this study was gathered between 2001 and 2017. A different study conducted in Lebanon found a negative relationship between economic growth and banking stability. Economic growth and banking stability are positively correlated, according to numerous studies; however, other factors also affect banking stability in developing nations.

Economic growth had no discernible effect on banking stability, according to the study, which examined data from 2012 to 2022. A very weak and insignificant relationship between these two variables was conclusively confirmed by the results of the regression and correlation tests. The correlation coefficient of -0.031 and the p-value of 0.929 show that there is little chance of a real relationship between banking stability and economic growth and that it is more likely the result of chance.

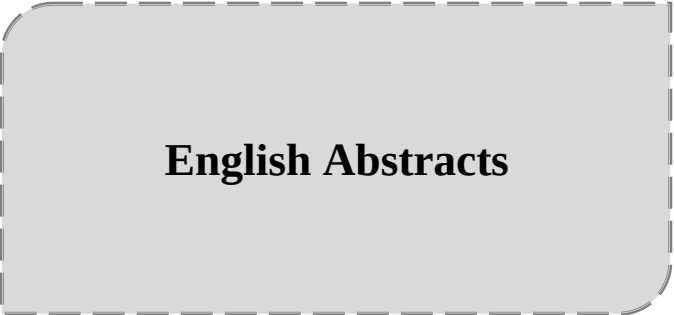
The economic growth coefficient (B) is -2.636. This shows that for every unit increase in economic growth, banking stability falls by an average of 2.636 units. This finding should be interpreted cautiously because the p-value of 0.929 suggests that this association was not significant. This p-value indicates that there is most likely no connection at all between economic growth and banking stability.

Furthermore, the R² value is only 0.001, meaning that economic growth can only account for 0.1% of changes in banking stability. This indicates that the regression model is obviously unable to explain the variations in banking stability. Given the significantly high standard error and negative R² value, this data implies that the model may contain unrelated variables and is unable to predict bank stability. These results highlight how crucial it is to take into account additional variables and factors that could affect bank stability. Therefore, policymakers and financial institutions need to perform a more thorough analysis of the factors influencing bank stability in order to improve the understanding of banking system stability. This includes looking at things like financial regulations, the quality of bank management, global economic conditions, international trade, system changes, customer satisfaction, liquidity, educational attainment, and other variables. Ultimately, this study shows that improving banking stability requires a more comprehensive and multifaceted approach rather than relying only on economic growth. By focusing on this, policymakers can develop more effective strategies to improve banking stability and ensure that the financial system can withstand future challenges.



REFERENCES

- Ahsan, A. M. (June 2012). "Can ROE be used to predict portfolio performance?", *Economics, Management, and Financial Markets*. p132.
- Alan & Radomir. (2011). Improving bank quality dimensions to increase customer satisfaction. <https://www.researchgate.net/publication/215528245>.
- Albert Henry Ntarmah 1, *, Yusheng Kong1,* and Michael Kobina Gyan2. (2019). Banking system stability and economic sustainability: A panel data analysis of the effect of banking system stability on sustainability of some selected developing countries. <http://www.aimspress.com/journal/QE>.
- Alsamara, M. M. (2018). The switching impact of financial stability and economic growth in Qatar: Evidence from an oil-rich country. *The Quarterly Review of Economics and Finance*, 73(1), 205-216.
- Awdeh, A. (2012). Banking Sector Development and Economic Growth in Lebanon, *International Research Journal of Finance and Economics*. <https://www.researchgate.net/publication/257863335>.
- Callen, T. (. (May 10, 2023). Gross Domestic Product: An Economy's All. IMF. . <https://www.imf.org/en/Publications/fandd/issues/Series/Back-to-Basics/gross-domestic-product-GDP>.
- Deabes, T. (2004). Economic Development and Financial Market, Working Paper No. 2. p2 45.
- European, Parliament. (2020). COVID-19: Easing rules to encourage banks to lend to companies and households | News | European Parliament. <https://www.europarl.europa.eu/news/en/pressroom/20200615IPR81234/covid-19-easing-rules-to-encourage-banks-to-lend-to>.
- European investment.(Retrieved May 15, 2023). Coronavirus outbreak: EIB Group's response.EIB. <https://www.eib.org/en/about/initiatives/covid-19-response/index.htm>
- European Union. (May 10, 2023). Facts and figures, EU economy Retrieved. https://european-union.europa.eu/principles-countries-history/key-facts-and-figures/economy_en.
- Garry. (1398). Banking in Afghanistan. kabul: yusufzad.
- Haller. (2012). Concepts of Economic Growth and Development. Challenges of Crisis and of.
- Helena Ahulu, j. M. (10 jun 2021). Financial Stability and Economic Growth Nexus: Evidence from Sub-Saharan Africa using Panel Data, *International Journal of Economics and Financial Issues*, 2021, 11(4), 11-18. <https://doi.org/10.32479/ijefi.11407>.
- Huong, X. (2015). Afficient that stablity of commercial bnaks in vietnam. 546.
- Joel Gabriellsson, E. G. (2020). Bank Stability and Economic Growth:Panel Evidence from the Covid-19 Pandemic.
- Karim, K. (2018). Measuring bank stability. <https://www.researchgate.net/publication/357234048>
- Li, X. T. (2017). Measuring Bank Risk: An Exploration of Z-score. <https://ssrn.com/abstract=2823946>.
- Meyer, A. k. (2022). The Effect of Bank Liquidity on Bank's Stability in the Presence of Managerial Optimism. <https://www.researchgate.net/publication/363440691>.
- Neely. (2019). the economy Growth and financial stability. Academy research.
- Osmani, G. (2020). The Impact of Banks On Economic Growth: Case Of Republic Of Nourth Macedonia. <http://ijecm.co.uk/>.
- Schinasi, M. (2004). Defining Financial Stability, IMF Working Paper No. 4/187. Washington, USA: International Monetary Fund Publications.
- Schober, B. (2018). Correlation Coefficients: Appropriate Use and Interpretation. <https://www.researchgate.net/publication/323388613>.
- Shahzad IJAZ1*, A. H. (2019). LINKING BANK COMPETITION, FINANCIAL STABILITY, AND ECONOMIC GROWTH. <https://doi.org/10.3846/jbem.2020.11761>.
- sifrain. (2021). Determinats of banking stablity:Evidence fromHaiti,s Banking system . jornal of financial Risk management .
- Soedarmono, W. M. (2011). Bank market power, economic growth and financial stability: Evidence from asian banks. *Journal of Asian Economics*, 22(6):460{470.
- Van Den Heavel, s. (2008). the welfare cost of bank capital requirments. jornal of monetary econics, 298-320.
- World Bank, (. (May 10, 2023,). Financial Stability. World Bank. Retrieved. <https://www.worldbank.org/en/publication/gfdr/gfdr-2016/background/financial-stability>.



English Abstracts



The Role of the Carpet Industry on Household Income in Andkhoy District

(Case Study: Andkhoy District)

Teaching Assistant Ghulam Sarwar Arifi¹

Assistant Professor Aburaihan intezar,²

Email: intezaraburaihan@gmail.com

Wazir Mohammad Ramazan Oghli³

Abstract

Handicrafts, especially the carpet weaving industry, are among the national industries of Afghanistan. The carpet industry (hand-woven carpets) reflects our culture and national identity and, besides its cultural significance, it also plays an important role in the country's economy. The objective of this study is to examine the role of the carpet industry in household income. Primary data for this research were collected through questionnaires. For this purpose, 100 questionnaires were distributed among carpet weavers and carpet sellers using a simple random sampling method. The collected data were analyzed using SPSS version 24 with the application of a linear regression model. The dependent variable in this study is household income, while the independent variables include gender, education, foreign carpets, reduction of investment in the carpet industry, and domestic carpets. The results of the research indicate that there is a positive relationship between household income and the independent variables. The analysis shows a value of 0.519, which demonstrates that the carpet industry has a significant effect on household income. Furthermore, based on the hypothesis testing, the findings reveal that the import of foreign carpets and the lack of investment have a relatively smaller effect on household income.

Keywords: Capital, Carpet Industry, Income, Domestic Carpets.

1, Academic member of Economics Faculty, Jawzjan University TEL: 0785761779; Email: ghulamsarwararifi1@gmail.com

2 Academic member of Economics Faculty, Jawzjan University; TEL: 0788361400

3 General Manager of Enhancing Quality' TEL: 0786719676' Email: r.oghli497@gmail.com



Personality Dynamics as an Effective Factor in Organizational Behavior: A Case Study of Public and Private Sector Employees in Mazar-i-Sharif

**Dr. Khalil Marat (Corresponding Author)¹
Dr. Suhail Wasiq²**

Abstract

This study aimed to investigate the role of personality dynamics as an influential factor in the organizational behavior of employees in public and private sector organizations in Mazar-i-Sharif. Adopting an applied research approach and a descriptive-survey design, data were collected through a questionnaire. The statistical population consisted of employees of public and private offices in Mazar-i-Sharif, estimated at 150 individuals, from which a sample of 120 participants was selected using convenience sampling. Data analysis was performed using SPSS version 25, employing both descriptive and inferential statistical tests. The results indicated that employees' personality dynamics have a positive and significant effect on organizational behavior. Among personality components, conscientiousness and emotional stability demonstrated the strongest influence on organizational behavior. Furthermore, differences were observed between public and private sector employees regarding the impact of personality dynamics. The findings suggest that attention to the development of employees' personality traits can contribute to the enhancement of organizational performance and behavior.

Keywords: Organizational Behavior, Personality Dynamics, Employees, Public Sector, Private Sector

1 Faculty of Economics, Balkh University; Email: Khalilmarat1@gmail.com

2 Faculty of Economics, Mawana Jalaluddin Mohammad Balkhi University; Email: Suhailwasig9@gmail.com



The Role of Faith in Crime Prevention

Mohammad Yahya Anwari Yousufzai¹

Abstract

One of the most significant factors in preventing or reducing crime and social deviance is religiosity and belief in God Almighty. When an individual is beyond the observation of relatives, neighbors, and others—where neither law, public opinion, nor any other social mechanism controls their conduct—it is faith that governs their actions through a power that is ever-present in all times and places, witnessing human behavior, rewarding righteous deeds, and prescribing punishment for wrongdoing and sin.

Religiosity and faith, like any other social phenomenon, are subject to evolution, a point upon which scholars and adherents of various religions concur. Researchers investigating the origin and development of religion have directed their attention to this dynamic. The central question that arises is whether faith has an impact on the prevention and reduction of crime, and how the absence of religious commitment may lead individuals into the trap of criminal behavior. It is at this juncture that some individuals, due to weak faith, lack the resilience and self-restraint to resist temptation and thus turn to illicit paths. If abandonment of faith and distance from Islam can culminate in disbelief, it can certainly also lead to crime, transgression, and moral corruption.

The monitoring and control of individuals at risk of delinquency can be undertaken through two approaches: the first involves state-led measures, whereby the government, exercising its legal authority, implements actions aimed at controlling potential offenders—an approach in which religious strategies can prove particularly effective in faith-based governance systems. The second approach is community-based supervision and vigilance, which originates from within society itself.

Strengthening and consolidating religious beliefs constitutes one of the most fundamental preventive factors against crime. Faith serves as a crucial element in drying up the sources of corruption and depravity. Conversely, the root cause of all crimes and sins must be sought in the absence or weakness of religiosity and faith.

Keywords: Role of Faith, Prevention, Deviance, Crime Reduction

¹ President of Mawlana University and Faculty Member of the Faculty of Law and Political Sciences, Mawlana University; Academic Year 1404 H.Sh(٢٠٢٤–٢٠٢٥) ; Email: yaha-anwari@yahoo.com



The Impact of Job Satisfaction on Employee Productivity: A Case Study of New Kabul Bank (Mazar – e – Sharif and Jawzjan Branches)

Ahmad Milad Nabard¹
Mujtaba Khairandish²
Ahmad Sulayman Karimi³

Aim and Introduction: This study aims to investigate the impact of job satisfaction on employee productivity at the branches of New Kabul Bank in Jawzjan and Mazar-i-Sharif. The main objective is to analyze the relationship between these two variables and identify different dimensions of job satisfaction affecting productivity.

Methodology: A descriptive-analytical approach was adopted, using a standardized questionnaire for data collection. A sample of 120 employees from the bank branches was surveyed to gather relevant data.

Findings: In addition, analyses indicate that interpersonal relationships and the work environment have the highest impact on productivity. Additionally, salary, benefits, and opportunities for career advancement also play significant roles in this regard. The overall coefficient of determination of the model shows that nearly half of the variations in employee productivity are related to aspects of job satisfaction.

Discussion and Conclusion: These findings suggest that managers should focus on improving work conditions and fostering positive relationships within the workplace to enhance employee productivity. Overall, the research demonstrates that improving job satisfaction can significantly contribute to the overall performance of the organization.

Keywords: Job security, motivation, organizational commitment, job satisfaction, manufacturing companies.

1 Teaching Assistant, Member of the Department of Finance and Banking, Faculty of Economics, Jawzjan University (Corresponding Author)
nabardmilad60@gmail.com

2 Teaching Assistant, Member of the Department of Management and Entrepreneurship, Faculty of Economics, Faryab University
mujtabakhairandish786@gmail.com

3 Teaching Assistant, Member of the Department of Finance and Banking, Faculty of Economics, Faryab University
Sulaymankarimi9@gmail.com



Collegiate Adjudication from the Perspective of Islamic Jurisprudence and the Legal Systems of Afghanistan and Iran

Khan Mohammad Rahmani¹

Abstract

The office of judgeship (qadā') ranks among the most significant and honorable positions in any legal system. In the contemporary era, with the ever-increasing advancement and complexity of societies and the imperative for a just judicial approach, the judiciary has been confronted with a fundamental and critical challenge. One of the means of achieving such judicial justice is the institution of collegiate adjudication—that is, where two or more judges jointly hear and examine a single case and, through mutual deliberation, render a unified verdict. In this system, individual issuance of a ruling is not required; rather, the majority opinion serves as the criterion and determinant, and the decision of the majority must be complied with and accepted by the minority.

This issue has consistently attracted the attention and analytical scrutiny of esteemed jurists (fuqahā') and legal scholars. The central question debated among researchers is whether collegiate adjudication is considered valid and authoritative from the perspective of Islamic jurists and legal scholars, and what status it holds within the legal frameworks of the Islamic Republic of Iran and Afghanistan.

Employing a descriptive-analytical approach and a library-based research method, this study examines and analyzes collegiate adjudication—or multiple-judge adjudication—from the standpoint of Islamic jurisprudential schools (madhāhib) as well as Iranian and Afghan law. The discussion first presents the arguments of both proponents and opponents of collegiate adjudication among the jurists, and subsequently explores the position of this system within the legal systems of Iran and Afghanistan.

The study ultimately concludes that the collegiate adjudication system is more rational, principled, and logical than the individual adjudication model. Accordingly, collegiate adjudication offers greater reliability, validity, and certainty, and has been accepted and endorsed by the majority of Islamic jurists and legal scholars.

Keywords: Adjudication, Multiple Judges, Collegiate Adjudication, Judicial Unity, Afghan Law, Iranian Law

Faculty Member, Faculty of Law and Political Sciences, Mawlana University, Balkh, Afghanistan; Email: 1 khanmuhammadr03@gmail.com



The Rise of China and the Transformation of the Current World Order

Nazir Ahmad Niromand

Abstract

Since the collapse of the Soviet Union, the world order has continued to revolve around the West and American dominance, but this order is faltering and changing. It is no wonder that we are in a period of transition in the international system. Power is shifting from the West to the East. The question will rise that how China's economic rise and technological advancements reshaped the current political and economic order and influence its competition with the United State? It is often believed that the rise of China has challenged the traditional order; China's economic growth is very similar to that of the United States in the early 20th century. The United States was able to shine successfully after going through two great wars and competing with the USSR for half a century, and the dominance of the United States is still unchallenged. China is accumulating wealth through the economy of production and investment, not through military campaigns and militarism in the absolute and the world, which is undoubtedly important for China's militarism and technology policy with capital. The United States has constantly used military tools and intervention in countries to gain benefits, but China is active in developing countries, from providing loans to providing infrastructure, regardless of the country's politics and regime. This article focuses on China's plans and strategies for transforming the current world order.

Keywords: International Order, Power Transformation, Great Power Competition, Political Economy, investments and infrastructure



The Role of Family Structure in Juvenile Delinquency: A Case Study of Afghanistan

Mohammad Tahir Danishjo ¹

Abstract

The family is the primary social institution where children internalize morality, emotional intelligence, and civic responsibility. It functions as a microcosm of society, teaching discipline, justice, and ethical conduct. In Afghanistan, however, pervasive economic deprivation, structural violence, political instability, and gender inequality have weakened family cohesion, making it a key factor in juvenile delinquency. Children are increasingly deprived of the moral guidance and emotional support essential for their development. As a result, familial disintegration has created conditions where neglect, alienation, and aggression replace nurturing, contributing to the rise of juvenile crime. Understanding juvenile delinquency in Afghanistan thus requires more than legal or psychological analysis; it demands an exploration of the family's structural role in shaping social order. This study situates delinquency within the context of socio-economic crisis and moral erosion, drawing from criminology, sociology, law, and moral philosophy to explain how familial collapse facilitates deviant behavior.

Keywords: Family, Juvenile Delinquency, Social Structure, Restorative Justice.

1. Faculty Member, Department of Judiciary and Prosecution, Faculty of Law and Political Science, Bamika University, Bamyan, Afghanistan
Corresponding Author Email: tf.foladi@gmail.com

(ضمیمه ۱)

رهنمای نویسندگان مقاله علمی

مجله علمی - تحقیقی مولانا



مجله علمی - تحقیقی مولانا مقالات علمی اصیل، نوآورانه و مبتنی بر اصول پذیرفته شده تحقیق را پس از ارزیابی شکلی، محتوایی و ادبی، مطابق ضوابط نشر به چاپ می‌رساند. از نویسندگان محترم تقاضا می‌شود پیش از ارسال مقاله، رهنمای حاضر را مطالعه نموده و مقاله خود را بر اساس آن تنظیم نمایند.

۱. شرایط پذیرش مقاله

- ❖ مقاله باید حاصل تحقیق اصیل نویسنده بوده و قبلاً در هیچ نشریه‌ای چاپ یا هم‌زمان برای نشریه دیگری ارسال نشده باشد.
- ❖ موضوع مقاله باید با اهداف، حوزه تخصصی و محورهای علمی مجله مطابقت داشته باشد.
- ❖ مقاله با رعایت اصول اخلاق تحقیق، امانت‌داری علمی، حقوق مالکیت فکری و ضوابط استاد علمی تهیه شده باشد.
- ❖ مسئولیت صحت علمی، حقوقی و اخلاقی مطالب مقاله بر عهده نویسنده یا نویسندگان است.
- ❖ مقاله می‌تواند از نوع تحقیقی - کاربردی، تحقیقی - نظری یا تحقیقی - مروری باشد.
- ❖ حجم مقاله حداکثر ۱۰۰۰۰ کلمه یا ۱۸ صفحه باشد.
- ❖ مقاله باید از نظر نگارشی، املائی و ویرایشی بازبینی شده و فاقد اشتباهات زبانی باشد.

۲. شرایط تنظیم شکلی مقاله

مقاله باید مطابق مشخصات زیر در نرم افزار word ۲۰۱۶ یا بالاتر از آن تنظیم گردد:

- ❖ اندازه ورق A4 عمودی (Portrait) باشد.
- ❖ تعداد ستون: یک‌ستونه
- ❖ حاشیه بالا 3.5: سانتی‌متر، حاشیه پایین 3: سانتی‌متر، حاشیه راست 2.5: سانتی‌متر و حاشیه چپ 2.5: سانتی‌متر
- ❖ نوع خط برای عنوان B Titir به اندازه ۱۳، نام نویسنده یا نویسندگان B Zar به اندازه ۱۲، متن اصلی B Zar به اندازه ۱۲، منابع فارسی B Zar به اندازه ۱۱، متن انگلیسی Times New Roman به اندازه ۱۱ و منابع انگلیسی Times New Roman باشد.
- ❖ شماره صفحات در پایین صفحه درج گردد.
- ❖ از به کارگیری رنگ‌ها، کادرها و تزیینات غیر ضروری خودداری شود.
- ❖ نقل قول‌های مستقیم داخل گیومه «» و با قلمی یک درجه کوچک‌تر از متن اصلی و به صورت ایتالیک تنظیم گردد.
- ❖ تمامی جدول‌ها، نمودارها، تصاویر و اشکال دارای شماره، عنوان و منبع بوده و پس از نخستین ارجاع در متن درج شوند.
- ❖ عنوان جدول در بالای جدول و عنوان شکل در پایین شکل نوشته شود.

۳. شرایط علمی و محتوایی مقاله

محتوای مقاله باید از انسجام علمی برخوردار بوده و بر پایه روش تحقیق مناسب تنظیم گردد. نویسندگان لازم است:

- ❖ مسئله تحقیق را به صورت روشن و مستند بیان نمایند.
- ❖ اهداف و ضرورت انجام تحقیق را تبیین کنند.
- ❖ از منابع معتبر، علمی و به روز استفاده نمایند.
- ❖ روش تحقیق، جامعه آماری، شیوه گردآوری اطلاعات و روش تحلیل داده‌ها را به طور واضح بیان کنند.
- ❖ یافته‌ها را بر اساس شواهد علمی تحلیل نموده و از اظهار نظرهای غیرمستند خودداری نمایند.
- ❖ نتیجه‌گیری مبتنی بر یافته‌های تحقیق بوده و از طرح مطالب جدید در بخش نتیجه‌گیری اجتناب گردد.
- ❖ کیفیت علمی جدول، نمودارها و تصاویر برای چاپ مناسب باشد.
- ❖ هشت تحریر مجله در صورت نیاز، اصلاحات شکلی یا محتوایی را جهت تکمیل مقاله به نویسنده پیشنهاد خواهد نمود.

۴. اصول نگارش ادبی

مقاله باید با زبان علمی، روان و معیاری نگارش شود و در آن موارد زیر رعایت گردد:

- ❖ رعایت کامل دستور زبان فارسی دری یا پشتو و انگلیسی.
- ❖ استفاده صحیح از علائم نگارشی .
- ❖ پرهیز از واژه‌ها و اصطلاحات عامیانه .
- ❖ استفاده از اصطلاحات تخصصی مرتبط با رشته علمی مقاله .
- ❖ رعایت انسجام میان جمله‌ها و پاراگراف‌ها .
- ❖ پرهیز از جملات طولانی، مبهم، احساسی و غیر علمی .
- ❖ رعایت ترتیب منطقی عنوان‌ها و عنوان‌های فرعی .
- ❖ استفاده یکنواخت از واژه‌ها و اصطلاحات علمی در سراسر مقاله .

۵. شیوه استاندارد و تنظیم منابع

مجله علمی - تحقیقی مولانا از شیوه استاندارد APA (ویرایش هفتم) استفاده می‌کند. تمامی منابع مورد استفاده باید هم در متن مقاله و هم در فهرست منابع ذکر شوند.

نمونه استاندارد در متن

یک نویسنده: در صورتیکه نقل و قول به صورت مستقیم نباشد، (تخلص نویسنده، سال چاپ اثر) مانند (ستانکزی، ۱۴۰۲) یا (ستانکزی (۱۴۰۲) بیان می‌کند که...

در صورتیکه نقل و قول مستقیم باشد، (تخلص نویسنده، سال چاپ اثر، صفحه) مانند (ستانکزی، ۱۴۰۲، ص ۲۴) دو نویسنده: در صورتیکه دو نویسنده باشد، (تخلص نویسنده اولی و تخلص نویسنده دومی، سال چاپ اثر، در صورتیکه نقل و قول مستقیم باشد، صفحه) مانند (عظیمی و فاریابی، ۱۴۰۱، صص ۱۳-۱۶)

سه نویسنده و بیشتر: (استانکزی و همکاران، ۱۴۰۳)

منبع انگلیسی: (Creswell, 2023)

نمونه تنظیم منابع

منابع به ترتیب حروف الفبا بوده و در صورتیکه قرآن‌کرم به عنوان منبع استفاده شده باشد باید در اول بیاید. تدوین فهرست کتاب: تخلص نویسنده، نام نویسنده (سال). نام کتاب به صورت درشت. جلد با قید حرف ج، نوبت چاپ با قید حرف ج. محل نشر: نام ناشر. مثال: استانکزی، نصراله. (۱۴۰۲). اصول محاکمات مدنی. ج ۲. ج ۲. کابل: انتشارات دانش. در صورتیکه کتاب ترجمه شده باشد، بعد از نام کتاب به خط درشت نقطه بعداً نام و تخلص مترجم می‌آید و بقیه به شکل بالا می‌آید.

کتاب انگلیسی

Creswell, J. W. (2023). *Research Design* (7th ed.). Sage.

مقاله علمی

عظیمی، نبی، و فاریابی، رسول. (۱۴۰۱). تأثیر سرمایه انسانی بر توسعه سازمانی. *مجله مطالعات مدیریت*، ۸(۲)، ۳۵-۵۶.

مقاله انگلیسی

Hair, J. F., Black, W. C., Babin, B. J., & Anderson, R. E. (2022). Multivariate data analysis. *Journal of Business Research*, 145, 1-15.

منبع اینترنتی

World Health Organization. (2024). *Global Health Statistics*. <https://www.who.int>

یادآوری: فقط منابعی در فهرست منابع درج شوند که در متن مقاله به آن‌ها استناد شده باشد و برعکس، تمام استادهای درون‌متنی باید در فهرست منابع نیز وجود داشته باشند.

۶. ساختار مقاله علمی

مقاله ارسالی باید دارای اجزای زیر باشد:

۱. عنوان مقاله (فارسی، پشتو و انگلیسی)
- عنوان مقاله باید کوتاه، گویا، جذاب و انعکاس دهنده دقیق محتوای مقاله باشد
۲. نام و مشخصات نویسنده یا نویسندگان
- نام و مشخصات نویسنده یا نویسندگان، شامل نام، تخلص نویسنده یا نویسندگان، رتبه علمی، درجه تحصیل، وابستگی سازمانی و ایمیل می‌باشد.
۳. چکیده فارسی

چکیده باید بازتابی فشرده، دقیق و متناسب با حجم مقاله باشد و ضمن درج در صفحه‌ای مستقل با قلمی کوچک‌تر (بدون شماره صفحه)، به اختصار ضرورت تحقیق، مسئله، پرسش‌ها یا فرضیه‌ها، روش تحقیق و مهم‌ترین یافته‌ها و دستاوردهای آن را بیان کند.

۴. واژه‌های کلیدی

واژه‌های کلیدی در پایان چکیده درج شده و از عنوان، مسئله و محورهای اصلی تحقیق انتخاب گردند و تعداد آن‌ها بین سه تا پنج واژه باشد.

۵. مقدمه

مقدمه با تبیین مبانی نظری، قلمرو تحقیق و اهمیت موضوع، به بیان مسئله، پیشینه تحقیق و فرضیه همراه با استدلال آن می‌پردازد.

۶. مواد و روش تحقیق

روش تحقیق باید به روشنی شامل پرسش‌ها یا فرضیه‌ها، جامعه آماری، شیوه نمونه‌گیری، روش‌های گردآوری و تحلیل داده‌ها، مراحل اجرا، همکاران تحقیق و تجهیزات مورد استفاده باشد.

۷. بحث و تحلیل یافته‌ها

بحث و مناقشه طبق متن اصلی مقاله باید بر اساس طرح کلی و عناوین فرعی منظم تنظیم شده و تحلیل‌ها و یافته‌ها با نظم منطقی، در قالب پاراگراف‌های منسجم و پیوسته، به گونه‌ای ارائه کند که اندیشه اصلی مقاله را به درستی و با دقت به خواننده منتقل نماید.

۸. نتایج و نتیجه‌گیری

نتیجه‌گیری باید جمع‌بندی نهایی دیدگاه‌های نویسنده بر پایه تحلیل‌های متن باشد، بدون طرح مطالب جدید و تبیین چگونگی دستیابی به یافته‌ها یا مقایسه آن‌ها با نتایج سایر محققان.

۹. منابع

منابع و مراجع باید در فهرست منابع به ترتیب حروف الفبا تنظیم شده و هر منبع با ذکر نام خانوادگی و نام نویسنده، سال نشر، عنوان اثر، شهر و محل نشر درج گردد.

۱۰. سپاسگزاری (در صورت وجود)

۱۱. عنوان انگلیسی مقاله

۱۲. Abstract

۱۳. Keywords

۷. نکات پایانی

- ❖ ارسال مقاله به مجله به منزله پذیرش مقررات و ضوابط نشر مجله علمی - تحقیقی مولانا است .
 - ❖ مقالاتی که با رهنمای حاضر مطابقت نداشته باشند، پیش از ورود به مرحله داوری برای اصلاح به نویسنده مسترد خواهند شد .
 - ❖ تصمیم نهایی در مورد پذیرش، اصلاح یا رد مقاله بر اساس نظر هیئت تحریر و داوران علمی اتخاذ می‌شود .
- هیئت تحریر مجله حق انجام اصلاحات شکلی، ویرایشی و صفحه‌آرایی را با حفظ محتوای علمی مقاله برای آماده‌سازی چاپ محفوظ می‌دارد